

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

شوش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۲

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی، سیدمسعود استاد حوزه علمیه قم	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد استاد سطوح عالی حوزه علمیه	حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	

مترجم چکیده های انگلیسی:

گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن

صفحه آرا:

علی جواد دهقان

حروف نگار:

ناصر احمدپور

طراح جلد:

ابوالفضل بیگدلی نسب

مدیر مسئول:

سیدمسعود پورسیدآقایی

سر دبیر:

نصرت الله آیتی

مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:

مجتبی خانی

ویراستار:

گروه ویرایش مؤسسه آینده روشن

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ - ۲۵ دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۲۸۲۴۰

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۷۱ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@gmail.com - pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



انتظار ظهور در اشک یا شادی خلاصه نمی‌شود، بلکه منتظران حقیقی امام زمان عجلایه باید با خودسازی، افزایش آگاهی، حضور در میدان‌های مبارزه و فعالیت، مقاومت در مقابل چرب و شیرین دنیا و مقابله با مراکز ظلم و جور جهانی، خود را برای سربازی حضرت بقیة الله عجلایه آماده کنند.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

تبیین راهکارهای تربیت نسل جوان تمدن ساز توسط آموزش و پرورش از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله).....	۷
حسینعلی قیصری، سعید بخشی	
تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر تصمیمات و تحولات انصارالله یمن.....	۲۵
علی رجب زاده، احسان منیعی	
جوانان و روند و فرآیند چالش‌های جریان‌ها و فرق انحرافی در پسا انقلاب با تأکید بر چالش‌های مربوط به ولایت فقیه.....	۴۹
جواد اسحاقیان درچه	
جستاری بر آسیب‌شناسی محتوایی و روشی در انتقال معارف دینی و انقلابی.....	۷۳
یدالله چوپانی	
بررسی نقش استعمار در ایجاد فرق انحرافی مهدویت و چالش‌های مرتبط.....	۹۷
سید علی اکبر ربیع نتاج، حسن یعقوبی، سیده فاطمه کریمی، حدیثه بهرامی، سیدعلیرضا موسوی	
نقش اندیشه مهدویت و انتظار در تعمیق هویت اجتماعی.....	۱۲۵
محمود ملکی راد	
اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در بازخوانی تربیت ولایت محور.....	۱۵۵
زهرا ضیایی، مهدیه زهرا	
صفات و ثمرات جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت کبری در ساختار مدیریتی نظام از منظر مقام معظم رهبری.....	۱۷۹
منیره سادات کامرانی، نفیسه ذبیح‌نژاد، سیده رقیه فرح‌بخش	

فصل نامه «پژوهش‌های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی‌کردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به‌طور هم‌زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس‌کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یک‌صدا و حداکثر دو‌صدا کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده‌های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می‌آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان‌گر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی‌شوند و نویسنده محترم می‌تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می‌شود.

Explanation of the ways of educating the young generation of civilization builders through education from the perspective of Imam Khamenei(may Allah protect him)

Hossein Ali Ghisari¹
Dr. Saeid Bakhshy²

Abstract

Considering the emphasis of the Supreme Leader of the Islamic Revolution on the education of the civilization-building generation by dear teachers and His Holiness' recommendations on pure Islamic education to achieve modern Islamic civilization and prosperity, in this article we will discuss his recommendations and practical and motivational solutions for the education of the civilization-building generation. From his point of view, the education of a civilization-building generation requires things without which the education of such a generation cannot be realized; Things like educational institutions, programs, necessary educational texts, quality of education, teachers and appropriate modeling. The output of such a system is a self-made generation, with an Iranian-Islamic identity, knowledgeable, knowledgeable, efficient, skilled, familiar with the Islamic lifestyle and Iranian traditions; The existence of such a generation is necessary to be able to build that civilization. The realization of such an inclusive civilization requires the education and development of a generation with the above characteristics. In this research, we have described the components of the realization and education of the civilization-building generation from the point of view of leadership by citing and collecting data. Our source in this writing was Moazzam Leh website.

Keywords: Imam Khamenei, education, teacher, upbringing, generation of civilization

1. Ph.D. student of Nahj al-Balagha University of Meibod(Responsible Author)
2. Assistant professor and faculty member of Allameh Tabatabai University

تبیین راهکارهای تربیت نسل جوان تمدن ساز توسط آموزش و پرورش از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله)

حسینعلی قیصری^۱

سعید بخشی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

چکیده

با توجه به تأکیدهای رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره تربیت نسل تمدن ساز توسط معلمان عزیز و توصیه‌های معظم له بر تربیت ناب اسلامی برای رسیدن به تمدن و شکوفایی نوین اسلامی، در این نوشتار به توصیه‌ها و راهکارهای عملی و انگیزشی ایشان در تربیت نسل تمدن ساز می‌پردازیم. از منظر ایشان تربیت نسل تمدن ساز مستلزم اموری است که بدون آن تربیت چنین نسلی قابل تحقق نیست؛ اموری چون نهاد آموزش و پرورش، برنامه، متون آموزشی لازم، کیفیت آموزش، معلم و الگوسازی متناسب. خروجی چنین سیستمی نسل خودساخته، دارای هویت ایرانی - اسلامی، دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی است؛ وجود یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن را بسازد. تحقق چنین تمدن فراگیری، مستلزم تربیت و توسعه نسلی با ویژگی‌های فوق است. ما در این تحقیق به روش استنادی و جمع‌آوری داده‌ها به توصیف مؤلفه‌های تحقق و تربیت نسل تمدن ساز از نگاه رهبری پرداخته‌ایم. منبع ما در این نگارش سایت معظم له بوده است.

واژگان کلیدی

امام خامنه‌ای، آموزش و پرورش، معلم، تربیت، نسل تمدن ساز.

مقدمه

آموزش و پرورش و معلمان در فرصت بسیار مهم دوازده ساله با ارتباط با کودک و نوجوان در

۱. دانشجوی دکتری معارف نهج البلاغه دانشگاه میبد (نویسنده مسئول) (hagh66524226@mail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

مدارس می‌توانند بهترین و زیباترین آب زلال آموزه‌های تربیتی اسلامی را در طی این دوازده سال در همه ابعاد زندگی، بر سرزمین جان و قلب دانش آموز جاری نمایند، و نسلی به نام نسل تمدن ساز تربیت کنند، که او را به سوی سعادت واقعی که همان تمدن نوین اسلامی است رهنمون شوند. معلم می‌تواند با تکیه بر ایمان به خدا و با هدف رساندن دانش آموز به قلۀ قرب الهی، از سرچشمه اقیانوس وجودش درهای گرانسنگ تربیت را بر صفحه صفحه وجود دانش آموز، مانند «لولوا منثورا» اهدا نماید.

در بیانات گهر بار امام خامنه‌ای (حفظه الله) درباره تربیت نسل تمدن ساز توسط معلم، که برگرفته از نورانیت فرهنگ الهی و نبوی و فرهنگ ناب قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، راهکارهای عملی و انگیزشی بسیاری وجود دارد که در این نوشتار به برخی از آنان اشاره نموده، تا بتوانیم براساس کلام نورانی ایشان، راه تربیت نسل تمدن ساز را برای رسیدن به شکوفایی تمدن اسلامی هموار نمائیم.

اهمیت تربیت نسل تمدن ساز آن جاست که رهبر عزیزمان در این باره می‌فرماید:

«زیرساخت اصلی هر تمدنی، منابع انسانی است دیگر؛ یعنی آن که می‌تواند یک تمدن را محتمل کند و ممکن کند و تحقق ببخشد، عبارت است از نیروی انسانی؛ این نیروی انسانی در کشور ما چه کسانی هستند؟ چه کسی می‌تواند در آینده یک چنین کار بزرگی را انجام بدهد؟ یک نسلی که با یک امتیازاتی همراه باشد؛ این نسل را شما می‌خواهید امروز بسازید. نسلی که خودساخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی - اسلامی محکم و عمیقی دارد، دلباخته و فریفته این و آن و بازمانده‌های تمدن منسوخ شده شرق و غرب نیست؛ نسلی است دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن را بسازد. اگر بخواهیم آن تمدن با آن فراگیری به وجود بیاید، ما بایستی این نسل را توسعه بدهیم، این تربیت گسترش پیدا بکند، فراگیر بشود. پس بنابراین اگر بخواهیم این کار را بکنیم، برای جمهوری اسلامی هیچ فرصتی بالاتر و بهتر از این دوازده سال نیست. این دوازده سال بزرگ‌ترین فرصت است برای جمهوری اسلامی که بتواند ارزش‌ها را، آرمان‌های انقلاب را به درستی به این نسل منتقل کند و هویت اسلامی و ایرانی را در او نهادینه کند؛ این دوازده سال بهترین فرصت است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

با توجه به بیانات ارزشمند امام عزیزمان، این رسالت یک رسالت عظیم و خیلی بزرگ می‌باشد که بر عهده آموزش و پرورش و معلمان عزیز خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در رابطه با مسائل تربیتی و نسل تمدن ساز پژوهش های گوناگونی صورت گرفته است، اما با موضوع تبیین راهکارهای تربیت نسل جوان تمدن ساز توسط آموزش و پرورش از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله)، پژوهشی صورت نگرفته است. به عنوان نمونه: محمدی پویا و ترکاشوند (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تربیت زمینه ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری» به بررسی بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با تربیت که می تواند زمینه ساز تمدن نوین اسلامی باشد، اشاره نموده است. حسین قناعتی (۱۴۰۲) نیز در مقاله ای با عنوان «روش های تربیت نسل تمدن ساز در گفتمان انقلاب اسلامی» به بررسی جامعه جهانی اسلامی که نیازمند پرورش نسل تمدن ساز است، تأکید می نماید و می نویسد: اولین نهاد در جامعه خانواده است و تربیت نسل در بستر خانواده شکل می گیرد. همچنین موسوی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «آسیب ها و راهکارهای تربیت اسلامی برای نسل تمدن ساز در حوزه پرورشی» به بررسی آسیب ها و راهکارهای تربیت نسل تمدن ساز در حوزه پرورش می پردازد و می نویسد: از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی تشکیل تمدن نوین اسلامی است. فراهم نمودن بستر مناسب برای تشکیل جامعه جهانی اسلامی و زمینه سازی ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام نیازمند پرورش نسل انقلابی و تمدن ساز است تا در سایه پرورش اسلامی فرزندان بتوانیم به تحقق آرمان اصیل انقلاب اسلامی نائل آئیم. در این مقاله آمده است: اولین نهاد در جامعه خانواده است و تربیت نسل در بستر خانواده شکل می گیرد و بعد از آن مدرسه نقش اساسی در شکل دهی این نسل دارد.

مفهوم شناسی

۱. تمدن

از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آید. هنری لوکاس، تمدن را پدیده ای به هم تنیده می داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می گیرد. دیگر دانشمند غربی، با پرداختن به «لفظ» تمدن، آن را واژه ای برای توضیح مراحل معین از تحول اجتماعی می داند. در مقابل، آرنولد توین بی، تمدن را حاصل نبوغ اقلیت نوآور، یعنی طبقه ممتازی در جامعه که از هوش، ابتکار و نوآوری برخوردارند، در سایه تحولات و سیر تکامل جامعه می داند.

وبر تمدن را محصول دانش و فناوری می‌داند. دوران‌ت بر آن است که وقتی فرهنگ عمومی به میزانی از رشد برسد، فکر کشاورزی به وجود می‌آید؛ این نظر همانند نظر وبر، برگرفته از معنای لغوی واژه تمدن به معنی شهرنشینی است. به دنبال فکر کشاورزی و بر اثر تبادلات بازرگانی و ارتباط شهرها، مردم رشد عقلی می‌یابند. بر این اساس، سجایای اخلاقی و ویژگی‌های نیک در میان آدمیان پدید می‌آید و کسی که اخلاق پسندیده و حسن معاشرت داشته باشد متمدن به حساب می‌آید (ولایتی، ۱۳۸۶ ش: ۱۸-۱۹).

دانشمندان شرقی نیز، تعریف خاص خود را از تمدن ارائه داده‌اند؛ ابن‌خلدون تمدن را اجتماعی شدن انسان می‌داند اندیشمند دیگری تمدن را مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی می‌داند که به جامعه فرصت می‌دهد، برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از کودکی تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد (همان).

به طور کلی، تمدن را می‌توان چنین تعریف کرد: تمدن، حاصل ارتقای روابط فردی و اجتماعی است که در سایه آن مظاهر زندگی مثل صنعت و تکنولوژی نیز متحول می‌شود یعنی زندگی از حالت بسیط و ساده خارج شده و شکل پیچیده‌ای در عرصه‌های مختلف آن مثل فرهنگ، هنر، سیاست، اقتصاد، صنعت و... پیدا می‌شود.

۲. تمدن نوین اسلامی

یکی از کلیدواژه‌هایی که به وفور در کلام مقام معظم یافت می‌شود، تمدن نوین اسلامی است؛ از نگاه ایشان، تمدن نوین اسلامی همان «تمدن شکوفایی اسلامی» است؛ تمدن اسلامی‌ای که استعدادها متناسب با زمان شکوفا بشود و خودش را نشان بدهد (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

از نگاه منابع دینی تمدن نوین اسلامی که فصل شکوفایی اسلام است از وعده‌های قطعی قرآن کریم درباره آینده جهان تمدن می‌باشد قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لایشركون بی شیئا...» (نور ۵۵).

از منظر آیه، خصوصیات چنین تمدنی عبارت از: قطعی بودن وعده الهی، مؤمنان صالح، صاحبان وعده که جانشینان الهی وارثان زمین‌اند؛ تمکن و جاگیری اسلام در روی زمین،

جایگزینی امنیت، به جای ترس و در نهایت عبادت آزادانه و عدم شرک در روی زمین است. که در روایات متعددی اوج تحقق آن را زمان ظهور امام زمان علیه السلام دانسته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۰؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۷۶).

۳. نسل تمدن ساز

از نگاه رهبری زیرساخت و پایه اصلی هر تمدنی، منابع انسانی است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱)؛ یعنی کسی که می‌تواند یک تمدن را محتمل نموده و تحقق ببخشد، نیروی انسانی و نسلی با ویژگی‌های خاص است. تعریف نسل: واژه نسل دارای تعاریف متفاوتی می‌باشد هرچند که این تعاریف ارتباط نزدیکی با هم دارند، به نظر هیوز هر نسل بر پایه تجربیاتی که افرادش در آن شریک بوده‌اند حد و مرزی از خود به دست می‌دهد و در واقع خوشه‌ای حول محور این‌گونه تجربه‌ها تشکیل می‌شود. بالاس در تعریف نسل آورده:

یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانش؛ که بدین ترتیب بسیاری از مردم در طول زندگی خود شاهد حضور سه نسل هستند (فتحی و مطلق، ۱۳۹۰ش: ۳).

ویژگی‌های نسل تمدن ساز در کلام رهبری عبارت هستند از نسلی: باایمان، باوفا، مسئولیت پذیر، دارای اعتماد به نفس، دارای ابتکار، راستگو، باحیا، اهل فکر و اندیشه، محکم، قوی، عازم، جازم، با ابتکار، پیشرو و فعال، عاشق کشور، عاشق نظام، عاشق مردم، دانستن مصالح خود و کشور و دفاع از آن (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷). دانا، توانا، خردورز، پارسا، پرهیزکار، پاکدامن، کارآمد، مبتکر، شجاع و اهل اقدام، نترسیدن از دشمن و تهدید او، نداشتن خواب رفتگی و غفلت،^۱ مأنوس با قرآن و عترت، عاشق شهادت،^۲ عدالت پرور، عدالت خواه، عدالت ساز،^۱ داشتن روحیه انقلابی (مثل

۱. «آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند. تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایران سربلند فرداست، پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

۲. «این همه کار بزرگ علمی در این کشور انجام گرفته، این همه مظاهر و نشانه‌های حقیقی دینداری در جامعه وجود دارد، که بنده بارها گفته‌ام، جوان امروز با قرآن و با دعای ندبه و با ماه رمضان و با گریه و با توسل و با تضرع و با پیاده روی به کربلا و با اینها زندگی می‌کند، این حرف‌ها کجا بود، کی بود؟ این همه شهید دانش آموز ما داریم،

نداشتن ترس، نداشتن ملاحظه‌کاری، عدم محافظه‌کاری عمل هنگام تشخیص، اهل پیشروی و عدم توقف، عدم انجام کارهای تزئینی و صوری، جدی کار کردن، استقبال از نقد عالمانه^۲ داشتن هویت ملی نهادینه^۳، روحیه آزاداندیشی، راستگو، بلندهمت، فداکار، پاکدامن، پرهیزکار،^۴ مجاهد راه حق، پاکباز و مخلص در راه اهداف الهی، فعال اقتصادی، خادم به فرهنگ کشور، مایه پیشرفت کشور، فسادستیز (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴) دارای اعتماد به نفس، دارای امید، با نشاط، دارای سلامت جسمی و روحی، روشن بین، با اراده، کم‌هزینه، پرفایده (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶) نظم، انضباط، تبعیت از

- چندین هزار شهید دانش‌آموز ما داریم، چه تعداد زیادی شهید معلم داریم، این دانش‌آموزهای شهید را چه کسی تربیت کرده؟ همین معلمین، همین آموزش و پرورش. دست کم نگیرید آموزش و پرورش دوره انقلاب را؛ در دوره‌های مختلف خیلی کار کردند» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).
۱. «آنچه در مورد تعلیم و تربیت می‌خواهیم عرض بکنیم این است که جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).
۲. «برای تحول آموزش و پرورش روحیه انقلابی لازم است. روحیه انقلابی یعنی ترس نداشته باشید، ملاحظه‌کاری نداشته باشید، محافظه‌کاری نداشته باشید؛ وقتی تشخیص دادید، عمل کنید، اقدام کنید؛ پیش بروید، به توقف راضی نشوید؛ کارها را تزئینی انجام ندهید. گاهی انسان یک کاری انجام می‌دهد، حالت تزئینی و تشریفاتی دارد؛ اینها سم است؛ نخیر، کار را جدی انجام بدهید؛ اینها تحول را عملی می‌کند، ممکن می‌کند، تحقق پیدا می‌کند. البته معنای این که من می‌گویم توقف نکنید، بروید، حرکت کنید، اقدام کنید، این نیست که اگر نقد عالمانه‌ای به شما شد، گوش نکنید؛ نخیر؛ یکی از حرکت‌های انقلابی هم همین است؛ نقد عالمانه را به گوش بگیرید، قدر بدانید، از ناقد و نقاد استقبال کنید» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).
۳. هویت ملی به این معناست که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس می‌کنند (یوسفی، ۱۳۷۹ش: ۲۶-۲۷). در تعبیری کامل‌تر هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (حاجیان، ۱۳۷۹ش: ۱۹۷). همان‌گونه که از تعریف هویت ملی بر می‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آنها، می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و ارزش‌های انسانی، به کلیه اصول و قواعد انسانی، فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد (زهیری، ۱۳۸۱ش: ۲۰۱). رهبر معظم در اینباره می‌فرماید: «آموزش و پرورش یک فرصتی در اختیار دارد که هیچ دستگاه دیگری این فرصت را ندارد... این فرصت، برای نهادینه کردن هویت ملی در کودکان ما و مردان و زنان آینده‌ما، یک فرصت بی‌نظیری است؛ این در اختیار آموزش و پرورش است» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).
۴. همان.

قانون، داشتن، داشتن احساس تحقیق و مطالعه، داشتن فعالیت‌های جهادی، مبارزه با آسیب‌های اجتماعی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) داشتن احساس اعتماد به نفس ملی، آشنا با افتخارات ملی و دانشمندان و آرمان‌های انقلاب، آشنا با امام خمینی رحمته الله علیه، آمیخته با آرمان‌های انقلاب اسلامی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) سرحال، سرزنده، با انگیزه، آماده به کار، پرنرزی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) مشارکت اجتماعی، دوری از انزواهای اجتماعی نامطلوب، تکافل اجتماعی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳) دارای روحیه آزاداندیشی، بلندهمت، فداکار (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹) عدم فراموشی دشمنی با آمریکا (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲) داشتن غیرت و تعصب ملی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲) تبلیغ، ترویج و تبیین نظریه مقاومت در برابر دشمن بین خود و محیط زندگی و حتی در ارتباط با کشورهای دیگر و جوان‌های دیگر (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲) خوب درس خواندن، خوب کار کردن، برای کشور کار کردن، در خدمت دشمن قرار نگرفتن، تقویت رابطه با خدای متعال، اهل توسل، اهل دعا، اهل نماز خوب، تلاوت قرآن، کمک به بندگان خدا، اجتناب از گناه (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۸/۱۱) به دنبال سیاست مستقل، اقتصاد مستقل، فرهنگ مستقل، عدم وابستگی و اعتماد به دیگران (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳) اهل ابتکار، بن بست شکن، گره‌گشا، امیدوار به آینده، حرکت به سوی آینده روشن (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲). بنابراین برای تحقق آرمان مذکور باید چنین نسلی را توسعه و تربیت نماییم.

ابزارها، مستلزمات و زمینه‌های تحقق نسل تمدن ساز^۱

از منظر امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) تربیت نسل تمدن ساز مستلزم داشتن ابزار متناسب و مستلزماتی است که بدون آن تربیت چنین نسلی قابل تحقق نیست.

ایشان در این باره می‌فرمایند:

البته ما به ابزارهایی هم احتیاج داریم. برای این کارها اولاً متن آموزشی لازم است؛ یعنی به اهمیت متن آموزشی توجه نکنید. با حرف زدن و گفتن و توصیه کردن، مطالب تمام نمی‌شود. کیفیت معلم هم مهم است؛ کیفیت معلم! هم کیفیت سواد و درس و علم و امثال اینها؛ البته برنامه و کارهای فوق برنامه‌ای لازم است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

۱. آموزش و پرورش

نهادهای مختلفی در تربیت نسل تمدن ساز نقش دارند اما نقش آموزش و پرورش در این زمینه از همه نهادهای دیگر اثربخش‌تر است چرا که دانش آموز مهم‌ترین دوران تربیتی خود را در آموزش و پرورش طی می‌کند. این دوران ۱۲ ساله در آموزش و پرورش دوران شکل‌گیری شخصیت هر انسانی است.

از نگاه رهبری برای رسیدن به مطلوب مدنظر، آموزش و پرورش وظایف مهمی بر دوش دارد از جمله: برافراشتن پرچم علم؛ برافراشتن پرچم هویت ملی افتخارآمیز، هویت انقلابی و هویت اسلامی؛^۲ تربیت نسل تمدن ساز؛^۳ ایجاد انگیزه مجاهدت در دانش‌آموزان با معرفی

۱. «البته ما به ابزارهایی هم احتیاج داریم. برای این کارها اولاً متن آموزشی لازم است؛ یعنی به اهمیت متن آموزشی توجه نکنید. با حرف زدن و گفتن و توصیه کردن، مطالب تمام نمی‌شود. کیفیت معلم هم مهم است؛ کیفیت معلم! هم کیفیت سواد و درس و علم و امثال اینها؛ البته برنامه و کارهای فوق برنامه‌ای لازم است» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) «یکی از چیزهایی که در این متون باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد این است که پیام‌های انقلاب و معارف انقلاب در این متون باید گنجانده بشود. معارف انقلاب فقط در کتاب معارف دینی و مانند اینها نیست، یا در کتاب مثلاً ادبیات و امثال اینها؛ در همه متون می‌شود به مناسبت‌هایی معارف انقلاب را، اشاره‌های انقلاب را، درس‌های انقلاب را گنجانند» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

۲. «ما که معتقدیم پرچم علم را باید هر روز بیشتر بلند کرد در کشور، منتها در کنارش پرچم هویت ملی، هویت افتخارآمیز، هویت انقلابی، هویت اسلامی هم باید بلند بشود» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

۳. «آن وقت آن نسل سازنده تمدن به وجود می‌آید؛ نسلی که می‌تواند ملت را عزتمند کند، کشور را عزتمند کند، به وجود می‌آید. همه اینها در مدرسه انجام می‌گیرد. ارزش معلم را شما ببینید! آموزش و پرورش متصدی یک چنین

الگوها و برگزاری اردوهای جهادی؛^۱ جهت‌دهی صحیح اندیشه، انگیزه و حرکت زندگی؛^۲ فراهم نمودن فضا برای تربیت؛^۳ تربیت نسل محکم، قوی، عازم، جازم، با ابتکار، پیشرو و فعال؛^۴ داشتن روحیه انقلابی در آموزش و پرورش برای تربیت نسل تمدن‌ساز.^۵

- کاری است؛ به خاطر همین خصوصیات، وزارت آموزش و پرورش را با هیچ وزارتخانه دیگری نمی‌شود مقایسه کرد» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).
۱. «نسل سوم و چهارم انقلاب که نه امام را دیده، نه دوران دفاع مقدس را دیده، نه شهدای نامدار دوره هشت‌ساله را دیده، امروز محکم و استوار در مقابل دشمن می‌ایستد، اصرار می‌کند که برود از حرم دفاع بکند و می‌رود دفاع می‌کند، یکی شهید می‌شود، ده نفر هم شهید نمی‌شوند و برمی‌گردند. این انگیزه مجاهدت کردن چیز کمی نیست، اینها را چه کسی تربیت کرده؟ آموزش و پرورش تربیت کرده» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱). «این اردوهای جهادی را چه کسی تهیه می‌کند؟ چه کسی می‌رود اردوهای جهادی؟ این جوان‌ها می‌روند؛ اینها را آموزش و پرورش تربیت کرده» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).
۲. «هم اندیشه در این دوازده سال شکل می‌گیرد، هم انگیزه شکل می‌گیرد؛ جهت حرکت زندگی، انگیزه‌ها، آرمان‌ها، جهت‌گیری‌ها در وجود جوان ما و نوجوان ما، در همین دوازده سال به برکت حضور در کلاس‌های درس و شنیدن از معلمان و بودن در محیط مدرسه شکل می‌گیرد. ببینید این چقدر اهمیت دارد؛ یعنی آینده کشور مربوط به همین دوازده سال جوانان ماست» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹) «از نظرات آن بزرگوار (شهید مطهری)، چه در زمینه مسائل آموزش و پرورش و چه در زمینه‌های دیگر، هر چه می‌توانید استفاده کنید، بهره‌مند بشوید؛ کتاب‌های ایشان ذهن را هدایت می‌کند، پرورش می‌دهد، پربار می‌کند از معارف صحیح و متین اسلامی» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).
۳. یکی از فعالیت‌هایی که آموزش و پرورش برای تربیت نسل تمدن‌ساز باید انجام دهد فراهم نمودن فضا برای تربیت نسل تمدن‌ساز می‌باشد. آماده‌سازی فضا برای معلم که بتواند حضور فعالی در مسئله تربیت دانش‌آموزان داشته باشد، ارتباط مستمر و منسجم با اولیای دانش‌آموزان، فرصت دادن برای طراحان و مجریان، تغییر در کتب درسی می‌تواند زمینه تربیت نسل تمدن‌ساز را مهیا نماید؛ مقام معظم رهبری امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله): «آموزش و پرورش است که فضا را فراهم می‌کند برای معلم، برای دانش‌آموز، برای اولیا، برای طراحان، برای نویسندگان کتاب‌های درسی؛ اینها همه مؤثر است؛ آموزش و پرورش است که این کارها را انجام می‌دهد» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).
۴. «یک نسل محکم، قوی، عازم، جازم، با ابتکار، پیشرو، فعال؛ این جور نسلی [لازم است]؛ این کار آموزش و پرورش [است]؛ ببینید چه کار با اهمیتی است! می‌گوییم کار آموزش و پرورش، نمی‌گوییم کار معلم. با این که وسیله معلم است، اما معلم، تنها عامل ایجاد یک چنین نسلی نیست» (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).
۵. لازمه پرورش نسل تمدن‌ساز این است که دست‌اندرکاران، تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان که می‌خواهند این نسل را تربیت نمایند باید دارای روحیاتی باشند که از آنها به عنوان روحیات انقلابی تعبیر می‌شود. روحیاتی چون عدم ترس، عدم ملاحظه‌کاری، عدم محافظه‌کاری، عمل هنگام تشخیص، اهل اقدام بودن، عدم کارهای ظاهری و تزئینی، جدیت در کار و استقبال از نقد عالمانه از توصیه‌های مقام معظم رهبری است که باید در مجموعه آموزش و پرورش وجود داشته باشد تا تربیت نسل تمدن‌ساز محقق گردد (بیانات امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

۲. برنامه‌ریزی و کارهای فوق برنامه

تربیت نسل تمدن ساز چیزی نیست که اتفاقی و بدون برنامه تحقق یابد بلکه امری تدریجی و مستلزم برنامه‌ریزی دقیق است. آموزش و پرورش با توجه به امکانات، منابع و توانمندی های خود، با برنامه‌ریزی و کارهای فوق برنامه و ایجاد لحظه‌های زنده و پویا، راه را برای تربیت نسل تمدن ساز هموار نماید.

از نگاه رهبر انقلاب وصول به اهداف بلند مستلزم برنامه‌ریزی دقیق است به ویژه در زمینه تعلیم و تربیت لزوم آن چند برابر می شود علاوه بر این کارهای فوق برنامه نیز لازم است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

۳. متون آموزشی لازم

بخش قابل توجهی از تربیت با معرفت بخشی و ارائه محتوای متناسب با آگاهی های دانش آموز است.

متونی که از محتوای مناسب برخوردار باشد تا بتواند پیام‌ها، معارف اشاره‌ها و درس‌های انقلاب را به مخاطب خود منتقل نماید.

ایشان در این باره می فرمایند:

یکی از چیزهایی که در این متون باید حتما مورد توجه قرار بگیرد این است که پیام‌های انقلاب و معارف انقلاب در این متون باید گنجانده بشود. معارف انقلاب فقط در کتاب معارف دینی و مانند اینها نیست یا در کتاب مثلاً ادبیات و امثال اینها؛ در همه متون می شود به مناسبت‌هایی معارف انقلاب را، اشاره‌های انقلاب را، درس‌های انقلاب را گنجانند (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱؛ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

۴. کیفیت آموزش

از جمله نکات برجسته در آموزش و تربیت نسل تمدن ساز ارتقاء کیفیت آموزش است؛ بالا بردن کیفیت آموزش مستلزم داشتن معلمان، دروس و علوم با کیفیت است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) کیفیت آموزش یکی از اهداف اساسی پیشرفت تربیتی و تحصیلی در آموزش و پرورش است که دارای چهار عامل مؤثر از جمله معلم، دانش آموز، محتوای درسی و امکانات و زیرساخت‌ها می باشد. که هر کدام براساس آن نقش تربیتی که می توانند ایفا نمایند، در تربیت نسل تمدن ساز مؤثر هستند.

۵. معلم

یکی از ارکان مهم در آموزش و پرورش که می‌تواند نقش بسیار برجسته‌ای در تربیت نسل تمدن‌ساز داشته باشد نقش معلم است.

اهمیت نقش معلم

در اهمیت نقش معلم همین بس که آنان جهادگران در میدان مبارزه با جهل و بی‌سوادی هستند و هویت‌سازی فرهنگی می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱) نقش آنان در زمینه اثرگذاری بر فکر و روح دانش‌آموز بی‌بدیل است^۱ چرا که آنها پایه‌ریزان تمدن نوین اسلامی‌اند (همان). معلم اگر تمام وجودش را برای تربیت نسلی الهی و آشنا با معارف دین یعنی قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم‌السلام) به کار گیرد، کاری شبیه کار انبیاء انجام داده است. آن‌جا می‌توان گفت معلمی شغل انبیاست، شغلی که بتوان یک نسل را برای جامعه والا و برتر تربیت نمود (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶) ایجاد جامعه نمونه (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷). معلم تراش‌دهنده گوه‌ر گرانبهاست (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۸).

از سوی دیگر معلم مسئولیت سنگینی دارد، توقع همه از او برای تربیت جوان و نوجوان بیشتر است^۲ معلم با نقش‌آفرینی در این کار بزرگ باید با تمام ظرفیت و توان، بدون سستی و خستگی، با عشق و علاقه و بدون توجه به مشکلات، ایفای نقش نماید (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱) توجه داشته باشد که

۱. «نقش تأثیرگذار معلم بی‌بدیل است؛ نقشی که معلم می‌تواند در اثرگذاری فکری و روحی این مخاطبی که کودک امروز ما و مرد و زن آینده ما است، داشته باشد در دوران کودکی، در دوران نوجوانی تا تمام این دوره دوازده سال نظیر ندارد، بی‌بدیل است؛ نه پدر، نه مادر، نه محیط، هیچ‌کدام این نقش را ندارند. معلم یک چنین چیزی است؛ آموزش و پرورش یک چنین دستگاهی است» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶).

۲. «معلم رنج مواجهه تربیتی با جوان و نوجوان را بر دوش دارد؛ این کار کوچکی نیست؛ سخت است. همه هم از معلم توقع دارند و دل‌شان می‌خواهد که این نونهال‌شان، جوان‌شان، کودک‌شان وقتی رفت مدرسه، با تربیت معلم، مثل دسته گل در داخل خانواده بدرخشد؛ انسان این جور دلش می‌خواهد؛ همه توقع دارند از معلم» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳).

عزیزترین امانت‌ها در دستان اوست^۱ و به بهترین وجه امانتداری نماید از نظر اخلاقی، علمی، رفتاری، آگاهی بخشی، دانایی بخشی، زنده نمودن روح دانایی در این امانت‌ها^۲ تربیت نسل تمدن‌ساز با ابتکار، خیرخواهی و دلسوزی معلم ممکن می‌شود (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

ویژگی‌های معلم تمدن‌ساز

نقش معلم آن‌جا مهم‌تر می‌شود که معلم برای تربیت چنین نسلی باید دارای خصوصیات و ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی باشد که بتواند از عهده این نقش برآید. معلم پرورش‌دهنده اخلاق در دانش‌آموزان است معلم اگر دارای مناعت طبع، صبور و بردبار، داشتن تدین، دارای اخلاص در عمل باشد کارش برای پرورش دانش‌آموزان پربرکت می‌شود حتی یک کلمه هم در این زمینه‌ها حرف نزنند (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).

از شاخص‌های دیگر معلم نسل تمدن‌ساز این است که باید در همه جا و در همه زمان‌ها به معنای واقعی کلمه معلم باشد در کلاس درس معلم باشد، هنگام صحبت، در محیط زندگی و کار او تعلیم و تربیت باشد و به طور خاص همانند شهید مطهری از تمام ظرفیت وجودی خود استفاده نماید و در راه تعلیم و تربیت تلاش و کوشش نماید (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶). معلم باید به معنای واقعی کلمه، معلم دین، پارسایی و انقلاب باشد (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱).

معلم پرورش‌دهنده اخلاق در دانش‌آموزان است به عمین دلیل باید منیع الطبع، صبور،

۱. «معلم احساس کند امانتدار است؛ آن امانتی هم که به او سپرده شده که باید از زیر دست او سالم و با ارزش افزوده خارج بشود، عزیزترین امانت‌هاست؛ عزیزترین امانت‌ها؛ یعنی این نوجوانی که زیر دست شماست. دردانه کشور نوجوان‌ها و جوان‌های کشورند دیگر هم در مقیاس کشوری، هم در مقیاس خانواده که فرزند خودشان، پسرشان، دخترشان را فرستاده‌اند زیر دست معلم این امانت بسیار باارزشی است، این امانت دست شماست» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

۲. «این امانتداری را بایستی به بهترین وجهی [انجام بدهید]؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ رفتاری، هم از لحاظ آگاهی بخشی، دانایی بخشی؛ روح دانایی را در این امانت باید شما زنده کنید. و البته اگر معلم ما دین‌باور و دین‌مدار باشد، این کار به بهترین وجهی انجام می‌گیرد که امیدواریم ان‌شاءالله این معنا باشد» (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

متدین، متین باشد تا بتواند این خصوصیات و خصلت‌ها را با رفتار خود به دانش‌آموز خود منتقل کند هرچند یک کلمه هم در این زمینه‌ها حرف نزنند (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷) اخلاص داشته باشد چرا که اخلاص در کار معلم، باعث برکت می‌شود (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۰۲/۱۳) مطهری‌وار باشد یعنی دارای اوصافی چون زمان‌شناس، نیازشناس، پر کردن خلأ نیازها، اهل فکر، اهل فهم، با حوصله، با نشاط و سرزنده و پیگیر باشد (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۳؛ ۱۳۹۸/۰۲/۱۱). اگر معلم نقش معلمی خویش را در تمامی زمینه‌ها به خوبی اجرا نماید می‌توان امیدوار بود، نسلی تربیت شود که پایه‌ریز تمدن نوین اسلامی باشد.

نقش معلم در اثرگذاری بر دانش‌آموز

نقش معلم در اثرگذاری بر دانش‌آموز به دو صورت مطلوب و نامطلوب است که در ادامه هریک را به طور تفصیل توضیح خواهیم داد.

الف) اثرگذاری مطلوب

اثرگذاری مطلوب معلم، تربیت دانش‌آموزانی با خصوصیات زیر است: (۱) عالم؛ (۲) فکور؛ (۳) دارای روح تحقیق؛ (۴) علاقمند به تحقیق و پژوهش؛ (۵) شریف؛ (۶) نجیب؛ (۷) خیرخواه؛ (۸) خوشدل؛ (۹) پاک‌نفس؛ (۱۰) خوشبین؛ (۱۱) دارای اعتماد به نفس؛ (۱۲) امیدوار و علاقه‌مند به کار و فعالیت؛ (۱۳) متدین؛ (۱۴) پارسا؛ (۱۵) پاکدامن؛ (۱۶) مؤمن؛ (۱۷) پرانگیزه؛ (۱۸) صبور؛ (۱۹) امیدوار؛ (۲۰) خوشبین؛ (۲۱) علاقه‌مند به منافع عمومی؛ (۲۲) علاقه‌مند به رسیدن به قله‌های کمال شخصی و جمعی؛ (۲۳) با ابتکار؛ (۲۴) متفکر؛ (۲۵) اهل تحقیق؛ (۲۶) اهل پیشروی (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۸۹/۰۲/۱۵).

برای تحقق اوصاف مذکور معلم باید با دادن اعتماد به نفس، امید دادن، روانه کردن دانش‌آموز در میدان‌های عمل، تزریق روح دیانت، تربیت انسان زیرک، ساختن انسان پرتلاش، تربیت انسان اجتماعی، ساختن انسان علاقمند به مصالح جمع و جامعه، زنده نمودن روح ابتکار در او (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۸۹/۰۲/۱۵) به فعلیت رساندن استعدادها و نوجوانان و کودکان (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۱/۰۲/۱۳)، ایفای نقش نماید.

ب) اثرگذاری نامطلوب

اثرگذاری نامطلوب معلم، تربیت دانش‌آموزانی با خصوصیات زیر است:
سطحی بار آوردن و بی‌علاقه‌گی به تعمق، بی‌علاقه‌گی به معلومات، شریک، بددل، بدخواه، ناامید، مأیوس، منزوی، لابیالی، بی‌اعتنای به ارزش‌های اخلاقی، بی‌اعتنای به تعالیم دینی است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۸۹/۰۲/۱۵).

عرصه‌های تعلیم معلم

کار معلم صرفاً انتقال یک سری مفاهیم ذهنی محدود به دانش‌آموز نیست بلکه تعلیم معلم به صورت وسیع در سه عرصه مهم: علم‌آموزی، روش تفکر، رفتار و اخلاق‌آموزی است؛ ایشان در این باره می‌فرمایند:

معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق‌آموزی در کار او باشد. اگر تعلیم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل می‌شود. پس بنابراین معلم دانش می‌آموزد، تفکر می‌آموزد، اخلاق و رفتار هم می‌آموزد؛ آموختن رفتار و اخلاق از قبیل آموختن دانش نیست که فقط انسان از روی کتاب بخواند؛ درس اخلاق را با کتاب نمی‌شود منتقل کرد، بیش از کتاب و بیش از زبان، رفتار مؤثر است؛ یعنی شما در داخل اتاق درس و میان دانش‌آموزان، با رفتار خودتان به آنها درس می‌دهید (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷؛ ۱۳۹۳/۰۲/۱۸).

الگوسازی

الگو کسی یا چیزی است که مورد توجه همه قرار می‌گیرد و ویژگی‌ها یا کمالاتی در او هست که باعث می‌شود دیگران نسبت به راه و مقصدی که در پیش گرفته‌اند از آنان نمونه و الگو بگیرند و راه و روش آنان را بپیمایند، الگوپذیری یکی از ویژگی‌های طبیعی و فطری انسان هاست (شکری، ۱۳۹۶ ش: ۲۵۰).

وجود الگوهای متعدد در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، نظامی، جهاد و... یکی نکات برجسته در کشور ما برای نوجوانان و جوانان است این امر سبب سهولت در امر تربیت، انتقال معارف و نهادینه‌سازی آن است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

ما خوشبختانه در محیط زندگی خودمان امروز الگو داریم، الگوهای برجسته‌ای داریم. ما

دیگر امروز دچار فقد الگو نیستیم که برویم سراغ فلان آدم تاریخی بیگانه؛ امروز در زندگی خودمان، جلوی چشم خودمان [الگو داریم]. شهدای هسته‌ای ما یکی از الگوهای بزرگند؛ شهید چمران یک الگو است؛ شهید چمران یک دانشمند به معنای واقعی کلمه بود؛ دانشمند بود، درس خوانده و تحصیل کرده بود اما یک مبارز واقعی، یک مجاهد واقعی هم بود، به معنای واقعی کلمه؛ شهید آوینی یک الگو است؛ شهید حججی یک الگو است. ببینید؛ از انواع و اقسام الگوها در اختیار ماست. این برادر عزیزمان خیلی خوب این‌جا بیان کردند؛ گفتند الگوی من، معلم کلاس اولم بود اما حالا الگوی من حججی است؛ بله، از این الگوها ما داریم؛ با شجاعت، با شهامت، با احساس مسئولیت، با قدرت، با عزت در مقابل دشمن می‌ایستد برای این‌که به اهداف والای بزرگ جامعه خود و نظام خود کمک کند؛ نه برای شخص خود. اینها در یک دعوی شخصی از بین نرفتند؛ شهید شهرداری و شهید علی محمدی و احمدی‌روشن و دیگران، در مسائل برای افتخار و سربلندی ملت حرکت کردند و پیش رفتند؛ اینها الگویند؛ ما در جامعه خودمان، جلوی چشم خودمان، در زمان خودمان این الگوهای عزیز را داریم (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹).

ویژگی‌های یک الگوی خوب برای نسل تمدن ساز از نگاه ایشان عبارت است از غیرت، همت، صداقت، سلامت، فداکاری، بینش والا و... ایشان در این باره می‌فرماید:

ما این همه جوان خوب داریم؛ اینها را یکی در بیاورند، بگذارند جلوی جوان نسل حاضر؛ غیرت او را، همت او را، صداقت او را، سلامت او را، فداکاری‌های او را، بینش والای او را، رفتار نیک او را با مردم، با هموعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، بگذارند جلوی چشم جوان نسل امروز؛ خود این آموزنده است (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۳).

آسیب‌ها و مشکلات تربیت نسل تمدن ساز

تربیت نسل تمدن ساز به صرف داشتن برنامه، معلم و متون آموزشی محقق نمی‌شود بلکه در مسیر تحقق این مهم آسیب‌ها و مشکلات جدی وجود دارد از جمله:

بی‌تدبیری، عدم دانایی، عدم همت و تلاش و مجاهدت، کم‌حوصلگی، بی‌صبری، ناشکیبایی، خستگی، دستپاچگی و...

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

لکن مشکلاتی وجود دارد در آموزش و پرورش ما که بنده حالا چند نکته را در این زمینه عرض می‌کنم. برطرف کردن این مشکلات و رسیدن به وضع مطلوب، هم احتیاج دارد به تدبیر و دانایی، هم همت و تلاش و مجاهدت، و هم حوصله ورزیدن، صبر کردن،

شکیبایی داشتن؛ مدیران خسته نشوند، دستپاچه نشوند، کار را با شکیبایی دنبال کنند. (بیانات امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱).

صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و مشکلات و تلاش و مجاهدت برای عبور از این موانع برای نسل تمدن‌ساز کلید همه موفقیت‌ها می‌باشد و انسان را به فلاح و رستگاری می‌رساند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون﴾؛
ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که پیروز و رستگار گردید.

نتیجه‌گیری

حضرت امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) نکات ارزشمند و راهگشایی را برای تربیت نسل تمدن‌ساز توسط آموزش و پرورش و معلمان بیان فرموده‌اند. این ارزش‌های ناب می‌تواند درپیشبرد اهداف ملکوتی و الهی نسل تمدن‌ساز منتظر، تأثیر به‌سزایی داشته و جامعه را به سمت شکوفایی اسلامی هدایت نماید. امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با بیانی زیبا و رسا با فصاحتی مثال‌زدنی و بلاغتی ناب، هندسه رسیدن به تمدن اسلامی را چنان ترسیم نمودند که آموزش و پرورش و معلمان اگر این راهکارهای انگیزشی را با جان و دل عملی نمایند و انتظار حضرت آقا را برآورده نمایند، نسلی تمدن‌ساز منتظر که همان نسل تراز انقلاب اسلامی می‌باشد، تربیت خواهند نمود؛ ان شاءالله.

منابع

قرآن کریم

۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹ش)، «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۵.
۲. زهیری، علیرضا (۱۳۸۱ش)، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
۳. شکر، آرزو (۱۳۹۶ش)، حقوق اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم: نشر هاجر.
۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۵ق)، الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، سوم.

۵. فتحی، سروش؛ مطلق، معصومه (۱۳۹۰ش)، «جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه شناختی فاصله نسلی: با تاکید بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات)»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۲.
۶. نعمانی، ابن‌ابی زینب (۱۳۹۷ق)، الغیبه، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، اول.
۷. ولایتی، علی‌اکبر و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها؛ مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی (۱۳۸۶ش)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۸. یوسفی، علی (۱۳۷۹ش)، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (میزگرد)»، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۹. سایت مقام معظم رهبری، Khamenei.ir

The effects of Iran's Islamic revolution on the decisions and developments of Yemen's Ansarullah

Dr. Ali Rajabzadeh ¹
Ehsan Maniei ²

Abstract

In recent years, a wave called the Islamic awakening and the Arab Spring was launched in the countries of the region, which caused fundamental changes in the existing countries at different levels. Among these countries, which were not exempt from this rule, is the country of Yemen, where these events were the source of fundamental changes in all aspects of people's lives. The influence of this country on the Iranian revolution is accepted by everyone, and for this reason, it seems necessary to examine the effects of the Iranian revolution on Yemen and Yemeni groups, including Ansarullah. The main issue before us is that according to the effects of world revolutions, including the Islamic Revolution of Iran, the teachings and values in it, what are the effects on the decisions and developments of this influential group in Yemen? Summarized as follows: mobilizing the forces in Yemen and responding to the mobilization of the oppressed, part of the axis of resistance, organized and organized work, efforts to hold religious ceremonies like Shiites in Iran, creating a culture of jihad and seeking martyrdom, the spirit of fighting and confronting the arrogance of the world and Israel. , creating solidarity, the existence of common enemies, aligned goals, etc. (findings). This article tries to analyze the effects of Iran's Islamic Revolution on Yemen's Ansarullah Shia movement and its reflection with the qualitative content analysis method among written library documents (documents).

Keywords: Influences, Iran's Islamic Revolution, Yemen, Zaidi Shia, Ansarullah, Houthis

-
1. Assistant Professor and Director of the Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran
 2. PhD student of the Islamic Revolution, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran (Responsible Author)

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر تصمیمات و تحولات انصارالله یمن

علی رجب‌زاده^۱

احسان منیعی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

چکیده

در سال‌های اخیر موجی به نام بیداری اسلامی و بهار عربی در کشورهای منطقه به راه افتاد که موجب تحولات اساسی در کشورهای موجود در سطوح مختلف گردید. از جمله این کشورها که از این قاعده مستثنی نبود، کشور یمن می‌باشد که این حوادث، منشاء تغییرات اساسی در همه جوانب زندگی مردم گردید. تأثیرپذیری این کشور از انقلاب ایران مورد قبول همگان می‌باشد و به همین جهت، بررسی تأثیرات انقلاب ایران بر یمن و گروه‌های یمن از جمله انصارالله ضروری به نظر می‌رسد. مسئله اصلی پیش روی ما این می‌باشد که با توجه به تأثیرات انقلاب‌های جهانی از جمله انقلاب اسلامی ایران، آموزه‌ها و ارزش‌های موجود در آن، چه تأثیراتی در تصمیمات و تحولات این گروه ذی نفوذ در یمن داشته؟ (مسئله) این تأثیرات را می‌توان در موضوعاتی، مانند موارد ذیل خلاصه نمود: بسیج نیروها در یمن والگوبرداری از بسیج مستضعفین، جزئی از محور مقاومت، کار سازمان یافته و تشکیلاتی، اهتمام به برگزاری مراسمات دینی مانند شیعیان ایران، ایجاد فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی، روحیه مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و اسرائیل، ایجاد همبستگی، وجود دشمنان مشترک، اهداف همسو و... (یافته‌ها). این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی از میان اسناد مکتوب کتابخانه‌ای (اسنادی)، در تلاش است، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جنبش شیعی انصارالله یمن و بازتاب آن را مورد بررسی قرار دهد (روش).

واژگان کلیدی

تأثیرات، انقلاب اسلامی ایران، یمن، شیعه زیدی، انصارالله، حوثی‌ها.

۱. استادیار و مدیر گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (Alirajabzadeh@atu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول) (Ehsanmaniei1@gmail.com).

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش مانند همه انقلاب‌های دیگر، پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. از جمله پیامدهای فراملی انقلاب اسلامی این بود که توانست روح تازه‌ای در کالبد مسلمانان جهان بدمد و به احیاء اسلام سیاسی - فرهنگی کمک کند و الگو و نمونه‌ای برای سایر ملت‌های آزادی‌خواه جهان باشد. عواملی چون نزدیکی فرهنگی و مذهبی در تسریع گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک مؤلفه مهم تأثیرگذار بود. به همین دلیل یکی از کشورهایی که بازتاب انقلاب اسلامی در آن‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای، مشاهده شده، کشور یمن می‌باشد. گروه‌های شیعی یمن از جمله انصارالله با الهام از انقلاب اسلامی ایران در کشور خود، بسیار فعال و در عرصه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی به عنوان یک نیروی مؤثر ظاهر شد.

یکی از گروه‌های شیعی موجود در یمن که دارای سابقه طولانی در این کشور بوده و در سال‌های اخیر نقش راهبردی در تحولات یمن بازی کرده، انصارالله یمن می‌باشد که با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات بین‌المللی و اقرار این گروه، تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران بوده است. بررسی‌های مقدماتی پژوهش نشان می‌دهد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران روح تازه‌ای بر جنبش‌های شیعه یمن دمیده شد و آنها با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و پیروی از ارزش‌های انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک شیعیان افزودند. از همین رو نگرانی‌هایی نیز از سوی برخی از کشورهای منطقه به ویژه عربستان از تأثیر انقلاب اسلامی برای یمن باعث شد تا این کشور به دخالت امور داخلی یمن به صورت نرم و سخت مبادرت ورزد.

در مورد موضوع مدنظر، مقاله‌های زیر اقدام به انجام بررسی‌هایی کرده‌اند:

- مقاله آقایان جلیل دارا و محمود بابایی با عنوان (بازخوانی جنبش انصارالله در بستر انقلاب اسلامی)، زمستان ۱۳۹۴.

- مقاله حسن تلاشان با عنوان (انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه یمن)، زمستان ۱۳۹۱.

- مقاله رضا شکرزاده و احسان جعفری فر با عنوان (بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن)، زمستان ۱۳۹۷.

- مقاله اکبر خزلی پور و حمیدرضا ادیبی با عنوان (جریان‌شناسی جنبش انصارالله یمن در

راستای قدرت بخشی به ژئوپلتیک مقاومت) که در شماره ششم فصل نامه جغرافیای نظامی امنیتی به چاپ رسیده است.

- مقاله احمد جانسیز و مصطفی تارین با عنوان (بررسی ریشه های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی ها) که در شماره ۲۰ نشریه سپهر سیاست به چاپ رسیده است.

- مقاله حسین آرمند با عنوان (گزینه های پیش روی انصارالله برای پیروزی در جنگ) که در سال ۱۸ مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام به چاپ رسیده است (پیشینه).

ولی از آن جا که هر کدام از این مقالات به تنهایی کامل نبوده و با نگاهی تک بعدی به موضوع نگریسته اند، نتوانسته به طور جامع و کامل از عهده این موضوع بر آیند و حق مطلب را ادا کنند، به همین دلیل تدوین این مقاله به جهت رفع این نقص تا بتوانیم به یک ارزیابی کامل و همه جانبه از این مصداق بیداری اسلامی در جهت شناخت، معرفی و اتخاذ تصمیمات و اقدامات مورد نیاز دست پیدا کنیم، ضروری به نظر می رسد (ضرورت).

- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر انصارالله یمن چه می باشد؟

- شاخصه ها و مصادیق تأثیرگذاری ایران بر یمن و انصارالله، در چه موارد و چه میزانی می باشد؟ (سؤالات)

به دلیل نزدیکی های مذهبی، عقیدتی، دشمنان و اهداف مشترک میان دو ملت، انقلاب اسلامی ایران منشاء اثرات زیادی در یمن و انصارالله بوده است و رابطه ای مستقیم و کاملاً روشن میان تحولات یمن و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد که این رابطه، مورد اذعان همگان می باشد (فرضیه).

چارچوب نظری

برای مطالعه و تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر محیط پیرامون و نظام بین المللی دیدگاه ها و نظریه های متعددی بیان شده که در این میان می توان گفت نظریه پخش (یا اشاعه) از ظرفیت های بالایی جهت بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران برخوردار است. با توجه به این که انقلاب اسلامی ایران مقوله ای فرهنگی است، آموزه های آن به سرعت در محیط منطقه ای و جهانی پخش می شود. نظریه پخش عبارت است از فرآیندی که طبق آن یک امر فرهنگی یا یک نهاد و یا یک اختراع که مشخصه یک جامعه است در جامعه دیگر مورد پذیرش قرار می گیرد. جغرافیای کاربردی نظریه پخش به دو بخش کاملاً مشخص تقسیم می شود که

بیانگر ماهیت پخش در فضای جغرافیایی بوده و مشتمل بر انواع پخش می‌باشد. نظریه پخش ابتدا در سال ۱۹۵۳ م توسط هاگراسترن جغرافیدان سوئدی در دانشگاه لاند منتشر گردید (نظری و یوسفی زهی، ۱۳۹۵ ش: ۳۹).

چهار مؤلفه نظری پخش عبارتند از: ۱. مبدأ و منبع پخش؛ ۲. موضوع پخش؛ ۳. زمان پخش؛ ۴. محیط و مقصد پخش.

مبدأ و منبع پخش: در محل بحث ما، انقلاب اسلامی ایران مبدأ پخش بوده و از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده. مخصوصاً در دهه سوم انقلاب با گذر زمان و اشباع پیام‌های انقلاب اسلامی در منطقه، به تدریج این پخش به جای تک‌مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت می‌دهد (معین‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴ ش: ۵۱).

موضوع پخش: موضوع پخش انقلاب اسلامی طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهند، مانند لباس و پوشاک اسلامی مناسب با فرهنگ بومی - مذهبی مثل چفیه، حضور بیشتر در مساجد، پر رونق شدن مساجد از جوانان، حرکات سیاسی در مساجد، تغییر محتوای سخنرانی‌های مذهبی، تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز، فعال شدن سازمان‌های قبلی، جدی شدن موضوع دین در جامعه، الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلابی و اسلامی، بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی، بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی، ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، ایجاد دولت اسلامی (همان: ۵۲-۵۳).

زمان پخش: زمان پخش تأثیرات انقلاب اسلامی از زمان پیدایش این انقلاب در دهه پنجاه شمسی بوده است و در سرتاسر این چهار دهه، موجب تأثیرگذاری بر محیط اطراف و منطقه مخصوصاً کشور یمن بوده است. حالا میزان و شدت این تأثیرات بنابر شرایط و اقتضائات در برخی زمان‌ها سریع‌تر و بیشتر و در برخی اوقات، کندتر و کمتر بوده است.

مقصد و محیط پخش: با توجه به تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران می‌توان مناسب‌ترین محیط پخش ارزش‌های انقلاب اسلامی را در جوامع اسلامی به‌ویژه جوامعی که دارای مذهب شیعه هستند دانست. از همین رو یمن می‌تواند یک مقصد مناسب برای دریافت ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران و تأثیرپذیری از آن به شمار بیاید.

روابط ایران و یمن

بنابر اطلاعات تاریخ صدراسلام، مردم یمن به دست امیرالمؤمنین علیه السلام مسلمان شدند. براء بن عازب می گوید:

چون یمنی‌ها خبردار شدند که علی علیه السلام به یمن آمده است، سراغ او آمده و دور او را گرفتند. پس از آن که علی علیه السلام نماز صبح را با ما خواند، برخاست و پس از حمد و ثنای خداوند نامه پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مردم قرائت کرد و در همان روز کل قبیله همدان اسلام را پذیرفتند. علی علیه السلام خبر مسلمان شدن همدانی‌ها را که از قبایل مهم یمن بودند، طی نامه‌ای به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله رساند و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله نامه امیرالمؤمنین علیه السلام را خواند، شادمان شد و سجده شکر به جای آورد و پس از سجده نشست و فرمود: سلام بر همدان، سلام بر همدان؛ و دیری نپایید که دیگر قبایل یمنی نیز به اسلام گرویدند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۶۲).

به همین دلیل اکثر مردم یمن یا شیعه بوده و یا محب ایشان هستند و به همین لحاظ، قرابت مذهبی نزدیکی با ایرانیان دارند.

روابط جمهوری اسلامی ایران نیز در طول ۴۰ سال گذشته همواره تابعی از متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دو کشور یمن شمالی و جنوبی در سیاست خارجی ایران تعریف و جایگاه مشخصی نداشتند به ویژه آن که یمن جنوبی از جمله متحدان اتحاد شوروی بود و این شرایط، سبب شد تا حضور نظامی اتحاد شوروی در دریای سرخ و دریای عمان و تسلط بر تنگه باب‌المنندب فراهم شود و رفت و آمدهای کشتی نظامی و تجاری غرب در این حوزه مختل شود که بخشی از دغدغه‌های منطقه‌ای ایران در آن دوره بود. بنابراین سیاست خارجی تهران در دوره پهلوی دوم در قبال یمن جنوبی نگاهی همراه با نگرانی بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد جابه‌جایی‌هایی در جهت‌گیری سیاست خارجی یمن شمالی و جنوبی نسبت به ایران هستیم یمن شمالی جزء اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت. اما با آغاز جنگ تحمیلی یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح تحت تأثیر موضع‌گیری‌های شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفت و از تهاجم رژیم بعث عراق به ایران نیز حمایت کرد. یمن شمالی که در ابتدا خود را طرفدار انقلاب ایران نشان داده بود در جریان جنگ تحمیلی حتی سربازانی را جهت کمک به رژیم بعث عراق به جبهه فرستاد. در حالی که یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد از تهران پشتیبانی

می‌کرد. از سوی دیگر دولت یمن جنوبی پس از وقوع انقلاب برای نشان دادن حسن نیت خود یک خلبان اسیر ایرانی را که از سال ۱۹۶۷م به علت سقوط هواپیمایش در منطقه ظفار دستگیر شده بود را با میانجی‌گری جبهه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد کرد (امیر دی، ۱۳۹۸ش: ۱۲۰).

مقایسه روابط میان دو کشور در موضوعات مختلف در قبل و بعد از انقلاب، مؤید این حقیقت می‌باشد که روابط این دو کشور در همه زمینه‌ها دارای رشد قابل توجهی بوده است.

مشخصات عمومی - ترکیب نژادی و دینی

یمن از مناطق قدیمی بوده که در قرآن نیز از آن و قوم تبع که در آن مناطق ساکن بوده‌اند، سخن به میان آمده است:

«أهم خیر أم قوم تبع والذین من قبلهم أهلکناهم إنهم كانوا مجرمین» (دخان: ۳۷).

«وأصحاب الأئیکة وقوم تبع کل کذب الرسل فحق وعید» (ق: ۱۴).

یمن در جنوبی‌ترین بخش عربستان قرار دارد و جمعیتی قریب به ۳۰ میلیون نفر دارد. اغلب مردم یمن از اقوام سامی و عرب قحطانی می‌باشند. آنان از ۱۴۰۰ سال قبل همزمان با ظهور اسلام به این دین گرویدند و ۹۹ درصد این کشور مسلمان می‌باشند. اکثریت جمعیت آنان شیعه زیدی و شافعی بوده که بیشتر در مناطق شمالی ساکن می‌باشند و حدود ۸ هزار شیعه در جنوب آن ساکن می‌باشند (کریملو، ۱۳۹۴ش: ۳۳).

شیعیان زیدی بخش عمده شیعیان یمن را تشکیل می‌دهند و تا سال ۱۹۶۲ حکومت را در یمن در دست داشتند ولی بعد از سقوط آنان از قدرت، در طی سالیان متمادی در انزوای شدید قرار داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران روح تازه‌ای در این گروه دمیده شد و سبب خروج از انزوا گردید.

بیش از ۳۵ درصد جمعیت این کشور را شیعیان زیدی تشکیل می‌دهند ولی به دلیل فشار حکومت علیه آنان در بعد از دهه ۶۰ میلادی از کمترین حقوق اجتماعی برخوردار بودند.

پیروان مذهب زیدی اکثراً در شمال و مناطق کوهستانی و اهل سنت نیز در مناطق هموار و دشت‌های ساحلی جنوب سکنی دارند. جامعه یمن، قبیله‌ای است که ۸۷ درصد جمعیت را افراد مسلح قبایل تشکیل داده‌اند. دو قبیله بزرگ بکیل و حاشد از قبایل مهم یمن هستند که قبایل دیگر را تحت فرمان خود درآورده‌اند. حدود ۳۱۰ قبیله در یمن وجود دارند که بیش از ۱۱۰

قبیله از آنها زیدی هستند و در قسمت‌های کوهستانی و شمالی ساکن هستند.

زیدیه یکی از فرقه‌های شیعه است که برخلاف شیعیان امامیه، به جای امام محمدباقر علیه السلام به امامت برادرش زید بن علی بن الحسین قائل هستند و نام مذهب خود را از ایشان اتخاذ کرده‌اند. زید از سادات بنی‌هاشم و از بزرگان آنها در فضل و فهم برشمرده شده و به علم و زهد و ورع و شجاعت و دینداری و کرامت ستوده شده است. شیخ مفید نیز در *الارشاد* از او به عنوان مردی عابد، پارسا، فقیه، بخشنده و دلیر یاد کرده است که جهت امر به معروف و نهی از منکر و به انتقام خون امام حسین علیه السلام قیام کرد. ایشان مکنی (معروف به کنیه) به ابالحسین و ملقب به شهید، حلیف القرآن و زید الازیاد بود که کنایه از مقام والا و عظمت شخصیت بی‌نظیر اوست.

علاقه به امام خمینی رحمته الله علیه و الگوگیری فرهنگی از ایشان

بدرالدين الحوثی رهبر معنوی حوثی‌ها و انصارالله، به دلیل مطالعات و تحقیقات وسیع، با اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه آشنا شد این علاقه تا جایی پیش رفت که سفری هم به ایران داشت و یکی از علاقه‌مندان گفتمان انقلاب ایران بود و این علاقه‌مندی را نیز در فرزندانش حسین و عبدالمالک به یادگار گذاشت.

شهید حسین الحوثی رهبر این جنبش با تأثیرپذیری از پیروزی انقلاب اسلامی، آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های رهبر انقلاب، هسته مقاومت اسلامی را در کشور یمن بنا نهاد. از همین رو استقبال از انقلاب اسلامی ایران در یمن باعث شد تا نیروهای شیعی بیش از پیش فعال شده و در مقابل نیز، عده‌ای منافع و بقای خود را در تهدید ببینند.

به هر حال تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌های شیعی دیگر موضع محافظه‌کارانه پیشین خود را ندارند و بر تحولات آتی یمن بسیار تأثیرگذار خواهند بود. نگرانی‌هایی که در خارج از یمن و از سوی کشورهای چون عربستان در منطقه به خاطر این تحولات درونی یمن ظاهر شده در نهایت باعث شده که برای مقابله سخت و نرم با نفوذ شیعیان طرفدار ایران در یمن و قدرت‌یابی آنها دست به اقدامات متعدد سخت و نرم بزنند.

در میان شخصیت‌های حوثی، سیدحسین حوثی یکی از رهبران بزرگ این جنبش که در سال ۲۰۰۴ در جریان جنگ حوثی‌ها با دولت یمن به شهادت رسید، نمونه بالایی از تأثیرپذیری از انقلاب ایران و رهبری آن می‌باشد. وی به شدت متأثر از جریان شیعی و رهبران آن و به

خصوص حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و سیدحسن نصرالله بود. او اهتمام خاصی در ترویج اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه مخصوصاً در بعد اتحاد بین مسلمانان و استکبارستیزی داشت.

سیدحسین حوثی در یکی از سخنرانی‌هایش گفت: امام خمینی کسی است که حج را به معنای قرآنی و کامل آن معرفی کرد و شیوه ادای حج را روشن ساخت و به ایرانیان آموخت که شعار برائت از امریکا، برائت از مشرکان و برائت از اسرائیل دهند. همچنین به تأثیر از امام خمینی رحمته الله علیه، امریکا را عامل بسیار بزرگی در عدم اتحاد مسلمانان می‌دانست و ورود امریکا به یمن را در راستای دخالت در امور این کشور می‌دانست و بر این باور بود که مردم باید با یکدیگر بسیج شده و این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کنند. وی هیچ سخنرانی نداشته که نامی از امام خمینی و حزب الله به میان نیاورده باشد. وی به تبعیت از فرامین حضرت امام، تلاش می‌کرد مراسم‌هایی چون روز عاشورا و روز قدس با شکوه خوبی برگزار شود و در این روز اتحاد مسلمانان به ابرقدرت‌های غرب نشان داده شود. عبدالملک الحوثی رهبر حاضر الحوثی‌ها امروز با اعتماد به نفس بالای از موفقیت‌های ایران سخن می‌گوید و پیروزی‌های انقلاب اسلامی ایران را به عنوان سرمشق خود در مسیر حرکت جنبش زیدی قرار داده است.

امروز در یمن کتاب *ربیعین* امام خمینی چنان جایگاه برجسته‌ای می‌داند که در کنار کتاب‌هایی مانند *نهج‌البلاغه* و *صحیفه سجادیه* مورد توجه زیدی‌ها می‌باشد. علاوه بر این امروز در مؤسسات فرهنگی این جنبش، درسی به نام «تجارب فرهنگی انقلاب ایران» تدریس می‌شود (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴ش: ۱۵۹).

حسین الحوثی رهبر شیعه حوثی‌ها هیچ سخنرانی‌ای نداشت که از امام خمینی رحمته الله علیه به عظمت یاد نکند و موضوعاتی چون حزب الله، برائت از مشرکان، روز قدس، روز عاشورا و بسیاری از موارد دیگر به صورت جدی مورد حمایت او بود (موسوی نژاد، ۱۳۸۸ش: ۴۷-۴۸).

محمد منصور یکی از رهبران زیدی‌ها می‌گوید:

اگر انقلاب اسلامی نبود زیدی‌ها از بین رفته بودند چون به هر حال دولت شیعه آمده ما هم خود شیعه هستیم، با آمدن یک دولت شیعه ما دوباره زنده شدیم و دوباره به شیعه خود امیدوار شدیم و امیدوار هستیم. اگر انقلاب اسلامی نبود اکنون یک زیدی در یمن نبود خوشبختانه بیشتر آنهایی که موجب گسترش مذهب شیعه دوازده امامی در یمن شده‌اند، همین زیدی‌ها بودند بیشتر کسانی که به عنوان مبلغ در یمن رفته‌اند، نه تنها حمایت شده بلکه به آنها اجازه داده‌اند که مدرسه بسازند و تبلیغ کنند، حتی اجازه دادن فرزندان شان هم شیعه شوند (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴ش: ۸۵).

الگوگیری نظامی

جنبش انصارالله که تحت رهبری حوثی‌ها قرار دارد از نفوذ اجتماعی گسترده‌ای در جامعه یمن به‌ویژه در نواحی شمالی آن برخوردار است. این خاندان که از خاندان‌های مشهور و صاحب نفوذ زیدی شمال یمن هستند که از اوایل قرن حاضر میلادی ابتدائاً به فعالیت‌های سیاسی و سپس نظامی روی آوردند و بارها با نیروهای دولتی که از سوی عربستان حمایت می‌شدند به نبرد برخاستند. در سال ۲۰۱۰م در جنگی که ششمین جنگ آنها به شمار می‌رفت با ارتش عربستان درگیر شده و ضربات سنگینی به آنها وارد کرده. فعالیت‌های بلندمدت سیاسی و تجربه جنگ‌های متعدد، انصارالله را به یک قدرت جدید و به یک جنبش قدرتمند سیاسی و نظامی تبدیل کرد، به‌ویژه که این جنبش‌ها با فراتر رفتن از اختلاف‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای و حمایت از دولت وحدت ملی و رویه‌های دموکراتیک، توانسته حمایت بخش زیادی از مردم جنوب را نیز کسب کرد (حسینی‌زاد، ۱۳۹۶ش: ۱۳۱).

تقویت ایدئولوژی مشترک

از ابعاد دیگر برجسته ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران، آزادگی انسان است که در عبودیت انسان در برابر خداوند و طاعت اوامر الهی متجلی می‌گردد. یعنی موجودات جهان با نظامی هماهنگ، به یک سو و یک مرکز تکامل در حرکتند و از این منظر انقلاب اسلامی منطبق بر جهان‌بینی توحیدی است (قاسمیان، ۱۳۹۴ش: ۱۸۴-۱۸۵).

انقلاب اسلامی ایران توانسته است بازتاب‌های فرهنگی ایدئولوژیکی بر شیعیان یمن داشته باشد که در ۳ محور خلاصه می‌شود:

۱. شیعی بودن و حضور مبانی شیعه در این جریان؛
۲. نقد وضعیت موجود مخصوصاً اعتراض به فعالیت‌های سکولاری دولت یمن به جهت مهیا کردن شرایط برای فعالیت آمریکا، عربستان و هابیون؛
۳. ترویج افکار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی چون مبارزه با آمریکا و اسرائیل. باید به این موارد الگو گرفتن از حزب‌الله لبنان خاصه در امور نظامی را نیز یادآور شد (تلاشیان، ۱۳۹۱ش: ۶۵-۸۱).

یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتقای ژئوپلیتیکی شیعیان در یمن، رسانه‌های مدافع انقلاب اسلامی بوده است. کارشناس مسائل خاورمیانه و یمن می‌گوید: رادیو عربی جمهوری اسلامی

ایران، تنها رسانه در دسترس شیعیان یمن است. وی بیان می‌دارد: سال‌ها شیعیان یمن به عنوان مخاطبان خاموش صدای ایران، در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و به رغم کمبود منابع فرهنگی، از قبیل کتاب و عدم دسترسی به روحانیان شیعه، در تقویت پایه‌های مذهبی خود کوشیده‌اند.

گسترش شیعه دوازده امامی

درباره شیعیان دوازده امامی یمن، این نکته قابل ذکر است که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد اندکی از شیعیان دوازده امامی در یمن یافت می‌شدند و موقعیت آنان بسیار پراکنده بودند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهشی در این زمینه ایجاد شد و آنان برای خود تشکیلاتی ایجاد کردند. بسیاری از شیعیان دوازده امامی یمن رهیافتگانی هستند که قبلاً مذهب دیگری داشته‌اند. تعداد این رهیافتگان روز به روز در حال افزایش می‌باشد، به گونه‌ای که در بسیاری از خانواده‌های شیعه مذهب (زیدی)، دست کم یک رهیافته وجود دارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت شیعیان یمن دگرگون شده است. برای مثال، تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، هیچ حسینی‌ای در یمن برای شیعیان وجود نداشت. اما پس از این واقعه، چندین حسینی‌ه در مناطق گوناگون یمن ساخته شد و شیعیان مساجد و اماکن مخصوص خود را گسترش دادند.

احیای شیعیان زیدی

شیعیان زیدی یمن از هویت تاریخی طولانی برخوردارند. آنان بیش از هزار سال از قدرت سیاسی فراوانی در این کشور برخوردار بودند، تا این که کودتای ۱۹۶۲ م علیه حکومت زیدیه و حوادث پس از آن، آنها را در مسیر نابودی حتمی قرار داد. وهابیت نیز بلافاصله جای پای محکمی برای خود در این کشور یافت و بخش زیادی از زیدیان یمن را به خود جذب کرد. در برخی از آمارها، به بیش از سه میلیون زیدی، که به وهابیت گرویده‌اند، اشاره شده است. در همین سال‌ها هم در مراکزی که در طول تاریخ از مراکز اصلی تشیع و زیدیه به شمار می‌آمده - مثل صعده - مؤسسات و جمعیت‌های قابل توجهی از وهابیت متعصب حضور یافته‌اند (موسوی نژاد، ۱۳۸۸ ش: ۱۰۷).

دکتر عصام العمامد، یکی از مفتیان سابق وهابیت که شیعه شده است، می‌گوید:
جامعه زیدی یمن تحت ظلم به سر می‌برد و در حال انقراض بود. اعتراف می‌کنم که اگر

انقلاب اسلامی ایران به وقوع نپیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود؛ چون تهاجم تبلیغاتی از مصر و کشورهای عربی و فیلم‌های تلویزیونی مبنی بر سنی بودن عرب و ناسیونالیسم عربی در حجم وسیعی انتشار می‌یافت. همه اینها موجب شده بود جمعیت زیدی در ظاهر، زیدی باشند. فقط با وقوع انقلاب اسلامی و انتشار کتاب‌های شیعه در یمن، زیدی‌ها به مذهب زیدی برگشتند (جعفریان، ۱۳۸۸ ش: ۴۶۶).

ارتقای جایگاه شیعیان و حس عزتمندی آنان

یکی از افرادی که بسیار تحت تأثیر افکار و شخصیت امام خمینی رحمته‌الله علیه قرار گرفته بود سیدحسین الحوثی بود که بعدها رهبر جنبش شد. تأثیر انقلاب اسلامی بر حوثی‌ها در برگزاری مراسم‌های مذهبی به شیوه شیعیان ایران تا شعارهای مرگ بر آمریکا مرگ بر اسرائیل و زنده باد اسلام مشاهده می‌شود. به علاوه بعد از بهار عربی و کنار گذاشته شدن جریان طرفدار غرب، شیعیان در صحنه سیاسی یمن حضور پررنگی پیدا کردند به طوری که نظریه پردازان در حوزه‌های امنیتی اقتصادی و سیاسی معتقدند که با ارتقای جایگاه شیعیان در ساختار داخلی یمن، از نظر ژئوپلیتیکی شیعیان جایگاه بالاتری در منطقه کسب کرده و این جایگاه به عنوان تهدیدی برای کشورهای غرب و منطقه تلقی شد.

مناسک مذهبی

از دیگر تأثیرهای انقلاب اسلامی ایران بر یمن، تغییر و تحول مراسم مذهبی آنهاست. برخی از مراسم همانند عزاداری روز عاشورا و دعای کمیل به تدریج، از شیعیان دوازده امامی وارد جامعه شیعیان زیدی شده است. امروزه شیعیان زیدی و شیعیان دوازده امامی در مراسمی مانند روز «غدیر» در مناطق جمع می‌شوند و عالم برجسته‌ای در آن روز، درباره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام سخنرانی می‌کند، میوه و شیرینی پخش می‌کنند و به شبیه خوانی می‌پردازند و اقدام به جشن و شادی می‌کنند. از روز اول ماه تا ۱۸ ذی حجه را «عید غدیر» می‌گویند. به طور فعال در پیاده روی اربعین شرکت می‌کنند. شب نوزدهم ماه رمضان، که شب شهادت امام علی علیه السلام است، مراسم عبادی برگزار می‌شود، در صورتی که قبلاً این مراسم در بین زیدیه مرسوم نبود. قریب ۹۰ درصد کتاب‌های زیدیه از شیعیان دوازده امامی است. یکی از علل گسترش تشیع امامی و مراسم مربوط به آنها در میان زیدی‌ها انفعالی است که دولت این کشور در برابر گرایش به وهابیت، به ویژه در چند دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از خود

نشان داده است. اضافه بر آن، حس شیعی زیدی تأثیر فراوانی بر تمایل آنها به مذهب امامیه داشته است (جعفریان، ۱۳۸۸ش: ۴۶۶).

وجود زمینه‌های فرهنگی و مذهبی بین مردم ایران و یمن از مهم‌ترین عوامل فزاینده تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی مردمی یمن محسوب می‌شود که در ابعاد دیگر فرهنگی می‌توان بروز کند برای مثال از دیگر فعالیت‌های نمادین در یمن که تحت تأثیر انقلاب اسلامی بوده و تغییر و تحولی در مراسمات مذهبی می‌باشد. جامعه شیعی و زیدی به تدریج تحت تأثیر برخی از مراسم‌های شیعیان دوازده امامی مانند عزاداری روز عاشورا و دعای کمیل قرار گرفتند. این مراسم‌ها تا پیش از انقلاب ایران در میان زیدی‌ها مرسوم نبوده ولی در حال حاضر تعداد زیادی از شیعیان زیدی روش ایرانیان و شیعیان عراق را در پیش گرفته‌اند و از آنها پیروی نموده. آنها اکنون در روز عاشورا عزاداری می‌کنند و گرایش‌های عمیقی به خواندن دعای کمیل و مفاتیح‌الجنان دارند (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴ش: ۱۵۹).

الگوبرداری از بسیج نیروها و کار سازمان یافته

حضور زیدی‌ها در ساختار سیاسی یمن می‌تواند دیدگاه پیشین سیاست خارجی یمن را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر و در نهایت موجب نزدیکی آن شود (شمسینی غیاثوند و احمدوند، ۱۳۹۴ش: ۲۰).

امروزه در مراسم‌ها و اردوهای مختلف دانش‌آموزی که در این کشور در بین شیعیان برگزار می‌گردد، عکس‌های حضرت امام و رهبری معظم انقلاب اسلامی برافراشته می‌شود. همچنین در همین راستا، فیلم‌های زیادی از زبان فارسی به عربی ترجمه شده و در اختیار مخاطبان قرار داده می‌شود. فیلم‌های خانوادگی ایرانی در بین شیعیان یمن علاقه‌مندان بسیاری دارد. همچنین کتب امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی و آیت‌الله مطهری و شهید دستغیب ترجمه شده و در دسترس علاقه‌مندان گرفته است.

صاحب‌نظران بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان را در ابعاد زیر مورد بحث و بررسی قرار

می‌دهند:

- آمدن شیعیان از حاشیه به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام؛
- نگاه جدید اسلام‌شناسان و مستشرقین برای شناخت هرچه بیشتر مکتب تشیع؛
- تشریف گروه‌های غیرمسلمانان و برادران اهل سنت به مکتب تشیع؛

- پیداکردن حس اعتماد به نفس و ایستادگی در مقابل استکبار جهان؛
- تلاش برای احقاق حقوق از بین رفته شیعیان در برابر دولت‌های وابسته؛
- گسترش شعارهای انقلابی و ارزشی و اعتقادی.

با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی ایران، تأثیرگذاری آن بر نقاط گوناگون جهان، از جمله یمن، از طریق نرم‌افزاری (فرهنگی - اجتماعی) بوده است. یقیناً جاذبه جمهوری اسلامی ایران نزد ملت‌ها در اقصی نقاط دنیا، در قدرت نرم آن نهفته می‌باشد. به عبارت دیگر، آنچه موجب گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در بین ملل جهان شده، شعارها، ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی آن است. بنابراین، پرداختن به هر اقدامی دیگر، که نظام را از بهره‌برداری از قدرت نرم به استفاده از قدرت سخت‌افزاری غیرضروری سوق دهد، انحراف استراتژیک به شمار می‌آید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شعائر و نمادهای ارزشی و انقلابی ایران به شیوه‌های گوناگون در یمن مشاهده می‌شود که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

از سال ۱۹۷۹ به بعد، در یمن شیعیان زیدی اردوهایی در فصل تابستان در شهرهای گوناگون برگزار می‌کنند که ۲۵-۳۰ هزار دانش‌آموزان مقاطع گوناگون از دبستان تا دبیرستان را دربر می‌گیرد. در تمام این اردوگاه‌ها تصویر حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری بر درب ورودی اردوگاه‌ها نصب می‌شود. کتاب‌های شخصیت‌های علمی برجسته ایران، از جمله شهید مطهری و شهید دستغیب تدریس می‌شود. فیلم‌های ترجمه شده ایرانی به نمایش گذاشته می‌شود. این در حالی است که هیچ کمک مادی از سوی جمهوری اسلامی ایران به آنها نمی‌شود و این اردوها با حداقل امکانات برگزار می‌گردد (ثانی، ۲۰۱۲: ۸۰).

حفظ موجودیت شیعیان در یمن

یکی از افراد تأثیرگذار یمن که تحت تأثیر افکار و شخصیت امام خمینی رحمته‌الله علیه قرار گرفت سیدحسین الحوثی بود که بعدها رهبری حوثی‌ها را برعهده گرفت. بر طبق نظریه پخش می‌توان گفت که با توجه به نزدیکی فرهنگی و تاریخی ایران و یمن، زمینه‌های مساعدی برای حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور فراهم بوده است (آل سید غفور، ۱۳۹۴ش: ۱۵۳).

این قرابت می‌تواند شامل: اسلامی بودن یمن و جمهوری اسلامی ایران، وجود شیعیان در ایران و یمن، زمینه‌های ارتباط فرهنگی و مذهبی میان نخبگان فقها و مردم ایران و یمن و

همچنین پیشینه تاریخی و ظلم و مظلومیت مردم و دور ماندن شیعیان از صحنه واقعی سیاست را برشمرد.

استکبارستیزی

یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی استکبارستیزی آن است به همین دلیل همواره با ایالات متحده آمریکا به عنوان استکبار جهانی و متحد منطقه‌ای آن رژیم صهیونیستی مخالفت کرده است و مبارزه با ایشان را آرمان خود قرار داده است. در همین راستا شعار جنبش الحوثی یعنی "الله أكبر، الموت لأمريكا، الموت لإسرائيل، اللعنة علی اليهود، النصر للإسلام" کاملاً با گفتمان ضد استکباری انقلاب اسلامی همراه است (همان).

حسین الحوثی در سخنرانی معروفی که در یکی از جلسات قرآن بیان می‌کند، ۹ بار از امام خمینی اسم می‌آورد و به اندیشه‌های ایشان اشاره می‌کند. از جمله این که «امام خمینی چرا آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند؟ چون حامی و پشت همه شرهاست. چون از یهود خط می‌گیرد و در قرآن کریم در توصف یهود آمده که جز فساد انجام نمی‌دهند. امام خمینی می‌خواهد که اعراب و مسلمانان را از زیر هیمنه آمریکا و استکبار برهاند» (دارا و بابایی، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

مخالفت و مبارزه با آمریکا و غرب

وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و اعلام جنگ علیه تروریسم باعث شد که دولت یمن به مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در این جنگ تبدیل شود. پیوستن دولت یمن به آمریکا در مبارزه با تروریسم موجب افزایش حضور نیروهای نظامی و امنیتی آمریکایی در یمن و سفر مخفیانه هیئت‌های اسرائیلی به صنعا گردید. این امر اعتراض حسین حوثی را در برداشت. در سال ۲۰۰۲ خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد و شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و نفرین بر یهود و پیروزی با اسلام را به عنوان شعار رسمی شیعیان اعلام نمود. اعتراض‌های الحوثی را بسیاری از مردم یمن لبیک گفتند و گروهی از جوانان شیعه، گروه الشباب المؤمن را برای مبارزه با آمریکا و اسرائیل ایجاد نمود (باقری فر و موسوی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

در واقع یکی از نمودهای بازتاب‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی را می‌توان در شعارهای حوثی‌ها مشاهده کرد شعار ۴ بندی که توسط جوانان در حین سخنرانی‌های سیدحسین تکرار می‌شود: الموت لأمريكا الموت لاسرائیل و لعنه علی اليهود النصر الاسلام (وقوفی و همکاران،

۱۳۹۷ش: ۹۱).

از سوی دیگر توجه به زندگی دنیوی و اخروی و به کمال رساندن انسان به عنوان رسالت یک حکومت دینی باعث شد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران به جای نظام پادشاهی نظام جمهوری اسلامی ایران حاکم شود. شیعیان الحوئی نیز تمامیت خواه نبوده و خواهان مشارکت دموکراتیک در حکومت می‌باشند. بنابراین شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک خواسته اصلی انقلابیون یمن است. این نگاه باعث می‌شود که عده‌ای رویکرد شیعیان یمنی را منطبق با ایران و به تبع در جهت منافع و ارزش‌های انقلاب ایران قلمداد نمایند (شمسینی و غیاثوند و احمدوند، ۱۳۹۴ش: ۲۸).

عدم وابستگی

یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران، عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ است، زیرا وابستگی، زمینه‌ساز همسویی با ایشان است و شعار نه شرقی نه غربی نیز در این راستا مطرح می‌شود. عدم وابستگی عامل مهمی در پیگیری اهداف والای یک حرکت و جنبش انقلابی محسوب می‌شود و یک جنبش باید با وجود انواع تحریم‌ها و محدودیت‌ها بتواند با کمترین نیاز به کمک‌های خارجی نیازهای عادی معیشتی و نظامی خود را تأمین کند که این ویژگی را هم در انصارالله (در تأثیرپذیری از گفتمان انقلاب اسلامی) شاهد هستیم (ملکوتیان، ۱۳۸۰ش: ۱۱۵).

مردم‌سالاری

یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران، لزوم توجه به مردم به عنوان حامیان اصلی یک جریان مقاومت است. بقا و تداوم هر جنبش مردمی، وابسته به میزان حمایت عمومی و مشارکت هم‌سو در عرصه‌های مختلف مبارزاتی آن است، حمایت و مشارکت عمومی و یا عدم وجود آن در بقا و داوم هر جنبشی در جامعه و زوال آنها، امری واضح و غیرقابل انکار است. مشارکت عمومی اقشار مختلف جامعه از جمله زن و مرد حتی نوجوانان و سالخوردگان و روحانیان، تجار، کارمندان، نظامیان در عرصه مبارزه در برابر ظلم لازمه هر جنبشی است. یکی از ویژگی‌های جنبش انصارالله که بر کسی پوشیده نیست پشتوانه مردمی است که هیچ حمایت جانی، سیاسی و مالی را از آن دریغ نمی‌کنند.

یحیی محمد، فعال سیاسی یمنی، در خصوص تأثیر اندیشه انقلاب اسلامی و امام

خمینی رحمته الله علیه بر انقلاب یمن گفت:

کافی است که بگوئیم حرکت و جنبش انقلابی یمن، با الهام از اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه آغاز شده و خواست اصلی انقلابیون اجرای عدالت و دموکراسی در کشور، کوتاه کردن دست قدرت جهانی از یمن و حفظ استقلال است (موسوی و باقری فر، ۱۳۹۴ ش: ۲۲۳).

محور مقاومت

در همین راستا از منظر رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای، از ویژگی‌های بیداری اسلامی الهام گرفتن از انقلاب و جمهوری اسلامی است و از نظر ایشان از ملاک‌ها و شاخص‌های اصلی این جنبش‌ها، اسلامی بودن و پیوند عمیق آنها با مفاهیم دین مبین اسلام، حرکت اصیل مردمی و توده‌وار بودن و همچنین ماهیت ضد استکباری و در وضعیت کنونی ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی آنهاست (خواجeh سروی و شهرکی، ۱۳۹۱ ش: ۱۹۱).

از این روز یمن را باید در زمره کشورهای دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن و همچنین قرار گرفتن در ژئوپولیتیک بیداری اسلامی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است. این در حالی است که از سوی دیگر، تنها محور کارآمد به منظور مقابله با نظم منطقه‌ای که توسط آمریکا ایجاد شده محور مقاومت می‌باشند و این گزاره نیز به تناوب از سوی مسئولان ایران و یمن مورد تأکید قرار گرفته است.

دشمنان مشترک

مهم‌تر آن که پیوند ارزش‌های ایران و یمن به ایجاد نگرانی ناشی از وجود دشمن مشترک منجر شده است که زمینه نزدیکی دو طرف را به ویژه در ابعاد امنیتی و دفاعی فراهم می‌کند (رستمی، ۱۳۹۷ ش: ۲۴-۲۵).

به علاوه وجود یمن در جنوب غرب آسیا به دلیل موقعیت استراتژیک جغرافیایی که دارد به عنوان پل جنوب غرب آسیا و آفریقا یاد می‌شود و می‌تواند منجر به گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی شود (جهان تیغ، ۱۳۹۵ ش: ۲۴۶).

مبارزه با اندیشه‌های وهابیت

مقابله نرم و سخت با نفوذ انقلاب اسلامی در یمن از سال ۱۹۷۰ تاکنون عربستان به شکل دهی دولت و ساختار نیروهای مسلح و دستگاه‌های امنیتی یمن نقش چشمگیری داشته

که کلاً مبتنی بر رویکرد فرقه‌ای طایفه‌ای بوده. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دولت عربستان این رویکرد را با حساسیت و جدیت بیشتری دنبال نموده و اقدام به ترویج افکار وهابیت در مناطق شمالی یمن کرده به طوری که بیش از ۴۰۰ مدرسه وهابی در مناطق صعدة و صنعا تعز و ابین برپا کرده (فضائلی، ۱۳۹۵ش: ۴۶).

نزدیکی رژیم علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن به سعودی‌ها سبب گسترش حضور و نفوذ وهابیت به رغم جمعیت اندک‌شان در یمن به ویژه در پارلمان این کشور شده بود این شرایط حتی مطلوب سنی‌های یمن نیست زیرا شافعی‌ها اکثریت جمعیت سنی یمن را تشکیل می‌دهند و مانند شیعیان از مخالفان سلفی‌ها به شمار می‌روند و برخی از گروه‌های شافعی یمن نیز در کنار حوثی‌ها به نبرد علیه دولت یمن پرداخته‌اند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴ش: ۹۳).

همزمان با انزوای شیعیان زیدی در این کشور، گرچه از قبل جریان وهابیت در این سرزمین حضور داشت ولی از این زمان شاهد قدرت‌گیری روز به روز جریان وهابیت و جذب جوانان شیعی زیدی در یمن هستیم. دامنه تبلیغات وهابیت در بین شیعیان از این زمان افزایش یافت. آمارها حتی از جذب سه میلیون نفری زیدی‌ها به وهابیت سخن می‌گفت. از سوی دیگر، از چند دهه گذشته یمن عملاً تبدیل به مستعمره عربستان شده است و این کشور عملاً استقلال سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده است.

در چنین شرایطی بود که مردم یمن و به خصوص شیعیان که تحت تأثیر انقلاب اسلامی به رشد و بلوغ سیاسی رسیده بودند با سیاست دولت که تابع خاندان سعودی بود به مخالف برخاستند که همین مسئله منجر به درگیری‌های متعددی بین شیعیان و حکومت مرکزی که دست‌نشانده آل سعود بود، گردید. شیعیان زیدی یمن هم‌چنان به دنبال مطالبات خود بودند و از سوی دیگر حکومت مرکزی به دستور خاندان سعودی حاضر به دادن هیچ امتیازی نبود. به همین دلیل عربستان سعودی با دلارهای نفتی خود ائتلافی از برخی کشورهای عربی وابسته به خود و جذب تعدادی مزدور تشکیل داده و از دو سال پیش یعنی ۲۰۱۴ میلادی با هواپیماهای جنگی اقدام به بمباران مناطق مختلف یمن کرده است. در طول نزدیک به دو سال، هزاران نفر کشته و نزدیک به دو میلیون نفر آواره گشته‌اند. ولی این جنایات هنوز نتوانسته خللی در اراده مردم و شیعیان یمن برای آزادی سرزمین خود از یوغ استعمارگران وارد سازد.

جنبش حوثی‌ها با تفسیر از مذهب زیدی و در واکنش به گسترش اندیشه وهابیت در یمن

شکل گرفت. شهید الحوثی در سال ۱۹۹۳ به پارلمان یمن راه یافت و به منظور مقابله با گسترش وهابیت و سلفی‌گری حزب الشباب المؤمن را تأسیس کرد (علیپور، ۱۳۹۷ش: ۵۷). این نکته مهم است که یادآوری کنیم که سرزمین یمن و جزایر آن نقش مهمی را در امنیت گلوگاه و آبراه جهانی دیگر در انتهای جنوبی دریای سرخ به نام باب‌المنذب یا دروازه اشک ایفا می‌کند که موقعیت گسترده نفوذ جنبش انصارالله و شیعیان الحوثی در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه راهبردی باب‌المنذب به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان در جهان و رنگ حیاتی کشتیرانی در کانال سوئز در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل در آورد که در مورد این موضوع از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند.

اهداف مشترک میان دو کشور

یمن آرام و همسو با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش به‌سزایی را در تأمین امنیت کشتی‌های نفتی ایران و منافع مشترک داشته باشد. در مقابل، روی کار آمدن یک دولت غیرهمسو با ایران در یمن و عدم نقش‌آفرینی این کشور به عنوان یکی از اجزای محور مقاومت می‌تواند امنیت اسرائیل را تضمین کند و همیشه تهدید علیه ایران را در نقاط استراتژیک به عنوان یک گزینه تضعیف در دست داشته باشد (رستمی، ۱۳۹۷ش: ۲۶-۲۷).

عقاید مشترک در باب مهدویت

با مراجعه به کتاب‌های زبیدی‌پی می‌بریم که آنها هم مانند سایر فرق اسلامی به ظهور و قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمته‌الکریم اعتقاد کامل دارند. به طور نمونه مجدالدین بن محمد بن منصور حسنی مؤیدی از بزرگان علمای زبیدی در کتاب *لوامع‌الانوار* بابی را تحت عنوان «اخبار المهدی» بیان کرده و احادیث بسیاری درباره آن حضرت آورده است. او در بخشی از کلمات خود می‌گوید:

امامان از آل محمد که دروهای خداوند متعال بر آنها باد به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمته‌الکریم بشارت می‌دادند و فرج او را از خداوند انتظار می‌کشیدند. اول امامان آخر امامان را به این موضوع وصیت می‌کردند و سابق آنان به کسانی که بعد از آنها می‌آمدند موضوع حضرت مهدی را ابلاغ می‌نمودند (مجدالدین بن محمد بن منصور مؤیدی، ۵۸-۶۴).

همین مضامین را امام زبیدی، ابن حمزه، در کتاب *الشافی* نقل کرده است. از عبارات ابن

حمزه استفاده می شود که او حتی به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد دارد، نه این که در آخرالزمان متولد می شود. و نیز قاضی حسین بن ناصر مهلا از علمای زیدیه در کتاب *مطمح الامال* به اصل قضیه مهدویت تصریح کرده است؛ او می گوید:

درباره مهدی احادیثی است که به حد تواتر رسیده است (قاضی الحسین بن ناصر النیسائی الشرفی، ۱۵۵).

پس مطالعه تفاسیر امامیه و زیدیه و نیز مراجعه به منابع زیدیه نشان می دهد اعتقاد به منجی که روزی خروج خواهد کرد، ظالمان را از بین برده و عدل و داد را در جهان حاکم خواهد کرد، از اشتراکات فکری امامیه و زیدیه و تفاوت در اصل معنای امام، فقدان طرح مسئله غیبت و امام غائب، اعتقاد به مهدویت نوعی و نه شخصی و اعتقاد به مهدی ها در دوران های مختلف حکومت زیدیه از مختصات زیدیه متقدم است و بخشی از این باورها در متون تفسیری آنان انعکاس یافته است.

براساس راهبرد و نظریه سیاسی شیعه مبنی بر اعتقاد به مهدویت و زمینه سازی برای هموار ساختن زمینه های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین عمق همکاری جمهوری اسلامی ایران و انصارالله یمن که برگرفته از این اعتقاد مشترک می باشد، این امر موجب تعامل و همکاری عمیق تر و همه جانبه این دو برای رسیدن به این هدف مشترک شده.

از آن جایی که بنابر عقیده زیدیه؛ عنوان امام و رهبری شامل هر سید فاطمی ای که قیام بر سیف می نماید می شود و زیدی ها در میان رهبران کشورهای اسلامی فقط این اوصاف در حضرت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) مشاهده کرده اند؛ این امر موجب همبستگی و الگوگیری بیشتر آنان از انقلاب اسلامی ایران شده است لذا حتی تعبیر امام خمینی و امام خامنه ای را به عنوان امام دانستن آنها به کار می برند.

حوثی ها قرابت زیادی با شیعیان و امامیه دارند، آنها پیروی از امام خمینی است که سلاله رسول الله صلی الله علیه و آله است و در برابر دشمن ایستاده است را لازم می دانند. زیرا بنابر عقیده حضرت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقام معظم رهبری (دامت برکاته)، این انقلاب وظیفه مقدمه سازی و زمینه سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و دادن پرچم به ایشان و رسیدن به عدل و داد را که غایت زندگی بشری است را بر عهده دارد و همین امر موجب الگوگیری و حمایت رهبران و مردم یمن از نظریه سیاسی شیعه شده و در رابطه با همین امر از هیچ عملی مانند حمایت از محور مقاومت مخصوصا مردم فلسطین و غزه و مبارزه علنی با دشمنانی مثل وهابیت و صهیونیست و

پرداخت هرگونه هزینه‌ای کوتاهی نکرده‌اند که این اعتقاد و عمل آنان با برخی از روایات در رابطه با مقدمات و علائم ظهور قابل تطبیق است.

نتیجه‌گیری

تأثیر انقلاب اسلامی ایران و تحولات نشأت گرفته از آن، بر کشور یمن، مردم و انصارالله، در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، سبک زندگی مردم و همچنین کمک‌های نظامی و غیرنظامی در زمینه‌های مختلف به مردم و انقلاب یمن غیرقابل انکار می‌باشد و همه بر این موضوع؛ متفق‌القول هستند که منشأ بسیاری از تحولات یمن مخصوصاً در بعد فرهنگی و نظامی در ایران است. در نتیجه می‌توان این مفهوم را بیان نمود که مردم یمن و انقلاب آنان و گروه‌های آن از جمله انصارالله، تأثیر به‌سزایی از انقلاب اسلامی ایران، رهبران، تعالیم و ارزش‌های والای آن گرفته‌اند. این تأثیرات به‌میزانی می‌باشد که می‌توان یمن و انصارالله را از جمله بزرگ‌ترین تأثیرپذیرفتگان از جمهوری اسلامی ایران در جامعه جهانی قلمداد کرد و نام آنها را در کنار نام‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و حشد الشعبی عراق ذکر نمود.

با بررسی‌های دقیق انجام گرفته معلوم می‌گردد که انقلاب یمن در تمام ابعاد، حتی در سبک زندگی، برگزاری مراسمات مذهبی، نوع عقیده و مسلک زندگی، دشمن مشترک، مبارزه با استکبار جهانی و اسرائیل و وهابیت، اهداف و عقاید مشترک در باب مهدویت، ارتقای جایگاه شیعیان، حس عزتمندی و ایجاد همبستگی و... تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران بوده است. هر نوع تغییر و تحولی در ایران و تصمیمات داخلی ایران منشأ اثر مستقیم در یمن بوده است. در این میان وقتی اشتراکات مذهبی (مخصوصاً در باب اهل بیت و مهدویت)، اهداف مشترک و دشمنان یکسان میان ایران و یمن در نظر گرفته می‌شود، موضوع تأثیرپذیری یمن از ایران و انقلاب اسلامی آن روشن‌تر شده و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

منابع

قرآن کریم

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آية الله المرعشی النجفی، اول.

۲. ابن الطقطقی (۱۹۷۷م)، *الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، تحقیق: عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربی، اول.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ائمه علیهم السلام*، قم: علامه، اول.
۴. ابن عنبه، احمد بن علی (۱۹۶۱م)، *عمدة الطالب*، تحقیق و تصحیح: محمدحسن آل الطالقانی، نجف: منشورات حیدریه، دوم.
۵. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۳ش)، *میزان سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ های نیابتی ایران و عربستان*، سال ۵، شماره ۱۲.
۶. اصفهانی، ابوالفرج (بی تا)، *مقاتل الطالبین*، تحقیق: احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.
۷. امیردهی، علیرضا (۱۳۸۹ش)، «یمن از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران»، *فصل نامه اندیشه تقریب*، شماره ۲۳.
۸. امیری، محسن (۱۳۸۹ش)، «گسترش جنبش های اسلامی و استبداد خاورمیانه ای»، *هفته نامه نگاه حوزه*، شماره ۲۹۹.
۹. التیامی نیا، رضا؛ باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۵ش)، «بحران یمن، بررسی زمینه ها و اهداف مداخلات داخلی عربستان و آمریکا»، *فصل نامه پژوهش های راهبردی سیاست جاسب*، سال ۵، شماره ۱۸.
۱۰. جانسیز، احمد؛ تارین، مصطفی (بی تا)، «بررسی ریشه های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی ها»، *نشریه سپهر سیاست*.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۳ش)، *سیره رسول خدا ﷺ*، قم: دلیل ما، سوم.
۱۲. جعفریان، رسول (۱۳۸۵ش)، *بسترهای گسترش تشیع در ایران*، روزنامه جام جم.
۱۳. جهان تیغ، رضا؛ فرجی زاده، عبدالرضا؛ سیاری، حبیب الله (۱۳۹۵ش)، «تحلیل ظرفیت های ژئوپلیتیکی کشور یمن در تحولات سریع نظام بین المللی»، *فصل نامه برنامه ریزی منطقه ای*، سال ۶، شماره ۲۳.
۱۴. حسینی زاده، سید محمدعلی؛ فرهادی، زینب؛ غفاری زاده، مهرشاد (۱۳۹۵ش)، «جنگ یمن و القاعده»، *فصل نامه علوم سیاسی*، سال بیستم، شماره ۷۷.
۱۵. خواجه سروی، غلامرضا؛ شهرکی، حامد (۱۳۹۱ش)، «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی»، *فصل نامه پژوهش های انقلاب اسلامی*، سال اول.

۱۶. دارا، جلیل؛ بابایی، محمود (۱۳۹۴ش)، «بازخوانی جنبش انصارالله در بستر انقلاب اسلامی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۱۵.
۱۷. ذوالقدر، مالک؛ هاشمی، راضیه (۱۳۹۵ش)، «کالبدشکافی ایران و عربستان به تحولات یمن»، *فصل‌نامه مطالعاتی منافع ملی*، سال دوم، شماره ۶.
۱۸. رستمی، فرزاد؛ لطفی، کامران (۱۳۹۷ش)، «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۱۹. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۶م)، *الاعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، هشتم.
۲۰. سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیزآبادی، مهدی (۱۳۹۴ش)، «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در تحولات یمن»، *فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۲.
۲۱. شمسینی غیاثوند، حسن؛ احمدوند، مصطفی (۱۳۹۴ش)، «تأثیر دولت‌های منطقه‌ای و تحولات سیاسی امنیتی یمن با تأکید بر عربستان و ایران»، *فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال ششم، شماره ۲۵.
۲۲. طبری، محمدبن جریر (بی‌تا)، *تاریخ الطبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، بی‌جا: انتشارات اساطیر.
۲۳. عباسی، مجید؛ گلچین، سعید (۱۳۹۴ش)، «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن»، *فصل‌نامه مطالعات راهبردی راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره ۶۹.
۲۴. علی‌پور، علی؛ قیطاسی، سجاد (۱۳۹۷ش)، «آینده پژوهی بحران یمن بر پایه سناریونویسی»، *فصل‌نامه آینده پژوهی دفاعی*، سال سوم، شماره ۸.
۲۵. عمری نسابه، علی بن محمد (۱۳۸۰ش)، *المجدی فی انساب الطالبین*، تحقیق: احمد مهدوی دامغانی، قم: ستاره، دوم.
۲۶. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۳۷۷ق)، *الشجرة المبارکة فی انساب الطالبین*، تحقیق: مهدی رجایی، قم: حافظ، دوم.
۲۷. فضائلی، مصطفی (۱۳۹۵ش)، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، *فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، شماره ۱.
۲۸. مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ

مفید.

۲۹. موسوی، سیدمحمد؛ موسوی، محسن (۱۳۹۴ش)، «نظریه‌سازه‌انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴.

۳۰. المؤیدی، مجدالدین بن محمد بن منصور (بی‌تا)، *لوامع الأنوار فی جوامع العلوم والآثار و تراجم أولی العلم والأنظار*، تحقیق: محمد بن علی الحذیفی، صعده: مرکز أهل البيت للدراسات الإسلامية، اول.

۳۱. میراحمدی، منصور؛ احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۴ش)، «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن»، فصل‌نامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳.

۳۲. ناظمی اردکانی، مهدی؛ داوودی، احمدعلی (۱۳۹۳ش)، «آرمان‌های جهانی اسلام در اندیشه فرهنگی انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹.

۳۳. النیسائی الشرفی، قاضی الحسین بن ناصر (بی‌تا)، *مطمح الآمال فی ایقناظ جهلة العمال من سنة الضلال والتنبیه علی ما کان علیه رسول الله ﷺ و وصیه والأئمة*، اردن: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية.

Youth and the process of the challenges of currents and deviant differences in the post-revolution period with an emphasis on the challenges related to Velayat al-Faqih

Dr. Javad Ishaqian Dorcheh ¹

Abstract

Mahdism is one of the most important Islamic and Shiite teachings that has the capacity to create unity, cohesion and security in domestic and international dimensions, and the Islamic revolution is based on the theological foundation and rulings of Mahdavi, deviant movements and sects try to distort these teachings and culture in various ways based on it, they take the intellectual and practical power of the youth to serve their fake goals; sometimes in a soft way through falsification and creating deviations in the security defense culture of Mahdism, and sometimes in a hard way by creating violence and disturbance and conflict in the name of Shiism and Mahdism; In addition to distorting this sublime culture, these activities can create many anti-security issues, and the future course of these sects also shows discord, conflict and destruction, whose driving force is human power, especially the youth. Therefore, the main issue is what are the current and future challenges of sects and deviant movements, especially in opposition to the religious authority? This research is done with a descriptive and analytical review of the written sources and the results of the Mahdavi center's field research, and finally the result is that in the face of the challenges, it is possible to use the rich Mahdavi culture, proper education and research in the field of sects, as well as precise and documented planning and their implementation. Immunity was created against these threats and young people were justified and protected in intellectual and practical terms.

Keywords: Youth, Mahdavi culture, Islamic system, deviant sects, challenge, religious jurisprudence, Islamic revolution

1. Assistant Professor, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran

جوانان و روند و فرآیند چالش‌های جریان‌ها و فرق انحرافی در پسا انقلاب با تأکید بر چالش‌های مربوط به ولایت فقیه

جواد اسحاقیان درجه ۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

چکیده

مهدویت از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی و شیعی است که ظرفیت ایجاد اتحاد، انسجام و امنیت در ابعاد داخلی و بین‌المللی را دارد و انقلاب اسلامی هم مبتنی بر زیربنای کلامی و حکمی مهدوی است، جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی از طرق مختلف سعی در تحریف این آموزه‌ها و فرهنگ مبتنی بر آن دارند، آنها نیروی فکری و عملی جوانان را در خدمت اهداف جعلی خود می‌گیرند؛ گاهی به شکل نرم از طریق جعل و ایجاد انحراف در فرهنگ دفاعی امنیتی مهدویت، و گاهی از نوع سخت با ایجاد خشونت و اغتشاش و درگیری به نام تشیع و مهدویت؛ این فعالیت‌ها می‌تواند علاوه بر مخدوش نمودن این فرهنگ متعالی، مسائل ضد امنیتی متعددی ایجاد کند و سیر رو به آینده این فرقه‌ها نیز اختلاف، درگیری و تخریب را نشان می‌دهد که موتور محرکه آنها نیروی انسانی و خصوصا جوانان است. بنابراین مسئله اصلی آن است که چالش‌های حال و آینده فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی خصوصا در تقابل با ولایت فقیه چیست؟ این جستار با بررسی توصیفی تحلیلی منابع مکتوب و نتیجه تحقیقات میدانی مرکز مهدویت انجام می‌شود و در نهایت نتیجه آن است که در برابر چالش‌ها می‌توان با استفاده از فرهنگ غنی مهدوی، آموزش و تحقیق مناسب در زمینه فرقه‌ها و نیز برنامه‌ریزی دقیق و مدون و اجرای آنها در برابر این تهدیدها مصونیت بخشی ایجاد نمود و جوانان در زمینه فکری و عملی توجیه و مصون‌سازی شوند.

واژگان کلیدی:

جوانان، فرهنگ مهدوی، نظام اسلامی، فرقه‌های انحرافی، چالش، ولایت فقیه، انقلاب اسلامی.

مقدمه

رسیدن به امنیت ملی از مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها و نیز حکومت‌هاست، مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های مختلفی برای تأمین امنیت وجود دارد؛ سیاست‌های امنیتی دفاعی در انقلاب و نظام اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه‌های دینی و مهدوی است که رهنمودها و سیاست‌های امام راحل و مقام معظم رهبری بر همین مبانی قرار گرفته و نظام اسلامی نیز حدوثا و هم بقائاً به این موضوع وابسته است؛ در مقابل، فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی در به چالش کشاندن این فرهنگ و تضعیف و آسیب رساندن به امنیت ملی از این راه، روش‌ها و ترفندهای خاص خود را داشته‌اند؛ از آن‌جا که این فعالیت‌ها به تدریج روند ضد امنیتی پیدا می‌کند لازم است چالش‌ها و موارد تقابل این فرقه‌ها با مبانی و آموزه‌های انقلاب اسلامی و نیز امنیت نظام اسلامی مورد بررسی قرار گیرد تا در برابر مخاطرات امنیتی مصونیت‌سازی شود. از سوی دیگر ایجاد مصونیت زمانی توفیق خواهد داشت که گونه‌های مختلف ناامنی مشخص گردد؛ در مقابل برای ایجاد امنیت پایدار براساس سیاست‌های مهدوی باید این جریان‌ها و ترفندهای آنها شناخته شود و متناسب با آنها مقابله شود و مسائل آشکار و پنهان آنها تبیین شود تا مانع از بین رفتن هزینه‌های مادی و انسانی در این زمینه شویم. فرقه‌ها با تحریف عقاید مهدویت و ایجاد نسخه بدل در برابر مهدویت حقیقی، این موضوع را به تحریف کشانده و ظرفیت‌های امنیت‌ساز را به ضد خود (یعنی ضد امنیتی) تبدیل کنند. به عنوان نمونه در برابر ولایت فقیه (متأثر از مهدویت)، نوعی ولایت عامه و... توسط گروه‌های انحرافی مطرح می‌شود و یا برخی جریان‌ها در برابر اندیشه انتظار، آموزه‌های مانند تحسس و حس کردن خود امام زمان علیه السلام یا تمسک به اقطاب صوفی یا اتصال به انرژی کیهانی و انسان‌محوری بیان شده است. از سوی دیگر جوانان در مواجهه با مسائل زمان خود به چالش‌هایی گرفتار می‌شوند، براساس برخی از تحقیقات میدانی، گرایش جوانان به فرقه‌ها و عرفان‌ها و عقاید منحرف و وارداتی، شادی و نیاز به شادی جوانان و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی آنها، فقدان فضاهای عمومی مناسب در شهر و... از نیازها و مسائل جوانان ایرانی در زمینه‌های مختلف است (قنبری برزیان، ۱۳۹۳ش: ۶۶۷) و گرایش به جریان انحرافی در صدر این چالش‌ها قرار دارد.

بیان مسئله

اندیشه مهدویت بستر مهمی در فرهنگ‌سازی جامعه اسلامی به خصوص جامعه شیعی ایرانی و انقلاب اسلامی محسوب می‌شود از سوی دیگر انسجام در فرهنگ عمومی مهم‌ترین شاخصه در امنیت همه جانبه در کشور است و با انحراف کشیدن فرهنگ مهدوی، این انسجام و امنیت به چالش کشیده می‌شود. در این راستا فرقه‌ها و مدعیان از زمینه فرهنگ مهدوی سوء بهره‌برداری می‌کنند تا اهداف و منافع خود را دنبال کنند. این انحرافات به قدرت اتحاد و همگرایی ملت آسیب می‌زند، این جریان‌ها و گروه‌ها اشکال مختلفی دارند برخی به شکل صریح با ادعای مشخص مهدویت و نیابت و... عمل می‌کنند و تطبیقات ناروا در متون دینی انجام می‌دهند و دسته دیگر، ادعای صریح در موضوع مهدویت ندارند بلکه در فرهنگ عمومی و عرصه فکر و اندیشه ورود کرده به گونه‌ای عمل می‌کنند که حساسیت در برابر آنها پیدا نمی‌شود اما در نهایت حاصل کار آنان تخریب مباحث مهدوی است که این هم باعث خدشه و شکاف در اتحاد مبتنی بر مهدویت خواهد بود. فرقه‌ها و مدعیان هم از بعد ایجابی و هم سلبی تهدیدهایی در پی دارند در بعد سلبی، باعث تهدیدهای سخت و خشن می‌شوند و در بعد ایجابی مانع ایجاد شرایط مطلوب برای امنیت دینی و ایمانی می‌شوند. نظام سیاسی در هر کشور لازم می‌داند با تهدیدها و آسیب‌های ضد امنیتی مقابله کند و نظام اسلامی به طور خاص براساس دستورات قرآنی و دینی مؤظف است زمینه‌های سعادت و کمال مردم را فراهم کند و در این راستا باید با عوامل مخل امنیت دینی و فرهنگی نیز برخورد خاص خود را داشته باشد و چنین امری نیازمند زیربنای پژوهشی و تحقیقی است، در این تحقیق چالش‌های مختلف ایجاد شده توسط فرقه‌ها در عرصه فردی، فرهنگی و اجتماعی در گونه‌های نرم و سخت مدنظر است و نیز تهدیدات بالقوه‌ای که از جریان‌های انحرافی انتظار می‌رود و در این راستا، نقش ایجابی جوانان در تحقق آرمان‌های اصیل مهدوی و زمینه‌سازی تمدن مهدوی چگونه است و جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی در مقابل جوانان چه چالش‌هایی ایجاد می‌کنند که می‌تواند تأثیر این چالش‌ها، تأثیر منفی نیروی جوان در برابر آرمان‌ها باشد و به جای تمسک به مهدویت و ولایت فقیه در دوره غیبت، در دام فریب جریان‌های انحرافی و الگوهای بدلی دوران غیبت گرفتار شود.

پیشینه

در مورد اصل آسیب‌ها و تهدیدهای فرقه‌گرایی مذهبی برخی از مقالات موجود است مانند "آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام" از عبدالحسین خسروپناه، که بیشتر به زمینه‌ها و عوامل فرقه‌گرایی و آسیب‌های مختلف اجتماعی آن پرداخته است. در برخی از منابع ظرفیت‌های فرهنگ مهدوی در برابر آسیب‌ها را بررسی می‌کنند مانند "راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز براساس مدل SWOT" از آقای محسن پورسیدآقایی که حاصل تحقیق میدانی در عرصه برخی از مراکز علمی است تا بتواند براساس محاسبات این مدل در برابر تهدید و آسیب‌ها الگویی ارائه نماید. در مباحث امنیتی دفاعی نیز منابعی وجود دارد همانند کتاب دفاع هوشمند در اندیشه امام خاتمه‌ای از رحمان لطفی مرزناکی که برخی از مؤلفه‌های معنوی و اجتماعی دارای قدرت امنیت‌ساز را بیان نموده است، اثر دیگر "فرهنگ استراتژی" از میرعلی محمدنژاد و محمدتقی نوروزی که مفاهیم مربوط به استراتژی، دفاع و امنیت را تحلیل نموده است، در موضوع فرقه‌های انحرافی مواردی همچون، مهدیان دروغین از رسول جعفریان که آثار و رفتار مدعیان را در سده‌های مختلف اسلامی مطرح نموده است.

منابع مربوط به خصوص نقد فرقه‌ها و مدعیان، همانند موضوع بررسی جریان‌های انحرافی معاصر از آقای حجامی تألیفاتی وجود دارد؛ شناخت و بررسی کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، زیر نظر: پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که در آن به شکل کلی این موضوعات را بررسی می‌کند، و نیز کتاب به سوی انحراف در نقد جریان علی یعقوبی اثری از دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ تحقیقی به نام هجوم خاموش که به تهدیدها و آسیب‌های امنیتی فرقه‌های معاصر می‌پردازد این اثر حاصل کار چند نویسنده است: حسن موجانی، حجت حیدری چراتی، جواد اسحاقیان درچه؛ اثر دیگر با نام قبیله تزویر از آقای امیرمحسن عرفان است که فرقه‌ها و جریان‌های معاصر و شگردهای آنان را بررسی می‌کند.

ضرورت بحث

انتظار انقلابی و تمدن‌ساز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مطرح گردید، تأسیس تمدن نوین اسلامی را با هدف زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان هدف

خود در نظر گرفته است. این ایده به روشنی در گفتار و سیره رهبران انقلاب اسلامی قابل رصد می‌باشد. نقش تفکر انتظار انقلابی و نقش ویژه جوانان در ساخت تمدن نوین اسلامی مبتنی بر منظومه فکری مهدوی حائز اهمیت است و انتظار فعال انقلابی با حضور ویژه جوانان و محوریت و راهبری ولایت فقیه، می‌تواند راهبرد ساخت تمدن نوین اسلامی باشد (برزویی و عرب‌پور، ۱۳۹۸).

این ظرفیت بزرگ جهت تمدن‌سازی با چالش‌هایی مواجه است از جمله فرقه‌های انحرافی که با ایجاد فرضیه‌های رقیب و الگوهای بدلی به جای حکومت اسلامی و ولایت فقیه، جامعه و خصوصاً جوانان را به تشتت و افتراق می‌کشاند و مخاطرات امنیتی را در این راستا دنبال می‌کنند.

با توجه به دخالت عوامل گوناگون در مختل نمودن امنیت، لازم است در موضوع تهدیدهای بالقوه و بالفعل در کشورهای در حال توسعه خصوصاً ایران اسلامی انجام شود (خوشفر، ۱۳۸۷ش: ۳). بنابراین با شناسایی تهدیدهای بالقوه و بالفعل از طریق فرقه‌ها و نحله‌ها در کشور و ارائه پیشنهادها راهبردی می‌توان از خطرات رائج یا در دست اقدام آنها در آینده کاست و با سیاست‌گذاری مدون و کاربردی اثرات مخرب فرقه‌ها را می‌توان در کمترین حد نگاه داشت (جوادی آملی، ۱۳۹۷ش: ۱۱).

مفاهیم و واژه‌ها

نحلت: به معنی مذهب باطل یا مذهب (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ۴۲۲)

فرقه: گروه مذهبی است که در اعتراض به گروه مذهبی دیگر پدید می‌آید و معمولاً از گروه مذهبی اصلی جدا می‌شود (راسخ، ۱۳۹۳ش: ۶۲۷)

فرقه‌گرایی معادل "الطائفه" در عربی و SECTARIANISM در انگلیسی به معنای عقاید تعصب‌آمیز حزبی یا مسلکی و افکار محدود به فرقه خاص و لجوج در عقاید خود است (آریانپور، ۱۳۶۹ش: ۵۸)

آینده‌پژوهی: معادل لغت لاتین «Futures Study» است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدلوژی‌ها و به جای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود.

آینده‌پژوهی ترسیم رویدادهای آینده است و پژوهشی است توصیفی که به توصیف نادیده‌ها و ناشنیده‌ها در آینده می‌پردازد. پژوهشی است با صدها فرآیند در مورد جهان آینده (سایت مرکز مطالعات آینده‌پژوهی).

فرهنگ مهدوی: اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و... (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۶۰) و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی از جامعه به دست می‌آورد (همان: ج ۲، ۱۵۳).

با توجه به این‌که مهدویت مبتنی بر متون قرآنی و روایی و سیره معصومین علیهم‌السلام است می‌توان چنین گفت:

فرهنگ مهدوی مجموعه‌ای از باورها و اندیشه‌ها و نیز رفتارها و سبک زندگی و همچنین انگیزه‌ها و محرک‌هایی است که فرد و جامعه را به انتظار امام زمان عجل‌الله‌تعالی سوق می‌دهد و زمینه تحقق جامعه آرمانی و حکومت جهانی عدل مهدوی را فراهم می‌کند. فرهنگ دینی بخشی از هویت دینی را شکل می‌دهد (رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۱۰۵؛ گیدنز، ۱۳۷۸ش: ۸۱).

مفهوم‌شناسی امنیت: امنیت به معنی امن و دوری از هراس بودن (معین، ۱۳۶۳ش: ۳۵۲)؛ اطمینان و آرامش خاطر (معلوف، ۱۹۷۳م: ۱۸)؛ فارغ بودن از بیم تهدید به جان و مال و شرف و آبرو، ایمنی و آسودگی (عمید، ۱۳۷۲ش: ۲۳۳ و ۲۷۱)؛ وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۸ش: ۱۳۸)؛ امنیت را معادل لاتین Security در معنای حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید دانسته‌اند که شامل امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی است (آشوری، ۱۳۷۸ش: ۳۸).

بحث امنیت عمومی، همه خطرهای مثل تهدیدها و تقابلهای تروریستی فرقه‌ها را هم در بر می‌گیرد (نویدنیا، ۱۳۸۵ش: ۶۴-۶۵).

در اصطلاح این تحقیق، فرقه‌های انحرافی، گروه‌های زاویه‌دار با دین رسمی هستند، مقصود ما تمام جریان‌ها و گروه‌هایی هستند که براساس منابع جعلی و روش‌های بدعت‌آمیز، به ایجاد تشکیلات غیرمعتبر در جمعیت مسلمانان و شیعیان دست زده‌اند و مقصود ما از امنیت نیز گونه‌های مختلف امنیت روانی دینی و اجتماعی و نظامی (ایجابی و سلبی) است.

از دید برخی از مفسران، امنیت ایجابی همان امنیت ایمانی و زیربنایی است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۷، ۲۰۰). اما فرقه‌ها با رویکرد غیر ایمانی (سلبی) و سیستم رهبری و امنیتی و مالی

اقتصادی خاص، حصاری در برابر دیگران ایجاد می‌کنند.

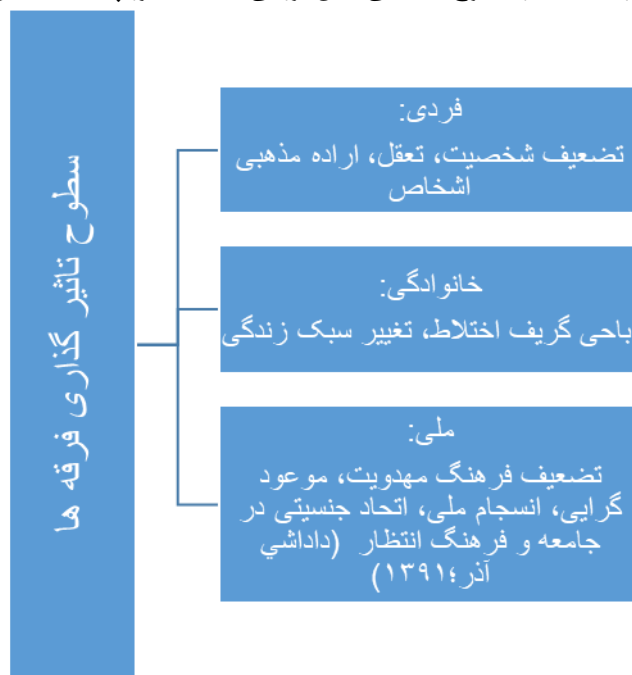
وضعیت گسترش فرقه‌ها و عرفان‌های بدلی در ایران جهان

وضعیت رشد فرقه‌ها به گونه‌ای است که برخی دوران کنونی را انفجار فرقه‌ها نامیده اند (جواهری و میکائیل، ۱۳۹۳ش: ۱۲). بیش از ۱۰ هزار و ۷۶۶ فرقه و جریان نوظهور در سراسر جهان فعالیت می‌کنند (سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی: کد خبر ۸۰۵۱۲۱۸۱، تاریخ خبر ۱۳۹۱/۱۱/۴) که با جدیت به دنبال اهداف سوء فرهنگی خود هستند (سینگر، ۱۳۸۸ش: ۱). براساس آمار موجود در سطح ایران هم بیش از ۷۰ فرقه از این نحله‌های فکری و فرهنگی منحرف فعال هستند علاوه بر آن، تعداد فراوانی از مدعیان دروغین مهدویت نیز فعالیت دارند؛ معرفی برخی فرقه‌ها:

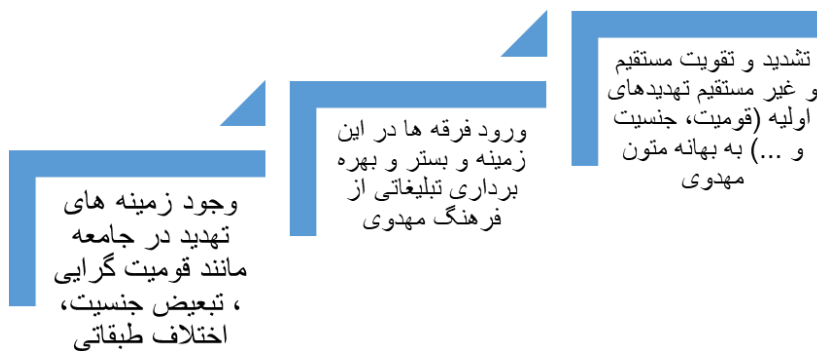
۱. بهائیت، در دو قرن اخیر دارای فعالیت‌هایی در برخی نقاط کشور مانند برخی از شهرهای شمالی کشور، تهران و فارس و اصفهان و... بوده‌اند. در حال حاضر براساس ادعای منابع بهائی، دارای ۳۰۰۰۰۰ عضو در کشور است (سایت پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران)
 ۲. فرقه‌های صوفیه دارای تنوع و تکثر زیاد هستند اما می‌توان گفت گروه‌هایی از صوفیه در شهرهایی مانند تهران، برخی شهرستان‌های اصفهان، بخش‌هایی از استان چهارمحال و بختیاری و شهرستان‌هایی از خوزستان و کرمانشاه و نیز برخی مناطق خراسان متمرکز شده‌اند.
 ۳. فعالیت گروه عرفان حلقه در ابتدا بیشتر در تهران و برخی دانشگاه‌ها و کانون‌های دانشگاهی متمرکز بود ولی از دهه هشتاد نمود بیشتری یافت و پس از آن تحت عناوینی مانند کلاس فرادرمانی در برخی شعبه‌های استانی هم رواج یافت.
 ۴. جریان علی یعقوبی در تهران و برخی شهرهای اصفهان مانند نجف‌آباد و نیز بعضی دیگر از مناطق کشور که توسط شاگردان و وابستگان وی فعال بوده است.
 ۵. جریان احمدالحسن نمونه دیگر است که در مناطق جنوبی و غربی مانند خوزستان و نیز مناطقی مانند قم و سمنان و یزد و تربت حیدریه و... دیده شده است.
- جریان‌های مختلف دیگری مانند تشیع انگلیسی، انجمن حجتیه و... نیز پیروانی در مراکز علمی دارند که در منابع تحقیقی شواهد آن وجود دارد (آرشیو مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۷ش: بخش نقد فرقه انحرافی).

تحلیل مکانیزم کلی چالش‌ها در فرق

۱. در بحث حاضر مقصود از چالش‌ها، انحرافات و فعالیت‌های انحرافی در فرقه‌هاست که به سمت تهدید رفته است و سطوح مختلفی قابل بررسی است (خسروپناه، ۱۳۹۴ش: ۹۲):



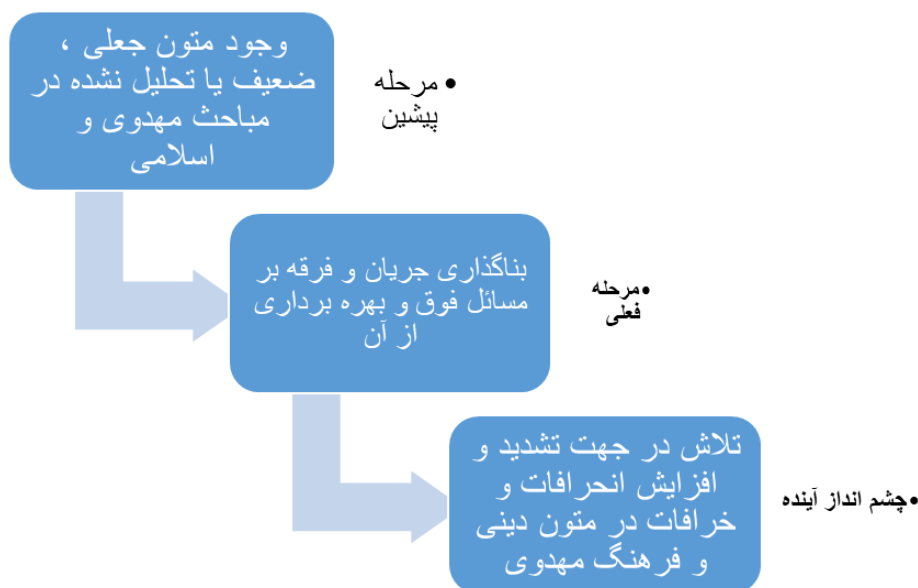
۲. در وضعیت فعلی نیز آسیب‌های پیش روی فرقه‌ها را می‌توان تحلیل نمود براساس این نمودار ذیل می‌توانیم سیر تهدیدها و آسیب‌های کلی برخی از فرقه‌ها را بیان کنیم:



براساس این نمودار پیش‌بینی این است که خود فرقه‌ها، عوامل تهدید را تشدید می‌کنند مثلاً می‌توان فرقه بهائیت را براساس این نمودار چنین تحلیل کرد: بهائیت به بهانه ایجاد عدل و ظهور منجی و نجات بخشی و رفع تبعیض‌ها بروز کرده و بعد نیروگیری می‌کند به تدریج در آموزه‌های خود مباحثی مطرح می‌کند که بخشی از اقشار و گروه‌ها را بر دیگران ترجیح می‌دهد؛ این روند به سمتی خواهد رفت که درگیری‌ها و اختلافات اقشار و طبقات تحت پوشش مباحث مهدوی، هم‌افزایی در پی خواهد داشت و در این مرحله دیگر هرچند فرق نقش‌آفرینی داشته اما کار ازدست خارج شده و جامعه به سمت تنش و ناامنی بیشتر رفته است (اشراق خاوری، ۱۳۹۹ش: ۱۳) تاریخ بابت و بهائیت نشانگر آن است که نیروی جوانی و انگیزه پر توان جوانان مورد طمع سران این جریان‌ها قرار گرفته و آنها را به نام مهدویت و قیام عدالت طلبانه به آشوب و تنش در شهرهای مختلف ایران کشانده و حوادث مختلف خونینی ایجاد نموده است (اسحاقیان، ۱۳۸۹ش: ۱۴۵)، همین جهت‌گیری پس از انقلاب توسط سرویس‌های بیگانه و در بستر فرقه‌های انحرافی دنبال می‌شود تا جوانان از فرهنگ ولایت‌پذیری و شهادت‌طلبی و مجاهدت و تمدن‌سازی، به پرتگاه اغتشاشات و انحرافات کشانده شوند.

نمونه دیگر از این موضوع، تلاش فرقه‌های وهابیت در ایجاد تفرقه امت اسلامی است که این کار را به بهانه آموزه‌های مهدویت در شیعه انجام می‌دهند، در این راستا تلاش می‌کنند تعصب قومیتی و نژادی را برجسته کنند و این تعصبات و جهت‌گیری‌ها را به آموزه‌های شیعی نسبت دهند تا دیگر مسلمانان در برابر آن احساس خطر و تهدید نمایند؛ مثل این‌که ادعا می‌کنند مهدی شیعه تنها به قتل و کشتار اعراب می‌پردازد و عرب‌ها را مورد حمله قرار خواهد داد (الخمیس، ۱۴۲۹ق: ۱۴۱) با این ترفند بخش زیادی از مسلمانان که عرب هستند ممکن است در برابر غیرعرب‌ها در ایران و انقلاب اسلامی در بستر ایرانی، تحریک شده و به اقدامات ضد امنیتی و تفرقه‌افکنانه دست بزنند. مانند ترویج پان عربیسم و پان ترکیسم و تشکیل برخی جریان‌های مهدوی مانند الله وردیخانی در تبریز (اسحاقیان، ۱۳۸۹ش: ۶۵).

۳. آینده پژوهی تهدیدهای اعتقادی فرقه‌های انحرافی را با نمودار زیر می‌توان نشان داد:



به عنوان نمونه گروهی مانند انجمن حجتیه در ابتدا به نام مبارزه با بهائیت به بهره‌برداری از برخی روایات و متون مهدوی می‌پردازد که تحلیل نشده و ضعیف است و بر این اساس ساختار و فعالیت‌های خود را پی‌ریزی می‌کند و خصوصاً در نگاه به جایگاه عقل و فلسفه و تحلیل عقلانی دین روش خاص خود را دارد (ارشادی‌نیا، ۱۳۷۶ش: ۸۸) و بر همین اساس، نگاه خاص خود به انتظار را شکل می‌دهد و امروز می‌توان به راحتی چشم‌انداز آینده این جریان را بیان نمود که برای تقویت جایگاه خود در بین اقشار مختلف و مقدس‌نماها و با توجه به فضای عمومی جامعه و مشکلات موجود، دیدگاه‌ها و نظریاتی ارائه کند که اساساً انقلاب اسلامی و نظام ولایت فقیه را زیر سؤال ببرد (علیان‌سب، ۱۳۹۰ش: ۸۷) و تحلیل ما آن است که در آینده نوع دیگری از انتظار و ولایت‌مداری مهدوی را به متون دینی منتسب خواهند نمود و این مسئله خود باعث بروز خرافات و تشدید تنش‌ها و تهدیدهای امنیتی می‌شود.

نمونه دیگر، فعالیت‌های جریان‌هایی مانند منصور هاشمی خراسانی که در ظاهر از ادله استفاده می‌کند که به غیر از حضرت مهدی نباید از کسی اطاعت کرد و جهاد فقط در معیت ایشان جایز است (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۴ش: ۲۷۵-۲۷۶). به طور کلی در فرقه‌ها جهاد اسلامی و مهدوی از معنای خود منحرف می‌شود (باقری، ۱۳۹۳ش: ۵۵-۷۴؛ هی‌وود، ۱۳۷۹ش: ۴۹۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲ش: ۲۲۶) بنابراین مکانیزم رایج، تحریف آموزه‌های

اعتقادی و در ادامه آن گسترش مصادیق بروز فرقه‌های ضاله و عرفان‌های نوظهور است (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ش: ۶۳).

۴. مکانیزم تهدیدآفرینی و سیر و امتداد فعالیت‌های ضد امنیتی فرقه را در قالب یک نمونه یعنی جریان احمد اسماعیل بصری را در قالب جدولی ارائه می‌کنیم:

مرحله	عنوان	شرح	سیر و امتداد کار جریان	سطح ضد امنیتی
اول	ظهور یمانی			
دوم	جذب انصار با تمرکز بر طلاب و برخی مردم			
سوم	اعلان رسمی ظهور و قیام			
چهارم	غیبت یمانی	ادعای شروع غیبت احمد بصری تا شش سال و بعد بداء و افزایش سنوآت غیبت	توجیه و تفسیر شبه علمی	خاموشی موقت تهدیدات
پنجم	گسترش به کشورهای مانند ایران	توسعه و جذب نیروهایی در کشورهای همچون ایران	تشکیل لشکر دوازده هزار نفری انصار (بصری، بی‌تا: ۱۷۳)	شروع تهدید مجدد
ششم	آمدگی نظامی	پایان دعوت و آغاز تقویت جسمی و نظامی خصوصا در ایران	تبلیغ مستقیم و جذب	تهدید غیررسمی و به ظاهر علمی
هفتم	شروع اقدامات نظامی	فراخوان اقدامات نظامی در ایران	تشکل سازی و ارتباط‌گیری	تهدید رسمی
هشتم	ظهور و قیام انصار یمانی از ایران	در زمان تشکیل لشکر دوازده نفری قیام سراسری انصار ایران	تقابل آشکار با انقلاب اسلامی و ولایت فقیه ^۱	تهدید آشکار حکومتی و حرکت به سمت اغتشاش (حیدری چراتی و فلاح، ۱۳۹۴ش: ۱۲۱)

در فرق دیگر نیز حرکت به سمت اقتدارگرایی و تقابل با امت اسلامی مشهود است (شیرازی، بی‌تا: ۱۵) و در این راستا هر امری از جمله منافع ملی را هزینه می‌کنند.^۲

۱. النصیحة الی طلبة الحوزات العلمیه، ۲۳: 61SpdxTn2S4 <https://www.youtube.com/watch?v=61SpdxTn2S4>

۲. به عنوان نمونه دفاع و حمایت بهائیت از معترضان حقوق بشری در ایران: در گزارش ۳۲، مورخ ۶ اکتبر ۲۰۰۷ که از سوی سران تشکیلات بهائیان ایران به بیت‌العدل بهائیان (مستقر در اسرائیل) ارسال شده، از شیرین عبادی و کانون مدافعان حقوق بشر به دلیل برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی با عنوان "حق آموزش و پرورش" در ۲۶ مهرماه

ایجاد چالش‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی در برابر نظام

از دیگر زمینه‌های آسیب‌زای مدعیان و فرقه‌ها آن است که علی‌رغم انحرافی و ضد امنیتی بودن، چنین القا می‌کنند که به نوعی مدعی داشتن حقوق مذاهب و انجمن‌های فرهنگی و اعتقادی هستند و اگر با آنها مقابله شود در واقع از قوانین حقوق بشری و قضایی تخلف شده است و سعی می‌کنند فعالین حقوقی یا چهره‌های مشهور داخلی را در این زمینه تحریک به موضع‌گیری در برابر انقلاب و نظام کنند و این را به نوعی تقابل میدانی مردم با نظام هدایت کنند و در عرصه بین‌الملل نیز از این حربه برای محکومیت جمهوری اسلامی در هر موقعیت ممکن استفاده کنند.

به عنوان نمونه جریان کاظمینی بروجردی که ادعای نیابت خاصه را دارد به تدریج به تقابل با نظام منجر شد و با انتشار خبر بازداشت کاظمینی، نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های خبری و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی بین‌المللی اعتراض خود را اعلان نمودند و جو بسیار بدی علیه نظام ایجاد گردید سپس با فشارهای شدید بین‌المللی، احکام قضایی وی بلا تکلیف ماند و... و چهره‌های شاخص به دفاع حقوقی وی در برابر نظام آمدند از جمله خانم شیرین عبادی (برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۳) و آقای سیف‌زاده و آقای نعمت احمدی از وکلای مطرح ایران، وکالت این پرونده وی را قبول کردند (سایت پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیدحسین کاظمینی بروجردی).

تهدیدهای سخت

معمولاً فرقه‌ها در سیر تطور خود به تهدید و خشونت روی می‌آورند و این موضوع حتی فرقه‌های معنویت‌گرا همچون صوفیه^۱ را هم در بر می‌گیرد. واکنش‌های خشن همواره در فرق مشهود است (پورسعید، ۱۳۸۶ ش: ۴۷).

نمونه‌های تاریخی مختلفی در فرقه‌ها در اعمال خشونت و تهدیدهای سخت وجود دارد^۲ به عنوان نمونه در جریان شیعی، داعیان قرامطی بر پایه تبلیغ مهدویت، حملاتی در سال‌های

۱۳۸۶ تشکر شده است (لوح بدیع، شماره ۱۱۰، سال ۱۳۳۲).

۱. همچنین فرقه نعمت‌اللهی گنابادی در بعضی از فتنه‌های ایجاد شده علیه نظام اسلامی مشارکت داشته‌اند و این فعالیت‌ها را به نام اطاعت مطلق از قطب در دوران غیبت انجام می‌دهند (اسحاقیان و چراتی، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۷).

۲. تهدیدهای نوسلفی نمونه دیگر ناامنی اجتماعی است (خسروپناه و مزینانی، ۱۳۹۴ ش: ۱-۲۸).

مختلف به مناطق اسلامی انجام دادند در دوره غیبت به مکه حمله کردند و تعدادی از حاجیان کشته و حجرالاسود را به غارت بردند. نکته مهم این است که این اعمال به نام وقایع پایان دوره آخرالزمانی و براساس فرهنگ مهدوی رایج، انجام شده است (مادلونگ، ۱۳۹۰ش: ۱۵۴).

و نمونه اهل سنت آن، جریان ظهور مدعی مهدویت در محرم ۱۴۰۰ قمری در مسجدالحرام است؛ شخصی به نام جهیمان عتبی با معرفی محمد بن عبدالله قحطانی به عنوان مهدی اول این جریان را راه‌اندازی نمود و مدتی در مکه ایجاد آشوب نمود. جهیمان پایان حج ۱۳۹۹ و آغاز قرن ۱۵ را شرایط مناسبی برای این ادعا می‌دیدند که هم آغاز یک سده جدید و هم شروع سال جدید قمری است و با پیش‌بینی‌های ظهور مجدد در آغاز سده‌ها منطبق می‌نمود. حاصل این کار این بود که آشوب و اغتشاش شدید در حرم امن الهی شد که کشتار زیادی را باعث شد. نکته دیگر آن که شکل‌گیری این جریان از دل یک گروه سلفی است که با حکومت زاویه پیدا کرده مشروعیت برای آن قائل نبودند (جعفریان، ۱۳۹۱ش: ۲۴۱-۲۵۶).

شگردهای فرقه‌ها در خصوص مناسبات قدرت و سیاست دفاعی

فرقه‌ها و مدعیان به گونه‌های مختلف با ایجاد انحراف و تحریف در محتوای فرهنگ مهدوی، بن‌مایه‌های امنیت ملی و نظام اسلامی را با آسیب‌هایی مواجه می‌کنند که در این بخش نمونه‌هایی از آن را تبیین می‌کنیم:

۱. تحریف ظرفیت‌های دفاعی نظام اسلامی

روشن است که در مفاهیم زیربنایی انقلاب برای جهاد و دفاع در قالب نظام اسلامی ظرفیت‌های متعددی در دفاع و ایجاد امنیت دارد اما مدعیان با تضییق یا توسعه در این مفاهیم انحرافات به وجود می‌آورند.

در جریان یعقوبی تحلیل خاصی از نظام عالم و رابطه ملک و ملکوت ارائه می‌شود وی در مورد قدرت دفاعی انقلاب و نظام اسلامی بیان می‌کند که موشک و امثال آن را نیازی نداریم و به قدرت معنوی و ملکوتی (قوای مهدوی) نیازمندیم که در این زمان غیبت تنها افراد خاصی از آن بهره‌مندند و این افراد، خضر و نبی و خود شخص یعقوبی معرفی می‌شود که دیگران باید از قدرت‌های معنوی وی استفاده کنند (یعقوبی، بی‌تا: ۲۶-۲۸).

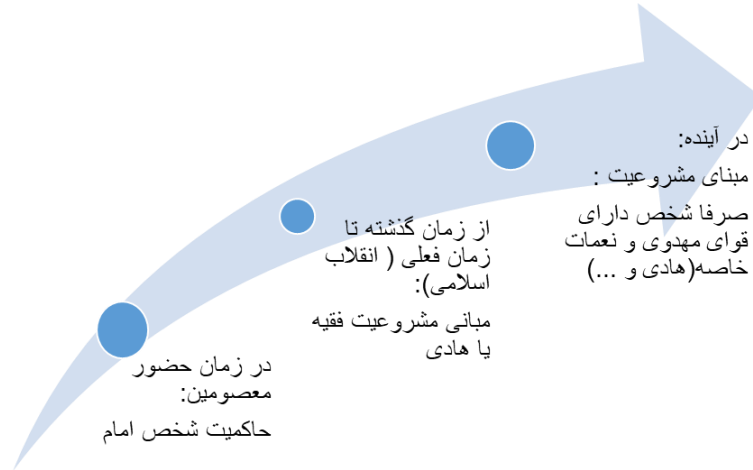
۲. ادعای تغییر در مبنای کلامی و حکمی مشروعیت انقلاب اسلامی و نظام

یکی از عوامل مهم جذب جوانان به جریان‌های انحرافی مربوط به مهدویت، ایجاد تردید و ضعف باورهایی است که در صورت تقویت آن باورها، حضور مسئولانه جوان‌ها به عنوان موتور محرکه اجتماع را در پی خواهد داشت، این باورها گاهی در مورد مشروعیت عملی و عینی ولایت فقیه و حکومت اسلامی در دوران غیبت است و گاهی مشروعیت نظری، در مورد مسئله اول، تبیین و تحلیل رویکرد امامین انقلاب به جوانان دارای اهمیت است مثلاً رویکرد امام راحل در به صحنه آوردن و جذب اجتماعی آنان.

جذب اجتماعی که در نقطه مقابل طرد اجتماعی است، در نزد بسیاری از متخصصان جامعه‌شناسی و رشته‌های علمی مرتبط و در نزد محققان بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای، به اصطلاحی متداول تبدیل شده است. همان‌طور که برخی از محققان امثال هیلاری سیلور برای ارائه تعریف طرد اجتماعی به مفاهیم عکس آن همچون همگرایی (ادغام)، و شهروندی در سخ پارادایم همبستگی (در تفکر جمهوری خواهی از نوع فرانسوی)، تخصصی‌سازی (در لیبرالیسم انگلیسی - آمریکایی) و انحصارطلبی (در نزد چپ‌گرایان اروپا) رجوع می‌کنند (دیوید بیرن، ۲۰۰۸م: ۲۶۲)، و یا برخی از دیگر محققان در ارائه تعریف عملیاتی برای طرد اجتماعی، آن را عدم مشارکت شخص در فعالیت‌های کلیدی در جامعه محمل زندگی تعریف می‌کنند.

برخلاف رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات دوران پهلوی که منجر به طرد اجتماعی جوانان شده بود، امام در مجال‌های مختلف به تبیین رویکرد مدنظر خود نسبت به اداره و توسعه کشور پرداختند و در همین راستا، اقدامات کلان در حوزه ساختارسازی و نهادسازی برای رسیدن به نظام‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرایی ملی و یکپارچه متناسب را حمایت نمودند. از جمله این اقدامات که در واقع با هدف رفع علل و ریشه‌های طرد اجتماعی و تقویت عوامل جذب اجتماعی صورت گرفتند و در مورد مسئله دوم یعنی مشروعیت نظری باید گفت از مبانی مهم اعتقادی در مشروعیت انقلاب و نظام اسلامی، استمرار امامت و ولایت است که در دوران غیبت به ولایت فقیه تعبیر می‌شود و تمام قوانین و موضوعات در نظام اسلامی تحت حاکمیت اصل ولایت فقیه است، چنین موضوعی مبنای اقتدار در نظام اسلامی و حتی امت اسلامی محسوب می‌شود، یعقوبی در سلسله بحث‌های مهدوی خود این مبنا را زیر سؤال می‌برد و این‌که ولایت فقیه از جانب امام زمان به صورت موقتی پذیرفته شده و در آینده دیگر مشروعی ندارد و به والیان ملکوتی و یا هادی در دوران غیبت باید مراجعه کرد (یعقوبی،

این نوع تحلیل و بیان چشم انداز را می توان در نمودار زیر تعریف نمود:



نوع دیگری از تغییر و تحریف در مبانی نظام اسلامی آن است که اساساً قیام‌های قبل از ظهور را باطل می‌دانند و اقدام انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی در دوران غیبت را امری باطل دانسته‌اند که مشروعیت ندارد و به تدریج این نتیجه حاصل می‌شود که حتی مقابله با این قیام لازم هم هست و استناد آنها به برخی از متون است «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله عزوجل» (کلینی، ۱۳۹۵ق: ج ۸، ۲۹۵؛ حر عاملی، ۱۳۹۲ق: ج ۱۵، ۵۲؛ نوری، ۱۳۹۹ق: ج ۱۱، ۳۴) در حالی که تأکیدات و محکّمات مسائل اسلامی بر اقامه عدل و قیام به حق و امر و نهی و نیز انتظار پویا و فعال در دوران غیبت است و چنین رویکردی مسلماً به تضعیف روحیه انقلابی و مهدوی نیروهای انقلاب می‌انجامد (علیانسب، ۱۳۹۰ش: ۴۹-۵۴). آنها حکومت خالص را تنها در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بالشریف قابل رخداد است. در طول سال‌های اخیر نیز آنها با تکیه بر برخی ناکارآمدی‌ها و مفاسد و مشکلات، این نظریه خود را اثبات‌پذیر دانستند.

جهت مصون‌سازی جوانان از این آسیب‌های فکری لازم است در متون دینی رسمی مدارس و آموزش عالی و حوزوی، مبانی انقلاب اسلامی و نحوه ابتدای آن بر مهدویت روشن شود و شبهات و پرسش‌های آنان در موضوعاتی مثل قیام قبل از ظهور پاسخ‌دهی و تبیین شود.

۳. استفاده ابزاری از مهدویت و عبور از آن

برخی از فرقه‌ها بخشی از نیروها و امکاناتی که می‌توانست در خدمت فرهنگ مهدویت و انتظار قرار بگیرد را تزیین کرده و به ضد خود تبدیل می‌کنند که این مخاطرات امنیتی خاصی به دنبال دارد از جمله در فرقه بهائیت در ابتدا به نام فرا رسیدن زمان ظهور موعود اسلام بنای خود را استوار می‌کند و تعدادی را به کار می‌گیرد که در قالب بابیه شکل می‌گیرند اما به تدریج با شکل‌گیری خود بهائیت و ادعای نسخ اسلام و فرارسیدن قیامت، نیروها و امکانات خود را در خدمت قدرت‌های صهیونیست قرار می‌دهد (امری، ۱۳۴۰ش: ۶۰۱).

۴. نفی غلبه و جهانی شدن مهدوی

یکی از مواردی که بین بیشتر فرقه‌ها مشترک است این که برای القای مشروعیت و حقانیت خود، کثرت‌گرایی^۱ را ترویج می‌کنند و مدعی می‌شوند که هیچ دین و آئینی حقانیت تام در اقتدار و غلبه ندارد و هر کدام به گونه‌ای و نوعی حق هستند بنابراین هیچ کدام نباید به دنبال جهانی شدن و غلبه کلی نباشند، معمولاً عرفان‌های نوظهور مروج این نظریات هستند از جمله سای بابا در این مورد تصریح دارد که همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یکی مقصد رهنمون‌تان می‌کنند و ادیان در اصل با هم هیچ تفاوتی ندارند (سای بابا، ۱۳۸۳ش: ۱۶۷).

این در حالی است که براساس آموزه‌های قرآنی، غلبه جهانی اسلام مبتنی بر مهدویت یک آموزه قطعی است ﴿هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون﴾ (توبه: ۳۳) او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هرچه دین است پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند و روایات دلالت بر تحقق این حکومت جهانی دارد (طاهری، ۱۹۸۲م: ۲۰۰).

راهکارهای مقابله با چالش‌ها

۱. بهره‌گیری از قدرت نرم

از اصلی‌ترین منابع اقتدار در برابر آسیب‌ها خصوصاً در موضوع فرقه‌های انحرافی قدرت نرم است که فرهنگ مهدوی مؤلف مهمی است که فراملی بودن، انسجام بخشی و تقویت فرهنگ

1. pluralism

مهرورزی عمومی از جمله خصوصیت‌های آن است (مرتضوی امامی و دیگران، ۱۳۹۴ش: ۲۸). در برابر آسیب‌های فرقه‌های انحرافی که به تفرق، نژادگرایی کینه‌ورزی و تعصب باطل می‌پردازند، چنین مؤلفه‌های قدرت می‌تواند مواجهه با فرقه‌ها را تسهیل نماید.

۲. تقویت هویت دینی و ملی

یکی از مسئله و دغدغه‌ها رابطه هویت‌های جمعی در ایران و مشخصاً هویت ملی و هویت مذهبی (و مهدوی) با هویت امنیت پایدار است. می‌توان گفت رابطه میان هویت‌های متنوع موجود در جامعه ایران عامل اصلی تحقق امنیت پایدار است. براساس برخی تحقیقات، رابطه میان هویت ایرانی و اسلامی از نوع ترکیبی و همنشینی و عدم مزاحمت بوده و هست باید ظرفیت‌های تکنیکی و مهارت‌های ارتباطی برای افزایش تعاملات بین فرهنگی ارتقا و افزایش یابد و منجی‌گرایی ظرفیت بالایی در این زمینه به ما ارائه می‌کند (حاجیانی، ۱۳۹۱ش: ۱۵۰). در این میان لازم است با دقت و بررسی نوع و کارکرد فرقه‌ها به تعامل با افراد آماده تغییر در فرقه‌ها پرداخت تا از درجه فرهنگ مشترک به هویت ایرانی اسلامی روی آورند و در عین حال از مکانیزم تغییر هویت که سران و متفکران فرقه‌ها به دنبال آن هستند (مانند تبلیغ بی‌وطنی در بهائیت و یا تبلیغ نوعی عربیت در مدعی یمانی و...) حذر کرده و در مقابل آن تمهیدات لازم را اندیشید.

۳. ارائه راهبرد و برنامه مدون

لازم است توجه شود که در برابر فرقه‌ها به صورت سلیقه‌ای یا جناحی عمل نشود بلکه با دقت بررسی و هماهنگی سازمانی توجه نمود و برنامه توسعه پنجم خصوصاً در بخش اول امور سیاسی دفاعی امنیتی مورد توجه قرار گیرد که به هماهنگی انسجام مراکز انتظامی و قضای و امنیتی در مواجهه با تهدیدهای نرم و انحرافات اجتماعی تأکید کرده و تقویت هویتی دینی و ملی را در برابر این تهدیدها مورد تأکید قرار می‌دهد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، ۱۳۸۹ش: ۱۵).

۴. توجه به تهدید خارجی

اسلام و مهدویت اصیل باعث شده است این کانون‌های استعماری و استکباری ضرر کنند و برای همین آنها اصرار به مقابله و حذف اسلام و مهدویت اصیل دارند امام راحل در مورد این رفتار استکبار فرموده است:

اینان از اسلام سیلی خورده‌اند و با کسی حساب شخصی ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۷، ۴۶).

از سوی دیگر نوع تعالیم فرقه‌ها به گونه‌ای است که نوعی نفرت دائمی در برابر نظام سیاسی القا می‌شود و همین مسئله نوعی همگرایی و وحدت درونی فرقه‌های متنوع بر سر مسائل مشترک ایجاد می‌کند (هوفر، ۱۳۸۵ش: ۹۹). از این رو در مقابل این وفاق انحرافی، همیشه باید نخبگان و تصمیم‌گیران سیاسی جامعه بتوانند براساس یک نوعی وفاق ملی تدابیری را برای مقابله با این تهدیدات بیندیشند (صادقی و یزدانی، ۱۳۸۹ش: ۴۸-۶۴). این موضوع خصوصاً در مورد مخاطرات امنیتی حاصل از فرقه‌ها در سطح جهانی برای ما اهمیت دارد.

نتیجه‌گیری

- فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی سیر ممتدی به سمت آینده دارند و برای کامیابی و تشکیل حکومت خود از مهدویت و فرهنگ مهدوی سوء بهره‌برداری می‌کنند.

- خشونت و اغتشاش و نافرمانی مدنی از مؤلفه‌های اصلی این سیر در نخله‌هاست.

- مهم‌ترین تهدیدهای رو به آینده فرقه‌ها عبارتند از: سازماندهی و تشکیل نیروهای انسانی معتقد و آماده فداکاری و زمینه‌سازی قیام امثال یمانی در مقابله با نظام اسلامی؛ ایجاد شکاف و تفرقه در قومیت‌های ایرانی به بهانه دفاع از اعتقادات دینی؛ ایجاد اغتشاش در عرصه‌های اقتصادی و حقوقی به نام دفاع از آموزه‌های مهدویت؛ ایجاد هزینه‌های امنیتی روز افزون برای فعالیت‌های اصیل مهدوی و ایجاد بد نامی برای آن در عرصه داخلی و بین‌المللی.

- برخورد و مقابله با فرقه‌ها و مصونیت‌سازی در برابر چالش‌های آینده آنها نیازمند مطالعات دقیق، برنامه‌ریزی و استفاده از تمام ظرفیت‌هاست.

- لازم است پیشینه و سوابق توطئه‌های فرق انحرافی برای جوانان روشن شود و از سوی دیگر ظرفیت بالای آن در تحقق تمدن مهدوی و اهمیت تمسک به ولایت فقیه در رشد و خودباوری و ارتقای فردی و اجتماعی برای‌شان روشن شود تا در اثر جنگ ترکیبی و شناختی، برای پر کردن خلأها و نیازهای جوانی به سمت جریان‌های انحرافی نروند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ارشادی نیا، محمدرضا (۱۳۷۶ش)، *از مدرسه معارف تا انجمن حجّتیّه و مکتب تفکیک*، قم: بوستان کتاب.
۲. اس نای، جوزف (۱۳۸۹ش)، *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری با مقدمه دکتر اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. اسحاقیان درجه، جواد (۱۳۸۹ش)، *پیچک انحراف*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۴. اسحاقیان، جواد؛ حیدری چراتی، حجت (۱۳۹۴ش)، «بررسی و نقد مناسبات ولایت و منتظران از دیدگاه تصوف گنابادی»، *انتظار موعود*، سال پانزدهم، شماره ۵۱.
۵. اسماعیلی، محبوبه (۱۳۸۷ش)، «انگلستان و گسترش فرقه بهائیت در ایران (با تأکید بر عصر پهلوی)»، *فصل‌نامه تاریخ پژوهان*، سال چهارم، شماره ۱۶.
۶. اشراق خاوری، عبدالحمید (۱۳۹۹ش)، *مطالع الانوار*، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۷. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷ش)، *تهدیدات نرم، تقریرات کلاس درس* (دوره هفتم دکتری تهدیدات امنیت ملی)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۶۹ش)، *فرهنگ آریانپور*، تهران: امیرکبیر، سوم.
۹. آشوری، داریوش (۱۳۷۸ش)، *دانش‌نامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
۱۰. آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۷۸ش)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
۱۱. باقری، سیامک (۱۳۸۸ش)، *چیستی تهدید نرم*، مجموعه مقالات همایش امنیت نرم (امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران)، دانشکده امام هادی علیه السلام، اول.
۱۲. باقری، یوسف (۱۳۹۳ش)، *جریان‌شناسی فرقه‌های سلفی در خاورمیانه و شمال آفریقا*، دوره سوم، شماره نهم (ویژه داعش).
۱۳. برزویی، محمدرضا؛ عرب‌پور، امیرحسین (۱۳۹۸ش)، *واکاوی جایگاه انتظار انقلابی و نقش جوانان در ساخت تمدن نوین اسلامی مبتنی بر منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: اولین همایش سراسری قدرت نرم انقلاب اسلامی با محوریت «چهار دهه مقاومت و بایسته‌های فرهنگی گام دوم انقلاب اسلامی».
۱۴. بصری، احمد الحسن (بی‌تا)، *الجواب المنیر*، بی‌جا: انتشارات انصار احمد اسماعیل.
۱۵. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۶ش)، «گوناگونی و انسجام ملی در جامعه ایرانی»، *مطالعات راهبردی*،

- شماره ۳۵.
۱۶. تیموتی، مک کالو (۱۳۹۵ش)، *جنگ ترکیبی ریچارد جانسون*، ترجمه: احمد الهیاری، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش)، «گفتگو در دیدار دبیر و اعضای کمیته علمی همایش دکترین مهدویت؛ آینده روشن»، *خبرنامه ویژه چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*.
۱۸. جواهری، میکائیل (۱۳۹۳ش)، *بهائیت پاد جنبش حیات ملت ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
۱۹. حاج قلی، احمد؛ حیدری چراتی، حجت؛ اسحاقیان درچه، جواد؛ حججی، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، *درس‌نامه فرقه‌های انحرافی*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۰. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱ش)، «هویت ایرانی - اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، *آفاق امنیت*، شماره ۱۴.
۲۱. حسنی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۹ش)، *ماجرای باب و بهاء*، تهران: روزنه.
۲۲. حیدری چراتی، حجت؛ فلاح، محمدعلی (۱۳۹۴ش)، *ستیز با آفتاب: نقد جریان انحرافی احمدالحسن مدعی یمانی*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۳. خزایی، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، «امنیت فرهنگی»، *ماه‌نامه اطلاعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۸۱.
۲۴. خسرو پناه، عبدالحسین؛ مزینانی، احمد (۱۳۹۴ش)، «پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن»، *پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی*، شماره ۱۴.
۲۵. الخمیس، عثمان بن محمد (۱۴۲۹ق)، *عجیب‌ترین دروغ تاریخ*، ترجمه: اسحاق دبیری، ریاض: مکتبه الملک فهد (دارالطیبه).
۲۶. خوشفر، غلامرضا (۱۳۷۸ش)، *بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی مراکز، مازندران: دبیرخانه شورای تأمین شهرستان‌های استان مازندران*.
۲۷. داداشی آذر، رسول (۱۳۹۱ش)، *آشنایی با فرق و ادیان*، تهران: اداره کل آموزش و پرورش سازمان حراست کل کشور.
۲۸. دایکی، اوکین (۱۳۹۵ش)، *جنگ هیبریدی روسیه تجزیه اوکراین برای کشورهای حوزه بالتیک*، ترجمه: احمد الهیاری، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
۲۹. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۹۰ش)، *بگناه حوزه*، شماره ۳۰۴.

۳۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. رنجبران، داود (۱۳۸۸ش)، *جنگ نرم*، تهران: ساحل اندیشه.
۳۲. رهدار، احمد (بی تا)، «بهائیت و آمریکا»، *ویژنامه ایام*، شماره ۲۹.
۳۳. رؤوفی، محمود (۱۳۸۹ش)، «مؤلفه‌های هویت دینی»، *فصل‌نامه دین و ارتباطات*، سال هفدهم، شماره ۳۷ و ۳۸.
۳۴. زهدی، یعقوب (۱۳۸۶ش)، «سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین دفاعی»، *فصل‌نامه راهبرد دفاعی*، شماره ۱۷.
۳۵. ژان میسلن (۱۳۸۹ش)، *دیپلماسی عمومی نوین؛ کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه: دکتر رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۶. سای بابا، سوامی ساتیا (۱۳۸۳ش)، *تعلیمات سای بابا*، ترجمه: رویا مصباحی محمدی، تهران: تعالیم حق.
۳۷. سینگر، مارگارت تالر (۱۳۸۸ش)، *فرقه‌ها در میان ما*، ترجمه: ابراهیم خدابنده، اصفهان: دانشگاه اصفهان، اول.
۳۸. شایگان، فریبا (۱۳۹۱ش)، «امنیت پایدار از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *آفاق امنیت*، شماره ۱۴.
۳۹. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵ش)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات مدبر.
۴۰. شیرازی، علی محمد باب (بی تا)، *لوح هیکل الدین خطی، آرشو بررسی فرق انحرافی*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۴۱. صادقی، زهرا؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۸۹ش)، «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران (در قالب تهدیدات فرهنگی اجتماعی)»، *مهندسی فرهنگی*، شماره ۳۹ و ۴۰.
۴۲. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۲ش)، «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)»، *فصل‌نامه انتظار*، شماره ۷.
۴۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.
۴۴. عبدالرحمانی، رضا و دیگران (۱۳۹۲ش)، «بررسی نقش عرفان‌های نوپدید بر امنیت اخلاقی»، *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، شماره ۳۰.
۴۵. علیا نسب، ضیاء‌الدین؛ علوی نیک، سلمان (۱۳۹۰ش)، *جریان‌شناسی انجمن حجتیه*، قم:

- و ثوق.
۴۶. عمید، حسن (۱۳۷۵ش)، فرهنگ لغت، تهران: امیرکبیر، هفتم.
۴۷. فعالی، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، آفتاب و سایه‌ها، قم: نشر نجم الهدی، چهارم.
۴۸. قاضی زاده، علیرضا (۱۳۸۹ش)، «آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران»، پژوهش‌نامه هویت، شماره ۵۵.
۴۹. قنبری برزیان، علی (۱۳۹۳ش)، «پژوهشی در خصوص مسئله‌شناسی جوانان ایران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، شماره ۴، شماره پیاپی ۴.
۵۰. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹ش)، گونه‌شناسی تهدیدات امنیتی داخلی در سال گذشته و چشم‌انداز، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۱. کیانی، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، «مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران»، کتاب نقد، سال یازدهم، شماره ۵۰ و ۵۱.
۵۲. الگار، حامد (۱۳۵۹ش)، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، تهران: توس.
۵۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶ش)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۵۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸ش)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۵۵. لاریجانی، علی؛ ملکی تبار، مجید (۱۳۸۶ش)، «بررسی راهبردی - امنیتی تأثیرات ماهواره بر باورهای جوانان»، فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هشتم، شماره ۲۹.
۵۶. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۹۰ش)، فرقه‌های اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر، سوم.
۵۷. محمدی، علیرضا (۱۳۸۸ش)، «بهائیت تاریخیچه، اعتقادات و وضعیت کنونی»، معارف، شماره ۷۰.
۵۸. مرتضوی امامی، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۴ش)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴.
۵۹. مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۹۷ش)، آرشئو تخصصی نقد فرقه‌های انحرافی، قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه.
۶۰. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۹ش)، مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر ریاست جمهوری.

۶۱. مک کالو، تیموتی (۱۳۹۵ش)، *جنگ ترکیبی تیموتی مک کالو - ریچارد جانسون*، ترجمه: احمد الهیاری، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.
۶۲. ملکی، حسن (۱۳۸۶ش)، *مهندسی فرهنگی از طریق آموزش‌های رسمی «مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی»*، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۶۳. منصور، جواد (۱۳۷۷ش)، *تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۶۵. ناصری‌راد، علی (۱۳۹۱ش)، *افسون حلقه نقد و بررسی عرفان حلقه*، تهران: سایان.
۶۶. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵ش)، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، *فصل‌نامه مطالعات اجتماعی راهبردی*، شماره ۴ و ۵.
۶۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۴ش)، *مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶۸. هاشمی خراسانی، منصور (۱۳۹۴ش)، *بازگشت به اسلام*، کابل: دفتر حفظ و نشر آثار منصور خراسانی.
۶۹. هوفر، اریک؛ راستین، مرید (۱۳۸۵ش)، *تأملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار*، ترجمه: شهریار خواجهیان، تهران: نشر اختران.
۷۰. هی وود، اندرو (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر ایندئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
۷۱. الهی، نورعلی (۱۹۹۴م)، *آثار الحق*، به همت: بهرام الهی، تهران: جیحون.

A research on the pathology of content and method in the transmission of religious and revolutionary education

Yadullah Chopani ¹

Abstract

religious education; It is a set of beliefs, rulings, morals and regulations that are discussed in theological field. The explanation of this system either has an intellectual and reasoning origin or it is located in the whisper of nature. Undoubtedly, the strategy of such content, which is responsible for the form of religious education, is possible only with the purposeful design of the content and the use of effective methods of teaching and transmission in the field of committed religious teachers and missionaries. Sometimes, the complexity of these issues has caused extremes and excesses among the intellectuals of planners and experts in religious and revolutionary education, which sometimes have negative consequences such as; The students and students are the main target groups. Therefore, in order to get out of the current situation, it is necessary to first identify the defective findings and then put effort into resection and pathology. This article tries to explore some traumatic causes in the educational content and conventional methods in the transmission of religious education and religious education in a descriptive-analytical way and to answer the question that; The educational system based on religion in both school and university areas with the use of factors such as; To what extent can futurism, transformationalism, tailoring educational content and objectification to interactive, verbal - persuasive ways and fostering a questioning and revolutionary spirit be effective in behavioral feedbacks?

Keywords: Education, content, method, religious and revolutionary knowledge, pathology

1. Member of the Faculty of Islamic Studies, Payam Noor University, Kermanshah, Iran

جستاری بر آسیب‌شناسی محتوایی و روشی در انتقال معارف دینی و انقلابی

یدالله چوپانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

چکیده

معارف دینی؛ مجموعه‌ای از عقاید، احکام، اخلاقیات و مقرراتی است که در حوزه دین‌شناختی از آن بحث می‌شود. تبیین این منظومه، یا منشأ عقلی و استدلالی دارد و یا در زمره فطریات واقع شده است. بی‌شک، راهبرد چنین محتوایی که شاکله تربیت دینی را عهده‌دار است، تنها با طراحی هدف‌مند محتوا و کاربرد شیوه‌های مؤثر تدریس و انتقال در ساحت اساتید و مبلغان دینی متعهد، امکان‌پذیر است. گاهی پیچیدگی این مباحث، موجب بروز افراط و تفریط‌هایی در بین نحله‌های فکری برنامه‌ریز و صاحب‌نظران معارف دینی و انقلابی شده که بعضاً مولود پیامدهای منفی چون؛ تشکیک و واماندگی قشر دانشجو و دانش‌آموز به‌عنوان اصلی‌ترین گروه‌های هدف، شده است. لذا برای برون‌رفت از وضع موجود، می‌بایست ابتدا یافته‌های معیوب را شناسایی و سپس برای تنقیح و آسیب‌شناسی آن همت گماشت. این نوشتار می‌کوشد به روش توصیفی - تحلیلی، برخی علل آسیب‌زا در محتوای آموزشی و روش‌های مرسوم در انتقال معارف دینی و تربیت دینی، مورد کنکاش قرار دهد و به این سؤال پاسخ دهد که؛ نظام آموزشی مبتنی بر دین در دو حوزه مدرسه و دانشگاه با کاربست عواملی چون؛ آینده‌پژوهی، تحول‌گرایی، متناسب‌سازی محتوای آموزشی و عینیت‌بخشی به شیوه‌های تعاملی، کلامی - اقناعی و پرورش روحیه پرسشگری و انقلابی تا چه حد می‌تواند در بازخوردهای رفتاری، مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

آموزش، محتوا، روش، معرفت دینی و انقلابی، آسیب‌شناسی.

۱. عضو هیئت علمی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور کرمانشاه، ایران (y_chopani0124@yahoo.com).

مقدمه

آموزش به مفهوم تغییر دانش، نگرش و تعامل با گروه هدف و مستلزم استفاده از برنامه‌های پیش‌بینی شده‌ای است که شایستگی‌های موجود در افراد را تقویت و موجب کسب دانش، مهارت و توانایی‌های تازه در فرد می‌شود، به گونه‌ای که بهبود عملکرد شغلی را تسهیل می‌کند. تغییر و تحول در سیستم پویای دانشگاه و مدرسه و توسعه متعادل و نظام‌مند آن، نیازمند تفکر و عمل برنامه‌ریزی و مدیریت و سازگاری با محیط درون سازمانی و محیط بیرونی مراکز علمی به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. سیستم دانشگاهی به عنوان جزء مهمی از سیستم آموزش عالی و سیستم اجتماعی، متأثر از سایر سیستم‌های آموزش عالی، سیستم آموزشی کشور و سیستم‌های پیرامونی نظیر سیستم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. ظهور جامعه دانش‌محور، تحولات جهانی شدن، توسعه روزافزون اقتصادی، فشارهای رقابتی فزاینده ناشی از جهانی شدن، از جمله فاکتورهای مهمی است که جامعه آموزشی و مراکز علمی کشور را نیازمند روی آوردن به پدیده تغییر و تحول در بعضی ساختارهای ضعیف و آسیب‌زا که مانع پیشرفت است می‌کند که می‌بایست توسط مدیران کارآگاه و متولیان برنامه‌ریز و ... به موقع آسیب‌شناسی و تصلیح شود. هدف از آسیب‌شناسی، یافتن علت یا علل رکود یا بحران در روند طبیعی پدیده‌ها، فعالیت‌ها و همچنین ایجاد چارچوبی است که بتواند برای افزایش تلاش‌ها در راستای برقراری سلامت سازمانی پدیده‌ها، انگیزه ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که توجه اغلب صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده، آسیب‌شناسی روند کنونی ساختار آموزشی و تربیتی متناسب با رویکرد طرح نوین «تربیت دینی و انقلابی» در حوزه نظام آموزشی کشور است. هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه به تربیت دینی در صدر برنامه‌های مراکز آموزشی چون؛ آموزش و پرورش و دانشگاه قرار گرفت، تا آنان را برای زندگی کردن در یک جامعه الهی - آرمانی آماده کند، با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز تربیت دینی متعلمین با کاستی‌ها و متغیرهایی روبه‌روست، که از آنها به عوامل آسیب‌زا در حوزه تربیت دینی یاد می‌شود.

مهم‌ترین مسئله در این پژوهش، آسیب‌شناسی فرآیند آموزشی در حوزه معرفت دینی و تربیت دینی و انقلابی با رویکرد زمان‌شناختی مبتنی بر تحول است؛ و هدف از انجام آن، بررسی و شناخت عوامل و متغیرهایی است که متوجه این جنبه از تربیت گروه‌های هدف

به‌ویژه جامعه آموزش و پرورش و دانشگاهیان در شرایط فعلی است؛ و تشخیص آن، نوعی پیشگیری و در حقیقت، تلاشی مشفقانه برای افزایش کارآمدی لایه‌های آموزش و سویه‌های تربیت دینی و در نهایت مصونیت از آفات است.

روش تحقیق: این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و ابزارهای گردآوری داده‌ها مبتنی بر استفاده از کتاب‌ها، مقالات و حاصل تجربیات نگارنده است.

اهداف و ضرورت تحقیق: اهتمام اصلاح‌گرایانه در حل برخی مشکلات معتدبه مراکز آموزشی و علمی در انتقال معارف اسلامی و ریشه‌های انقلاب و غنی‌سازی گروه‌های هدف با رویکردی کاملاً آینده‌پژوهانه از جمله اهداف و نیز تبیین و راه‌حلی برای آنالیز محتوا و نیز ناکارآمدی برخی شیوه‌های تدریس و بعضاً ناتوانی استاد و معلم در انتقال مفاهیم دینی و معرفتی و اکتان‌سازی مطالبات ذهنی افراد تحت تعلیم و تربیت (با توجه به ملاحظات جنگ نرم و هجمه شبهات دینی و انقلابی از سوی دشمنان)، بخشی از ضرورت‌های این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

پیشینه تحقیق: خوشبختانه در این باره مطالعات و تحقیقات قابل توجهی انجام شده که از جمله آن، می‌توان به مقاله محمدحسین زارعی، تحت عنوان: «نگاهی دوباره به آموزش معارف اسلامی» نشریه (پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی سال ۱۳۹۹، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۷-۱۸) که به ضرورت تربیت دینی با تکیه بر فلسفه علوم تربیتی در مدارس و کیفی‌سازی محتوا اشاره نموده است. حسن عباسی در مقاله‌ای پیرامون «روش تدریس هدایت محور؛ پیوست اخلاقی روزآمد برای کارآمدسازی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها» (پژوهش‌نامه اخلاق، تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۴۸، صفحات ۵۱ تا ۷۴) مباحثی در خصوص اهمیت روش تدریس هدایت‌محور به میان آورده که این روش، مکمل روش سخنرانی و برتر از مابقی روش‌های تدریس است، اشاره نمود.

تحقیق پیش‌رو، به علل آسیب‌زا در دو حوزه (محتوای آموزشی و استادان معارف اسلامی) و نیز بیان راهکارهایی برای اصلاح و برون‌رفت از وضع موجود اشاره شده است، که آن را از سایر نوشتارها متمایز ساخته است.

مفهوم‌شناسی

اصطلاح آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم، به‌ویژه در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت

کاربرد خاص دارد. این اصطلاح، امروزه معادل واژه «pathology» به کار می‌رود؛ و آن عبارت است از مطالعه و بررسی موقعیت‌ها و وضعیت‌های بیمارگونه و ناپه‌نچار اجتماعی که متوجه یک نظام یا گروه و یا سازمان شود (ساروخانی، ۱۳۷۱ش: ج ۱، ۲۵). دین در لغت؛ به معنای انقیاد، اطاعت، تسلیم و جزا آمده است؛ و در اصطلاح، مجموعه عقائد، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۲ش: ج ۱، ۹۴).

کلمه «آموزش» معادل واژه انگلیسی «Instruction» یا «Teaching» است. «آموزش را مجموعه‌ای از رویدادهای «به عمد ترتیب داده شده» می‌داند که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است» (گانیه، ۱۳۸۶ش: ۳۲). یا فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از جانب آموزگار یا معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به کنش متقابل جریان می‌یابد آموزش گفته می‌شود (سیف، ۱۳۸۴ش: ۱۴). در مورد واژه آموختن، گفته شده: آموختن در پهلوی هاموختن hammōxtan بوده است.

ز هر دانشی چون سخن بشنوی

ز آموختن یک زمان نغسوی

(کزازی، ۱۳۸۵ش: ۱۸۷)

بنابراین، منظور از آموختن، عمل یا مجموعه‌ای از اعمال است که موجب می‌شود فردی مهارت و دانش و بینش لازم را برای انجام کاری فراگیرد. توسعه پایدار بر محور دانایی شکل می‌گیرد و عامل توسعه دانش و آگاهی، آموزش است. از این رو می‌توان آموزش را کلید اصلی توسعه دانست.

برای واژه معرفت و تربیت دینی هم؛ تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ و کارشناسان تعلیم و تربیت بر تعریف واحدی از آن اتفاق نظر نداشته، هر کدام با توجه به مکتب تربیتی مورد نظر خود، آن را تعریف کرده‌اند. در این جا منظور از تربیت، «تغییر در رفتار و کردار دینی است که افراد را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند؛ مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد و فطرت الهی و انسانی آنان را بارور می‌سازد» (ضرابی، ۱۳۸۶ش: ش ۱۱۷/۶۸). البته روشن است که داشتن معرفت دینی، غیر از دینداری است؛ زیرا دین‌داری به معنای اعتقاد به عقاید دینی و پیروی عملی از مقررات دین است، و ممکن است کسی از آموزه‌های دین آگاه باشد، اما آنها را

نپذیرد و به آن‌ها ملتزم نباشد. باید توجه کنیم که معرفت‌های دینی نیز قسمی از معرفت‌های بشری‌اند، و تفاوت اساسی با آنها ندارند.

معرفت‌های دینی، یا از سنخ علم حضوری‌اند، یا از سنخ علم حصولی. در صورت نخست، خود این معرفت‌ها - با صرف نظر از تفسیری که ممکن است از آنها ارائه شود - خطاناپذیرند. اما معرفت‌های حصولی دینی، یا از معرفت‌های بدیهی‌اند، که مستقیماً از علم حضوری حکایت می‌کنند، یا با واسطه استدلال یقینی، به بدیهیات ارجاع می‌یابند، که در این صورت نیز یقینی خواهند بود. اما دیگر معرفت‌های دینی در درجه‌ای پائین‌تر از یقین قرار می‌گیرند، که می‌توان درجه اعتبارشان را از طریق معرفت‌های یقینی دیگر سنجید.

تربیت انقلابی؛ همان شناساندن و تبیین ریشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، که بتوان آن را با عقلانیت و سیاست گام به گام در ضمیر متعلمین سازگار نمود. به نحوی که معرفت‌های دینی و انقلابی توأم با اقتدار در قول و فعل آنان متجلی شود.

به هر حال، آسیب‌شناسی آموزش و معرفت دینی و انقلابی؛ مطالعه آفات و آسیب‌هایی است که در روند آموزش محتوایی و اسلوب انتقال مفاهیم دینی به منظور فهم گزاره‌های دینی و تربیت ساختاری متریبانی است که در یک جامعه اسلامی و انقلابی رخ می‌دهد.

ضرورت فهم و تفهیم مباحث دینی و معرفتی

هر مکتبی برای سعادت و تکامل انسان برنامه‌ای عقیدتی، اخلاقی و عملی ارائه می‌دهد که به مجموعه آن، «دین» گفته می‌شود. این پدیده به بیان مسائل تغییرپذیری می‌پردازد که شامل پرسش‌های همیشگی در مورد حقیقت نهایی و هدف جهان طبیعی است (الیاده، ۱۳۷۴ش: ۵).

در اصطلاح قرآن کریم، دین؛ همان «روش زندگی» است که در فطرت مردم به ودیعه گذاشته شده است؛ و انسان ذاتاً به آن گرایش داشته و در پرتو رهنمودهای آموزه‌های تربیت می‌شود. بنابراین، اکنون این سؤال مطرح است که چرا تربیت دینی، انسانی که ذاتاً مشتاق دین است، و مذهب در درون او ریشه‌های بنیادین دارد، با مشکلاتی روبه‌روست؟ و سؤال دیگر این‌که فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی در نسل جوان، مخصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان شیوع و نمود بیشتری دارد؟

بی‌تردید، این نسل، خواهان فهم دقیق معارف دینی هستند؛ هم‌چنان‌که تحقیقات

مختلف نشان می‌دهد، نوجوانان و جوانان جامعه، نه تنها دین‌ستیز نیستند، بلکه دین‌باور و تربیت‌پذیرند؛ و از کژکارکردهایی که به نام دین تمام می‌شود، به شدت رنج می‌برند. افزون بر این، پدیده جهانی شدن و رشد خارق‌العاده ارتباطات ماهواره‌ای و رایانه‌ای، زندگی گرم معنوی انسان را به زندگی سرد ماشینی تبدیل کرده و هویت مذهبی او را ناشناخته و مجهول قرار داده است. از این رو، مشکلات تربیت دینی، معلول ماهیت و ذات خود دین نیست، بلکه علت یا علل آن را در خارج از قلمرو دین و آموزه‌های دینی باید جست‌وجو کرد. تقریب و کاربست درست دو عنصر عقل و دین به عنوان پیامبران درونی و بیرونی و جهت‌دهی آن در مسیر تربیت و انتقال معارف دینی می‌تواند خلاء هویت‌یابی و بخش عمده‌ای از مشکلات وضع موجود را کاهش دهد.

امام علی علیه السلام درباره دین و امتزاج آن با عقل می‌فرماید:

دین؛ مانند درختی است که ریشه‌اش تسلیم در برابر اراده حضرت حق و اطاعت از فرامین وی و خشنودی از دستورات اوست، و عقل آدمی مانند درختی است که میوه آن سخاوت و حیاست (خوانساری، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ۳۲۹).

از جمله مشترکات میان عقل و دین، وفاداری هر دو نسبت به ارزش‌های اخلاقی و فضائل انسانی است. اگر عقل آدمی، نشانه ظرفیت انسان و توان بالایی او برای پذیرش مسئولیت‌هاست و دلیل بر عفت و زهد و وارستگی و آزادگی انسان است و مظهر معرفت و علم و آگاهی و توجه او به حساسیت‌ها و صلاحیت‌هاست و اگر عقل آدمی منشأ اعتبار و استنتاجات است و منشأ مروت و انسانیت و کمال جوهری اوست و اگر عقل انسان را به حکمت و تدبیر و آینده‌نگری و حسابگری دعوت می‌کند؛ دین هم، چنین است و در این جهت زبان دین و زبان عقل با همه تفاوت‌هایی که دارد مشترکند و در حقیقت، عقل و دین با دو زبان و با دو شیوه در اندیشه امام برای رفع نیازهای بشری در اختیار انسان قرار داده شده‌اند.

بنابراین، فهم دقیق دین توسط استاد و توانایی در انتقال و تفهیم آن به مخاطب، ملاک اصلی برای وصول به هدف است.

آسیب‌شناسی محتوای آموزشی

محتوا؛ به عنوان قلب آموزش شناخته شده و طبعاً ضعف و کاستی‌های آن می‌تواند در روند تعلیم و تربیت و رسیدن به هدف‌های مطلوب رفتاری، خلل جدی وارد سازد. کارشناسان و

صاحب‌نظران متبحر معتقدند که فقدان شناخت کافی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی معارف اسلامی، در جای خود بر پیکر نظام آموزشی کشور آسیب رسانده‌اند و هنوز سیاست کلی دال بر اصلاحات متقن و ملاحظات سنی و فضای کلاس را اتخاذ ننموده‌اند. اکنون برخی آسیب‌ها که بر فضای محتوا و آموزش معارف دینی مشهود است مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. ضعف در پذیرفتن تحول در برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی

برنامه‌ریزی درسی و محتوای آموزشی صحیح، یکی از مؤلفه‌های مهم در تربیت صحیح دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌شمار می‌رود. با این‌که برنامه‌ریزی درسی به منزله یک فرایند و محتوای آموزشی به منزله یک سند، نقش مؤثری در تربیت دارند، آسیب‌ها و آفاتی، آنها را تهدید می‌کند.

نخستین آسیب؛ فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی معارف دینی است. مراکز علمی و آموزشی برای برنامه‌ریزی درس دینی، به کارشناسان و صاحب‌نظرانی نیاز دارد که در آموزش معارف دینی متخصص باشند.

الزاماً، در عصر کنونی، موضوع بازتأویل متون دینی، امری ضروری است. طبعاً نباید متون دینی کمرنگ شوند، اما باید یک بار دیگر به‌عنوان یک متن کیفی که بر پایه اجتهاد مبتنی است، مورد بازخوانی قرار بگیرند و بدون این امر، با همان مشکلات گذشته مواجه، و در برابر نظم جهانی، دچار ضعف و افول خواهیم بود. یقیناً افرادی که در معارف دینی تخصص ندارند، قادر به برنامه‌ریزی درسی و ایجاد تنوع در محتوای آموزشی نیستند. وجود تنوع در مطالب کتاب‌های معارف اسلامی و دین و زندگی، استفاده از آثار نویسندگان و متفکران اصیل و مشورت کردن با قشر دانشجویی و دانش‌آموزی برای انتخاب مطالب درس دینی، می‌تواند این اطمینان را به آنان بدهد که به هیچ وجه، هدف از محتوای آموزشی و کلاس دینی، تحمیل پاره‌ای از آموزه‌های از پیش تعیین شده نیست.

بنابراین، مطالعه دستاوردهای جدید در عرصه دین‌پژوهی و استفاده از این دستاوردها در زمینه کتب درسی دینی، می‌تواند گام مؤثری در جهت اصلاح تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور باشد (عبدالکریمی، ۱۳۸۲ش: ۱، ج: ۲۲۱). باید گفت محتوای دروس معارف و علوم اسلامی که در بردارنده یک ایدئولوژی ناب انسانی است؛ مملو از قضایای یقینی و مسلمات دینی و خاستگاهی کاملاً فطری دارد. ماندگاری و ثبوت آن قطعی و لایتغیر است.

هرگونه اعمال تغییر در ذوات و اصول اعتقادی، امری بدعت و تحولی بی‌ربط و گمراه‌کننده محسوب می‌شود که البته در مظان دین، حرام و نوعی محاربه با قوانین و سنت‌های ثابت الهی تلقی می‌شود. پس مراد ما پدیده تحول و قبول آن، صرفاً در حدودات و فرآیند‌گزینش محتوا، آموزش عقاید دینی، اخلاقیات و... بررسی کمی و کیفی محتوا و تقدم و تأخر مطالب به نحوی که سیکل تعلیم و تعلم، تسهیل و از استانداردهای مرسوم برخوردار باشد.

۲. مشتبه شدن تربیت دینی با آموزش دینی

اشتباه یکی بودن تربیت دینی با آموزش دینی، نوعی خلل در فرایند تصمیم‌گیری و اعمال تعلیم و تربیت صحیح محسوب می‌شود. برای یک تربیت صحیح دینی حتی اگر آموزش‌ها حذف شود، لطمه زیادی به آن نخواهد خورد؛ زیرا در یک تربیت صحیح، ایجاد زمینه برای رشد و شکوفایی ابعاد مختلف شخصیت مدنظر است که در نهایت، شکوفایی قلبی و تجلی ایمان، یکی از محصولات آن خواهد بود؛ در حالی که یکی از اشتباه‌های مربیان و مبلغان دینی این است که میان حس مذهبی و دانش مذهبی ملازمه‌ای قائل می‌شوند؛ و چنین می‌پندارند که شرط قطعی مذهبی‌شدن و مذهبی‌بودن، تراکم اطلاعات و اندوخته‌های حفظی و صوری دانش دینی است؛ در صورتی که اگر آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی نباشد، نه تنها به تقویت تمایلات فطری کمک نمی‌کند، بلکه خود، می‌تواند مانع و حجاب بزرگی در برابر این تمایلات خودانگیخته شود.

برای پی بردن به عدم وجود چنین ملازمه‌ای، توجه به این سؤال کافی است که آیا فراوانی و تراکم مطالب دینی در کتب درسی توانسته است به تقویت حس مذهبی فراگیران منجر شود؟ و آیا بالا بودن نمره درس معارف دینی، ارتباطی با کیفیت رغبت دینی دارد؟ دانش مذهبی بدون حس مذهبی پدیده بی‌حاصلی است؛ آن‌هم در عصری که بحران‌های تربیتی، تمام محیط را فرا گرفته و زمینه گمراهی بیشتر متعلمین را مهیا نموده است؛ و این واقعیتی است که هر کس با اندک تأملی می‌تواند به آن پی ببرد؛ چنان‌که مولوی، در بیت:

ز آن‌که از قرآن بسی گمراه شدند
 زین رسن قومی درون چه شدند؟
 مشکل تربیت دینی ما این نیست که ما دغدغه دین نداریم، بلکه مشکل این است که دغدغه تظاهر به دین داریم؛ و از این‌رو، تربیت دینی صرفاً در ظواهر و شعائر دینی، بدون توجه به جوهره و باطن آن خلاصه می‌شود؛ و همین سبب شده است، گاهی شاهد برخی

ناهنجاری‌های هویتی - مذهبی در میان نوجوانان و جوانان باشیم؛ و این سؤالات مطرح شود که چرا آموزش‌های دینی، به تربیت دینی نمی‌انجامد؟ چرا تبلیغات دینی به رفتارهای دینی منتهی نمی‌شود؟ چرا برگزاری مراسم مذهبی در سطح جامعه؛ آن‌طور که باید، به درونی شدن این ارزش‌ها منجر نمی‌شود؟ و بالاخره حلقه مفقود شده تربیت مذهبی کدام است؟ در حالی که اگر در کنار تأکید بر آموزش مذهبی، بر شکوفایی حس مذهبی افراد تحت تعلیم و تربیت نیز، تأکید شود، به ایمان درونی سرشار از زاینده‌گی و معنایابی در زندگی منجر خواهد شد (علیان‌سب، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ۳۳). دقیقاً این پروسه برای تربیت انقلابی و فهم ارزش‌ها و هویت‌های فردی و اجتماعی و نیز تشخیص باید و نبایدهای انواع سیاست‌های حاکمیتی جهان افراد تحت تعلیم و تربیت قابل تصور و تسری است. البته این بدان معنا نیست که بین آموزش دینی و تربیت دینی، اجتماعی ضدین باشد، بلکه تربیت دینی، تنها با انباشت محفوظات دینی صرف، جز سردرگمی و کاهش تعمق مخاطبان چیزی در پی نخواهد داشت.

ساحت علمی استناد معارف اسلامی

رویکرد اسلام به تبیین این موضوع، رویکردی واقع‌بینانه توأم با مسئولیت‌پذیری متعهدانه که در رسالت استاد شکل بسته است، قابل تعریف است. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید:
 خداوند بزرگ از نادانان عهد نگرفت که بیاموزند تا این‌که از دانایان پیمان گرفت آموزش دهند (دشتی، ۱۳۷۹ش: ح ۴۷۸).

سخن وحی‌گونه، آموختن و تدریس؛ عهدی است که بین خدا و دانشمندان و آگاهان جامعه بسته شده است و سعادت در سایه وفای به عهد خواهد بود.
 اربید می‌گوید:

اگر مسیح، مرده را زنده می‌کرد؛ معلم امتی را احیا می‌کند (برقی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۸۱).

بهترین معلم کسی است که دارای قابلیت خلق روش‌های تازه است... و بهترین روش، روش خاصی نیست، بلکه هنری است متکی به عمل هنرمندانه. هر معلمی باید تلاش کند که در خویشتن، قابلیت کشف روش‌های جدید را بیرواند (تولستوی، ۱۳۸۳ش: ۶۱).

بی‌شک، دارا بودن عالی‌ترین مدرک تحصیلی می‌تواند یکی از شرایط شایستگی استاد باشد، اما کافی نیست. در دنیای امروز، کم‌کسانی نیستند استادانی که حتی بدون مدرک دانشگاهی از شایستگی علمی برای تدریس در دانشگاه برخوردارند. پس رویکرد منطقی آن است که

به جای توجه صرف به رتبه‌بندی و ارتقاء مدرک تحصیلی استاد، به توانمندی و انگیزه علمی و نیز تسلط وی در برقراری رابطه کلامی، انتقال مفاهیم و فن کلاس‌داری هم عنایت ویژه شود. بدیهی است، توانمندسازی اساتید معارف در سه حوزه «فردی»، «سازمانی» و «دانشی» قابل بررسی است. تفکر خلاق، ارتقای قدرت انگیزشی، نوآوری و عزت نفس در حوزه توانمندسازی فردی می‌گنجد. طراحی برنامه‌های کیفی در عرصه مدیریت مشارکتی و سازمانی و غنی‌سازی قواعد تشویقی به توانمندسازی اجتماعی مربوط است. معرفت‌افزایی و مهارت‌افزایی اساتید معارف به توانمندسازی آنان در عرصه دانشی کمک می‌کند. تفکر خلاق به اساتید معارف کمک می‌کند تا احساس «خود اثربخشی» داشته باشند.

مع الوصف، مهارت‌های علمی و تخصصی هر استاد در مقطع و رشته‌ای که در آن تدریس می‌کند، طبیعی‌ترین نیازش برای ارائه نقش استادی است، اما این طور نیست که هر استادی که از اطلاعات بیشتری برخوردار باشد الزاماً در تدریس هم موفق خواهد بود (محدثی و همکاران، ۱۳۹۰ش: ۹، ۴۷۱). مضافاً این که، ارزشیابی و نگاه تحول‌گرایی در امتداد رسالت فعالیت‌های آموزشی استاد، یکی از مهم‌ترین ابزار توسعه راهبردی در محیط‌های آموزش عالی و ارزیابی‌های واحدهای درسی دانشگاه و مدارس به منزله یک الزام و ضرورت همیشگی جهت بهبود و ارتقاء کیفیت برنامه‌ها واحدهای مذکور است که در جای خود قبل تأمل است. رهبر معظم انقلاب درباره استاد معارف اسلامی می‌فرمایند:

... استاد معارف اسلامی باید با بیانی قوی به همراه استدلال‌های محکم و متقن، حقیقت معارف دین را به دانشجو بفهماند. فضای کلاس را فضای بحث و مناظره قرار دهد تا هیچ شبهه و ابهامی در ذهن دانشجو باقی نماند (بیانات در دیدار با استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

و نیز در تبیین رسالت دانشگاه فرمودند:

با توجه به رسالت دانشگاه، دو عنصر اصلی را در تربیت دانشجو بر می‌شمرند که هیچ‌کدام نبایستی مغفول عنه بماند: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادها علمی؛ یکی هم روحیه تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو. این دو عنصر دانشگاه‌ها بایستی بدون تفکیک از یکدیگر و با قدرت تعقیب شوند (بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۲۰).

متأسفانه پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و پدیدار ساختن ارزش‌های اسلامی، شواهدی موجود است که هنوز در برخی لایه‌های فکری مراکز آموزشی به

استاد معارف اسلامی و حتی دروس معارف اسلامی، نگاهی برون‌متنی و دور از کانون توجه قرار دارد، و این نگاه می‌تواند عامل آسیب‌رسان در تحقق وظایف استاد معارف می‌باشد.

علل آسیب‌زا در فرآیند آموزش معارف دینی

۱. وجه ناکارآمدی در روابط کلامی و ناتوانی علمی و جسارت «نمی‌دانم» استاد

به تجربه ثابت شده است معلم و استادی که درگاه تردید و نیاز به مطالعه و تأمل، فروتنانه به ندانستن اعتراف نماید خود؛ درس بزرگ و ماندگاری برای متعلمین خواهد بود. توضیح شرح‌اللفظی، توجیه و دست و پا زدن برای گریز از ندانستن، خلاف شیوه مرسوم بین بزرگان و سرآمدان علم و دانش است. امام علی علیه السلام فرمودند:

من ترك قول لا أدري، أصيبت مقاتله (دستی، ۱۳۷۹ ش: ح ۸۵)؛

کسی که جمله «نمی‌دانم» را ترک کند، مواضع آسیب‌پذیر خود را در معرض ضربه‌های خطرناک (مخالفان) قرار داده است.

بنابراین، استادی که در برابر دانشجویان، دانش‌آموزان و سایرین از گفتن «نمی‌دانم» روی گرداند، سخیف و نابود می‌شود و از فرزاندگی و مقبولیت می‌افتد.

ناتوانی و مکفی نبودن سطح علمی و نیز کاربرد روش‌های کم‌مثمر تدریس و بعضاً ارائه پاسخ‌های غلط و شبهه‌زا به سؤالات مخاطبین نه تنها بر منزلت استاد بلکه بر فرآیند آموزش و وصول به اهداف متعالی دانشگاه و مدارس، بازخوردی منفی و آسیب‌رسان خواهد داشت. اما چنان‌چه در وقت مقتضی بر ناتوانی خود در برابر پاسخ صحیح به سؤالات وقوف پیدا نمود، و شجاعت گفتن «نمی‌دانم» داشت، و سپس درصدد اصلاح و توانمندی علمی خویش کوشا شد، تا حدود زیادی عیب و خلأ موجود برطرف خواهد شد.

کار معلم و استاد در مدارس و دانشگاه، افزون بر دانش و مهارت، به مدیریت کلاس نیازمند است. همان‌طور که گفته شد، اساتیدی که کم‌طاقتی کرده و بی‌حوصله شوند، ناخواسته از نظر شاگردان می‌افتند. از طرفی برخی بر این باورند که استاد علوم اسلامی می‌بایست فقط به عنصر وقار و اخلاق زینت داده شوند و به کسب علوم و معارف الهی نگاه‌های حداقلی قائل‌اند. در حالی که میزان اثربخشی استاد در عرصه آموزش و تربیت، منوط به کاربست دو عنصر؛ اخلاق و دانش به صورت توأمان است که میان این دو، رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین، معضل امروز جامعه دانشگاهی و دانش‌آموزی، فزونی سطح دانش دانشجویان و

دانش‌آموزان نیست که مشکل، نقص درک و کاهش تحلیل درست محتوایی از دین و عقاید دینی و دفاع از آن است.

البته مفهوم به کارگیری روش‌های فعال و پویا در تدریس، این نیست که بازگویی داشته‌ها و دانسته‌ها نارواست؛ سخن بر سر آن است که نوآوری در بیان همان مطالب و طراوت بخشیدن به همان آگاهی‌ها، به مدد کسب آگاهی‌های تازه‌تر و بازسازی، تصحیح و تکمیل آنها، فضایی خواهد ساخت که هنگام عرضه کردن آنها، کسالت و بی‌حالی دامن‌گیر فراگیران به‌عنوان گروه هدف نشود. امروزه بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی و وسایل نو، برای عرضه بهتر و موثرتر، به این پویایی کمک خواهد کرد. روش‌های نوین در آموزش، تبلیغ و ارتباط از بایسته‌ترین مسائل روزگار ماست که همه مریبان باید بدان توجه کنند، تا دانش‌آموزان و دانشجویان از آموزه‌های دینی و ارزش‌های مذهبی فاصله نگیرند (سنگری، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ۱۳۲).

باید اذعان نمود، به همان اندازه که کهنه‌گرایی و گذشته‌گرایی به تدریس آسیب می‌رساند، «زمانه‌زدگی» که به صورت عصری‌سازی افراطی و تجددطلبی در همه چیز جلوه‌گر شده است، از جمله موانع رشد محتوایی تدریس دروس معارف است. با سیال و بی‌ثبات شدن معارف دینی، حقایق بسیاری در زیر گل و لای این سیل تجددطلبی دفن می‌شود. و اندیشه‌های تازه نیز مجال نما و نمود و بروز و بقا نمی‌یابند و در این میان نواندیشی حقیقی رخ در حجاب می‌کشد. هرچند این رفتار غلط‌انداز، گاه به غلط، نواندیشی یا آزاداندیشی نیز نامیده می‌شود اما خود از بزرگ‌ترین عوامل رکود معرفت دینی به‌شمار می‌رود. نباید نوآوردن و نوگفتن را، هرچه که باشد، بالذات ارزشمند انگاشت، برخی امروز حتی در فهم و بیان آموزه‌های دینی تابع خوشایند و بدایند عناصر و جریان‌ات روشنفکری‌اند!

در فراز دیگری از سخنان رهبر معظم انقلاب آمده است که فرمودند:

استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند. در دانشگاه؛ این مجموعه عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارف‌اند؛ این فرصت باارزشی است. بهترین جوان‌ها در اختیار شما هستند؛ اگر استاد معارف با هوشمندی، با تکیه بر معلومات عمیق و به‌روز شده در مسائل گوناگون فکری و اسلامی، با دانشجو مواجه بشود، ما بیشترین سود را از حضور اساتید معارف اسلامی در دانشگاه خواهیم برد. و به نظر ما بسیار به‌جا و مناسب است که نهاد نمایندگی به این مسائل توجه کنند و دقت کنند (بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹).

۲. بی‌توجهی به عنصر زمان و آینده‌پژوهشی

زمان؛ از شرایط ضروری تربیت دینی و انتقال معرفت‌های دینی است. آنچه امروزه نظاره‌گر آن هستیم، ناهنجاری‌های عمیق ارزشی و دینی در بین نوجوانان و جوانان است؛ در حالی که همین قشر، در سال‌های نه‌چندان دور، نقش بسیار چشمگیری در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند؛ و بسیاری از آنان در دوران هشت سال دفاع مقدس حماسه‌های پرشور و غیرقابل توصیفی را آفریدند. به واسطه وضعیت کنونی که برای نسل موجود حاصل شده، این نسل در گرایش به ارزش‌های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود قابل ملاحظه‌ای با نسل قبل از خود، یعنی پدران و مادران متفاوت گردیده است. این امر ناشی از مسائل گوناگون، از جمله «حرکت زمان» است.

متأسفانه، عنصر مهم زمان که از شرایط لازم آموزش معارف و تربیت دینی است، کمتر مورد توجه مبلغان، مربیان و اساتید دینی و حتی والدین بوده است. گاهی والدین می‌خواهند شیوه‌ها و روش‌هایی را که به نسل و مقتضیات زمان دیگر تعلق دارد، به اجبار به فرزندان خویش تحمیل نمایند، در حالی که فرزندان به دلیل تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی، به دنبال خواسته‌ها و مطالبات دیگری هستند.

کینگسلی دیویس به این نکته مهم اشاره کرده که:

والدین در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان سعی دارند محتویات کهن فرهنگی را به آنان بیاموزند، و فراموش می‌کنند که از دوران کودکی خودشان تاکنون، زندگی به‌طور فزاینده‌ای، دگرگون شده است (سرمد، ۱۳۷۳ش: ۱۸۰).

استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید:

حقیقت، این است که عصر ما از نظر دینی و مذهبی مخصوصاً برای طبقه نوجوان و جوان، عصر اضطراب، دو دلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان با یک سلسله تردیدها به وجود آمده و سؤالات کهنه و فراموش شده را نیز، از نو مطرح ساخته است (مطهری، ۱۳۷۹ش: ۱۳).

بنابراین، فراگیران، خواهان فهم دقیق و به‌روز از معارف دینی و عمل به آموزه‌های مذهبی در جامعه هستند. انعطاف‌ناپذیری در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و پافشاری ناآگاهانه بر برداشت‌ها و برنامه‌های گذشته، و عدم فهم متناسب با شرایط زمان، می‌تواند آسیب جدی به تربیت دینی وارد و زمینه را برای دین‌گریزی آنان فراهم کند.

۳. سطحی‌نگری به تفاوت‌های فردی و روحیه حقیقت‌جویی

انتظار یکسان از افراد متفاوت و به‌کارگیری روش‌های یکسان برای همه فراگیران، یکی دیگر از عوامل آسیب‌پذیری در این مسیر است. یکی از بزرگ‌ترین خطاها در حیطه آموزش معارف و تربیت دینی، هم‌رنگ‌سازی است. یکسان دیدن جامعه دانش‌آموزان و دانش‌جویان و یا یک دست کردن آنان، تفکری است که حتی اگر میسر هم باشد، مقبول نیست. عدم توجه به وسع فراگیران، چه در فهم تکلیف و چه در عمل به تکلیف، ضروری است که باعث دلزدگی و انزجار متریبان می‌شود، و روحیه حقیقت‌جویی را در نهاد آنان خاموش می‌کند. استاد معارف می‌بایست ضمن توجه به تفاوت‌های فردی و تشخیص میزان استعدادها، روحیه نقادی را در ذهن متریبی زنده کند تا سبب شود فراگیر به هر چیزی یقین نکند. کاربرد روش‌های سنتی، متریبی را وادار می‌کند، قوانین سخت و تحمیلی را بی‌چون و چرا بپذیرد؛ در حالی که تعلیم و تربیت نمی‌تواند با آموزش یک سلسله نصایح اخلاقی قالبی و بی‌بنیاد به متریبی، به سرمنزل مقصود برسد (سیدین، ۱۳۷۲ش: ۵۵).

۴. کم‌توجهی به نیروی عشق

عشق، سازنده زندگی و معنا دهنده جهان بیرون برای انسان است. بدون عشق، رابطه استوار میان انسان و طبیعت و انسان و خدا، وجود نخواهد داشت. آموزش معارف و تربیت دینی در سایه فهم معارف و گزاره‌های دینی، یعنی عشق به دین. تا زمانی که متریبی از درون، عشق به دین را در خود نیابد، تشویق به دین و تبلیغ مفاهیم دینی از بیرون، نه تنها مؤثر واقع نمی‌شود، بلکه اثر معکوس دارد. بنابراین، اساس تربیت دینی به زنده شدن قلب انسان برمی‌گردد. مرکز تغییر و تحول عواطف آدمی قلب اوست. در قلب است که نور حق می‌تابد و خدا را یاد می‌کند؛ از این رو، برنامه‌های تربیتی باید مبتنی بر زنده کردن و مجذوب کردن دل‌ها باشد.

همان‌طور که گفته شد، تربیت دینی صرفاً، دادن یک مشت اطلاعات مذهبی و آموزش‌های صوری دین به متریبی است، زیرا؛ اگر این آموزش‌ها و اطلاعات با برانگیختگی درونی و شوق عاطفی همراه نشود، نتیجه معکوسی داده، حتی ممکن است تمایلات فطری را که ذاتاً خداجو و خداپرست‌اند، تضعیف و تحریف نماید (ضرابی، ۱۳۸۶ش: ۷۴). شاید بتوان فنون، روش‌ها و اطلاعات تربیتی را از طریق برنامه‌های جاری و آموزش‌های صوری به دانش‌جویان و

دانش‌آموزان منتقل کرد؛ اما هرگز نمی‌توان شور، عشق، هنر و شوق را که مایه‌های عاطفی و درونی بشر هستند و باید از درون بجوشند، به‌طور مکانیکی و اکتسابی آموخت.

۵. عدم دستیابی به هویت دینی

متعلمین از نظر ذهنی، حداکثر کارایی هوشی را دارند. بنابراین، گرایش به فلسفه زندگی، آنان را به‌سوی مسائل اخلاقی و مذهبی سوق می‌دهد؛ و سعی می‌کنند در این دوره، هویت مذهبی خود را شکل دهند؛ اما اگر سطح رشد شناختی آنان با سطح معارف دینی‌ای که ارائه شود، هم‌خوانی نداشته باشد، دچار نوعی سردرگمی و در نهایت، بی‌رغبتی نسبت به دین می‌شوند.

نوجوان و جوان به علت توانمندی‌های ذهنی، باورهای دینی را که از دوران کودکی به‌صورت تقلیدی از خانواده و دیگران به او القا شده است، کنار می‌نهد و می‌خواهد معارفی را بپذیرد که متناسب با سطح تفکر او باشد، اما از یک سو، بسیاری از اوقات، آنچه به منزله دین به او عرضه می‌شود، برای وی قانع‌کننده نیست، و از سوی دیگر، در برخی موارد متعلمین می‌خواهند همه آموزه‌های دینی، اعم از احکام و عقاید را با مقیاس عقل بسنجند و فکر می‌کنند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد، صحیح هستند؛ و در غیر این صورت، درست نیستند و باید کنار گذاشته شوند. همه این عوامل، دست به‌دست هم می‌دهند؛ و موجب می‌شوند، هویت دینی به خوبی شکل نگیرد؛ و فرد نسبت به آموزه‌های دینی دچار بحران شده، نجات خود را از این بحران، در گریز از دین بداند.

حضرت علی علیه السلام با اشاره به این حقیقت، گرایش به کفر را ناشی از ضعف معرفتی انسان دانسته، می‌فرماید:

اگر افراد هنگام برخورد با مسائلی که نمی‌دانند درنگ نمی‌کردند و عجولانه تصمیم نمی‌گرفتند، گمراه نمی‌شدند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۱۵۲).

بنابراین، یکی از علل دین‌گریزی و ضعف تربیتی در همه انسان‌ها به‌ویژه دانش‌جویان و دانش‌آموزان، عدم دستیابی به هویت دینی است.

۶. پدیده شکاف نسل‌ها

با وضعیتی که برای نسل موجود حاصل شده، این نسل در گرایش به ارزش‌های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود قابل ملاحظه‌ای با نسل قبل از خود، یعنی پدران و مادران خویش،

متفاوت گردیده است. این امر ناشی از مسائل گوناگونی از جمله، پدیده جهانی شدن، رشد خارق‌العاده ارتباطات ماهواره‌ای و رایانه‌ای، امکان دستیابی جوانان و نوجوانان در دهکده کوچک جهانی به همدیگر، آشنایی نسل حاضر با شیوه‌های جدید زندگی و تنوع تأمین نیازهاست، که پدیده‌ای به نام «شکاف نسل‌ها» را ایجاد کرده است.

مسئله شکاف نسل‌ها، چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت، بلکه یک مشکل اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا این پدیده، زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و هنجارهای یک نسل، به نسل بعدی منتقل نشود؛ مسئله‌ای که کم و بیش در جوامع امروزی مخصوصاً جامعه اسلامی و دینی اتفاق افتاده است؛ چرا که نسل امروزی ما به‌طور مستقیم، بیشتر تحت نفوذ زمینه‌های اقتصادی است تا زمینه‌های عقیدتی و دینی. جوانان نسل‌های قبلی، فرزندان قرآن، افکار و ارزش‌های دینی و الهی بودند، اما جوانان امروز، فرزندان تصاویر، پیام‌های بازرگانی و ارزش‌های فردی و خصوصی هستند (ربانی، ۱۳۸۰: ۱۹). به هر حال، اگر در جامعه دینی، ارزش‌های مذهبی و هنجارهای دینی نسل قبل به نسل بعدی منتقل نشود، جامعه، هویت مذهبی خود را از دست داده، معلوم نیست فردای آن چگونه خواهد بود.

بنابراین، در راستای آموزش معارف و تربیت دینی؛ تربیت انقلابی که ریشه در مذهب و معارف اسلامی دارد، امری اجباری و غیرقابل استنکاف است. آگاهی بخشی سیاسی، تبیین ریشه‌ها و دست‌آوردهای انقلاب، فزونی اندیشه‌ورزی و بصیرت انقلابی، تقویت خودباوری، دشمن‌شناسی و استقامت‌ورزی، و نیز شناخت علل موانع داخلی و خارجی بر سر راه تحقق فرایند تربیت انقلابی، از جمله مؤلفه‌هایی است که می‌تواند افکار و روحیه جوان و نوجوان انقلابی را منسجم، مقتدر و محبوب بخشد. به همین سبب، رهبر انقلاب اسلامی فرمودند:

من جوان‌های مؤمن و انقلابی را بسیار دوست دارم و از آنها، در هر کجا باشند پشتیبانی می‌کنم، و وظیفه رؤسا و مسئولین دانشگاه‌ها و وزرای مربوطه، حمایت مضاعف از جوانان مؤمن و انقلابی در دانشگاه‌هاست (بیانات در دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف، ۱۳۹۵/۱۰/۱۳)

۷. سیاست زدگی در فرآیند آموزش و معرفت‌های دینی

یکی از مهم‌ترین وجوه دانشگاه اصیل، در کنار فرآیند آموزش علوم مختلف، سیاسی بودن آن است که از آن به «دانشگاه سیاسی» تعبیر می‌شود. «دانشگاه سیاسی» یکی از کلیدی‌ترین مفاهیمی است که در مثنوی اسلامی و انقلابی، باید به آن توجه ویژه‌ای شود. متأسفانه شاهد

این هستیم که نه تنها آن اهتمام صحیح و منطقی حتی نسبت به فهم این اصطلاح انجام نمی‌شود، بلکه در راستای تبدیل آن به شعاری سیاست‌زده کوشش می‌شود. و عجیب‌تر آن که ریشه این ناآگاهی و نابخردی حتی در برخی از جریانات دانشجویی و تشکل‌های دانشگاهی یافت می‌شود.

رهبر معظم انقلاب فرمودند:

بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما، شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید... (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۲/۰۸/۱۲).

البته معنای صحیح سیاسی بودن مراکز علمی، خصوصاً دانشگاه، همان «قدرت تحلیل سیاسی داشتن» است که باعث پویایی دانشجویان و به تبع آن، پویایی جامعه می‌شود؛ نه «سیاست‌زدگی» و تبدیل شدن به بلندگویی برای احزاب و گروه‌های مختلف؛ چرا که این «عدم استقلال»، دور شدن از هدف اصلی «سیاسی شدن دانشگاه‌ها» است. رهبری در این باره می‌فرماید:

بنده یک وقت عرض کردم دانشگاه‌ها باید سیاسی باشند و دانشجو باید سیاسی باشد. معنای این حرف، آن است که دانشجو باید قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد... (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۴/۸/۱۰).

به هر حال واضح است، جنبش دانشجویی مسلمان و انقلابی، در مسیر حرکت خود و همین‌طور زیست سیاسی در فضای دانشگاه، باید بر عنصر عقلانیت و معرفت‌های دینی تکیه نماید و با الگوگیری صحیح از نظرات متقن و پویای اساتید مکتبی و انقلابی و در رأس آن، رهنمودهای اساسی رهبران انقلاب، گامی در راستای بهبود وضعیت تشکل‌های دانشجویی و دانشگاه بردارد. از لوازم این امر، پرهیز از «شعارزدگی صرف» است که خود مبتنی بر غلبه روح «سیاست‌زدگی» است. حقیقتاً باید فهم خود را از بیانات کلیدی و عبارات راهگشای امامین انقلاب را تنقیح و تصحیح نمود.

۸. ناسازگاری میان قول و عمل

مسئله دیگری که به عنوان عامل دین‌گریزی مطرح است؛ اعمال خلاف کسانی است که در مقام معلم و استاد هستند و نسل جوان و نوجوان به عنوان الگو، بدان‌ها توجه می‌کنند. این امر بسیار مهم و خطرناک است و عامل دین‌گریزی آنها می‌شود. جوانان با مشاهده کسانی که قول

و عمل‌شان یکی نیست و در عین حال، دعوت به دینداری می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن بدان عمل نمی‌کنند؟ آنها می‌گویند: چرا این مدعیان دین، فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند، حال آن‌که خودشان فرسنگ‌ها با دین و احکام دینی فاصله دارند؟ قرآن کریم از باب تحذیر، خطاب به چنین کسانی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف: ۲).

از طرفی، جوان و نوجوان، چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیستند و به آن حد از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده‌اند تا لغزش افراد را به حساب خود آنها بگذارد نه دین و مذهب‌شان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می‌گذارد و از این‌رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یکباره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. از همین‌روست که می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است خطرناک‌ترین وضع برای این نسل است. برای افرادی که دین و مذهب کاملاً برای‌شان جاافتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنها می‌دانند که هر شخص ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را برخلاف دین و مذهب مرتکب گردد. به همین دلیل، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند. ولی افرادی که تازه می‌خواهند دین را انتخاب کنند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نمایند، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصور می‌کند که تمام دین همین است.

نظام آموزشی و تربیتی تحول‌گرا با رویکرد "جهاد تبیین"؛ بسترساز اقتدار علمی و انقلابی

در عصر حاضر، قاطبهٔ اساتید مراکز علمی به‌ویژه استادان معارف اسلامی می‌بایست با تکیه بر عقاید و باورهای دینی و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی، نسبت به ایفای نقش تأثیرگذار خویش نه تنها در فضای مدارس و دانشگاه که در لایه‌های گوناگون جامعه در حفظ و توسعه ارزش‌های دینی و اخلاقی و نیز دفاع آگاهانه از مبانی و معارف دینی و استراتژیک سیاسی انقلاب در پرتو منشور جهاد تبیین (ابلاغیهٔ مقام معظم رهبری) کوشا و جدی باشند.

طبعاً، تبیین به معنای بیان حقایق است که در مقابل ابهام، احتجاج و پرده‌افکنی است و از نظر سرعت، قدرت و دقت عملیاتی با مسیر قبلی متفاوت است. جهاد تبیین؛ حقیقتی ثابت و

در دسترس و آماده نیست، بلکه باید به سوی تحقق آن حرکت کرد. ماهیت جهاد تبیین که از سوی رهبری بیان شده، نه تنها به تبیین مباحث مربوط به رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی... انقلاب اسلامی، جهان اسلام و شناخت مواضع دشمنان و جنگ رسانه‌ای بلکه به دفاع روشنگرانه و مقتدرانه از اعتقادات دینی، اهداف انقلاب، آزادی، عدالت و حقوق فردی و اجتماعی و... در برابر القائات و شبهات جریان‌ات باطل و انحرافی نیز شامل می‌شود.
مقام معظم رهبری فرمودند:

... دانشگاه می‌بایست متمایل به ارزش‌های انقلابی و اسلامی باشد و با توجه به این‌که ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به هیچ وجه تفکیک‌پذیر نیست، لذا انقلابی بودن و اسلامی بودن دانشگاه با هم یکسان است (بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانشگاهیان، ۱۳۶۸/۳/۲۳).

استاد مطهری؛ یکی از علل گرایش نسل جوان به مکاتب الحادی، چه در مسیحیت و چه در جوامع اسلامی را پاسخ غیرمنطقی و غیرمعقول به نیازها و سؤالات این نسل و نیز برخورد‌های منفی با این نسل می‌داند. از این رو، معتقد است که باید از طرد این نسل دوری گزید و تلاش کرد تا برای سؤالات دینی و نیازهای اساسی این نسل پاسخ‌های معقول، منطقی و حقیقی بیابند. ایشان، زایش و پیدایش سؤالات جدید و نیازهای تازه را انحراف و انحطاط و زائیده هوس‌ها و شهوت‌های نسل جوان نمی‌شمارد، بلکه آن را نشانه رشد و حیات یک جامعه زنده می‌داند؛ البته به شرط آن‌که اندیشمندان، اساتید و عالمان دینی به وظیفه خود در پاسخ‌گویی و رفع نیازهای این نسل به خوبی عمل کنند (مطهری، ۱۳۹۸ق: ۱۸۳-۱۸۷).
پس می‌توان ادعا نمود که پدیده "جهاد تبیین"، یک افسانه و شعر و حکایت نیست، بلکه یک استراتژی، یک حقیقت و میراث مانا و گرانقدری است که از سیره پیشوایان معصوم به ما رسیده است. لذا شاخ برگ‌های این منشور، متنوع و کثیرند و نباید مورد غفلت و یا کم‌توجهی اساتید و کرسی‌های علمی و آموزشی قرار گیرد.

باید گفت؛ هر تلاشی به مثابه جهاد نیست. به تعبیر مقام معظم رهبری:

... هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به جاست، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای

مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزیند، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه دشمن، می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۰/۱/۳).

بنابراین، برای پیوستن به اردوگاه "جهاد تبیین"؛ علاوه بر بسط و نهادینه نمودن فرهنگ پژوهش محوری، پرسشگری و روحیه نقادی و حقیقت‌جویی و همین‌طور تسریع در اعمال روش‌های تدریس تعاملی و مشارکتی، پرسش و پاسخ و حل مسئله به جای دیگر شیوه‌های دیربازده و یا کم‌بازده، آماده‌سازی کیفی جوان و نوجوان تحصیل‌کرده را برای رویارویی مقتدرانه و عالمانه با بحران شبهات دینی و انقلابی که از سوی دشمنان دین و انقلاب‌القائه می‌شود، امری راهبردی است. با این رویکرد؛ فلسفه "جهاد تبیین" بر دو مؤلفه مهم متکی است؛ یکی وجود محتوای آموزشی جامع و اثربخش و دیگری استاد آگاه و مکتبی.

نتیجه‌گیری

متولیان برنامه‌ریز و اندیشمندان کارآزموده و متعهد نظام آموزشی جامعه اسلامی ایران، برای دستیابی به یک نظام آموزشی آینده‌پژوه، منسجم، هدف‌گرا، افناعتی و زودبازده، می‌بایست ضمن آنالیز و شناسایی معایب محتوا و روش‌های به کار گرفته شده در حوزه معارف اسلامی، ناگزیرند علاوه حفظ محتوای آموزش، روش‌ها و تجربیات مفید فعلی، به کاربست دو موضوع مهم که بخش عمده‌ای از چالش‌ها و معضلات معتنا به سیاست‌های امروز حاکم بر فرایند آموزشی، بدان مربوط است؛ رویکردی عمل‌گرایانه و زمان‌شناسانه داشته باشند؛ نخست با قبول پدیده تحول، به طراحی نوین محتوای آموزشی جامع‌نگر و مکمل، البته مطابق با نیازها و مطالبات روز جامعه هدف (دانش‌آموز و دانشجو) روی آورده شود. دوم این‌که، برای گزینش و تربیت علمی و اخلاقی اساتید و مبلغان دینی به عنوان عاملان و انتقال‌دهندگان محتوای علوم و معارف اسلامی، به دور از هرگونه تبعیض، سطحی‌نگری، حصرگرایی و تنش‌های سیاسی، اهتمام ویژه معمول گردد. بدیهی است در عصر حاضر، برای توسعه اقتدار علمی و تجلی فضائل اخلاقی و انقلابی در سیمای مدرسه و دانشگاه و در سطحی بالاتر در فضای عمومی داخل و خارج از کشور، از یک سو، و ابراز توان و ایستادگی آگاهانه و مقتدرانه جامعه علمی در برابر هجمه‌ها و شیوع شبهات دینی و چرایی‌های رخداد پدیده بزرگ انقلاب اسلامی از سوی

دیگر، ضمن توانمندسازی محتوا، پالایش استاد اندیشه‌ورز، خیره و با شأن و شوکت و انقلابی از مدرسان ضعیف‌العلم و فاقد اراده و انگیزه، که زیان ماندگاری آنان در فضای تدریس، بیشتر از نماندن آنهاست، ضروری به نظر می‌رسد. بدون شک، چنگ زدن آگاهانه و عاشقانه به حبل متین "جهاد تبیین" و فرامین رهبری، می‌تواند زمینه‌های رشد و ارتقاء جامع‌انگاره‌های تعلیم و تربیت و نظام آموزشی کشور و نیز اهداف عالی انقلاب اسلامی را ایجاد و از گزند شبهات و القائات شیطانی دشمنان مصون سازد و روند کار استاد را در مأموریت جامع‌الاطراف خویش، اثربخش نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳ش)، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح: جمال‌الدین محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق: میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۲. برقی، سیدیحیی (۱۳۵۶ش)، *چکیده اندیشه‌ها*، قم: نشر کتاب.
۳. تولستوی، لئو (۱۳۸۳ش)، *هنر چیست*، ترجمه: کاوه دهگان، تهران: امیرکبیر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲ش)، *شریعت در آینه معرفت*، تهران: فرهنگی رجا.
۵. دشتی، محمد (۱۳۷۹ش)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مشهور، اول.
۶. ربانی، رسول (۱۳۸۵ش)، *جامعه‌شناسی جوانان*، تهران: آوای نور.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۷۱ش)، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۸. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۳ش)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت*، تهران: نشر دانشگاهی.
۹. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «آسیب‌شناسی روش‌ها در قلمرو تربیت دینی»، *مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش*، تهران: محراب قلم.
۱۰. سیدین، غلامعلی (۱۳۷۲ش)، *مبانی تربیت فرد و جامعه از دیدگاه اقبال*، ترجمه: محمد بقایی، تهران، نشر برگ.
۱۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۴ش)، *روان‌شناسی پرورشی؛ یادگیری و آموزش*، تهران: آگاه، چهاردهم.
۱۲. صادقی، معصومه (۱۳۸۲ش)، «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی»، *مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش*، تهران: محراب قلم.

۱۳. ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۶ش)، «آزادی و تربیت دینی»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۱۷.
۱۴. عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۲ش)، «آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، تهران: محراب قلم.
۱۵. علیانسیب، حسین (۱۳۸۶ش)، نقش خانواده در پرورش مذهبی فرزندان، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۶. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵ش)، نامه باستان، تهران: سمت.
۱۷. گانیه، آرام (۱۳۸۶ش)، اصول طراحی آموزشی، ترجمه: خدیجه علی‌آبادی، تهران: دانا، اول.
۱۸. محدثی و همکاران (۱۳۹۰ش)، «بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های تدریس اثربخش از دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه»، مجله پرستاری، دوره ۹، شماره ۶.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶ق)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۸ق)، ده گفتار، تهران: راه امام.
۲۱. الیاده، میرچا و دیگران (۱۳۷۴ش)، فرمانگ و دین، هیئت مترجمان: زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: طرح نو.
۲۲. سایت اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، KHAMENEI.IR

Examining the role of colonialism in creating the deviant difference of Mahdism and related challenges

Dr. Seyyed Ali Akbar Rabi Netaj¹

Hasan Yaghubi²

Sideh Fatemeh Karimi³

Hadiseh Bahrami⁴

Seyyed Alireza Mousavi⁵

Abstract

One of the most important and influential religious topics in today's world - especially Islam - is the category of "Mahdavit". On the other hand, the enemies have tried to achieve their goals by confiscating and perverting this belief among Muslims - sometimes by using soft power and sometimes by hard power. It is unfortunate that a person who is alienated from himself and removed from human schools, suffering from dangers and memories and oppressed by media and communication, has found a very fragile and vulnerable character in terms of beliefs in this era. Wanghi, in search of his natural and legitimate ideals, grinds his head on the threshold of a new heresy every day. The present research, which is organized by descriptive and analytical method, aims to examine the existing harms in the subject of Mahdism and its deviations by introducing some sects in the present era, and deals with the process of forming and gaining strength of their leaders and leaders. Also, it reveals the hidden and open role of colonialists and illegitimate regional states in creating and supporting them and points to the heavy responsibility of scholars, Muslims and Islamic governments in this regard. The findings of the present research indicate that; Conducting strategic researches, education, awareness, vigilance, and having correct and effective solutions from the authorities and non-governmental organizations, using spiritual concepts and themes and authentic Islamic mysticism, familiarizing Kardan preachers with the tricks and fallacies of the promoters of emerging mysticisms and deviant differences, holding The classes of deliberation and interpretation of the Qur'an - especially the verses related to the subject of Mahdism - are among the practical and path-breaking programs to prevent these harms and deal with the aforementioned deviations

Keywords: Pathology, Mahdism, deviant difference, colonialism

1. Member of the faculty and professor of the Department of Qur'anic and Hadith Sciences of Mazandaran University
2. Doctoral student of Theology, Quranic and Hadith Sciences, Mazandaran University (Responsible Author)
3. Master of Theology, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University
4. Master of Theology, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University
5. Master of Theology, Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University

بررسی نقش استعمار در ایجاد فرق انحرافی مهدویت و چالش‌های مرتبط

سید علی اکبر ربیع نتاج^۱

حسن یعقوبی^۲

سیده فاطمه کریمی^۳

حدیثه بهرامی^۴

سیدعلیرضا موسوی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین مباحث اعتقادی و مبتلابه در دنیای امروز - به ویژه اسلام - مقوله «مهدویت» می‌باشد. از طرفی، دشمنان کوشیده‌اند از طریق مصادره و به انحراف کشاندن این عقیده در بین مسلمین - گاهی با استفاده از قدرت نرم و گاه با قدرت سخت - به مقصود خود نایل شوند. ناخوش آن‌که، انسان از خود بیگانه و از مکاتب بشری رمیده، رنجور از خطرات و مخاطرات و مقهور از رسانه و ارتباطات، در عصر حاضر از نظر اعتقادی شخصیتی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر یافته است. وانگهی، در جستجوی آرمان‌های فطری و مشروع خود هر روز سر بر آستان بدعتی تازه می‌ساید. پژوهش پیش‌رو که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، با هدف بررسی آسیب‌های موجود در موضوع مهدویت و انحرافات آن با معرفی برخی فرقه‌ها در عصر حاضر تدوین و به روند تشکیل و قدرت یافتن رهبران و رهروان آنها پرداخته است. نیز، پرده از نقش پنهان و آشکار استعمارگران و دول نامشروع منطقه‌ای در ایجاد و حمایت از آنان برداشته و به مسئولیت

۱. عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۲. دانشجوی دکتری الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (hasan8933@yahoo.com).

۳. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۴. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

۵. کارشناسی ارشد الهیات، علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران.

سنگین علما، مسلمانان و دولت‌های اسلامی در این خصوص اشاره می‌کند. یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از این است که؛ انجام پژوهش‌های راهبردی، آموزش، آگاهی، هوشیاری، و داشتن راهکارهای صحیح و اثرگذار از سوی مسئولین و سازمان‌های مردم‌نهاد، استفاده از مفاهیم و مضامین معنوی و عرفان اصیل اسلامی، آشنا کردن مبلغین کاردان با شگردها و مغالطات مروجان عرفان‌های نوظهور و فرق انحرافی، برگزاری کلاس‌های تدبر و تفسیر قرآن - به ویژه آیات مرتبط با موضوع مهدویت - از جمله برنامه‌های عملی و راهگشا برای پیشگیری از این آسیب‌ها و مقابله با انحرافات یادشده می‌باشد.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، مهدویت، فرق انحرافی، استعمار.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی عقیده به وجود منجی در آخرالزمان و برقراری حکومت صالحان بر جهانیان است. اگرچه این بحث اختصاص به مسلمانان نداشته و در سایر ادیان ابراهیمی نیز مطرح است اما، صراحت اشاره به این موضوع در آیات و روایات متعدد اسلامی باعث شد تا دشمنان دین، درصدد توطئه و تدارک برای تغییر و امحای آن بپردازند. در قرآن کریم آیات فراوانی به طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره به موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن دارد. و از منظر احادیث تفسیری نیز این موضوع دارای جایگاهی ویژه و با اهمیت است. به گونه‌ای که یکی از اساسی‌ترین معتقدات مسلمانان و به ویژه شیعیان، مسئله اعتقاد به موعود و منجی بودن امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و ظهور ایشان پس از دو دوره غیبت صغری و کبری و بعد از گسترده شدن ظلم و بی‌عدالتی در جهان و ناتوانی مکاتب مختلف بشری از اجرای عدالت و یا برطرف کردن بی‌عدالتی‌های موجود می‌باشد. از طرفی، هشدارهای قرآن مبنی بر لزوم اطاعت اهل ایمان از اولیای الهی (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء: ۵۹؛ مائده: ۹۲ و...)، نهی مؤمنان در اطاعت از اولیای شیطانی (أنعام: ۱۲۱؛ نساء: ۶۰؛ ابراهیم: ۳ و...)، و وجوب مراجعه به دانایان و کسب علم و آگاهی (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) همه و همه تأکید بر نقش و مسئولیت آحاد جامعه اسلامی و به ویژه علما دارد. وانگهی، غیبت کبری حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و طولانی شدن آن باعث شد تا تحت تأثیر عوامل مختلف، هر از چندگاهی، فرد یا افرادی خود را به عنوان موعود و منجی معرفی نموده و از کاستی‌های موجود، سوءاستفاده لازم را کرده و با منحرف کردن افکار و عقاید بخشی از مردم معتقد به موضوع مهدویت، اثرات زیان‌بار و لطمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اجتماع اسلامی و انسانی وارد نمایند و این در حالی است که؛ «بدون شک معرفت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و رهبر امت بر حسب دلائل محکم عقلی و روایات معتبر، یکی از مهم‌ترین مسائل

اسلامی است که در تمام ادوار و اعصار مورد توجه بوده و بعد سیاسی آن در نظام حکومتی اسلام نقش تعیین‌کننده دارد. معرفت امام؛ امان از ضلالت و گمراهی؛ و موجب تقرب به خداوند متعال و ترقی و کمال نفس است و بدون معرفت امام و ولی امر، هیچ طاعت و عبادتی مقبول نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷ش: ۷) نیز؛ «مسئله توجه به "مصلح جهانی" موضوعی است که بر اعتقاد تمامی افراد بشر در تمام پیروان مکاتب و مذاهب الهی و غیر الهی تاثیرگذار بوده و هر کدام به گونه‌ای اعتقاد خود را در این راستا بیان کرده است» (مشعل پورفرد، ۱۳۹۰ش: ۶) چراکه؛ «نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری يك رجل و ابرمرد الهی واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ش: ۱۳۰). مع‌الأسف، تشکیل فرقه‌های انحرافی - که البته در دوران معاصر تحت مدیریت و هدایت پنهان و آشکار دول استعمار بوده‌اند - پیامدهای ناگواری را برای جوامع اسلامی به همراه داشته که از آن جمله، می‌توان به؛ سست شدن عقیده مردم به مهدویت و فرهنگ انتظار، به خطر افتادن وحدت و یکپارچگی در جوامع اسلامی، تسلط دشمنان بر امت‌های اسلامی و بروز ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری به سبب تشکیک و تغییر در عقاید مسلمانان - به ویژه موضوع انتظار - اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دول استعماری ایجاد، هدایت و مدیریت فرق انحرافی مهدویت در دو قرن اخیر و به ویژه در منطقه خاورمیانه می‌باشد. آنان با استفاده از سیاست معروف: «تفرقه بینداز و حکومت کن!» توانسته‌اند ضمن شناسایی و به کارگیری عناصر و ابزار اجرایی این سیاست، سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای منطقه را به یغما برده و توانایی مقابله را از آنان گرفته و به اهداف خود - هرچند موقت - دست یابند. اما از آن جا که؛ «وَأَنَّ اللَّهَ مَوْهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ» و به درستی که خدا کید کافران را بی‌اثر می‌کند (انفال: ۱۸). وقوع انقلاب اسلامی در ایران - کشوری که به دلایل متعدد کعبه آمال استعمارگران محسوب می‌شد - باطل السحر آنان شده و نقشه‌های‌شان را نقش بر آب کرد. چرا که برخلاف مدعیان برساخته و دروغین، رهبران این انقلاب، مردم را نه به خود بلکه به سوی خدا می‌خوانند. و نه خود را امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ و یا نماینده رسمی او، که سرباز و شیعه آن حضرت می‌دانند. آنان همچنین، انقلاب‌شان را مردمی، هدف‌شان را الهی و تلاش‌شان را زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت

جهانی حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام دانسته و تمام برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان انقلاب را در این جهت طراحی و به پیش می‌برند.

عطف به این نکته، یکی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی ایران در آرمان موعودگرایی و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، هم‌مین فرق انحرافی و مدعیان دروغین مهدویت از یک طرف، و چگونگی برنامه‌ریزی و اتخاذ روش‌های درست برخورد با آنان از طرف دیگر می‌باشد. چراکه هر از چندگاهی یکی از این فرقه‌ها با نام و عقیده‌ای تازه سر برآورده و با جمع عده‌ای عوام پیرامون معدودی خواص خودفروخته، به ایجاد تفرقه و تخطئه عقاید پرداخته و سعی در از بین بردن این عقیده متعالی الهی در بین مسلمانان و به ویژه شیعیان دارند. هرچند بنا به وعده الهی: ﴿و ما کید الکافرین إلا فی ضلال﴾ و نیرنگ کافران جز در گمراهی نیست (غافر: ۲۵). اما، در عین توجه به کاستی‌های موجود و پرداختن به موضوعات یادشده، ابتدا باید به روشن‌گری و سپس به اصلاح و ارائه راهکارهای لازم اقدام نمود. هدف اصلی از انجام این پژوهش؛ آسیب‌شناسی مباحث مهدویت با تأکید بر نقش و انحرافات فرق و مدعیان دروغین می‌باشد.

بیان مسئله

ارتباط بسیاری از آیات قرآن کریم به موضوع مهدویت و وجود احادیث فراوان در این خصوص، قرار گرفتن در برهه حساسی از تاریخ اسلام، یعنی؛ دوران غیبت کبری، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و دوران جنبش و بیداری اسلامی، همه و همه حاکی از اهمیت این موضوع بوده و از طرفی، نیاز جامعه اسلامی را به داشتن برنامه‌های مؤثر و هدفمند در این زمینه آشکار می‌کند. چراکه؛ اسلام و آموزه‌های مترقی آن همواره مورد دشمنی طواغیت، دنیاطلبان و بدخواهان بوده است. و این افراد به شیوه‌های مختلف سعی در گمراه نمودن و به انحراف کشیدن عقاید صحیح اسلامی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این اقدامات راه‌اندازی فرقه‌های انحرافی است. با وجود تلاش بسیار امامان معصوم علیهم السلام و اصحاب و شاگردان‌شان، باز هم فرقه‌هایی حتی در عصر آن بزرگواران به وجود آمدند که در مسیر عقیده شیعیان به امامت معصومین علیهم السلام، انحرافات بزرگی ایجاد کردند. به طوری که جریان‌های منحرف با اسم و رسم مهدویت در سرزمین‌های اسلامی ظهور کردند و عده‌ای را گرد خود جمع کردند. اما، یکی از ویژگی‌های بیدارگر و منحصر به فرد در مبحث مهدویت موضوع استکبارستیزی و مبارزه با ایادی

آن است. زیرا، عقیده متعالی به وجود منجی، سبب زیر سؤال رفتن ماهیت ظالمانه و فسادانگیز استکبار می‌شود و از طرفی، موجبات رشد امید و استقامت در جامعه اسلامی را فراهم می‌سازد. به همین سبب مستکبران درصدد پیشبرد مقاصد خود با اجرای برنامه‌های منظم هستند تا این اندیشه را در بین مسلمانان - به خصوص شیعیان - از بین ببرند. یکی از این برنامه‌ها ایجاد فرقه‌های انحرافی حول محور مهدویت و ادعای قائمیت از سوی گماشتگان و پشتیبانی فکری - و در صورت لزوم، ابزاری - از آنها می‌باشد. بدین ترتیب، این اندیشه در طول تاریخ از دست برد بداندیشان در امان نبوده و هر از چندگاهی کسانی با دستاویز قرار دادن این اندیشه به تخریب آن در نزد مردم و در نهایت به انحراف و فریب آنان می‌پردازند. بنابراین، در صورتی می‌توان با این افراد مقابله کرد که اهداف و ابزارهای دست‌یابی به اهدافشان شناخته و راهکارهای علمی و عملی لازم در ناکام گذاشتن آنان از سوی کارشناسان و خبرگان امر ارائه شود. از طرفی، با توجه به این‌که از وظایف مهم علما و دانشمندان اسلامی ترویج و حمایت از عقاید و باورهای صحیح اسلامی می‌باشد، پس باید به شکل‌های مختلف این فرق منحرف و ماهیت باطل آنها را به مردم شناسانده و از نشر عقاید باطل آنها و گسترش مکاتب انحرافی جلوگیری نمایند و راه درست مواجهه و در صورت لزوم، مبارزه با آنها را به مردم بیاموزند. همچنین، اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که به وجود نقش دشمنان اسلام در ایجاد، هدایت و بهره‌کشی از فرقه‌های منحرف از مسئله مهدویت - به ویژه رهبران آنان - به نفع اهداف استعماریشان پی ببریم و به مسئولیت آحاد جامعه اسلامی و نقش برجسته علما و مسئولین در مقابله با این آسیب‌ها و انحرافات آگاه‌تر شویم. وانگهی، اعتقاد به حیات و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور آن امام براساس تعالیم اسلامی و روایات رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام از مسائل حتمی و غیرقابل‌خداشه در مکتب تشیع است. از طرفی، بیان و گسترش برخی مسائل مهدویت مانند: علائم و نشانه‌های ظهور، ظلم و بی‌عدالتی حاصل از عدم حاکمیت و مدیریت انسان کامل و معصوم بر جامعه بشری، اعتقاد به موعود و منجی در نزد پیروان ادیان و... باعث گردید تا دشمنان دین و استعمارگران همواره در لباس خیرخواهی و دوستی و با ایجاد انحراف در عقاید و در نهایت تفرقه در بین مسلمانان به تعقیب اهداف و مقاصد پلید خود از رهگذر ایجاد و حمایت از فرقه‌های منحرف از دین بپردازند. با ذکر این نکات که؛ «جوامع بشری به موازات کسب توانایی‌های مادی، در عرصه معنویت و اخلاق به انحطاط گرائیده است، به همین سبب به دنبال عرفان‌های گوناگون رفته و هر روز آئین

جدیدی به وجود می‌آید» (دانش پژوه، ۱۳۹۰: ش: ۲۹) و «در طول تاریخ، ادیان آسمانی و مذاهب مربوط به آنها با تحریفات و التقاط‌های متعدد معنوی و لفظی مواجه بودند. تحریفات به عمل آمده در آموزه‌های ادیان با ایجاد تغییرات کلی در آموزه‌های یک دین و یا با حذف برخی از آموزه‌ها و افزودن مطالب دلخواه تحریف‌گران به وجود آمده است. و در مواردی نیز با تلفیق و التقاط آموزه‌های ادیان؛ فرق و نحله فکری خاصی شکل گرفته است» (حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹: ش: ۱۹۳) و طرفه آن که: «امروز جامعه ما؛ جوانان ما؛ همه ما؛ به آشنایی به این مکتب؛ به دیدن این مدرسه الهی محتاجیم؛ باید معرفت خود را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولی دوران کامل و کامل‌تر کنیم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ش: ۶۹) وانگهی، «اعتقاد به مهدویت مؤثر در تعلیم و تربیت اسلامی است. و اگر جامعه‌ای در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود، به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه، منتظر و مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن می‌شوند» (فدائی، ۱۳۸۴: ش: چکیده) و از طرف دیگر، «آشنایی و شناخت اندیشه‌های دینی مدعی مهدویت پس از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دستیابی به پاسخ‌های لازم برای روشن نمودن برخی از شبهات و ابهامات و دستیابی به شناخت هرچه بیشتر درباره آنها ضرورتی است انکارناپذیر» (حسینی نیشابوری، ۱۳۷۹: ش: چکیده). عطف به آنچه گذشت باید دید که؛ دلایل و ریشه‌های به وجود آمدن این همه بدعت و تحریف در مسائل دینی چیست؟ به وجود آورندگان آن در پی چه اهداف و انگیزه‌هایی بوده و هستند؟ دول استعمارگر در ایجاد و هدایت فرق انحرافی چه نقش و تأثیری دارند؟ و راهکارهای مقابله با توطئه‌های استعماری در مقوله مهدویت کدامند؟ چرا علیرغم همه مخالفت‌ها و مبارزاتی که علیه این بدعت‌ها انجام گرفت، هیچگاه منهدم و مضمحل نشده و هر نوبت در لباس و پوششی جدید سر برمی‌آورند؟ و بالأخره، شیوه‌های صحیح برای مقابله و از بین بردن این بدعت‌ها و انحرافات چیست؟ پژوهش پیش‌رو به این مهم می‌پردازد. با آن که در خصوص اندیشه مهدویت در انواع فرقه‌های انحرافی و علل پیدایش آنها، مقالات و مطالب زیادی نوشته شده است، و در اثنای برخی مطالب به نقش تخریبی این فرقه‌ها و ادعاهایی که رؤسای این فرقه‌ها بر اندیشه مهدویت داشته‌اند، پرداخته‌اند. اما، بررسی نقش آسیب‌زای فرقه‌های انحرافی و مدعیان دروغین - به ویژه دول استعمارگر شرق و غرب - در تخریب اندیشه مهدویت موضوعی حیاتی است که مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته و یا دست‌کم پژوهش‌های لازم و درخور آن انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر

تلاش دارد تا با نگاهی نو و روش مند، بخشی از رسالت خود در این زمینه را به انجام رسانده و از کاستی‌های موجود بکاهد.

مفهوم‌شناسی

۱. مهدویت و مهدی باوری

مهدویت، اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسی که بشارت داده‌اند او قطعا در آخرالزمان می‌آید (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۰، ۳۳۲) و از «هدی» به معنای راهنمایی کردن و ثابت قدم کردن گرفته شده (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۴۷۱) مهدی: کسی که خداوند او را به راه حق هدایت کند. مهدی کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آمدنش را در دوران آخرالزمان بشارت دادند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق: ج ۱۵، ۳۵۴) و «مهدویت در اصطلاح اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنا عشری است» (تونه‌ای، ۱۳۸۸ش: ۷۱۱) مهدویت یعنی؛ معتقد بودن به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (جعفری، ۱۳۸۹ش: ۵۲؛ یحیی‌الأمین، ۱۳۸۷ش: ۷۱) و «مسئله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از بدیهی‌ترین مسائل اعتقادی مسلمانان - به ویژه شیعیان - است. زیرا، در صدها آیه و روایت نبوی به طور مبسوط در این مورد سخن به میان آمده است» (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴).

۲. فرق

فرق جمع فرقه، به معنی گروهی از مردم (ابن‌درید، ۱۹۸۸م: ج ۲، ۷۸۵) که دارای عقاید خاص (تونه‌ای، ۱۳۸۸ش: ۵۳۸) و یا فرقه‌ای که از دین عاقل باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۱۱، ۱۷۰۹۵) و نیز، جماعت دور شده از مردم می‌باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۳۷۹) به عقیده ماکس وبر؛^۱ «فرقه توده و گروهی کوچک است که هدف آن سرزنش حکم‌فرمایی جهان است و رهبران در پی یافتن اعضای خامی هستند» (هاشمیان‌فر و حالک، ۱۳۹۳ش: ۱۲۳).

۳. انحراف

انحراف از چیزی به معنای برگشتن از آن است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق: ج ۹، ۴۴) و از ریشه (ح ر ف) به معنای روی گرداندن (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ج ۳، ۳۰۷) می‌باشد. بنابراین، "فرق انحرافی" به

1. Karl Emil Maximilian "Max" Weber

دسته‌ها یا گروه‌های کوچک و بزرگی از مردم گفته می‌شود که از اعتقادات صحیح، به عقاید عاقل و باطل گرویده‌اند و درصدد توسعه و ترویج این عقاید برآمده‌اند. البته، «فرقه‌های انحرافی که در اسلام به وجود آمده‌اند بسیارند، ولی در میان فرقه‌های انحرافی که به موضوع مهدویت ارتباط دارند، سه فرقه در ایران شهرت دارند که عبارتند از: "شیخیه"، "باییت" و "بهائیت"» (بالادستان و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۲۰).

۴. استعمار

استعمار از باب استفعال به معنای: طلب عمارت (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۴۲) کسب عمران و آبادی (فراهیدی، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ۱۳۷) و گفته شده که استعمار به معنای آباد کردن یک کشور به ظاهر و غارت و چپاول آن در نهان است. به عبارت دیگر، استعمار؛ از ریشه «عمر» به معنای: طلب آبادانی کردن و آبادانی خواستن می‌باشد. در اصطلاح سیاسی نیز تسلط مملکتی قوی بر مملکتی ضعیف به قصد استفاده از منابع طبیعی و ثروت کشور به بهانه ایجاد آبادی می‌باشد (معین، ۱۳۷۵ش: ۲۵۲).

معرفی اجمالی مهم‌ترین فرق منحرف

با این‌که «آغاز شکل‌گیری مدعیان دروغین، بیشتر به دوران محمدبن عثمان - نائب دوم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - برمی‌گردد» (سلیمیان، ۱۳۸۷ش: ۱۷۱) اما، با توجه به اهمیت یافتن بیش از پیش این موضوع در دوران کنونی و ساختار قوی و نقش اضلال‌گر و نگران‌کننده فرقه‌های تشکیل‌یافته و معاصر با بحران‌های موجود در کشورهای اسلامی و منطقه، و حمایت دول استکبار از آنان، در ذیل به معرفی برخی از این فرق مشهور می‌پردازیم؛

شیخیه و کشفیه

شیخ احمد احسائی (۱۱۵۷-۱۲۴۲ق) مؤسس فرقه شیخیه است. و پیروان این فرقه معتقد به «رکن رابع» هستند، زیرا معتقدند: چون خدا و پیامبران و امامان از جنس بشر نیستند، نیاز به رکن چهارمی هست که رابط میان آنها و انسان‌ها باشد (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۷). شیخ احسائی در یکی از کتاب‌هایش به خلفا حمله کرد، به همین سبب حکومت عثمانی (حکومت وقت عراق) به کربلا یورش و همه جا را ویران کرد. به جز خانه سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ و خود شیخ احسائی هم در امان بود. سیدکاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسائی مؤسس این

فرقه بود(۱۲۱۲ق). وی مروج عقاید استادش بود و به سبب جرأت در اظهار عقاید یا به خاطر اسباب و سیاست مداران خارجی به عنوان رئیس انتخاب شد. وی خود را رکن رابع می‌نامید و معتقد بود فقط خودشان شیعه کامل هستند(خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۸) وی مهدویت را به صورت موهوم مطرح می‌کرد. مثلاً می‌گفت؛ «الآن مهدی در بین شماست». به همین خاطر افکار خرافاتی بین شاگردانش رواج پیدا کرد. و به سبب افکار خرافه‌گونه‌اش، شاگردش(علی محمد باب) ادعا کرد: من باب امام زمان هستم. و مدتی بعد نیز ادعا کرد: «من خود مهدی هستم»(خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۹؛ فضایی، ۱۳۵۴ش: ۸۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ۲۳۸) و در آخر هم ادعای نبوت و خدایی کرد و بدین شکل زیربنای باییت شکل گرفت. و زمام امور به دست "میرزا یحیی صبح ازل" افتاد(حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴).

باییت و بهائیت

سیدعلی محمد شیرازی(۱۲۳۵ق) مؤسس فرقه بابیه و شاگرد سیدکاظم رشتی بود. او به سبب افکار خرافه‌گون استادش، ادعا کرد که: «من باب امام زمان هستم» و مدتی بعد نیز ادعا کرد: «من خود مهدی هستم»(خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۹؛ فضایی، ۱۳۵۴ش: ۸۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ۲۳۸) میرزا علی محمد(۱۲۳۵-۱۲۶۶ق) معروف به "باب" (امینی، ۱۳۹۰ش: ۹ و ۲۵؛ الامین، ۱۳۷۸ش: ۶۹) در سال ۱۲۶۰ق با گفتن "من همان قائم حقی هستم که شما به ظهورش وعده داده شده‌اید"، (تاریخ ظهورالحق، بی‌تا: ۳۷۱؛ به نقل از: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱ش: ۳۴۴؛ امینی، ۱۳۹۰ش: ۲۰) ادعای قائمیت نمود(ثابت راسخ، ۱۳۹۲ش: ۱۱۷). به دنبال ادعای میرزا علی محمد به عنوان "رکن رابع ایمان" یا "باب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ"، [برخی از مردم] به او گرویدند(امینی، ۱۳۹۰ش: ۱۱). مؤسس این فرقه [بهائیت] یکی از شاگردان محمدعلی باب به نام "میرزا حسین علی نوری"، برادر میرزا یحیی بود که مدعی شد: «من همان "من یظهره الله" که باب در کتاب "بیان" خبر از ظهور او داده هستم»(هاشمیان فر و حالک، ۱۳۹۳ش: ۱۲۴). این ادعا موجب اختلاف میان دو برادر گردید و خون‌های زیادی در این راه ریخته شد، که حکومت وقت عراق(حکومت عثمانی) میرزا یحیی و پیروانش را به "قبرس" و میرزا حسین علی و پیروانش را به "عکا" در فلسطین تبعید کرد(حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴). «در این میان میرزا حسینعلی ادعای قائمیت و سپس ادعای نبوت و در نهایت ادعای الوهیت کرد»(رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۶) و نامه‌ای به سران جهان نوشت و آنها را به آئین خود دعوت

نمود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۵). از نظر بهائیان، قیامت یعنی قیام امام زمان، و چون بهاء‌الله (حسینعلی نوری) را امام زمان می‌دانند، پس قیامت از نظر آنان سپری شده است (رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۸۹) در حقیقت، بهائیت زائیده بابتی است و بابتی از کشفیه و کشفیه هم از شیخی‌گری است (خوشنویس، ۱۳۸۰ش: ۲۴۲؛ عابدی، ۱۳۸۰ش: ۲۹۶). البته بابت و بهائیت دو فرقه شناخته شده‌اند که کسی در انحراف آنها از اسلام، تردیدی ندارد و پیروان این دو فرقه، دیدگاه‌های مخالف با اسلام و قرآن را آشکارا بیان می‌کنند؛ و شیخیه با انحراف در بعضی از امور اعتقادی، زمینه‌ساز ظهور بابت و بهائیت شد و مؤسسان این دو فرقه، براساس بعضی از عقاید غلط شیخیه به ادعاهای باطل روی آوردند. "علی محمد باب" شیرازی (رهبر بابت) خود از پیروان و شاگردان "سیدکاظم رشتی" بود و "میرزا حسینعلی نوری" (رهبر بهائیت)، بزرگان شیخیه را مبشران ظهور خود می‌دانست «بالادستان و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۲۰».

قادیانیه

"میرزا غلام احمد" (۱۲۵۵-۱۳۲۶ق)، فرقه قادیانیه را در هندوستان تأسیس کرد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱ش: ۳۵۱). غلام احمد مدعی شد که همزمان، هم مسیح و هم مهدی موعود است (الأمین، ۱۳۷۸ش: ۲۱۷). در رساله او که به سال ۱۳۴۴ق چاپ شده آمده است: خداوند مرا در آغاز این قرن به عنوان احیاگر و تجدیدکننده اسلام، برانگیخت. او مرا بنده‌ای برای حفظ مصالح امت قرار داد... و از سر فضل و رحمت، مرا مسیح بن مریم خواند... و خدایم به شیوه‌های روحانی مرا عیسی بن مریم قرار داد. از مهم‌ترین نعمت‌های او این است که راز خود را که تنها برای اولیای خود آشکار می‌شود و روح خود را که جز در برگزیدگان دمیده نمی‌شود، به من سپرد و فرمود: تو زیاروی محضر من هستی و تو را برای خود اختیار کردم... و بدانید که فضل خدا با من است و روح خداست که با من سخن می‌گوید (الأمین، ۱۳۷۸ش: ۲۱۸).

انجمن خیریه حجتیه

این انجمن مقارن با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توسط شیخ محمود ذاکرزاده تولایی، معروف به "شیخ محمود حلبی" تأسیس گردید (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۲) و برخلاف حرکت اسلام سیاسی و انقلابی، با شعار جدایی دین از سیاست نیروی خود را مصروف عوامل فرعی کرده است و از مبارزه با اصل و ریشه فساد غافل ماند و به همین جهت مورد استقبال

دربار قرار گرفت (همان: ۱۳۳). از مهم‌ترین فعالیت‌های این انجمن: مبارزه با بهائیت (سلیمیان، ۱۳۸۷ش: ۱۹۷) تنها در بعد فکری (نه بعد سیاسی) و ایجاد دافعه نسبت به اهل تسنن (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۷) و مبارزه با مارکسیسم (همان: ۱۴۸) بود. اعضای این فرقه معتقدند هرگونه اصلاح امور قبل از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف سبب تأخیر در ظهور ایشان است (همان: ۱۵۹).

یمانی

از امامین صادقین علیهم السلام نقل شده که فرمودند:

یکی از علائم حتمی قبل از ظهور حضرت حجت علیهم السلام، خروج یمانی است... پرچمی از پرچم او باهدایت تر نیست... و هر کسی با او معارضا کند اهل آتش است. چون به سوی حق و به راه راست هدایت می‌کند... (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۲-۲۵۵؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۱-۴۵۷؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۱-۶۵۰؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۱۹۲).

وجود روایات مذکور و برخی روایات دیگر در موضوع قیام‌های آخرالزمان و معرفی برخی ویژگی‌های قیام یمانی باعث شد تا شخصی به نام احمد الحسن بصری در شهر بصره و در کشور عراق با دستبرد به شجره‌نامه‌ها و نسب‌تراشی به نفع خود، به عنوان یکی دیگر از مدعیان دروغین مهدویت شروع به تبلیغ و گردآوری طرفداران بپردازد.

جریان احمد الحسن درون شیعی و از تازه‌ترین (۲۰۰۳ میلادی) فرقه‌های دروغین مهدویت است. احمد اسماعیل بصری، سه ادعای اصلی و ده‌ها ادعای فرعی دارد. نویسنده کتاب *القصص* بیش از پنجاه ادعای او را برشمرده است (آل محسن، ۱۴۳۴ق: ۹-۱۰). این فرقه که یکی از جریان‌های خطرناک در موضوع مهدویت است، به دلیل بعضی ویژگی‌ها، متمایز از سایر مدعیان. از سویی، در چند سال اخیر، فعالیت‌های تبلیغی این جریان در اشکال مختلف تبلیغی افزایش یافته و از سوی دیگر، گرایش بعضی از مذهبی‌ها به این جریان، حساسیت موضوع را افزایش داده و لذا ضرورت نقد و بررسی این جریان و نشان دادن اشکالات آن را دوچندان می‌کند. احمد الحسن بصری که مدعی است مهدی اول و یمانی موعود است، خود را همانند دیگر امامان: بهره‌مند از علم الهی و از هرگونه اشکال و اشتباه مصون می‌داند؛ در حالی که کتاب‌های وی مشحون از اشتباهات قرآنی، فقهی، کلامی و فلسفی است (کریمی و شاکری زواردهی، ۱۳۹۶ش: چکیده). احمد الحسن و پیروانش علم رجال را به شدت رد نموده

و کسانی را که روایت‌های ضعیف را کنار می‌گذارند، متهم به رد کردن کلام اهل بیت می‌کنند (آل محسن، ۱۴۳۴ق: ۱۵؛ کریمی و شاکری زواردهی، ۱۳۹۶ش: ۷۴-۷۲).

علل پیدایش و رشد فرقه‌های انحرافی

کاستی‌های موجود، گرایش به معنویت، مسایل سیاسی، تجربه لذت معنوی و خلأ معلومات مورد نیاز دینی (عشقی، ۱۳۸۹) ایجاد انحراف در اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی توسط استعمارگران (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۹ش: ۷) مبارزه با روحانیت (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۹؛ الساده، ۱۳۵۷ش: ۱۷) دین‌سازی توسط استعمارگران، ضربه زدن به اسلام و آموزه‌های تشیع، خارج کردن دین از حوزه اجتماعی و در رأس آن سیاست و حکومت، توجیه حضور استعمار در کشور به عنوان یگانه عامل تجدد و ترقی، تثبیت نیروهای غربگرا در ارکان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور، از بین بردن وحدت ملی و انسجام اسلامی و جدایی دین از سیاست (نامدار، ۱۳۸۷ش: ۸-۱)، جهل عوام و نادانی مردم ظاهربین و بی‌بصیرت (نصوری، ۱۳۸۲ش: ۵)، تطمیع مالی مستمندان توسط رهبران فرق انحرافی، استفاده از زنان زیبارو جهت به دام انداختن جوانان، ایجاد عشق مجازی و سوق دادن آهسته جوانان به این فرق (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «ب»: ۱۹۲)، انحطاط در عرصه معنویت (دانش‌پژوه، ۱۳۹۰ش: ۲۹) و همچنین، عدم انسجام و هماهنگی برای برخورد کارشناسانه و قانونی با این تشکل‌ها، نابه‌سامانی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی و فشارهای روحی و روانی افراد در جامعه، عوامل سیاسی و تاریخی، بدعت در مناسک دینی و عزاداری‌های مذهبی، رواج برخی ورزش‌های خاص در جامعه مانند: یوگا و... را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرگذار و دخیل ذکر کرد.

۱. جهل و نادانی عوام

یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش و رشد اندیشه‌ها، مکتب‌ها و حکومت‌ها در طول تاریخ، سوءاستفاده از جهل و نادانی عوام که البته خود معلول عوامل دیگر بوده است. خلأ معلومات مورد نیاز دینی و تجربه لذت معنوی (عشقی، ۱۳۸۹) «جهل و ناآگاهی مردم» (نصوری، ۱۳۸۲ش: ۵) «به دلیل خلأهای به وجود آمده از نحوه آموزش و برداشت‌های دینی و مذهبی» (پوراکبر، ۱۳۹۳ش: ۱۴) عاملی مهم در این زمینه بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

علم و دانایی، ریشه هر خیر و جهل و نادانی، ریشه هر بدی است (آمدی، ۱۳۸۵ش: ۵۷،

ح ۸۶۰ و ۸۶۱).

همچنین، امام باقر علیه السلام می فرمود:

تنها کسی خدای عزوجل را شناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عزوجل را نشناسد و امام از ما خاندان را نشناسد، غیر خدا را شناخته و عبادت کرده. این چنین به خدا گمراه اند (کلینی، بی تا: ج ۱، ۲۵۶، ح ۴).

ناآگاهی های مردم ایران در زمان قاجاریه، یکی از مهم ترین علل گرایش عده ای به سید علی محمد باب بود. مرحوم آیت الله حاج شیخ حسین لنکرانی رحمته الله علیه بر این باور است: بابیان فداکار و جانفشان اولیه که در قیام های خونین زمان باب شرکت داشتند و خود را به آب و آتش می زدند، بابی و بهایی (به معنایی که امروزه از این کلمات مراد می کنیم) نبودند؛ بلکه شیعیانی ساده لوح و ره گم کرده بودند که در تشخیص «مصدق» به خطا رفته، به عشق هواداری از صاحب الزمان و قائم موعود، اسیر مثنی بازیگران سیاسی شده بودند (عبداللهی، ۱۳۷۱ ش: ۷۲).

الف) فهم غلط از آیات و روایات

همه فرق انحرافی که از اسلام منشعب شده اند به آیات و روایات استناد می کنند و در پی تحریف لفظی یا معنوی آیات و روایات هستند، از این رو دست به تقطیع، تأویل و باطن گرایی می زنند؛ یعنی یا با کم و زیاد لفظی یا معنوی و یا با تقطیع آیات و روایات به معنای مدنظر خودشان دست می یابند تا خودشان را اثبات کنند (امیری، ۱۳۹۴ ش). مثلاً: مبلغان اسماعیلی برای جلب اقوام بربر و بادیه نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود از بین اقوام شیعه نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دوردست کشورها و کناره های سرزمین های آباد مانند: «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳ ش: ۳۲۸) علت پیوستن مردم به مدعیان دروغین آن بود که می دانستند قرار است مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کند و بساط ظلم و ستم را برچینند (هادیان، ۱۳۸۸ ش: ۲۰). آن چنان که در روایات بسیاری آمده و از آن جمله؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱۰۹

مهدی از فرزندان من است برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او ذخیره پیامبران را خواهد آورد و زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۸ ق: ج ۱، ۵۳۶).

لذا، تصور می کردند با پیوستن به این مدعیان، در برقراری آرمان قائمیت در فراگیری عدل

و داد در عالم، نقش سازنده‌ای دارند (هادیان، ۱۳۸۸ش: ۲۰).

ب) سوءاستفاده دشمنان از عقاید و علاقه مردم به امام زمان علیه السلام

اعتقاد راسخ مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه آن چنان فراگیر و گسترده است که منشاء سوءاستفاده‌های فراوانی در طول تاریخ بوده است (قندهاری، ۱۳۸۵ش: ۲۴) و از آن جا که ایران تنها کشوری است که مذهب رسمی اش تشیع است و مهد اعتقاد به مهدویت به شمار می‌رود، کوشش بیشتری برای مبارزه با ایمان و عقیده عموم مردم مسلمان ایران صورت می‌گیرد (گروه بهائی پژوهی، ۱۳۸۹ش: ۶۸) اما، بزرگ‌ترین مشکل استعمار برای حضور در کشورهای اسلامی - علاوه بر ماهیت سیاسی دین و سیاسی بودن مسلمانان - وجود برخی احکام حماسی و تحرک بخش اسلام مثل احکام جهاد بود. بهائیت از این جنبه نیز در خدمت استعمار قرار گرفت؛ برای نمونه، حسینعلی بهاء، همچون قادیانی در هند، مأموریت داشت یکی دیگر از احکام مترقی اسلام یعنی؛ حکم جهاد را متزلزل سازد، تا این مانع بزرگ نیز از راه استعمار برداشته شود. او می‌گوید:

این ظهور، رجعت کبری و عنایت عظمی است که حکم جهاد را در کتاب محو کرده است (اشراق خاوری، ۱۲۸ بدیع: ۲۱۷).

در باب مهدویت، عقیده شیعه این است که "مهدویت خاصه" صحیح و مقبول است؛ به این معنا که مهدی این امت، یک فرد معین است که موعود امت‌ها و ملت‌ها بوده و ابعاد و ویژگی‌های او مشخص است؛ ولی بعضی از صوفیه، قائل به "مهدویت نوعیه" بوده یا هستند؛ به این معنا که عقیده دارند در هر عصری و دوره باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی‌ها و خواص "مهدویت" و "هادویت" را داشته باشد. آنان بر این باورند که؛ هیچ عصری خالی از یک مهدی هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصوصیتی دارد؟ (نفیسی، ۱۳۷۳ش: ۵۷)

ج) توطئه و عوام‌فریبی

الف) در عوام‌فریبی مطلب، چنان به فرد القا می‌شود که می‌پندارد همه اطرافیان آن را پذیرفته‌اند و نپذیرفتن آن، جا ماندن از کاروان است (خندان، ۱۳۸۰ش: ۷۵).

ب) کشی عجل الله تعالی فرجه الیه معتقد است؛ «وفاداری مردم به احمدبن هلال عبرتایی» که در غیبت صغرا

۱. پیروان حسینعلی بهاء از تقویمی با نام «بدیع» پرده‌برداری کردند که هر ماهش ۱۹ روز و هر سالش ۱۹ ماه دارد.

ادعای نیابت کرد، عمدتاً از اعتقاد روحانی و درونی منشعب نمی‌شده؛ بلکه ناشی از ریاکاری‌های عرفانی او بوده است».

۲. ضعف ایمانی اکثریت

نه تنها در روزهای پس از حضرت رسول ﷺ که در تمام زمان‌های بعد از ایشان، موضوع امامت، امتحان بزرگ این امت بود و هست و دامنه این امتحان و ابتلا آن قدر گسترده و ابعادش چنان وسیع است که انحرافات امت از مسیر واقعی و از امام حق، باعث فرقه‌گرایی‌ها و ایجاد صدها نحله فکری و مسلک‌های مذهبی در طول تاریخ اسلام شده است (دهقان، ۱۳۸۶ ش: ۱۶) مردم به علت وفا نکردن به عهد امامت دچار دوران غیبت شدند و از دیدار حضرتش محروم گشتند (موسوی حجازی، ۱۳۹۳ ش: ۹۸) و تا زمانی که مردم با اختیار خود از عصیان و ستم دست بر ندارند و خواهان حجت نگردند در آتش همین جهنمی که به پا شده و سراسر قتل و غارت و آدم‌کشی و جنگ و ویرانی و ننگ و تیره‌روزی و هزاران مصیبت خونبار دیگر است خواهند سوخت (همان: ۹۴).

۳. مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و مقدم داشتن منافع شخصی بر مصالح اجتماعی مسلمانان

تأملی در قیام فاطمیان که با ادعاهای مهدویت «عبیدالله المهدی» همراه بود و همچنین قیام و ادعای مهدویت «مهدی سودانی» در شمال آفریقا ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و فقر شدید مردم، بستر مناسبی برای طرح این گونه ادعاها و گرایش شدید مردم فراهم می‌ساخت (چلونگر، ۱۳۸۱ ش: ۲۲۱). مشکلات و نابه‌سامانی‌های موجود (عشقی، ۱۳۸۹ ش)، «اوضاع نابه‌سامان نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران قاجار نیز بستر اجتماعی مناسبی برای ظهور بابیه را فراهم ساخت. این اوضاع، در یک نگرش کلی عبارت بود از: انحطاط نظام سیاسی ایران؛ فساد زائدالوصف حکومت و نخبگان سیاسی؛ رقابت استعمار برای کسب منافع ملی مردم ایران؛ اعطای امتیازات گوناگون به بیگانگان و غارت ذخایر ملی؛ فقر عمومی و بی‌سوادگی گسترده» (کاتوزیان، ۱۳۷۳ ش: ۷۶). آیا با چنین دلمشغولی‌ای می‌توان از چنین شخصی انتظار داشت در زندگی روزمره خود، سهم لازم دینداری را بپردازد و خود را در برابر اندیشه و نظرهای التقاطی حفظ کند. شاید راز آن که گفته شد: «فقر زمینه‌ساز کفر است» (کلینی، ۱۴۰۵ ق: ۲،

۳۰۷) همین باشد.

۴. دخالت بیگانگان در امور مسلمین و پشتیبانی از عناصر وابسته

ایجاد انحراف در اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی توسط استعمارگران (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۹ش: ۷) مبارزه با روحانیت (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۹؛ الساده، ۱۳۵۷ش: ۱۷) دین‌سازی توسط استعمارگران، ضربه زدن به اسلام و آموزه‌های تشیع، خارج کردن دین از حوزه اجتماعی و در رأس آن سیاست و حکومت، توجیه حضور استعمار در کشور به عنوان یگانه عامل تجدد و ترقی، تثبیت نیروهای غربگرا در ارکان سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور (نامدار، ۱۳۸۷ش: ۲۰۱) از بین بردن وحدت ملی و انسجام اسلامی، جدایی دین از سیاست (همان: ۸ و ۳) برای شکستن وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸ش: ۲۰۳) از جمله مهم‌ترین مداخله‌های بیگانگان و استعمارگران بوده است.

نقش استعمارگران در انحرافات مهدویت

استعمارگران با ایجاد پشتیبانی خود از فرق انحرافی در صدد ضربه زدن به پیکر تشیع، تخریب وحدت مسلمانان، اندیشه مهدویت و ایجاد جای پای محکمی برای خود در سرزمین‌های اسلامی بودند. تا ذخایرشان را به یغما ببرند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: «الف»: ۱۸۵). بهائیت یک پدیده سیاسی و شبه جاسوسی بود (صدقی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۹؛ حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۶) و دو فرقه بابیت و بهائیت (به خصوص بهائیت) برای ادامه حیات و فعالیت‌شان، نیاز به نقطه اتکایی داشتند، و آن نقطه اتکا چیزی نبود جز دولت‌های استکباری و صهیونیستی جهان، از روس تزاری و انگلستان تا آمریکا و اسرائیل و رژیم پهلوی، که پیوند دیرین و مستمری با هم داشتند. در اسناد معتبر تاریخی و حتی متون مهم خود این دو فرقه نیز شواهد انکارناپذیری درباره آن وجود دارد (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۳۴-۳۳۱) خانم مهناز رئوفی از جمله افرادی است که از بهائیت به دامن اهل بیت علیهم‌السلام بازگشته، وی می‌گوید:

بهائیت دست در دست دشمن دیرین اسلام، اسرائیل، گذاشت و معبدش را در آن جا تأسیس کرد، از انگلیس نشان «سر»^۱ گرفت و آبشخورش به وسیله آمریکا پر شد (رئوفی، ۱۳۸۹ش: ۱۸۵).

۱. در ایجاد فرقه‌های انحرافی

با مختصر تأملی در اوضاع و شرایط داخلی ایران در دوره قاجار (زمان پیدایش و ظهور بابی‌گری) روشن می‌گردد که دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس بر سر منافع و امتیازات در ایران، در رقابت با یکدیگر بودند و در نهایت درصدد برآمدند ایران را بین خود تقسیم کنند، به گونه‌ای که بعد از برقراری مشروطه در دوره مجلس اول، قرارداد ۱۹۰۷ م و تکمله‌های سری آن در ۱۹۱۵ م نشان می‌دهد که آنان به این توافق، که شمال از آن روسیه و جنوب در اختیار انگلیس باشد، رسیده بودند (مدنی، ۱۳۸۱ ش: ۷۱-۷۳). صهیونیسم و بهائیت از اندیشه‌های امپریالیسم و استعمار به منظور سرکوب مسلمانان و از بین بردن فرهنگ اسلام به وجود آمده‌اند؛ صهیونیسم برای آشوبگری در بین ادیان و بهائیت برای از بین بردن اندیشه امید به آینده در بین مسلمانان به وجود آمده است. به همین علت تشیع را که معرف مصداق حقیقی منجی بشریت است، آماج تیرهای خود قرار داده و اندیشه بهائیت را در ایران و سایر بلاد اسلامی رواج داده‌اند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ ش «الف»: ۱۸۳) دشمن از هر حربه‌ای استفاده می‌کند تا جلوی رشد تفکر مهدویت را در جامعه اسلامی بگیرد و یا آن را تحریف کند (بالادستان و همکاران، ۱۳۸۷ ش: ۴) از سوی دیگر، مردم از جنگ‌های سختی که در سال‌های پیش از ظهور جنبش باب، بین ایران و روسیه تزاری وجود داشت و نیز بی‌کفایتی دولت‌های قاجار، خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاهی معنوی می‌گشتند. لذا، حالتی پیش آمده بود که همه در انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه به سر می‌بردند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه تزاری و چپاول‌های انگلیس و دولت حاکم نجات دهد، این زمینه‌ها و عوامل باعث شد که عده‌ای از مردم با شنیدن ادعاهای باب و پیروانش به آنان گرایش پیدا کنند و به جای پناهگاه صحیح، به پناهگاه کاذب روی آورند (زعیم‌الدوله تبریزی، ۱۳۴۶ ش: ۱۱۸-۱۱۹).

۲. در جهت‌دهی به فرقه‌های انحرافی

دولت‌های استعماری برای مقابله با نفوذ و گسترش اسلام و جلوگیری از بسط قلمرو حکومت اسلام و اجرای طرح‌های استعماری خود در خاورمیانه و آسیا به اقدامات مختلف روی آوردند (موثقی، ۱۳۹۴ ش: ۷۳-۷۶) آنان وقتی دیدند با ایجاد باییت به اهداف خود نرسیدند روی این دو برادر (میرزا یحیی صبح‌ازل و میرزا حسینعلی بهاء) سرمایه‌گذاری کردند که در صورت شکست یکی، دیگری به هر قیمتی طرح آنان را اجرا کند. لذا، بهائیت را مطرح کردند و

به سرعت به تشکیل و حمایت از آن پرداختند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «ب»: ۱۸۶) و با برنامه‌های دقیقی به ایجاد آشوب در عقاید مردم، ایجاد دین جدید و در نهایت ادعای قائمیت، نبوت و الوهیت پرداختند (همان، ۱۳۸۶ش «الف»: ۱۸۴).

۳. ر بهره‌برداری از فرقه‌های انحرافی

دول استعماری جهت دستیابی به مناطق استراتژیک و نفت خیزی مثل: ایران، عراق و... به این نتیجه رسیدند که؛ باید با انگیزه تداوم وحدت شیعیان که همان مرجعیت و اندیشه مهدویت بود به مبارزه پردازند و آنها را نابود کنند (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۶) تا به فکر جهاد و دفاع از خویش بر نیایند.

الف) روسیه

عباس افندی و شوقی افندی - که هر دو از پیشوایان مشهور بهائیت اند - در مقالات خود به ارتباط‌شان با روسیه تصریح دارند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۳۶). همچنین، دیوید روح (از مورخان شاخص بهائیت) صریحاً به موضوع تحت‌الحمایگی بهاء توسط روسیه تزاری و مقاصد امپریالیستی روس‌ها از دخالت در امر بهاء اعتراف دارد (همان: ۳۳۸). حمایت دولت روسیه تزاری از بابیان و بهائیان از همان زمان پیدایش علی محمد شیرازی دامنه دار شد. تا آن‌جا که طبق مدارکی که توسط خود بهائیان و بابیان ارائه شده به نظر می‌رسد بعد از تبعید بابیان از ایران آن دولت شرایطی برای این فرقه در درون روسیه فراهم آورد (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۲۳). در جریان تقویت فرقه بهائیت، نقش و ارتباط دولت روس در حمایت از این فرقه، به مخفی کردن باب در قصر خورشید (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۴۴) پیگیری کنسول روس در تبریز و تلاش وی برای جلوگیری از اعدام باب (رهنمائی، ۱۳۹۵ش: ۱۰۶) امتناع سفیر روس از تحویل بهاء‌الله به مأموران دولتی (همان: ۱۰۷) و او را "امانت گرانبها" دانستن (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۲۹)، تشکر میرزا حسینعلی (بهاء‌الله) از اعلی حضرت امپراتور روسیه (حسینی طباطبایی، ۱۳۸۰ش: ۱۴۰) در بستر دشمنی ایران و روسیه (فیض، ۱۳۸۷ش «الف»: ۴۰)، قابل توجه می‌باشد. براساس اعتراف بسیاری از طرفداران فرقه بهائیت، حمایت روس‌ها هرگز از اعضای آن قطع نشد (حسن‌لو، ۱۳۸۶ش «الف»: ۱۸۴) با فروپاشی امپراتوری تزاری در اواخر جنگ جهانی اول و ظهور دولت انقلابی شوروی در آن کشور - که به بهائیان، به چشم «زائده» دولت تزاری می‌نگریست - این فرقه نقطه اتکای پیشین را از دست داد و انگلیس نقطه اتکای این فرقه گردید (ولایتی و

همکاران، ۱۳۸۹ش: ۶۱).

ب) انگلستان

پس از انقراض امپراطوری روسیه، بهائیت، کاملاً مورد بهره‌برداری امپراطوری بریتانیای کبیر، قرار گرفت (حبیبی، ۱۳۹۴ش: ۵۳). عبدالبهاء به خاطر خدماتی که به قوای اشغالگر انگلیس در فتح فلسطین می‌کند (فیض، ۱۳۸۷ش «ب»: ۵۶) به دریافت لقب پهلوانی^۱ (همان: ۴) و سر از انگلستان نائل شد و از این پس بهائیان در کادر سیاسی انگلیسی‌ها وارد گردیدند (رهنمائی، ۱۳۹۵ش: ۱۰۹). ارتباط انگلیس و بهائیان به گونه‌ای بود که اگر سفارت انگلیس می‌خواست از ایرانیان استخدام کند، حتماً باید یهودی، ارمنی یا بهائی باشند. و همچنین بهائیان در دوران قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، به مقامات حساس دولتی گمارده شدند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۴۶) و سفیر روس معترف است که انگلیس اختلاف بین دو برادر (صبح ازل و بهاء) را به راه انداخت تا هدف میرزا حسینعلی با فراهم آوردن بستری مناسب عملی شود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۴) "سرهربرت ساموئل" که نسبت به بهائیان و عباس افندی توجه خاصی داشت و در تشیع جنازه وی شرکت کرد. بهائیان در ماجرای تصرف فلسطین و اشغال آن توسط انگلیس، جاسوسی انگلستان را برعهده گرفتند (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۵۶).

ج) آمریکا

با آن که مؤسسين فرقه بهائیت از ابتدا روسیه و انگلیس بودند، اما پس از مدتی آمریکا به عنوان استعمار جدید و تازه نفس به میدان آمد به نحوی که با ذکر شواهد متعدد تاریخی می‌توان از آمریکا به عنوان مهم‌ترین عامل حفظ و گسترش بهائیت نام برد. اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا به صراحت حاکی از حمایت و پشتیبانی آمریکا و به خصوص سرویس‌های جاسوسی آنها از بهائیان است که در این راه برای منحرف کردن افکار عمومی همواره از مسیحیان صهیونیست مدد گرفته‌اند. آمریکائیان همچنین، با روی کار آوردن مهره‌های خود زمینه حضور و رسمیت یافتن بهائیان در ممالک اسلامی را فراهم آوردند. از جمله در مصر که در زمان جمال عبدالناصر بهائیان به رسمیت شناخته نشدند و فعالیت‌شان غیرقانونی بود. اما، با روی کار آمدن انورسادات از آزادی برخوردار شدند (کیهان، ۱۳۸۹ش: ۱۴۶-۱۴۲) یکی از اعضای هیئت رئیسه "انجمن تربیتی ایران و آمریکا"، میرزا احمدخان

سهراب اصفهانی، از سران شاخص بهائیت و از همراهان عباس افندی در سفر آمریکا بود که وی را در بازگشت به فلسطین بدرقه کرد (مازندرانی، ۱۳۴۶ش: ۱۴۲-۱۴۳). عباس افندی در سال ۱۹۱۳م سفری به آمریکا داشت و در محافل گوناگون به ایراد سخن پرداخت. او این نکات را مکرراً تکرار می‌کرد: «نفی هرگونه تعصبات میهنی؛ عادلانه عمل کردن حکومت آمریکا؛ غنی بودن ایران از نظر منابع زیرزمینی (نفت)؛ دعوت از سرمایه‌داران آمریکا برای استخراج این منابع». اینها زمینه‌ساز ورود آمریکایی‌ها به رأس حکومت ایران شد. بعدها نیز، پیوند بهائیت و آمریکا شدت می‌یابد و در دو دههٔ واپسین حکومت محمدرضا پهلوی به بالاترین حد خود در ایران ارتقا می‌یابد (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۵۲). در سفری که عبدالبهاء در اواخر عمر خود به آمریکا داشت خطاب به سران آمریکائی می‌گوید:

امشب من نهایت سرور را دارم که در چنین مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم، الحمد در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی را می‌بینم که در روی آنان، نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است. ممکن است ملت شرقی و غرب متحد شوند و ارتباط تام میان آمریکا و ایران حاصل گردد (خطابات عبدالبهاء، ج ۱، ۳۳).

این بیانات به ظاهر زیبا و فریبنده، نشان از خیانت بزرگ سران بهائی به ایران و ایرانی است که استعداد و توانایی ملتی بزرگ و مؤمن در مسیر شکوفایی اقتصادی را انکار کرد، و آشکارا بیگانگان را به غارت و چپاول منافع آنها فرا می‌خواند؛ چنان‌که در همان زمان، "نبیل‌الدوله" منشی عباس افندی و یکی از رؤسای بهائیت در آمریکا نقش مهمی در اعزام «شوستر» مستشار آمریکایی به ایران داشت و به این شکل، پای کمپانی‌های آمریکائی را به ایران باز کرد (موجانی، ۱۳۸۴ش: ۱۵۵). از آن‌جا که روابط بین بهائیان با دولت آمریکا و نوع نگاه ایشان به این کشور از دیرباز بسیار حسنه بوده است (رهنمائی، ۱۳۹۵ش: ۱۱۲)، با تعطیلی و اعلام ممنوعیت فعالیت تشکیلات بهائی در ایران از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا صراحتاً به حمایت از بهائیان دستگیر شده پرداخت و امام خمینی رحمته‌الله‌علیه جانب‌داری آمریکا از بهائیان را دلیل بر وابستگی سیاسی آنان به امپریالیسم آمریکا شمرد (همان: ۱۱۴).

د) اسرائیل غاصب و یهود

استعمارگران مأمور حمایت از اندیشه بهائیت بودند، لذا میان بهائیت و صهیونیسم پیوندهایی وجود دارد که از جمله آنها مرکزیت بهائیت در قلب اسرائیل است (حسن‌لو،

۱۳۸۶ش: ۱۸۳). به گواه تاریخ، روابط سران بهائیت با صهیونیسم، پیشینه‌ای بس درازتر از عمر رژیم اسرائیل دارد (شکیبا، ۱۳۸۶ش: ۳۱). به عنوان مثال: «دوران زمامداری عبدالبهاء و جانشینش شوقی، مقارن با جنبش صهیونیسم می‌باشد» (حبیبی، ۱۳۹۴ش: ۱۱۸) و «عبدالبهاء به عقیده صهیونیست‌ها در تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین اشغالی معتقد بود» (همان: ۱۳۷). او کمک زیادی به صهیونیسم جهت اشغال فلسطین کرد و بعد از مرگش این خدمات توسعه یافت. پس از تأسیس حکومت غاصب اسرائیل، این ارتباط افزایش چشمگیری پیدا کرد (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۵۸). پیداست در برابر خدمات بهائیت، دولت اسرائیل هم بیکار نمی‌نشیند و به گونه‌های مختلف از این فرقه حمایت می‌کند؛ به طوری که شوقی افندی می‌گوید: «دولت اسرائیل وسائل راحتی ما را فراهم کرد» (همان: ۳۵۹). بهائیان [که] علاقه و روابط خاصی با دولت اسرائیل داشته و دارند و براساس همین علاقه با تجار یهودی نیز متحد هستند و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران، به صورت همگام عمل می‌کنند. پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل، سران جریان صهیونیسم، بهائیت را به عنوان دین به رسمیت شناختند و اجازه دادند تا نخستین معبد بهائیان به نام «مشرق الاذکار» در آن جا ساخته شود. و بهائیان با سیستم‌های جاسوسی ارتباط تنگاتنگی داشتند و زمینه‌ساز حضور یهودیان صهیونیست در اسرائیل بودند (کیهان، ۱۳۸۹ش: ۱۳۳-۱۳۴). شوقی افندی در نامه رسمی به رئیس کمیسیون مخصوص سازمان ملل متحد در مورد قضیه فلسطین علنا موقعیت و علایق بهائیان و یهودیان (صهیونیسم) را به سرزمین مذکور ریشه دارتر و مهم‌تر از علایق مسلمانان به قدس و فلسطین خواند (افراسیابی، ۱۳۶۶ش: ۱۵۷) و «حیفا در فلسطین اشغالی مرکز جهانی جامعه بهایی و مقر بالاترین شورای اداری جهانی بهایی به نام بیت‌العدل اعظم است (حوزه علمی قم، ۱۳۸۹ش: ۲۰۱). گفتنی است که پیوند بیشتر و آشکارتر بهائیان و یهود به سال ۱۸۶۸م برمی‌گردد که حسینعلی نوری (بهاء) - مؤسس بهائیت - و همراهانش به "بندر عکا" در فلسطین منتقل شدند و زمینه مناسبی برای نزدیکی و همکاری بیشتر بهائیان و کانون‌های صهیونیستی فراهم شد و در دوره عبدالبهاء به مشارکت جدی بهائیان در تأسیس دولت غاصب اسرائیل منتهی شد (خدری زاده، ۱۳۷۷ش: ۲۴).

هـ) رژیم پهلوی

بهائیت در کودتای انگلیسی سال ۱۲۹۹ش که به تأسیس رژیم پهلوی انجامید نقش داشت.

این رابطه مستمر بود و در دو دههٔ آخر سلطنت محمدرضا، بهائیان به بالاترین مقامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دست یافتند (حق پرست، ۱۳۸۸ش: ۳۶۱) به گونه‌ای که حضور سران فرقهٔ ضاله در مصادر مهم زمینه‌ساز بستری مناسب برای گسترش فعالیت تبلیغی آنان بر ضد تشیع، در مهد تشیع پدید آورد (همان: ۳۶۳) و اگر دولت قاجار از بهائیان حمایت می‌کرد، حمایت‌های پهلوی بیش از آنان بود (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۹۰). در این بین، دولت عثمانی نیز دست در دست استعمارگران گذاشت تا ضربه‌ای بر پیکرهٔ شیعیان و اندیشهٔ مهدویت بزند. وی با تبعیدهای مختلف حسینعلی به قلمروهای مسلمانان - بار اول او را به عتبات، بعد به استانبول و در نهایت به فلسطین - تبعید کرده بود به تعداد بهائیان افزود و سبب شد اتحاد مسلمانان کم‌رنگ شود؛ در حالی که استعمارگران علاوه بر تخریب وحدت مسلمانان و ضربه به تشیع به دنبال محکم کردن جای پای دائمی خود در خاورمیانه بودند (حسن لو، ۱۳۸۶ش: ۱۸۵).

نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد تهاجم فرهنگی و جنگ نرم در قالب بروز و ظهور تشکل‌ها، جریان‌ها و جنبش‌های نوپدید دینی با پوشش مسائل عرفانی و معنوی است. مع‌الأسف، فعالیت این‌گونه جریان‌ها در جوامع اسلامی رو به افزایش است و عدم توجه به آنها، زمینهٔ بروز آسیب‌های جدی به فرهنگ خانواده، جامعه و به ویژه آداب و سنن صحیح و عرفان ناب دینی را فراهم می‌آورد. سوءاستفادهٔ دشمن - با مدیریت و محوریت دول استعماری - از غفلت و ناآگاهی‌ها، اختلافات عقیدتی و سیاسی، فقر اقتصادی و فرهنگی و اوضاع نابه‌سامان اجتماعی مردم مسلمان و همچنین، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بلندمدت او در به انحراف کشیدن افکار، عقاید و علائق جوانان - به عنوان آینده‌داران جامعهٔ اسلامی - از مهم‌ترین مسائل و مشکلات مطرح در موضوع مهدویت می‌باشد. بنابراین، انجام پژوهش‌های راهبردی، آموزش اساتید و معلمان، برگزاری جلسات مناظره، تشکیل حلقه‌های معرفتی در هیئات و مساجد، ضرورت هوشیاری، آگاهی و داشتن راهکارهای صحیح و اثرگذار از سوی مردم و مسئولین را بیش از پیش آشکار می‌سازد. وانگهی، تهیه و تولید فیلم و آثار هنری و نمایش‌های جذاب از مفاهیم معنوی اسلامی و تقویت سینمای معناگرا با مضامین عرفان اصیل اسلامی، آشنا کردن مبلغین دینی با مغالطات و معایب گروه‌های مروج عرفان‌های نوظهور و فرق انحرافی و برگزاری کلاس‌های تدبیر و تفسیر قرآن - به

ویژه آیات مرتبط با موضوع مهدویت - از جمله برنامه‌های عملی و راهگشا در این خصوص می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۸ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: قم: مسجد مقدس جمکران، ششم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، دوم.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳ش)، *العبر (تاریخ ابن خلدون)*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق و تصحیح: عبدالحمید هنداووی، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، سوم.
۷. اربلی، محدث (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی، اول.
۸. اشراق خاوری، عبدالحمید (بدیع ۱۲۸)، *گنجینه حدود و احکام*، بی‌جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۹. افراسیابی، بهرام (۱۳۶۶ش)، *بهائیت به روایت تاریخ*، تهران: نشر پرستش، اول.
۱۰. الامین، شریف یحیی (۱۳۷۸ش)، *فرهنگنامه فرقه های اسلامی*، تهران: باز، اول.
۱۱. امیرمهدی (۱۳۹۰ش)، *پیدایش: بهائی پژوهی*، تهران: گوی، دوم.
۱۲. آل محسن، شیخ علی (۱۴۳۴ق)، *الرد القاصم، لدعوة المفتري علی الإمام القائم*، نجف اشرف: مرکز الدراسات التخصصی فی الامام مهدی، اول.
۱۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۵ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه: محمد علی انصاری، قم: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چهارم.
۱۴. بالادستان، محمد امین؛ حائری پور، محمد مهدی؛ یوسفیان، مهدی (۱۳۸۷ش)، *نگین آفرینش (درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت)*، قم: بنیاد فرهنگ حضرت مهدی

- موعود عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى و رَحِمَهُ اللَّهُ الشَّرِيفَ، سیزدهم.
۱۵. پورا کبر، الیاس (۱۳۹۳ش)، «آسیب‌شناسی مهدویت از بعد مدعیان دروغین»، *مجله آموزش معارف اسلامی*، دوره بیست و ششم، شماره ۹۳.
۱۶. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۸ش)، *موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)*، قم: عصر ظهور، اول.
۱۷. ثابت راسخ، یدالله (۱۳۹۲ش)، *نشیب و فراز: یادداشت‌های سرهنگ ثابت راسخ در چرایی بازگشت از بهائیت*، تهران: گوی، اول.
۱۸. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۹ش)، «پرسش و پاسخ مهدویت: درباره واژه مهدویت»، *مجله پاسدار اسلام*، سال سی‌ام، شماره ۳۴۹.
۱۹. چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، *زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان*، قم: پژوهش‌شکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. حبیبی، مهدی (۱۳۹۴ش)، *نگاهی تاریخی به آئین بهائی: نگاهی به تاریخچه بهائیت و ارتباط آن با قدرت‌های زمان*، تهران: گوی، اول.
۲۱. حسن‌لو، امیرعلی (۱۳۸۶الف)، «فرق انحرافی: بهائیت در سایه استعمار»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال اول، شماره چهارم.
۲۲. حسن‌لو، امیرعلی (۱۳۸۶ب)، «فرق انحرافی: شکل‌گیری بهائیت و پیوند با صهیونیسم»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال اول، شماره سوم.
۲۳. حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر، اول.
۲۴. حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۸۰ش)، *ماجرای باب و بهاء*، تهران: روزنه، سوم.
۲۵. حسینی نیشابوری، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، *بررسی اندیشه و تفکر رانجم‌ن‌خیریه مهدوی ۴ حجثیه (پایان‌نامه)*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۶. حق‌پرست، کریم (۱۳۸۸ش)، «بهائیت؛ مائده آسمانی یا زائده استعماری؟»، *مجله کتاب نقد*، سال یازدهم، شماره ۵۲.
۲۷. خدیری‌زاده، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، «حسن‌علا و روابط ایران و آمریکا»، *فصل‌نامه تاریخ معاصر*، سال دوم، شماره هفتم.
۲۸. خمینی، سیدحسن (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ جامع فرق اسلامی*، تهران: اطلاعات، اول.

۲۹. خندان، علی اصغر (۱۳۸۰ش)، *مغالطات*، قم: بوستان کتاب، اول.
۳۰. خوشنویس، جعفر (۱۳۸۰ش)، «مهدویت و فرقه‌های انحرافی»، *مجله انتظار موعود*، سال اول، شماره یک.
۳۱. دانش‌پژوه، امیرحسین (۱۳۹۰ش)، «نگاهی به عرفان‌های نوظهور»، *مجله منبر*، سال اول، شماره یک.
۳۲. دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان (۱۳۸۹ش)، *نیمه پنهان؛ سایه روشن بهائیت*، تهران: شرکت انتشارات کیهان، هفتم.
۳۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، یازدهم.
۳۴. دهقان، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *میشاق آسمانی*، تهران: مکیال، اول.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۳۶. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۱ش)، *فرق و مذاهب کلامی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، دوم.
۳۷. رهنمائی، حسین (۱۳۹۵ش)، *درس‌نامه شناخت بهائیت*، تهران: گوی، اول.
۳۸. رئوفی، مهناز (۱۳۸۹ش)، *مسلخ عشق*، تهران: انتشارات کیهان، چهارم.
۳۹. زعیم‌الدوله تبریزی، محمد مهدی (۱۳۴۶ش)، *مفتاح باب الابواب یا تاریخ باب و بهاء*، ترجمه: حسن فرید گلپایگانی، تبریز: نوشته، اول.
۴۰. الساده، مجتبی (۱۳۸۷ش)، «مدعیان سفارت و نیابت حضرت مهدی»، ترجمه: سیدشاهیپور حسینی، *مجله موعود*، شماره ۸۷.
۴۱. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۷ش)، *درس‌نامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، پنجم.
۴۲. شکیبیا، پویا (۱۳۸۶ش)، «بهائیت و اسرائیل: پیوند دیرین و فزاینده»، *ماه‌نامه زمانه*، سال ششم، شماره ۶۱.
۴۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۶ش)، *پیام‌های مهدوی*، قم: نشر راسخون، اول.
۴۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۷ش)، *پیرامون معرفت امام*، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله گلپایگانی، دوم.
۴۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱ش)، *اصالت مهدویت*، قم: انتشارات حضرت

معصومه ع.ا.س.

۴۶. صدقی، ابوالفضل (۱۳۸۸ش)، «جریان‌شناسی انجمن حجتیه»، *مجله پانزده خرداد*، شماره ۲۰.
۴۷. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرين*، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم.
۴۸. عابدی، احمد (۱۳۸۰ش)، «فرقه‌شناسی: مهدویت و فرقه‌های انحرافی - فرقه شیخیه»، *مجله انتظار موعود*، سال اول، شماره دوم.
۴۹. عشقی، داریوش (۱۳۸۹ش)، *علل پیدایش عرفان‌های نوظهور*، مؤسسه فرهنگی تبیان: <http://article.tebyan.net>.
۵۰. فدائی، حسن (۱۳۸۴ش)، *اعتقاد به مهدویت و تاثیر آن در تعلیم و تربیت (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد)*، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گرایش تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی واحد تهران مرکزی.
۵۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم: انتشارات هجرت، دوم.
۵۲. فضایی، یوسف (۱۳۵۴ش)، *تحقیقی در تاریخ و فلسفه بابی‌گری و بهائی‌گری و کسروی‌گرایی*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.
۵۳. فیض، محسن (۱۳۸۷ش «الف»)، *بهائی‌پژوهی: جای پای تزار*، تهران: گوی.
۵۴. فیض، محسن (۱۳۸۷ش «ب»)، *بهائی‌پژوهی: پیراستعمار*، تهران: گوی.
۵۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.
۵۶. قندهاری، محمدهادی (۱۳۸۵ش)، *آفتاب زندگانی*، قم: رادنگار، اول.
۵۷. کلینی، محمدبن یعقوب (بی‌تا)، *اصول کافی*، تهران: نشر فرهنگ اهل بیت ع.ا.س.، اول.
۵۸. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳ش)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۵۹. گروه پژوهش و نگارش سایت بهایی‌پژوهی (۱۳۸۹ش)، *مهدویت آرمان آسمانی*، تهران: گوی، اول.
۶۰. مازندرانی، فاضل (۱۳۴۶ش)، *اسرار الآثار خصوصی*، بی‌جا: مؤسسه ملی مطبوعات امری، اول.
۶۱. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا)، *بحارالانوار*، تهران: اسلامیه.

۶۲. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۱ش)، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۶۳. مشعل پور فرد، علی (۱۳۹۰ش)، *مهدی روح‌الله* عجل الله تعالی فرجه الشریف *عدالت گستر عالم هستی*، اهواز: اسوه، اول.
۶۴. موثقی، سیداحمد (۱۳۹۴ش)، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: سمت، دوم.
۶۵. موجانی، سیدعلی (۱۳۸۴ش)، *بررسی مناسبات ایران و آمریکا*، تهران: وزارت امور خارجه، دوم.
۶۶. موسوی حجازی، سیدجمال (۱۳۹۳ش)، *شرحی بر پیام امام زمان* علیه السلام، قم: دارالطب، اول.
۶۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، پنجم.
۶۸. نامدار، مظفر (۱۳۸۷ش)، *استعمار و ظهور مسلک‌های شبه دینی*، تهران: مؤسسه جام جم، اول.
۶۹. نصوری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «متمهدیان و مدعیان مهدویت نگاهی تاریخی به دعاوی و نسبت‌های دروغین مهدویت»، *مجله انتظار*، شماره ۸-۹.
۷۰. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: انتشارات صدوق، اول.
۷۱. نفیسی، اکبر (۱۳۷۳ش)، *عقاید صوفیه*، تهران: انتشارات مهر، اول.
۷۲. ولایتی، علی اکبر؛ بحرالعلوم میردامادی، سیدمحمود؛ حقانی، موسی و دیگران (۱۳۸۹)، *بهائیت آن‌گونه که هست*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم.
۷۳. هادیان، مهدی (۱۳۸۸ش)، *مهدی ستیزان*، تهران: گوی.
۷۴. هاشمیان فر، علی؛ حالک، مریم (۱۳۹۳ش)، «بررسی ابعاد فعالیت فرقه‌های معنویت‌گرای فعال اصفهان»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، سال دوم، شماره هشتم.
۷۵. یحیی‌الأمین، شریف (۱۳۷۸ش)، *فرهنگ‌نامه فرقه‌های اسلامی*، ترجمه: محمدرضا موحدی، تهران: انتشارات باز، اول.

The role of Mahdavit thought and expectation in deepening social identity

Dr. Mahmoud Maleki Rad ¹

Abstract

Social identity is the characteristic of all human beings as social beings. Social identity refers to a set of similarities and characteristics and social and cultural characteristics that indicate the sameness and unity of the members of a set and a group and distinguish it from other sets and groups. Social identity includes a wide range and levels of identities, such as cultural, ethnic, racial, religious, national, regional and global identity. The thought of Mahdism due to the important and influential position it has in the thought system of the thought of the promised savior; It can play a role in creating social identity and strengthening it. and help to strengthen the global collective identity through belief in the promised savior and the Islamic identity of belief in Islamic Mahdism. The upcoming research has investigated "the role of Mahdavit thought and expectation in strengthening social identity" with the method of qualitative analysis and with the tool of information collection in the documents available through the library, and while explaining the key concepts, it has answered the question: Mahdavit thought and expectation. What role does it play in strengthening social identity? One of the most important findings and innovations of this article is the explanation of the role of Mahdism thought to strengthen and deepen social identity on three levels: a) deepening global collective identity through belief in the promised savior; b) deepening the collective identity of Muslims by believing in Islamic Mahdism; c) Deepening the collective identity for Shia communities by emphasizing the belief in Shia Mahdism. In addition to that, the identity-giving elements of Mahdism thought in the fields of beliefs, values, norms, behavior and symbols have also been mentioned.

Keywords: Mahdism, identity, social identity, promised savior, Muslim communities, Shia communities

1. Member of the scientific faculty of Qom Islamic Science and Culture Research Institute

نقش اندیشه مهدویت و انتظار در تعمیق هویت اجتماعی

محمود ملکی راد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷

چکیده

هویت اجتماعی (Identity Social) خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است. هویت اجتماعی به مجموعه‌ای از شباهت‌ها و خصوصیات و مشخصات اجتماعی و فرهنگی همسانی اطلاق می‌شود که بر همانندی و یگانگی اعضای یک مجموعه و یک گروه دلالت می‌کند و آن را از سایر مجموعه‌ها و گروه‌ها متمایز می‌سازد. هویت اجتماعی گستره و سطوح وسیعی از هویت‌ها را شامل می‌شود، سطوحی چون هویت فرهنگی، قومی، نژادی، دینی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. اندیشه مهدویت به علت جایگاه مهم و تأثیرگذاری که در منظومه فکری اندیشه منجی موعود دارد؛ در ایجاد هویت اجتماعی و تقویت آن می‌تواند نقش داشته باشد. و به تقویت هویت جمعی جهانی از راه باور به منجی موعود و هویت اسلامی باور به مهدویت اسلامی، کمک نماید. پژوهش پیش‌رو با روش تحلیل کیفی و با ابزار گردآوری اطلاعات در اسناد موجود از طریق کتابخانه «نقش اندیشه مهدویت و انتظار در تقویت هویت اجتماعی» را مورد بررسی قرار داده و ضمن تبیین مفاهیم کلیدی، به این سؤال پاسخ داده است که: اندیشه مهدویت و انتظار چه نقشی در تقویت هویت اجتماعی دارد؟ از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این مقاله تبیین نقش اندیشه مهدویت برای تقویت و تعمیق هویت اجتماعی در سه سطح: الف) تعمیق هویت جمعی جهانی از راه باور به منجی موعود؛ ب) تعمیق هویت جمعی مسلمانان از راه باور به مهدویت اسلامی؛ ج) تعمیق هویت جمعی برای جوامع شیعی با تأکید بر باور به مهدویت شیعی است. علاوه بر آن به عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت در حوزه‌های باوری، ارزشی، هنجاری و رفتاری و نمادی نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، هویت، هویت اجتماعی، منجی موعود، جوامع مسلمان، جوامع شیعی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (m.malekirad@isca.ac.ir).

مقدمه

از منظر جامعه‌شناسان دین و آموزه‌های دینی در شئون مختلف جامعه بشری نقش و کارکردهایی دارند. دین با معنی بخشی به زندگی آن را معنادار و هدف‌دار می‌کند؛ و با آموزه‌های حیات بخش خود می‌تواند یکی از عوامل مهم هویت‌ساز به‌شمار آید.

اندیشه مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های مهم دینی در حوزه‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کارکردهایی دارد. هویت بخشی به جامعه بشری با تأکید بر اندیشه منجی موعود و به جامعه اسلامی با تأکید بر مهدویت با رویکرد اسلامی و به جامعه شیعی با تأکید بر مهدویت با رویکرد شیعی، یکی از کارکردهای مهم آن به‌شمار می‌رود.

پژوهش حاضر در پی آن است که با روش تحلیل محتوا، نقش و کارکردهای اندیشه مهدویت در عمق بخشی و تقویت هویت اجتماعی را مورد واکاوی قرار دهد و به این پرسش پاسخ گوید که: اندیشه مهدویت برای تعمیق هویت اجتماعی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا از سطوح مختلف هویت بخشی اندیشه مهدویت گفتگو شده که در سه سطح: ۱. هویت بخشی جهانی با تأکید بر آموزه منجی موعود؛ ۲. هویت بخشی جهان اسلام با تأکید بر مهدویت اسلامی؛ ۳. هویت بخشی جهان تشیع با تأکید بر آموزه مهدویت شیعی، گفتگو شده است.

در ادامه نیز از عناصر هویت‌ساز باوری، ارزشی، هنجاری رفتاری و سمبلی و نمادی که در اندیشه مهدویت وجود دارد، مورد بررسی قرار داده شده است.

لازم به یادسپاری است که مقاله «مهدویت؛ روند هویت‌یابی در عصر جهانی شدن» از آقای حسین گودرزی که در کتاب مجموعه مقالات «مهدویت و آینده پژوهی» به چاپ رسیده است؛ بیشتر ناظر به هویت بخشی مهدویت در عصر ظهور است. در حالی که مقاله پیش‌رو بر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار در عصر غیبت تأکید دارد. بنابراین می‌توان گفت که در این حوزه تاکنون کار پژوهشی با این ویژگی انجام نشده است. لذا تبیین و تحلیل نقش اندیشه مهدویت و انتظار در هویت بخشی و تعمیق هویت اجتماعی با نگاه سطوح هویت بخشی اندیشه مهدویت و عناصر هویت‌ساز آن، از نوآوری‌های این تحقیق به‌شمار می‌رود.

مفهوم‌شناسی

هویت

واژه «Identity» به معنای «هویت» ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: معنای اول آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت به معنای اصطلاحی آن میان اشیا و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱ش: ۵).

از دیدگاه ریچارد جنکینز هویت عبارت است از «شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند و در واقع عامل مؤثر برای متمایز ساختن نظام‌مند میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت، و کنه زندگی اجتماعی هستند» (همان: ۷). از دیدگاه وی «هویت اجتماعی» و «هویت» مترادف هم هستند. «همه هویت‌های انسانی به یک معنا هویت‌های اجتماعی هستند، ممکن نیست غیر از این باشد» (همان: ۶). با این وصف «هویت بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها به‌شمار می‌رود؛ زیرا زندگی اجتماعی بدون نوعی درک از این که خود ما کیستیم غیرقابل تصور است. بر این اساس بدون هویت اجتماعی جامعه‌ای در کار نیست» (همان: ۹).

«هویت، جنبه‌ها، جلوه‌ها و ابعاد متفاوت و متنوعی دارد، بعد فلسفی، بعد روانی، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی از ابعاد هویت محسوب می‌شوند» (الطائی، ۱۳۹۶ش: ۳۹) «هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است، مهم‌ترین بعد هویت، بعد اجتماعی یا جامعه‌ای آن است که بر سایر ابعاد هویت حاکمیت و تأثیر دارد. در واقع هویت به هر شکلی که تجلی کند، آن جلوه، مستقیماً یا غیرمستقیماً، اجتماعی خواهد بود» (همان: ۶۲).

«به اعتقاد بعضی از جامعه‌شناسان - مانند گیدنز - هویت فردی و هویت اجتماعی، از نظر کیفی و نوعی متفاوتند. به این معنا که هویت فردی، ناظر به افراد و هویت جمعی معطوف به جامعه است. به اعتقاد «فریدمن»، دو نوع نظام وجود دارد: یکی هویت اجتماعی - فرهنگی و دیگری هویت فردی - شخصی» (حاج حسینی، ۱۳۸۱ش: ۳۸).

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی (Identity Social) در مقابل هویت فردی است. هویت فردی آن چیزی است که فرد را از دیگران متمایز می‌کند و به او تشخیص می‌دهد. در مقابل، هویت اجتماعی مبتنی بر تشابهاتی است که فرد با گروه و یا طبقه و یا هم‌فکران و هم‌کیشان خویش دارد و بدان وابسته است؛ به گونه‌ای که فرد خود را بر مبنای این وابستگی‌ها تعریف می‌کند. هویت اجتماعی گستره‌ای وسیع از هویت‌ها را شامل می‌شود؛ و سطوحی چون هویت فرهنگی، قومی، نژادی، دینی، ملی، منطقه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد.

«هویت اجتماعی و گروهی، مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد» (جنکینز، ۱۳۸۱ش: ۵). «هویت اجتماعی خصلت یا خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی است و بر درک افراد از خود استوار بوده و ذاتی نیست؛ بلکه محصول توافق و عدم توافق میان افراد است. آنچه یک گروه انسانی را هویت می‌بخشد، شباهتی است که باعث تفاوت آنها از گروه‌های دیگر می‌شود» (همان: ۸). «تنوع هویت‌ها فراورده‌های اجتماعی هستند که عناصری نسبتاً ثابت و پایدار دارند» (برگر، ۱۳۹۵ش: ۲۳۶-۲۳۷).

هویت اجتماعی گستره‌ای وسیع از هویت‌ها را شامل می‌شود؛ نظیر: هویت فرهنگی، نژادی، دینی و... هویت اجتماعی شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲ش: ۳۰۰). در واقع به باور جامعه‌شناسان هویت اجتماعی احساسی است که افراد نسبت به خود دارند. و شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند و حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است (صالحی امیری، ۱۳۹۲ش: ۶۰-۶۲).

مهدویت

مهدویت در لغت از واژه مهدی گرفته شده است که «یای مشدد و تا» به آن اضافه شده و به صورت مصدر جعلی به کار می‌رود. یعنی مهدوی بودن. «مهدی» در لغت به معنای هدایت

کرده شده، معنی شده است (همان: ۱۷۷). «مهدویت» در اصطلاح یعنی اعتقاد به وجود حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن حضرت. اعتقاد به مهدویت و انتظار در فرهنگ تشیع دارای اهمیت بسیار است. «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است، که در احادیث معتبر نسب و اوصاف او مورد اشاره قرار گرفته است. لقب «مهدی» به این معنی است که او مورد هدایت خدا قرار گرفته و با ظهورش زمین را از عدل و داد لبریز خواهد نمود. این لقب برای اولین بار در مورد امام مهدی علیه السلام توسط حضرت رسول صلی الله علیه و آله انجام گرفته است. «خلاصه و حقیقت مهدویت، این است که جوامع مختلف در جهان به سوی جامعه واحد در حرکت اند که با تحقق آن حکومت حق و عدل تشکیل خواهد شد و باطل و جنود شیطان و مستکبران نابود می شوند و مستضعفان نجات پیدا می کنند و با رهبری یک انسان الهی مؤمنان و شایستگان به خلافت می رسند و در نتیجه سعادت، امنیت و رفاه عمومی و فراگیر می شود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ ش: ۲۵). بعد از مفهوم شناسی مجموع مطالب این مقاله در دو گفتار دنبال می شود:

گفتار اول: سطوح هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار

عوامل و مناسبات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در هویت اجتماعی نقش دارند. در این میان دین و آموزه های دینی نقش پررنگی در هویت اجتماعی دارند. عقاید و باورها بخش قابل ملاحظه ای از عناصر هویتی را تشکیل می دهند؛ تکیه بر دین و مذهب یکی از عناصر مهم هویت ساز به شمار می روند؛ و در ایجاد هویت اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردارند و سهم و نقش بالایی در این حوزه دارند. «هویت دینی میزان آگاهی، تعلق خاطر و میزان درونی سازی باورها، احکام و دستورها و افعال اخلاقی یک دین و یا مذهب است که در فرد دیندار وجود دارد. بخشی از عناصر هویتی دین را عقاید و باورها تشکیل می دهد و بخشی دیگر را دستورات فقهی و اخلاقی دین تشکیل می دهد که در تشریفات مذهبی و رفتارهای جمعی دین داران مانند برپایی نماز جماعات و جمعه و حج و... بروز و ظهور دارند» (همان: ۳۰۲). نقش این هویت مشترک ایجاد وحدت در زندگی عینی و اجتماعی مردم است که موجب می شود تا هویت فرهنگی و دینی مشترک ایجاد شود. از این رو هر کدام از ادیان هویت بخش پیروان خویش خواهند بود. بنابراین دین اسلام هویت بخش مسلمانان است. در واقع «هویت اسلامی را باید در معنایی جست که شخص خود را با پیوند زدن به پیام آسمانی اسلام تعریف می کند. نکته ای که در ساختار هویت اسلامی برجسته است و سفارش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را

در پی داشت، توصیه به هم‌راهی قرآن و عترت در کانون هویت اسلامی است. و در این راستا معرفت امام، کانون هویت اسلامی را تشکیل می‌دهد که شیعه بر آن تأکید دارد» (بهریزی لک، ۱۳۸۸ش: ۶۴-۶۵).

بنابراین با توجه به جایگاهی که اندیشه مهدویت در منظومه دین اسلام دارد؛ هویت بخشی را می‌توان یکی از اهداف اجتماعی آن به شمار آورد. اندیشه مهدویت و انتظار از سطوح مختلف هویت بخشی برخوردار است. زیرا این اندیشه در میان پیروان ادیان الهی با تأکید بر منجی باوری، هویت جهانی و فرا ملی را در عرصه جهانی به وجود می‌آورد. در واقع اجتماع همه پیروان ادیان الهی حول محور منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت و در میان پیروان دین اسلام و فرق و مذاهب مختلف اسلامی در قالب اندیشه مهدویت متجلی است که می‌تواند هویت دینی مشترک اسلامی را در میان فرق و مذاهب اسلامی ایجاد می‌کند؛ و در رویکرد شیعی با تأکید بر امامت به ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد و هویت دینی مشترک را در میان شیعیان به وجود می‌آورد. بنابراین اندیشه مهدویت و انتظار در سطوح مختلف می‌تواند در ایجاد هویت بخشی نقش داشته باشد. مهم‌ترین سطوح هویت بخش اندیشه مهدویت و انتظار عبارتند از:

۱. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع بشری

باور به منجی موعود ریشه در اعماق تاریخ بشریت دارد. شاهد بر آن وجود متون مقدس ادیان گوناگون چه الهی و چه غیر الهی، مبنی بر آمدن منجی موعود در آخرالزمان است. زیرا مهم‌ترین خاستگاه این باور فطرت و عقل است که در وجود همه انسان‌ها به صورت مشترک وجود دارد. لذا از این جهت باوری برون دینی است و به دین، آئین و فرهنگ خاصی اختصاص ندارد، چون فطرت و عقل و قراردادهای اجتماعی، بین همه انسان‌ها مشترک است و مختص به دین خاصی نیست. بنابراین اعتقاد به مهدویت تنها یک عقیده اسلامی که فقط رنگ دین اسلام را داشته باشد؛ نیست. در واقع مهدویت فصل مهمی از خواسته‌های بشری است که انسان‌ها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف، رو سوی آن دارند. «مهدویت تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریاچه آن، به‌رغم دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه

ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود... ما به خوبی در می‌یابیم که دل مشغولی به امید صلح و هم‌زیستی احساسی است که در سراسر تاریخ و در میان همه اقوام و ملل از دغدغه‌ها و مسائل بشری بوده است و هنگامی که دین این وجدان عمومی را تأیید می‌کند و تأکید دارد که زمین پس از لبریز شدن ظلم و ستم پر از عدل و داد خواهد شد، به آن احساس عمومی، ارزش عینی می‌بخشد و آن را تبدیل به یک ایمان محکم می‌کند (صدر، ۱۳۷۶ش: ۵۴).

بنابراین منجی باوری را می‌توان از نقاط مشترک ادیان به حساب آورد. در ادیان توحیدی بعد از اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، منجی‌گرایی نقطه اشتراک آنهاست. بر این اساس بخش قابل ملاحظه‌ای از متون مقدس یهودیان و مسیحیان درباره منجی موعود و ویژگی‌ها و چگونگی عصر ظهور اختصاص یافته است. از دیدگاه یهودیان در عصر ظهور زمین همه نعمت‌هایش را بیرون می‌دهد. در کتاب حزقیال آمده است:

بر کنار نهر به این طرف و آن طرف هر قسم درخت خوراکی خواهد روئید که برگ‌های آنها پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه‌ای تازه خواهد آورد (راشد محصل، ۱۳۸۱ش: ۱۲۷).

در آن عصر آسایش همگانی تأمین می‌شود، حتی حیوانات را نیز در بر می‌گیرد؛ و جنگ و خونریزی از جهان رخت بر خواهد بست.
در کتاب اشعیا آمده است:

روزی خواهد آمد که سختی‌های گذشته بکلی فراموش شده و از بین خواهد رفت زیرا من زمین جدیدی می‌سازم و هرچه در گذشته بود کاملاً فراموش شده دیگر به یاد آورده نخواهد شد. ای قوم من از این آفرینش جدید تا ابد مسرور باشید زیرا اورشلیم را نیز از نو می‌آفرینم تا شهر شادی و سرور شما باشد. در آن جا دیگر صدای گریه و زاری شنیده نخواهد شد، نوزادان دیگر در سن کم نخواهند مرد... دیگر زحمت‌های مردم بر باد نخواهد رفت به مردم برکت خواهیم داد. پیش از آن که مرا بخوانند به آنان جواب خواهد داد. پیش از آن که دعای شان را تمام کنند آن را اجابت خواهیم کرد (اشعیا، ۱۳۸۰ش: باب ۶۵، ۱۳۰۲).

«در آن روز آن پادشاه نوظهور خاندان داود پرچم نجاتی برای تمام قوم‌ها خواهد بود و مردم به سوی او خواهند آمد و سرزمین او از شکوه و جلا پر خواهد شد» (اشعیا، ۱۳۸۰ش: باب ۱۱)،
بند ۱، ۱۲۲۰).

از دیدگاه یهودیان عصر ظهور که عصر نجات بشریت از ظلم و جور است؛ زمین همه نعمت‌هایش را بیرون می‌دهد. در آن عصر آسایش و امنیت همگانی تأمین می‌شود؛ و جنگ و خونریزی از جهان رخت بر خواهد بست.

«خداوند جنگ‌های بین اقوام را تمام می‌کند و اقوام دیگر در فکر جنگ با یکدیگر نخواهند بود» (همان: باب ۲، بند ۴، ۱۲۰۵). و «خداوند شما را از سختی‌ها و مشکلات عبور خواهد داد» (همان: باب ۳، بند ۲، ۱۲۴۷).

در کتاب انجیل با تأکید بر باور به منجی موعود، از وی به پسر انسان یاد شده است. «هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب می‌رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین است. آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر می‌گردد، در آن وقت همه مردم پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید، اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان... شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید. کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را افروخته بدارید... خوشا به حال آن غلامان که آقای‌شان چون آید بیدارشان یابد پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید» (انجیل لوقا، ۱۳۶۳ ش: ۳۵). از دیدگاه مسیحیان برای ظهور منجی روز و ساعت مشخصی تعیین نشده است و جز خدا هیچ‌کس از آن تاریخ با خبر نیست و ظهور او ناگهانی و غیرمنتظره است. در انجیل متی آمده: «اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و پس» (راشد محصل، ۱۳۸۱ ش: ۱۱۴) او در ساعتی می‌آید که گمان برده نمی‌شود. پس چون او ناگهان و بی‌خبر از راه می‌رسد، بر بندگان راست‌کردار است که هر لحظه منتظر او باشند (همان: ۱۱۸).

علاوه بر ادیان توحیدی، در ادیان غیر توحیدی نیز بر آمدن منجی موعود بشارت داده شده است. در کتب مقدس هندوها از دوره آخر الزمان به عصر «کالی» تعبیر شده که در آن عصر نجات‌بخش جهان ظهور می‌کند و حق و راستی را بر پا می‌کند و ظالمان را نابود می‌سازد» (شهیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

در کتاب باسک که از کتاب‌های مقدس هندوهاست، درباره بشارت به ظهور منجی می‌گوید:

دوره دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان خواهد بود، و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمین پنهان است همه را به دست

آورد، و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید (صادقی تهرانی، ۱۳۶۲ش: ۲۴۶).

از دیدگاه بودائیان نیز «بودا» روح نجات‌بخشی است که در هر دوره‌ای از عالم غیبت برای نجات مردم می‌آید. و با آمدن او ذهن انسان از غرور و شهوت پرستی، رهایی می‌یابد و جای آن را دانش، خرد و برکت معجزات پیامبران فرا می‌گیرد و تمام این سرزمین در آرامشی عمیق فرو می‌رود.

بنابراین باور به منجی موعود که از باورهای مشترک همه ادیان به حساب می‌آید؛ می‌تواند در ایجاد هویت مشترک جهانی نقش داشته باشد و از این راه می‌توان باور به مهدویت را ناظر به هویت جمعی جهانی دانست. زیرا باور به منجی موعود در میان پیروان ادیان، هویت جهانی و فراملی را در عرصه جهانی به وجود می‌آورد. در نتیجه اجتماع همه پیروان ادیان حول محور باور به منجی موعود با هر تفسیری که از آن اراده شود، از نظر جامعه‌شناختی، تعلق خاطر و باور مشترک را نسبت به آن به دنبال خواهد داشت. در نتیجه این باور مشترک می‌تواند هویت جهانی و فراملی را شکل دهد. زیرا پیروان ادیان در سایه آن می‌توانند با همدیگر به نقطه مشترک برسند. و زبان مشترکی را در میان پیروان ادیان به وجود آورد و آنان را حول محور این باور جمع کند و به آنها هویت واحد بدهد (هویت اجتماعی بین‌الادیانی).

۲. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع مسلمان

باور به منجی موعود در دین اسلام در قالب باور به مهدویت متجلی است. این باور می‌تواند هویت دینی مشترکی را در میان همه فرق مسلمین ایجاد کند. زیرا اعتقاد به مهدویت که ریشه در اعماق تاریخ اسلام دارد؛ در حقیقت اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن روایات بسیاری است که همه فرق و مذاهب اسلامی به خصوص اهل تسنن و شیعه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. در منابع و متون اهل سنت مسئله مهدویت مورد توجه جدی بوده و در این خصوص روایات زیادی در متون حدیثی آنان نقل شده است. اهل تسنن روایات مهدویت را از افرادی چون: معاذ بن جبل، ابوذر غفاری، عبدالله بن مسعود، عباس بن عبدالمطلب، سلمان فارسی، علی بن ابی طالب، عمار بن یاسر، ابویوب انصاری، عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری و... که همگی از صحابه بزرگ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند نقل نموده‌اند. علاوه بر آن، محدثین و راویان بسیاری از اهل تسنن بر این باورند که

احادیث مربوط به مهدی علیه السلام صحیح بوده و در کتب متعدد آنها را نقل کرده‌اند. محدثینی چون: ترمذی، بیهقی، حاکم نیشابوری، ابن اثیر، ذهبی، ابن کثیر، تفتازانی، ابن حجر عسقلانی، جلال الدین سیوطی، ابن حجر هیتمی و... و در کتب حدیثی خودشان روایاتی را در این زمینه نقل نموده‌اند. بخاری، در باب نزول عیسی، از ابی هریره از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

كيف أنتم إذا نزل ابن مریم فيکم وإمامکم منکم (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۴، ۲۰۵)؛
حال شما چگونه خواهد بود هنگامی که فرزند مریم در میان شما فرود آید و امام شما از میان خودتان خواهد بود.

شیخ محسن عباد از متفکران معاصر اهل تسنن با نوشتن دو مقاله^۱ درباره مهدویت که در مجله «الجامعه الاسلامیه» چاپ شده در این زمینه می‌گوید:

برخی از احادیث می‌توانند برخی دیگر را تفسیر کنند؛ بنابراین احادیثی که در سنن و مسانید آمده این دسته از روایات روایات یاد شده از بخاری و مسلم را تفسیر می‌کنند و همگی آنها دلالت دارند مبنی بر این که آن فرد صالحی که در این روایات به آن اشاره شده، او حضرت مهدی علیه السلام است. وی با تأکید بر این مطلب، حدود بیست و شش نفر از صحابه را نام می‌برد که احادیث مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام را از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند. و حدود سی و هشت نفر از محدثین و عالمانی که احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را در کتبشان نقل کرده‌اند را ذکر می‌کند. و به افرادی چون: ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، نسائی، احمد، ابن حبان، حاکم نیشابوری، ابن ابی شیبه، ابو نعیم اصفهانی، طبرانی، دارقطنی، ابو یعلی موصلی، ابن عساکر، بیهقی، و غیره اشاره کرده است. علاوه بر آن از افرادی یاد می‌کند که به صورت مستقل درباره حضرت مهدی علیه السلام کتاب نوشته‌اند مانند: أبوخیثمه، ابو نعیم اصفهانی، جلال الدین سیوطی، ابن کثیر، ابن حجر مکی هیتمی، متقی هندی، شوکانی، و غیره. همچنین از افرادی یاد کرده که احادیث مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام را به صورت متواتر نقل نموده است. و به روایاتی که درباره حضرت مهدی علیه السلام در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم آمده اشاره نموده است. و در نهایت می‌گوید امت اسلامی از اهل سنت و اشاعره، احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را پذیرفته‌اند. این احادیث دلالت می‌کنند مبنی بر این که - مهدی علیه السلام - حقیقت ثابتی است که در آخرالزمان محقق

۱. مقاله‌ای با عنوان «عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» از ص ۱۲۶ تا ص ۱۶۴، چاپ شده در مجله «الجامعه الاسلامیه» شماره ۳، سال ۱۳۸۹ق. و مقاله «الرد علی من أنکر أحادیث المهدی» چاپ شده در مجله «الجامعة الإسلامية» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰ق.

خواهد شد. بنابراین کسی که می‌گوید این احادیث ساخته و پرداخته شیعیان است و نمی‌توان آنها را به پیامبر ﷺ نسبت داد؛ سخن درستی نگفته است؛ و این حرف یا از روی جهل و نادانی است و یا از روی عناد و لجاجت با حق است؛ زیرا با این حجم وسیع و با آن طرق متعددی که در کتب آمده، این حقیقت را بیان می‌کند که آن احادیث از سوی رسول خدا ﷺ بیان شده‌اند. علاوه بر این محدثین و عالمانی که به احادیث مهدویت باور دارند و آنها را در کتب شان نقل نموده‌اند؛ افرادی محقق و اهل دقت هستند. در نتیجه پذیرش و قبول آن‌ها از ایمان به پیامبر ﷺ نشأت می‌گیرد و داخل در ایمان به او و از مصادیق ایمان به غیب به شمار می‌رود؛ و ایمان به غیب هم از سوی خداوند از نشانه‌های متقین بر شمرده شده است. «ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب» بنابراین واجب است در کلیه اموری که رسول خدا ﷺ بدان‌ها خبر داده است؛ ایمان بیاوریم. چه از امور گذشته و چه از آینده و چه اموری که از ما غایبند.^۱

وی در نقد افراد شاذ و نادری که به مهدویت باور چندانی ندارند می‌گوید:

خروج و ظهور حضرت مهدی ﷺ در آخرالزمان بر طبق سنت خداوند است. زیرا سنت الهی بر درگیری دائم میان حق و باطل استوار است. در نتیجه خداوند در هر زمانی کسی را آماده می‌کند تا از دین حق حمایت نماید و در صدد نصرت آن باشد. بنابراین در هیچ زمانی زمین خالی از حجت نخواهد بود. بر این اساس مهدی ﷺ کسی است که در زمان خروج دجال به حمایت از دین الهی برمی‌خیزد و عیسی مسیح ﷺ نیز در این هنگام از آسمان نازل می‌شود. روایات نیز بر این مطلب دلالت دارند.^۲

قنوجی بخاری در کتاب *الاذاعه* بر این مطلب نیز تأکید دارد و در این باره می‌گوید:

با توجه به احادیث متواتری که جمهور امت بر آنها اتفاق نظر دارند؛ بدون هیچ تردیدی مهدی ﷺ در آخرالزمان خروج و ظهور می‌کند. کسی که این مطلب را انکار کند در واقع در مقابل نصوص مستفیض و متواتر قرار گرفته است (قنوجی بخاری، ۱۴۲۱ق: ۱۴۵).

سفارینی نیز بر این امر تصریح دارد و درباره مهدی ﷺ می‌گوید:

از مجموعه روایاتی که از سوی صحابه درباره مهدی ﷺ نقل شده؛ می‌توان به قطع و یقین رسید. بنابراین اعتقاد و ایمان به خروج و ظهور حضرت مهدی ﷺ واجب و لازم

۱. مقاله‌ای با عنوان «عقیده أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» چاپ شده در مجله «الجامعه الاسلامیه» شماره ۳، سال ۱۳۸۸ق. و مقاله «الرد الرد علی من کذب الأحادیث الصحیحة فی المهدی» که در مجله «الجامعة الإسلامية» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰ق، به چاپ رسیده است.

۲. مقاله «الرد علی من کذب الأحادیث الصحیحة فی المهدی» چاپ شده در مجله «الجامعة الإسلامية» شماره ۴۵، سال ۱۴۰۰.

است (همان: ۱۴۶).

ابن تیمیّه در این باره می‌گوید:

احادیثی که امثال ابوداود و ترمذی و احمد و دیگران بر ظهور و خروج مهدی علیه السلام بدان‌ها استشهاد کرده‌اند احادیث صحیحی هستند.^۱

همچنین ناصرالدین البانی از حدیث‌شناسان و نقادان حدیث معاصر، در مجله تمدن اسلامی نیز بر خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تأکید و تصریح دارد؛ وی می‌گوید:

درباره خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام احادیث بسیاری که دارای اسناد صحیحی هستند وجود دارد. و امثال رشید رضا و دیگرانی که درباره احادیث مهدی علیه السلام تشکیک کرده‌اند در حقیقت تتبع زیادی در این زمینه ندارند و اگر تحقیق بیشتری می‌کردند؛ به حقیقت امر پی می‌بردند. بنابراین عقیده به خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام عقیده ثابتی است که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت متواتر نقل شده است. پس ایمان به آن از مصادیق ایمان به غیب است که از صفات متقین به‌شمار می‌رود. و انکار آن یا از روی جهل و نادانی است و یا از روی عناد و ستیزه‌جویی با حقیقت است (البانی، ۱۴۲۲ق: ۶۴۲).

عبدالعزیز بن باز رئیس وقت دانشگاه اسلامی مدینه منوره در یادداشت خود بر نوشته محسن عباد درباره حضرت مهدی علیه السلام که در مجله آن دانشگاه به چاپ رسیده بود؛ می‌نویسد: احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام مستفیض بلکه متواتر است. چنان‌که تعدادی از عالمان گفته‌اند این احادیث در حد تواترند. این احادیث دلالت می‌کنند که آن شخص وعده داده شده، امر ثابتی است و خروجش به حق خواهد بود. جمهور عالمان در این باره اتفاق نظر دارند. بنابراین حق با آنان است که می‌گویند حضرت مهدی علیه السلام حقیقت دارد و در آخرالزمان خروج و ظهور می‌کند. از این رو به حرف برخی از افراد که بر خلاف نظر اکثریت عالمان سخن گفته‌اند؛ وقعی نهاده نمی‌شود (بن باز، ۱۳۸۸ق: ج ۳، ۱۶۱).^۳

۱. «الأحادیث التي یحتج بها علی خروج المهدی أحادیث صحیحة، رواها أبو داود، والترمذی، وأحمد، و غیرهم، من حدیث ابن مسعود و غیره».

۲. «ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه یجب الإیمان بها لأنها من أمور الغیب، و الإیمان بها من صفات المتقین كما قال تعالی: (الم، ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین * الذین یؤمنون بالغیب). و إن إنکارها لا یصدر إلا من جاهل أو مکابر» (مجله تمدن اسلامی، ج ۲۲، ۶۴۲).

۳. بن باز در تعلیقه خود بر مقاله «عقیده أهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» نوشته عبدالمحسن العباد صفحه ۱۶۲-۱۶۱ می‌نویسد:

«أمر المهدی معلوم، و الأحادیث فیه مستفیضة، بل متواترة و قد حکى غیر واحد من أهل العلم تواترها و هی متواترة



بنابراین باور به مهدویت فراتر از باور فرقه‌ای خاص بدان، باوری اسلامی است و یکی از مشترکات مذاهب اسلامی به شمار می‌رود. از این جهت تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی در باور به مهدویت می‌تواند در ایجاد هویت جمعی مسلمانان مؤثر باشد و زبان مشترکی را برای شان ایجاد نماید و آنان را گرد هم جمع کند و به آنان هویت اجتماعی واحد بدهد و مایه اتحاد و همبستگی جوامع مسلمان شود.

۳. مهدویت و هویت اجتماعی جوامع شیعی

شیعه امامیه ضمن پذیرش نگاه ادیان به منجی موعود و نگاه مذاهب اسلامی به مهدویت، درباره اندیشه مهدویت، دارای اعتقادات مخصوص به خود هست که می‌تواند هویت واحدی را در جوامع شیعی ایجاد نماید. در این خصوص «فرق شیعه با دیگران این است که شیعیان آن منجی را با نام نشان، با خصوصیات گوناگون می‌شناسند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نیمه شعبان ۱۳۸۴)^۱ یعنی «ما علاوه بر اعتقاد به اصل وجود مهدی علیه السلام و این که کسی خواهد آمد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، شخص مهدی علیه السلام را هم می‌شناسیم و نام و کنیه و پدر و مادر و تاریخ ولادت و کیفیات غیبت و اصحاب نزدیک و حتی بعضی از کیفیات هنگام ظهور او را نیز می‌دانیم» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در نیمه شعبان ۱۳۶۸)^۲.

از این جهت باور به مهدویت با رویکرد شیعی می‌تواند در جامعه شیعی هویت مشترکی ایجاد کند و از این راه به ایجاد ارتباط و تحکیم روابط اجتماعی کمک نماید. این هویت مشترک را می‌توان در باور جامعه شیعی به امامت و رهبری امام مهدی علیه السلام نشان داد؛ و آن را یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در تحکیم روابط اجتماعی برشمرد. این مسئله مبتنی بر یک اصل کلی است که اعتقاد به رهبری شخص مشخصی و پذیرش رهبری او، علاوه بر آن که انسجام و وحدت اجتماعی را به دنبال دارد؛ می‌تواند در تحکیم و تنظیم روابط اجتماعی تأثیرگذار باشد. این باور موجب می‌شود جامعه شیعه (جامعه منتظر) خود را همواره در پرتو رهبری امام

تواتر معنویا، لکثرة طرقها، واختلاف مخارجها، و صحابيتها و روايتها، و ألفاظها، فهی - بحق - تدل علی أن هذا الشخص الموعود به أمره ثابت و خروجه حق و قد رأينا أهل العلم أثبتوا أشياء كثيرة بأقل من ذلك و الحق أن جمهور أهل العلم، بل هو الاتفاق علی ثبوت أمر المهدی، و أنه حق، و أنه سیخرج فی آخر الزمان و أما من شد من أهل العلم - فی هذا الباب - فلا يلتفت إلی کلامه فی ذلك».

1 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3308>

2 . <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2276>

مهدی علیه السلام ببیند و پیوسته در تحکیم روابط اجتماعی خود بکوشد. زیرا اعتقاد به وجود واقعی امام می‌تواند الهام بخش معنوی و مایه انسجام، وحدت، امید و تحرک در مردم باشد. بر خلاف جامعه‌ای که دارای رهبری نباشد و یا معتقد به رهبری باشد که در آینده خواهد آمد. چنین جامعه‌ای پیوستگی و انسجام خود را از دست می‌دهد و دچار تشتت و افتراق می‌شود. بنابراین جامعه‌ای که به امام مهدی علیه السلام معتقد باشد سعی می‌کند یکدل و یکصدا در مسیر اهداف بلند آن حضرت حرکت کند و از افتراق و تشتت بپرهیزد؛ این امر موجب می‌شود تا هویت مشترک در جامعه به وجود آید و در نتیجه روابط اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

بنابراین در اندیشه شیعی، باور به امامت به‌ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. بر طبق این بینش، امامت مقامی است که به دوره‌ای از ادوار و عصری از اعصار بشری اختصاص ندارد. وجود امام برای تمام ادوار و اعصار لازم و ضروری است. چه امام آشکار باشد و مردم بتوانند او را مشاهده کنند و چه از دید مردم پنهان و غایب باشد؛ از امام زین العابدین علیه السلام در ارتباط با جایگاه و منزلت ائمه علیهم السلام نقل شده:

ما پیشوایان مسلمین و حجت‌های خداوند بر اهل عالم هستیم از زمانی که خداوند حضرت آدم علیه السلام را خلق کرده زمین هرگز خالی از حجت الهی نبوده است یا این حجت ظاهر و مشهور بوده و یا غایب و مستور و همچنین تا قیامت نیز خالی از حجت نخواهد بود (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۱۷).^۱

بر این اساس می‌توان گفت:

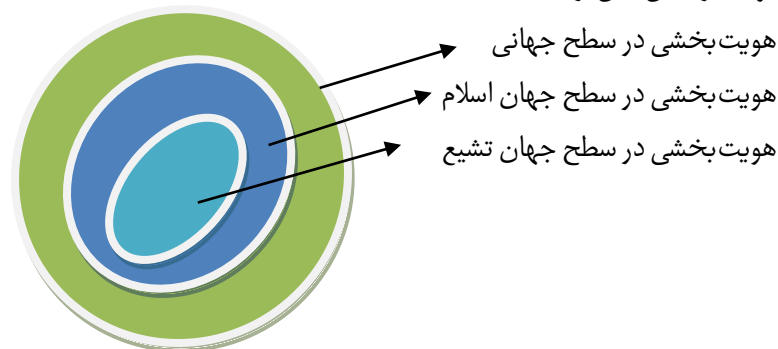
عنصر امامت عنصر اساسی هویت جمعی شیعیان امامیه به حساب می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲ش: ۳۰۴).

به باور امامیه و «در مکتب شیعی امام هویت بخش است... فرهنگ مهدویت در یک جامعه شیعی از آن روی اهمیت دارد که هویت بخش زندگی شیعیان است. اهمیت اصلی و کلیدی فرهنگ مهدویت را می‌توان در هویت بخشی به فرد و جامعه دانست. جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر این باور است که عصری به دور از نقص‌ها، متفاوت با وضع موجود و برابر با

۱. «... و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة لله فيها ظاهر مشهور أو غائب مستور ولا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة الله و لولا ذلك لم يعبد الله».

مدینه فاضله فرا خواهد رسید، می‌تواند زندگی امروز خود را براساس همان مدل کامل سامان دهد» (بهر روزی لک، ۱۳۸۸ش: ۶۸-۶۹). زیرا ارتباط و همگرایی مردم حول محور اندیشه مهدویت موجب تقویت جامعه‌پذیری مهدوی می‌شود. و جامعه‌پذیری مهدوی نیز انتقال عقاید و باورها و ارزش‌ها و هنجارهای مهدوی را به دنبال خواهد داشت. و در پرتو انتقال این ارزش‌ها مردم احساس هویت بیشتر خواهند نمود. زیرا عقاید و باورها و ارزش‌ها بخش قابل ملاحظه‌ای از عناصر هویتی را تشکیل می‌هند؛ و هویت دینی مشترک را ایجاد می‌کند. در اندیشه شیعی، عنصر امامت به ویژه باور به امام غایب، هویت جمعی را به جامعه شیعه می‌دهد. در این رویکرد، باور به امامت و حضور حجت حق در همه زمان‌ها و نظارت دائمی وی بر امور موجب می‌گردد تا هویت دینی مشترک در میان شیعیان به وجود آید. نقش این هویت، اعطای هویت فرهنگی و دینی به جامعه شیعیان است.

بدین جهت باور به مهدویت که مورد وفاق جامعه مسلمان و خصوصاً جامعه شیعه است؛ از باورهای مشترک در جامعه اسلامی به حساب می‌آید و می‌تواند هویت اسلامی مشترک ایجاد نماید و موجب وفاق و همدلی در جامعه مسلمان شود و در نتیجه به تحکیم روابط اجتماعی کمک نماید. علاوه بر آن این باور با رویکرد شیعی و در راستای اعتقاد به امامت و ولایت می‌تواند هویت شیعی مشترک در میان اقوام و ملیت‌های مختلف ایجاد کند و در ایجاد و تحکیم روابط اجتماعی در میان شیعیان مؤثر و مفید باشد؛ جمع‌بندی مباحث این گفتار را می‌توان در شکل ذیل ارائه داد.



گفتار دوم: عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار

در پرتو اندیشه منجی موعود و مهدویت و انتظار، افراد به یک هدف مشترک و مقدس به نام آخرالزمان و اصلاح جهان پایبند می‌شوند. این اعتقاد می‌تواند افراد را در ترویج امور ارزشی و اخلاقی و ارتقای عدالت اجتماعی ترغیب کند؛ و ارزش‌ها و اهدافی را در جامعه ترویج دهد و براساس آن افراد را به همبستگی و هدف‌های مشترک هدایت کند و در نتیجه بر پیوندهای هویتی و ارتباطات اجتماعی تأثیر بگذارد و هویت مشترکی را به وجود آورد. با ایجاد هویت مشترک منبث از این اندیشه، افراد ممکن است احساس تعلق به یک جامعه ایده‌آل‌تر و ارتباط صمیمانه‌تری با یکدیگر داشته باشند. عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار را می‌توان در حوزه‌های مختلف باوری، ارزشی، هنجاری، رفتاری و نمادی استقصا و تفحص نمود. در این گفتار به مهم‌ترین عناصر هویت بخش اندیشه مهدویت اشاره می‌شود:

۱. پایبندی به باورها

بینش‌ها و باورها از ارکان اصلی فرهنگ و از عناصر مهم هویت به حساب می‌آیند. حال پرسش این است که اندیشه مهدویت چگونه می‌تواند در ساحت اعتقادی و باوری تأثیرگذار باشد؟ و از چه کارکردهایی در این حوزه برخوردار است؟ اندیشه مهدویت در تحکیم باورها در چند حوزه تأثیرگذار است:

تقویت باور به ظهور منجی موعود

باور و اعتقاد به ظهور منجی موعود، باوری مشترک در میان پیروان همه ادیان است.^۱ در اندیشه مهدویت به این باور تأکید بیشتری شده است. شاهد بر آن انبوه روایاتی است که به ظهور منجی موعود در آخرالزمان وعده داده شده و بدان تصریح گردیده است. در برخی از این روایات آمده که اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد؛ آن روز آن قدر طولانی خواهد شد تا این که فردی از اهل بیت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظهور نماید (سیوطی، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ۷۷).^۲ یا در روایتی دیگر اشاره شده که دنیا به پایان نخواهد رسید مگر این که فردی از خاندان پیامبر

۱. در گفتار اول این مقاله به عنوان یکی از سطوح هویت بخش اندیشه مهدویت و انتظار از آن گفتگو شده است.
 ۲. «عن عبد الله بن مسعود عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

اسلام ﷺ ظهور نماید تا عدل و داد را در زمین بگستراند (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۱۳۵).^۱

تقویت باور به آینده

توجه به آینده و تصویرپردازی از آینده ریشه در ذات و نهاد آدمی دارد؛ و بر پایه آن ادیان مختلف تلاش نموده‌اند تا براساس آموزه‌های خود از آینده تصویر روشن ارائه نمایند. در ادیان گوناگون این ویژگی در قالب اعتقاد به منجی موعود مطرح شده است. بر پایه این باور در آینده با ظهور منجی موعود سعادت و خوشبختی برای بشریت فراهم خواهد آمد. در اندیشه مهدویت این باور مورد تأکید بیشتری قرار داده شده است. اندیشه مهدویت در حقیقت «تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریچه آن، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد» (صدر، ۱۴۱۷ق: ۵۴). در آموزه‌های اسلامی از آینده تصویری روشن و قطعی داده شده است. در آیات قرآن کریم وعده قطعی به خلافت مؤمنان و صالحان در زمین داده شده است.^۲

وجود چنین باوری می‌تواند گفتمان مشترک بین پیروان ادیان و فرق و مذاهب مختلف اسلامی را به وجود آورد که با تمسک به آن می‌توان هویت مشترکی را در میان پیروان ادیان ایجاد نمود و ارزش‌های مشترکی را در میان پیروان ادیان به وجود آورد.

تقویت باور به عدالت‌گستری

عدالت‌خواهی نیز از خواست‌های فطری و طبیعی بشر است. بر طبق این خواست بشر به دنبال گسترش عدالت در جامعه است. ادیان الهی نیز بر طبق این خواست فطری یکی از آثار ظهور منجی را فراگیری عدالت معرفی نموده‌اند. لذا این باور در آموزه‌های ادیان مورد توجه قرار گرفته و بدان وعده قطعی داده شده است. در دین اسلام این باور در اندیشه مهدویت متجلی است و بدان توجه ویژه شده و از باورهای قطعی تلقی گردیده است. شاهد بر انبوه روایاتی است که در مجامع روایی اهل تسنن و شیعه به عدالت‌گستری فراگیر برای آینده خبر و وعده حتمی داده شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۶۰۰).^۳ و درباره فراگیری عدالت در

۱. «لا تذهب الدنيا حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً».
۲. اشاره به آیه ۵۵ سوره نور «وعدالله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الأرض...» و آیه ۱۰۵ سوره انبیا «ولقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادى الصالحون» دارد.
۳. ابو سعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً، ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً».

عصر ظهور گفته شده عدالت همانند گرما و سرما وارد خانه‌های مردم خواهد شد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷).

تقویت باور و ایمان به خداوند

باور به خداوند نیز ریشه در ذات و فطرت آدمی دارد. ادیان الهی همواره تلاش کرده‌اند تا این باور در میان مردم و در جامعه انسانی تقویت شود. در دین اسلام نیز برای تحکیم و تقویت باور به خداوند تأکید بسیاری شده است. اندیشه مهدویت که تجلی تام و تمام دین اسلام است؛ به عنوان يك باورداشت دینی، به تعالی اصول دینی از جمله باور به خداوند و ایمان به خدا تأکید شده است شاهد بر آن روایاتی است که تقویت باور به خداوند را از رسالت‌های اصلی عصر ظهور برشمرده‌اند به طوری که شعار توحید همه پهنه زمین را فرا خواهد گرفت (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۵۶).

در مجموع، حوزه بینشی و باوری از اهمیت به‌سزایی در حیات مردم برخوردار است، و اندیشه مهدویت به عنوان یک بعد اساسی این حوزه، نقش مهمی در تقویت و تثبیت اعتقادات و ارتقای اصول دینی دارد. این حوزه باعث تعمیق فهم افراد در مورد باورهای یاد شده می‌شود و آنها را به زندگی مطابق با این اصول هدایت می‌کند. در واقع توسعه حوزه باوری و اعتقادی افراد نه تنها به تقویت ارتباط آنها با خدا و دین کمک می‌کند، بلکه به شکل مستقیم در شکل دهی به شخصیت اجتماعی آنها نیز تأثیرگذار است؛ و هویت بخشی خواهد بود و مایه تقویت هویت مشترک می‌شود.

۲. پایبندی به ارزش‌ها

ارزش‌ها یکی دیگر از ارکان اصلی فرهنگ و از عناصر مهم هویت به حساب می‌آیند. حال پرسش این است که اندیشه مهدویت چگونه می‌تواند در ساحت ارزش‌ها تأثیرگذار باشد؟ و از چه کارکردهایی در این حوزه برخوردار است؟

شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۰، «قال رسول الله ﷺ لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یخرج رجلا من أهل بیتی یملا الأرض عدلا كما ملئت ظلما و جورا».

۱. «أما و الله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم كما یدخل الحر و القر».

۲. «عن رسول الله ﷺ، أنه قال: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد، لبعث الله فیہ رجلا اسمه اسمی، و خلقه خلقی، یکنی أباعبدالله، یمایح له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین، و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الأرض إلا من یقول: لا إله إلا الله».

اندیشه مهدویت می‌تواند در بخش‌های مختلف جامعه تأثیر بگذارد. این اعتقاد می‌تواند به ایجاد انگیزه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی کمک کند و بر پیوندهای هویتی و ارتباطات اجتماعی تأثیر بگذارد و براساس آن افراد را به همبستگی و هدف‌های مشترک هدایت نماید. در واقع با ایجاد یک هویت مشترک براساس این اندیشه، افراد ممکن است احساس تعلق به یک جامعه ایده‌آل‌تر و ارتباط صمیمانه‌تری با یکدیگر داشته باشند. از این نظر، مهدویت می‌تواند در تشکیل هویت اجتماعی و ایجاد ارتباطات معنادار نقش داشته باشد. مهم‌ترین امور ارزشی برگرفته از اندیشه مهدویت که در هویت بخشی مؤثرند، عبارتند از:

تربیت اخلاقی و رشد روحی

اندیشه مهدویت به تربیت اخلاقی و رشد روحی انسان‌ها اهمیت می‌دهد. بدین جهت تربیت اخلاقی و رشد روحی یکی از ارزش‌هایی است که در اندیشه مهدویت بدان تصریح و تأکید شده است. این ارزش را می‌توان از روایاتی که به ویژگی‌های منتظران اشاره کرده‌اند؛ استنباط نمود. بر پایه آن ویژگی‌ها منتظران کسانی هستند که به منجی موعود باور دارند و در انتظار ظهور وی به سر می‌برند و با زمینه‌سازی خود را برای ظهور آماده می‌کنند.

تربیت اخلاقی و تعالی روحی موجب می‌شود تا جامعه خود را به سطح قابل قبولی از فضائل اخلاقی برساند. در نتیجه ارتقای سطح اخلاقی جامعه موجب خواهد شد تا فضائل اخلاقی در جامعه گسترش پیدا کند و به دنبال آن جامعه از نظر اخلاقی و تربیتی واجد ویژگی‌ها و صفاتی می‌شود که آثار فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. هویت بخشی یکی از آثار است. زیرا در تربیت اخلاقی و رشد روحی منیت و خودبینی در جامعه به حداقل می‌رسد و جامعه برای تحقق آرزوهای مشترک تلاش می‌کند و در تعارض بین امتیازات اجتماعی با امتیازات فردی، امتیازات اجتماعی ترجیح داده می‌شود و جامعه به صورت من واحد در خواهد آمد و از این جهت هویت واحد در جامعه شکل خواهد گرفت.

ضرورت تربیت اخلاقی و تعالی و رشد روحی که اندیشه مهدویت بدان تأکید دارد را می‌توان از روایاتی که به ویژگی‌های منتظران اشاره کرده‌اند، استنباط نمود. مانند این روایت که از رسول خدا ﷺ نقل شده مبنی بر این که مردمی که در آخرالزمان می‌آیند از برادران آن حضرت به شمار می‌آیند. اینان در دینداری خدا استقامت و پایداری می‌ورزند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲،

۱۲۴). روشن است زمانی این افراد منتظر در زمره برادران حضرت رسول ﷺ به شمار می‌آیند که از تربیت اخلاقی لازم برخوردار باشند. پس اندیشه مهدویت مستلزم این است که منتظران و به تبع آن جامعه منتظر در سایه معارف الهی تربیت شوند و رشد اخلاقی و روحی پیدا کنند و گرنه بدون آن هرگز نمی‌توانند از برادران پیامبر اسلام ﷺ محسوب شوند.

صبر و پایداری

صبر و پایداری یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی است که اندیشه مهدویت بدان تأکید می‌کند. در روایاتی که در خصوص ویژگی‌های اخلاقی منتظران نقل شده به این ویژگی اشاره شده است. صبر و پایداری جامعه را در مقابل تکانه‌های احتمالی ثابت قدم نگه می‌دارد و موجب می‌شود جامعه در مقابل انواع ناملایمات و ناهمواری‌ها، استوار بماند و انسجام و همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و با انسجام و همبستگی هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

به این خصوصیت نیز در روایاتی که ویژگی‌های منتظران را بیان کرده‌اند، اشاره شده است. مانند این روایت که رسول خدا ﷺ به اصحاب‌شان فرمودند:

پس از شما کسانی می‌آیند که بر هر يك از آنان اجر پنجاه نفر شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ما در عزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و آیاتی درباره ما نازل شد؛ پس چرا به آنها پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟ حضرت فرمودند: آنان در شرایط دشوار خواهند بود که اگر شما در آن شرایط باشید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت (همان: ۱۳۰).^۲

یعنی با وجود شرایط دشوار و سخت در عین حال صبر و استقامت را پیشه خود قرار می‌دهند. پس اندیشه مهدویت مستلزم این است که منتظران و به تبع آن جامعه منتظر در سایه معرفت منجی موعود به ارزش صبر و استقامت توجه دارند و در زندگی فردی و اجتماعی به آن ملتزم هستند.

۱. «عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ ذات يوم وعنده جماعة من أصحابه اللهم لقني إخواني مرتين فقال من حوله من أصحابه أ ما نحن إخوانك يا رسول الله فقال لا إنكم أصحابي وإخواني قوم في آخر الزمان آمنوا ولم يروني لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن يخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم لأحدهم أشد بقية على دينه من خطر القتاد في الليلة الظلماء أو كالقابض على جمر الغضا أولئك مصابيح الدجى».

۲. «عن أبي عبدالله عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ: سيأتي قوم من بعدكم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منكم قالوا يا رسول الله نحن كنا معك ببدر وأحد وحنين ونزل فينا القرآن فقال إنكم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم».

تعهد و مسئولیت‌شناسی

تعهد و مسئولیت‌شناسی یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی است که در اندیشه مهدویت بدان تأکید شده است. بر طبق این ویژگی منتظران علاوه بر خودسازی، نسبت به دیگران نیز احساس مسئولیت دارند و با تبلیغ دین و اصلاح دیگران و با دعوت مردم به معارف مهدوی، روح نشاط و امید را در آنان تزریق می‌کنند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام به این نکته اشاره شده و یکی از ویژگی‌های منتظران را تعهد و مسئولیت‌شناسی‌شان نسبت به دیگران معرفی نموده است. آن حضرت در این باره به ابو خالد فرمودند:

ای اباخالد مردم زمان غیبت مهدی علیه السلام، که معتقد به امامت او هستند و در انتظار ظهور او به سر می‌برند، با فضیلت‌ترین مردم همه زمان‌ها هستند... آنان حقیقتاً افراد با اخلاص و شیعیان صادق ما می‌باشند؛ آنان به صورت سری و علنی مردم را به دین الهی دعوت می‌کنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۰).^۱

بر طبق این روایت، تعهد و مسئولیت‌شناسی منتظران موجب می‌گردد تا دیگران را نیز به دین الهی دعوت کنند تا همه مردم به دین الهی گردن نهند و از آنان افراد نیک و صالحی پرورش یابند. در روایت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به این ویژگی آنان اشاره شده است. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

آنان در اطاعت از امام‌شان کوشانند... مثل آنها در زمین مثل مشک است که بوی خوشش پراکنده می‌شود و هرگز متغییر نمی‌گردد و مثل آنها در آسمان مثل ماه است که نورش هرگز خاموش نمی‌شود (همان: ۲۶۸).^۲

پراکندن بوی خوش از سوی منتظران کنایه از تأثیرگذاری آنان در جامعه است و آن نیز حاکی از تعهد و مسئولیت‌شناسی‌شان است به طوری که همانند مشعل‌ای هدایت می‌درخشند. این عناصر ارزشی، می‌توانند بر هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیرگذار باشند. و هرکدام به نحوی در تقویت هویت اجتماعی افراد و جامعه منتظر نقش مهمی ایفا می‌کنند و اساس ارتباطات افراد با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

زیرا این ویژگی‌ها می‌توانند به تقویت انسجام اجتماعی، ترویج ارزش‌های دینی، و تشویق

۱. «یا أبا خالد إن أهل زمان غیبتہ القائلین بإمامتہ و المنتظرین لظهورہ أفضل من أهل کل زمان ... أولئك المخلصون حقا و شیعتنا صدقا و الدعاة إلى دین الله عزوجل سرا و جہرا...».

۲. «... مجدون فی طاعتہ... مثلهم فی الأرض کمثل المسک یسطع ریحہ فلا یتغیر أبدا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لا یطفأ نوره أبدا...».

به مشارکت اجتماعی کمک کنند که در نهایت هویت اجتماعی را تقویت می‌کنند.

۳. پایبندی به هنجارها و رفتارهای مهدوی

هنجار (Norm) در لغت به معنی: راه و روش و طریق و طرز و قاعده و قانون آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۴۹، ۳۰۸). و در اصطلاح به معنی قانون یا اصلی که راهبری یا هدایت یک رفتار را موجب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵ش: ۲۴۸-۲۴۹). اصولا هنجارها الگوی رفتاری مشترک یا معیارهای رفتاری هستند (بروس کوئن، ۱۳۸۳ش: ۷۴). و اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند و نشان‌دهنده بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند (گیدنز، ۱۳۸۷ش: ۶۵). هنجارهای اجتماعی به رفتارهای معینی اطلاق می‌شوند که براساس ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و با رعایت کردن آنها جامعه نظم و انتظام پیدا می‌کند (گی روشه، ۱۳۷۶ش: ۱۶۷). و معیارهای رفتار فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند.

نظام هنجاری اندیشه مهدویت بر پایه اصول دین اسلام استوار شده که به تشویق رفتارها و نگرش‌های خاص در افراد و جامعه می‌پردازد. این نظام هنجاری از قوانین اسلامی و تعلیمات رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام الهام گرفته است. در زیر، به برخی از مهم‌ترین هنجارهای رفتاری مهدویت که در تقویت هویت نقش دارند اشاره می‌شود:

تحفظ بر عدالت اجتماعی

در دین اسلام بر اهمیت آن تأکید بسیاری شده و استقرار کامل قسط و عدل یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران معرفی گردیده است (حدید: ۲۵).^۱ عدالت‌ورزی یکی از شاخصه‌های جامعه منتظر است. باور به عدالت‌گستری مهدوی موجب می‌شود در جامعه منتظر به صورت هنجار در آید و در رفتارهای فردی و اجتماعی ظهور و بروز نماید. و از این جهت می‌تواند در تقویت قدرت اجتماعی و جلب اعتماد عمومی و تحکیم انسجام اجتماعی مؤثر باشد. و با تقویت قدرت اجتماعی و تحکیم همبستگی اجتماعی و جلب اعتماد عمومی، هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد. از این رو عدالت اجتماعی هدف و غایت حرکت جامعه عصر غیبت باید به شمار رود.

۱. «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط ...».

ترویج ارزش‌های اخلاقی

عناصر اخلاقی پیش‌گفته در صورتی که در جامعه منتظر به صورت هنجار در آیند می‌توانند در رفتارهای منتظران تأثیر بگذارند و در نتیجه هویت اجتماعی که یکی از آثار آنها به شمار می‌نماید نظام هنجاری مهدویت از حفظ عدالت اجتماعی و اصلاح نابرابری‌ها در جامعه حمایت می‌کند. این شامل مبارزه با ستم و ترویج اصول عدالت اقتصادی و اجتماعی است و در جامعه تقویت خواهد شد.

تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی

انسجام اجتماعی از مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک گروه به آن تمایل دارند حکایت می‌کند (محرابی، ۱۳۸۷ش: ۲۱). مناسبات فرهنگی، مذهبی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در انسجام اجتماعی نقش دارند. دین در این خصوص نقش بی‌بدیلی دارد. چون از طرفی موجب تقویت پیوند و ارتباط در میان مردم می‌شود و از طرف دیگر مایهٔ اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کند. و این دو باعث می‌شوند تا در میان مردم انسجام و همبستگی اجتماعی تقویت شود.

اندیشهٔ مهدویت با ایجاد اهداف و ارزش‌های مشترک موجب می‌شود منتظران براساس اهداف مشترک، اصول اخلاقی، ارزش‌های انسانی گردهم جمع شوند و همبستگی اجتماعی جوامع را براساس آنها شکل دهند. اجتماع مردم حول محور اهداف مشترک هویت بخش خواهد بود و به تقویت هویت اجتماعی کمک خواهد نمود.

تقویت روابط اجتماعی

گفته شد اندیشهٔ مهدویت با تأکید بر باور به منجی موعود از یک طرف و مهدویت با رویکرد اسلامی از طرف دیگر و باور به مهدویت با نگاه شیعی از طرف سوم می‌تواند مردم را حول محور باور و اندیشه خاصی گردهم آورد، و فصل مشترکی را در میان‌شان بگشاید. روشن است تکیه بر این باور و اهداف مشترک موجب تقویت روابط اجتماعی می‌شود و با تحکیم روابط اجتماعی هویت مشترک به وجود خواهد آمد.^۱

۱. در گفتار اول این مقاله به سطوح مختلف سه‌گانه این هویت بخشی اشاره شده است.

تحکیم اعتماد اجتماعی

بین اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی رابطه دو سویه برقرار است یعنی هر دو جامعه اعتماد اجتماعی تقویت شود به همان میزان روابط اجتماعی نیز تقویت خواهد شد و از طرف دیگر هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، روابط اجتماعی نیز از قوام بیشتری برخوردار خواهد بود. اندیشه مهدویت با تکیه بر باورها مشترک، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ارزش‌های مشترک است و ارزش‌های مشترک نیز در ایجاد اعتماد اجتماعی نقش پررنگی دارند. زیرا تکیه بر ارزش‌ها می‌تواند فصل مشترکی را در بین افراد ایجاد کند و موجب شود تا اعتماد میان مردم با همدیگر به وجود آید و با تکیه بر ارزش‌ها، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌شود. به قول توماس برتون باتامور:

نبود اعتماد به ویژه از نوع ارزشی و اخلاقی، روابط دوسویه را پرسوء ظن، تیره و بحران‌زا می‌گرداند (باتامور، ۱۳۷۲ش: ۴۳).

بنابراین اعتقاد به مهدویت می‌تواند از طریق استحکام اعتقادات، شبکه‌ای از ارزش‌ها را در میان باورمندان ایجاد کند؛ و با تکیه بر ارزش‌ها و پایبندی به قواعد اخلاقی، اعتماد در بین مردم ریشه‌دارتر و عمیق‌تر خواهد شد و با ایجاد اعتماد عمومی و تقویت آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

۴. پایبندی به نمادها و سمبل‌های مهدوی

کلمه "Symbol" در لغت به معنای نماد، نشانه، دال، رمز (آریان پور، ۱۳۸۵ش: ۲، ۲۲۵۸) و «علامت» و «نشان مشخص کننده» (ساروخانی، ۱۳۷۵ش: ۴۱۴) و علامت و نماینده رمز است (آراسته خو، ۱۳۷۰ش: ۳۸۲).

نمادها در زندگی انسان و در تجسم و ملموس نمودن امور به خصوص امور غیرمادی، آثار و نتایج و کارکردهای مطلوبی دارند. «انسان برای انتقال آنچه در ذهن دارد به هم‌گونه خود از گفتار یا نوشتار بهره می‌گیرد. اگرچه زبان انسان سرشار از نمادهاست، اما در بسیاری از نشانه‌ها و نمایه‌هایی که خیلی هم گویا نیستند نیز استفاده می‌کند» (یونگ، ۱۳۷۷ش: ۱۵).

نمادها کارکردهای متنوعی در زندگی انسان دارند. از قبیل: ایجاد شبکه ارتباط با دیگران، ایجاد توانایی در انسان برای اندیشیدن بهتر و درک محیط اطراف خود و ایجاد زمینه‌های لازم برای درک امور متافیزیکی و ماورای طبیعی. در واقع به وسیله نمادها می‌توان حقایق موجود در

یک اندیشه را به دیگران معرفی نمود و به مردم شناساند. از این جهت بین یک اندیشه و نمادها و نشانه‌های مرتبط با آن اندیشه، رابطه مستحکمی وجود دارد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷ ش: ۱۲۷-۱۲۶).

حال باید دید که اندیشه مهدویت از چه نمادهایی برخوردار است؟ در اندیشه مهدویت می‌توان به گونه‌های مختلف نمادها اشاره کرد؛ اما آنهایی که در هویت بخشی نقش دارند عبارتند از:

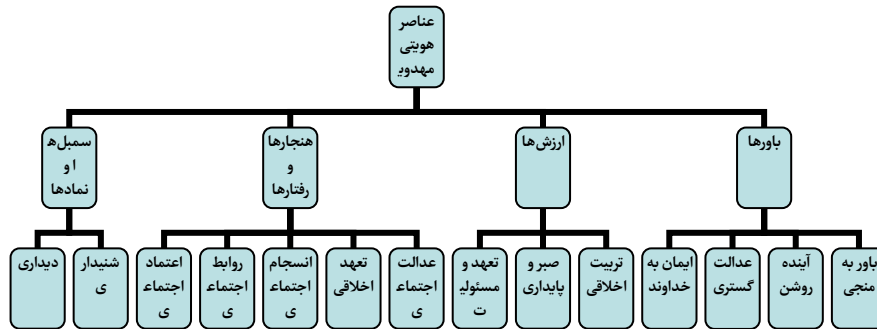
نمادهای شنیداری

به آن دسته از نمادهایی گفته می‌شوند که از جنس صدا و صوتند و به وسیله گوش دریافت می‌شوند. مانند: شنیدن ادعیه و مدایح مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه، دعای ندبه، دعای فرج و... از آثار هویت بخش این دسته از نمادها آن است که اگر اینها در جامعه گسترش پیدا کند و مردم به یاد آن حضرت در مجالس دعا حضور پیدا کنند و آنها را بشنوند موجبات همدلی و انس و الفت را در جامعه منتظر به وجود خواهند آورد و به تبع آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

نمادهای دیداری

نمادهایی هستند که به وسیله چشم دریافت می‌شوند. شامل نمادهای شکلی و جسمی، تصویری و نوشتاری می‌شوند. نمادهای شکلی و جسمی در خصوص تقویت هویت، نقش مهمی دارند. در برخی از کشورهای اسلامی به ویژه مناطق شیعه نشین اماکنی وجود دارند که مورد توجه مردم مسلمان و شیعیان است؛ و برای آنان قداست و معنویت دارد. مردم ساعت‌ها و روزها و شب‌هایی را در آن اماکن بیتوته می‌کنند و به راز و نیاز با خداوند مشغول می‌شوند. این اماکن به جهت انتساب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای مردم از قداست خاصی برخوردارند. مانند: مسجد سهله، سرداب مقدس سامرا، مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه در وادی السلام، مسجد جمکران و... در حقیقت این اماکن به عنوان سمبل و نماد برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تبدیل شده‌اند. اقبال مردم به این اماکن دارای آثار مختلف معرفتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. اجتماع مردم در این اماکن موجب می‌شود پیوند و ارتباط مردم با همدیگر تقویت شود و اتحاد، همبستگی و انسجام اجتماعی به وجود آید. در نتیجه می‌توانند هویت واحد را در جامعه ایجاد نمایند و موجب تقویت هویت اجتماعی شوند؛ جمع‌بندی مباحث این گفتار را می‌توان در

شکل ذیل ارائه داد.



نتیجه‌گیری

هویت اجتماعی عبارت از مجموعه‌ای از شباهت‌های اجتماعی و فرهنگی است که جوامع و گروه‌های اجتماعی را حول محور خویش گرد هم می‌آورد. از منظر جامعه‌شناسان دین و آموزه‌های دینی در معنی بخشی به زندگی و هدفمند کردن آن نقش پررنگی دارد و یکی از عوامل مهم هویت‌ساز به‌شمار آید.

در این مقاله نشان داده شد که اندیشه مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های مهم دینی در ابعاد مختلف هویت آفرین است. ابتدا سطوح هویت بخشی آن در سه سطح هویت‌ساز مورد بررسی قرار داده شد:

اول: هویت بخشی به جامعه بشری با تأکید بر اندیشه منجی موعود؛ در این سطح هویت بخشی اندیشه مهدویت به جوامع بشری فرا دینی و فرا سرزمینی است و با تأکید بر باور به منجی موعود، همه بشریت با هر دین و آئین را مورد خطاب خویش قرار می‌دهد و با تکیه بر اشتراکات ادیان در باور به منجی موعود، موجب تقویت هویت جمعی پیروان ادیان می‌شود.

دوم: هویت بخشی به جوامع مسلمان با تأکید بر مهدویت با رویکرد اسلامی، در این رویکرد اندیشه مهدویت اندیشه‌ای اسلامی است و نگاهش به این اندیشه فراتر از مذهب و فرقه خاص است. این نگاه می‌تواند همه مسلمانان را گرد هم جمع کند و موجب تقویت هویت جمعی همه آنان شود.

سوم: هویت بخشی به جوامع شیعی با تأکید بر باور به مهدویت شیعی، در این رویکرد اندیشه مهدویت، آموزه‌ای شیعی با تکیه بر پذیرش امامت به عنوان کانون اعتقادی شیعه بر امامت امام مهدی علیه السلام استوار است. و در نتیجه جوامع شیعی با این باور ولادت و امامت و

غیبت امام مهدی علیه السلام را قبول دارند و در انتظار ظهور آن حضرت به سر می‌برند. از این جهت عنصر انتظار یکی از عناصر وحدت بخش در جامعه شیعی به حساب می‌آید و انتظام بخش جامعه منتظر خواهد بود و در نتیجه به تقویت هویت اجتماعی جوامع شیعی کمک خواهد نمود. و بعد از آن به عناصر هویت بخشی اندیشه مهدویت و انتظار اشاره شد. و این عناصر در چهار ساحت باروها، ارزش‌ها، هنجارهای رفتاری و نمادها و سمبل‌ها که می‌تواند هویت بخش باشد مورد بررسی قرار داده شد. در ساحت باورها با تقویت باور به ظهور منجی موعود، تقویت باور به آینده روشن، تقویت باور به عدالت گستری و تقویت باور و ایمان به خداوند می‌تواند هویت بخش باشد. و در ساحت ارزش‌ها با تأکید بر تهذیب نفس و تربیت اخلاقی و رشد روحی، صبر و پایداری و تعهد و مسئولیت‌شناسی می‌تواند هویت اجتماعی را تقویت نماید. و در ساحت هنجارهای رفتاری با تحفظ بر عدالت اجتماعی، ترویج ارزش‌های اخلاقی، تحکیم انسجام و همبستگی اجتماعی، تقویت روابط اجتماعی و تقویت اعتماد اجتماعی هویت بخش خواهد بود. و در نهایت در ساحت نمادها با برخورداری از نمادهای شنیداری و نمادهای دیداری موجبات همدلی و انس و الفت و پیوند و ارتباط مردم با همدیگر را در جامعه منتظر به وجود می‌آورد و به تبع آن هویت اجتماعی نیز تقویت خواهد شد.

منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. آراسته خو، محمد (۱۳۷۰ش)، *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی*، تهران: نشر گستره، دوم.
۳. آریان پور، منوچهر و دیگران (۱۳۸۵ش)، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، تهران: جهان رایانه، ششم.
۴. باتامور، توماس برتون «تی. بی.» (۱۳۷۲ش)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر مؤسسه کیهان، چهارم.
۵. البانی، ناصرالدین (۱۴۲۲ق)، *مجله التمدن الاسلامی*، شماره ۲۷ و ۲۸.
۶. برگر، پترول؛ لوکمان، توماس (۱۳۹۵ش)، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه: فریبرز مجیدی،

- تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، سوم.
۷. بروس، کوئن (۱۳۸۳ش)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعلی توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۸. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، *سیاست و مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن، دوم.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲ش)، *مجموعه مقالات: مهدویت و آینده‌پژوهی*، مقاله: مهدویت؛ روند هویت‌یابی مهدوی در عصر جهانی شدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۰. حاج حسینی، حسن (۱۳۸۱ش)، «بحران هویت و انحرافات اجتماعی»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۷.
۱۱. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالعلمیه.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران، دوم.
۱۳. راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۱ش)، *نجات بخشی در ادیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم.
۱۴. روشه، گی (۱۳۷۶ش)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان.
۱۵. ریچارد، جنکینز (۱۳۸۱ش)، *هویت اجتماعی*، ترجمه: تورج یار احمدی، بی‌جا: شیرازه.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵ش)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اول.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، *الحاوی للفتاوی*، بیروت: دارالفکر.
۱۸. شومان، هانس ولفانگ (۱۳۷۵ش)، *آئین بودا*، ترجمه: ع پاشایی، بی‌جا: نشر فیروزه.
۱۹. شهیدی، اسدالله (۱۳۸۴ش)، *ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۲۰. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۳۶۲ش)، *بشارات عهدین*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳ش)، *پاسخ به ده پرسش*، قم: دفتر نشر آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی، اول.

۲۲. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲ش)، *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چهارم.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۳۷۶ش)، *بحث حول المهدی علیه السلام*، مقدمه: دکتر عبدالجبار شراره، ترجمه: مصطفی شفیعی، قم: موعود عصر.
۲۴. الطائی، علی (۱۳۹۶ش)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان، سوم.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، *المعجم الکبیر*، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، اول.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه، اول.
۲۸. العباد، محسن (۱۳۸۹ق)، «عقیده أهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر»، *الجامعة الاسلامیه*، شماره ۳.
۲۹. قنوجی بخاری، محمد صدیق بن حسن خان (۱۴۲۱ق)، *الاذاعه لما کان وما یکون بین یدی الساعه*، بیروت: دار ابن حزم، اول.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷ش)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی، بیست و دوم.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.
۳۲. محرابی، علیرضا (۱۳۸۷ش)، *بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه های انسجام ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، اول.
۳۳. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم: مسجد جمکران، سوم.
۳۴. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷ش)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۳۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: صدوق، اول.
۳۶. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷ش)، *انسان و سمبول هایش*، ترجمه: محمود سلطانیه، تهران: نشر جامی، اول.
۳۷. سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله): Khamenei.ir.

Belief in Mahdism and its effect on re-reading education based on the province

Zahra Ziaei ¹
Mahdia Zahra ²

Abstract

The purpose of this research is to examine the belief in Mahdism and its effect on rereading the foundations of province-oriented education. Belief in Mahdism is one of the pillars and basic teachings in the religion of Islam. Educability is also one of the most important characteristics of human beings, which is always associated with humans throughout history. The most complete and original type of education is province-oriented education. There is a two-way relationship between Wilayat-oriented education and belief in Mahdism. The present study, with descriptive and analytical method, in addition to clarifying the concepts of Mahdism and province-oriented education, has analyzed and investigated the belief in Mahdism and its role in rereading the foundations of province-oriented education. The most important effect of this flow can be seen in providing the necessary arrangements to manifest desirable values and criteria in the individual in order to be effective in creating the ground for the emergence and formation of the Mahdavi society. Since the belief in Mahdism as the basic pillar of religious belief has always been given the attention and advice of religious leaders, therefore it can be considered in theorizing and modeling in the field of education. This in itself is a strong document to show the importance and function of religion in the practical field. Paying attention to this attitude and approach to education leads to the education and building of unified, dynamic human beings, hoping for the future and waiting for a global reformer who, while avoiding deviant and nihilistic thoughts, strives to achieve the ultimate perfection of building a society. Saz takes a step and waits. In order to realize the educational goals and programs of the province, it is necessary to take basic and executive steps in the field of education. The upcoming research has been compiled with the aim of identifying, describing and explaining the mentioned programs.

Keywords: Velayat-e-Mahsoor, Mahdaviism, Mahdavi community, Imam Zaman

-
1. PhD student of Islamic Theology, Bint Al-Hadi Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom (Responsible Author)
 2. PhD student of Islamic Theology, Bint Al-Hadi Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom

اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در بازخوانی تربیت ولایت محور

زهرا ضیایی^۱

مهدیه زهرا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در بازخوانی مبانی تربیت ولایت محور است. اعتقاد به مهدویت یکی از ارکان و آموزه‌های اساسی در دین مبین اسلام است. تربیت پذیری نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان است که همواره و در طول تاریخ با انسان قرین و همراه است. کامل‌ترین و اصیل‌ترین نوع تربیت، تربیت ولایت محور است. میان تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت، رابطه دو سویه برقرار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، افزون بر ایضاح مفاهیم مهدویت و تربیت ولایت محور، به تحلیل و بررسی اعتقاد به مهدویت و نقش آن در بازخوانی مبانی تربیت ولایت محور پرداخته است. مهم‌ترین تأثیر این جریان را می‌توان در تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب در فرد به منظور مؤثر بودن او در ایجاد زمینه برای ظهور و تشکیل جامعه مهدوی مشاهده کرد. از آن جایی که اعتقاد به مهدویت به مثابه رکن اساسی اعتقاد دینی، همواره مورد توجه و توصیه پیشوایان دینی قرار گرفته است، بنابراین می‌تواند در نظریه پردازی و مدل سازی در حوزه تربیتی مورد توجه قرار گیرد. این امر به خودی خود سندی محکم برای نشان دادن اهمیت و کارکرد دین در حوزه عملی به شمار می‌رود. توجه به این نگرش و رویکرد به تربیت، منجر به تربیت و ساختن انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر مصلح جهانی است که ضمن دوری از اندیشه‌های انحرافی پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به کمال نهایی ساختن جامعه زمینه ساز و منتظر گام برمی‌دارد. برای تحقق اهداف و برنامه‌های تربیت ولایت محور، ضروری است تا گام‌های اساسی و اجرایی در زمینه تربیت برداشته شود. پژوهش پیش رو، با هدف شناسایی، توصیف و تبیین برنامه‌های مذکور تدوین یافته است.

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعة المصطفی العالمیه قم (نویسنده مسئول) (1362114@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری کلام اسلامی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی جامعة المصطفی العالمیه قم.

واژگان کلیدی

ولایت محور، مهدویت، جامعه مهدوی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه

همان گونه که بارها در متون دینی ما اشاره شده است، هدف غایی از خلقت هستی از جمله انسان، آن است که آدمی با اختیار خود مسیر تکامل و تعالی را طی کند و به هدف نهایی دست یابد. آنچه مسلم است آن است که انسان علاوه بر مجهز بودن به ابزار اراده و اختیار، نیازمند انتخاب آگاهانه و شناخت مسیری است که او را به سر منزل مقصود راهنمایی کند. از این رو، خداوند به انسان علاوه بر حس، نیروی عقل و تفکر را عطا کرد که توسط آنها بتواند به شناخت و معرفت دست یابد. از آن جایی که این دو ابزار برای دست‌یابی به غایت اصلی کفایت نمی‌کند، حقیقتی به نام امام را به عنوان واسطه معرفی کرده است و او را پیشوای انسان قرار داده است تا از طریق آن، آدمی هویت اصلی خود را بشناسد. در این میان اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی موعود و مصلح زمان به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، اهمیت ویژه‌ای دارد و به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آنها دارد. در تفکر شیعی بحث مهدویت، تنها یک موضوع نظری صرف نیست بلکه موضوعی است که باید در متن و بطن زندگی انسان‌ها ریشه بدواند. یکی از جایگاه‌هایی که محل جولان این مسئله است، تربیت ولایت محور است. زیرا این نوع تربیت مبتنی بر آموزه‌های الهی و حیانی است که می‌تواند زمینه رشد و سعادت انسان‌ها را فراهم سازد. بنابراین مسئله اعتقاد به مهدویت و تربیت ولایت محور دارای ارتباط وثیقی با یکدیگر می‌گردند. زیرا از یک سو، تربیت صحیحی که براساس اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفته باشد، زمینه‌سازی برای ظهور را هموار می‌کند و این به نوبه خود سبب نضج و رشد یافتگی نظام تربیتی می‌گردد. از سوی دیگر نیز، شناخت و معرفت ما به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک اصل اعتقادی، بیشتر خواهد شد. ضمن آن که از این طریق می‌توانیم جلوی افکار و ایده‌های انحرافی و خرافی که موضوع مهدویت را به بیراهه می‌کشاند، بایستیم. همین امر ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان کرده است.

از این رو، سؤال اصلی این پژوهش به بررسی اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن در اصول تربیت ولایت محور پرداخته است. به خصوص آن که تاکنون پژوهشی مستقل در این رابطه به نگارش

در نیامده است و اگر هم تحقیقاتی در این زمینه بوده، تنها ضلعی از اضلاع مسئله، مورد بررسی قرار گرفته است. لیکن به موضوع اعتقاد به مهدویت و نقش آن تربیت ولایت محور و اصول حاکم بر آن و تأثیر آن در جامعه مهدوی، کمتر توجه شده است. زرقانی در پژوهشی با نام «مهدویت در آینه تربیت» (۱۳۹۹) با بررسی ابعاد تربیتی و خصوصیات منتظران واقعی، ضمن بیان آثار تربیتی در فرهنگ انتظار و مهدویت، به آسیب شناسی احتمالی آثار پرداخته است. حاصل نتایج صحرانشین و همکارانش در مقاله «تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی» (۱۳۹۹) تربیتی سیاسی و اجتماعی را محور تربیت دینی مورد لحاظ قرار داده است. مرزوقی و راضی در مقاله «فلسفه تربیتی انتظار: رویکردی به نقش مدارس در تربیت نسل منتظر» (۱۳۹۸) در تحقیقات خود با رجوع به سند تحول آموزش و پرورش، به استخراج سازی گزاره های مرتبط با تربیت نسل مهدوی همت گمارده است. اباذری در «مهدویت در اندیشه شهید مطهری» (۱۳۸۳) در تحقیقی نسبتاً جامع موضوع مهدویت را با مسائل پیرامون آن از قبیل ویژگی های منتظران، جامعه واحد جهانی، انتظار و... مورد توجه قرار داده است. فقیهی، نجفی و سبحانی نژاد در مقاله ای با عنوان «تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه ساز ظهور در برنامه های درسی دانشگاهی» (۱۳۹۴) به بررسی راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی و گنجانده آن در برنامه های درسی که زمینه ساز ظهور می گردد، پرداخته است. تمرکز پژوهش - های مذکور یا معطوف به تربیت دینی و ارتباط آن با مهدویت است یا منحصر در تربیت دینی و راهکارهای آن می باشد که در این میان نقش سازنده اعتقاد به مهدویت و تأثیر آن بر تربیت ولایت محور و پیوند با جامعه مهدوی، مورد غفلت قرار گرفته است. هدف این پژوهش بررسی اعتقاد به مهدویت و نقش آن بر تربیت ولایتی است که به نوعی جریان تفکر مهدویت را از حیث نظری به یک جریان تربیتی پویا، سازنده، محرک و کارآمد منتهی می سازد. این موضوع یکی از کاربردی ترین مباحث مهدویت و در حال حاضر از نیازهای ضروری جامعه امروزی به شمار می رود.

چارچوب نظری تحقیق

۱. بررسی و تحلیل مفاهیم اصلی

الف) تربیت ولایت‌محور

تربیت ولایت‌محور متشکل است از دو کلمه تربیت و ولایت، تربیت در لغت از دو ریشه ربو و ربب است به معنای افزودن و پروراندن و بیشتر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به معنای سرپرستی و رهبری کردن و به اعتدال رساندن است. تربیت از نظر عالمان اخلاق نیز به فعالیتی منظم و تدریجی گفته می‌شود که برای کشف استعدادها از قوه به فعل به کار می‌رود (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷ش: ۱۲).

کلمه ولایت از واژه ولی است به معنای یاری‌کننده و با کسر به معنای سلطنت است ولایت به معنای یاری کردن، دوستدار، تبعیت‌کننده و هم عهد نیز به کار رفته است (ابن منظور، ۱۳۸۸ق: ج ۱۵، ۴۰۶-۴۱۲؛ فیروزآبادی، ۱۳۵۷ش: ج ۴، ۴۰۱) مهم‌ترین معنایی که در کلمه ولا آمده است، اولویت در تصرف است (مجلسی ۱۴۰۴ق: ج ۳۷، ۲۳۷؛ عاملی، ۱۳۸۴ق: ج ۱، ۳۰۵؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۰ش: ج ۲، ۳۰۸-۳۰۹). از این رو، کلمات ولی، اولی، احق و مولا به یک معنا هستند (طوسی، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ۵۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۴ق: ج ۳، ۳۵۹) البته برای ولا معنای نزدیکی و قرب نیز در نظر گرفته شده است (انیس، ۱۳۹۲ش: ۱۵۰۷؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق: ۶۸۹). با توجه به این که معنای اصلی کلمه ولایت، قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر است به گونه‌ای که میان آنها فاصله‌ای نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش: ۳۷) این کلمه برای نزدیکی و قرب مکانی یا معنوی و نیز در معنای دوستی، یاری، تصدی امور به کار می‌رود (همان: ۳۶) و از طرف دیگر، وجود ارتباط بین امور متوالی ضروری است. بنابراین تربیت ولایت‌محور به معنای نزدیکی و پیوند قلبی و محبت ورزی افراد به هم نوع، ولایت‌ورزی است. بندگی و پیوند معنوی با خدا و عشق و علاقه به اولیای الهی در دایره تربیت ولایت‌محور قرار می‌گیرد. از این رو، والاترین تربیت انسان به واسطه همان ولی و حجت خدا صورت می‌گیرد که با عنوان «تربیت ولایی» انسان به بالاترین مرتبه آن نائل می‌گردد.

از این رو، تربیت ولایت‌محور عبارت است از به کارگیری روش‌های منسجم و هدفمند براساس مبانی و اصول تعیین شده توسط عقل و شرع، به منظور تحقق رشد مطلوب اجتماعی و برقراری مناسبات صحیح انسان (صانعی، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ۶۵).

ب) اصول

منظور از اصول، باید‌هایی هستند به واقعیات و حقایق هستند که منشأ انتزاع، استنباط، صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی به شمار می‌روند. این اصول در علوم کاربردی از جمله علوم تربیتی، معنای قاعده عامه یا دستورالعمل کلی است که به عنوان راهنمای عمل در جهت تربیت انسان قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که اصول مورد بحث در علوم نظری، مبانی اصول مورد نظر در علوم کاربردی هستند (باقری، ۱۳۸۸ ش: ج ۱، ۸۵) اما دسته دیگر اصول، به تعیین روش‌ها و محتوای تربیتی برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌پردازد و خود در جریان هدف‌گذاری نقشی ندارد. این گونه اصول را می‌توان اصول کاربردی تربیت نام نهاد (عابدی، ۱۳۸۲ ش: ۴۵). این گونه اصول تربیتی، همیشه کار مربی را جهت می‌دهد و به سمت هدف‌های مورد نظر می‌کشاند، یعنی به مربی آگاهی می‌دهد تا بداند که کیفیت و کمیت کار خویش را چگونه طرح‌ریزی کند. در نظام تربیتی ولایت‌محور، اصول و قوانین تربیتی از متن حقایق قرآنی و وحیانی گرفته شده است که در فرایند تعلیم و تربیت به آن توجه می‌شود. متصدیان تربیتی دوران ظهور باید چنین اصولی را در سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند و در اجرای آن تلاش نمایند.

ج) مهدویت و اعتقاد به آن

مهدویت از حیث لغت، یک کلمه عربی است که از ریشه مهدی گرفته شده است که منسوب به مهدی صاحب الزمان امام دوازدهم است (معین، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۱۸۶) در *معجم المقاییس*، دو معنای اصطلاحی برای این واژه در نظر گرفته است؛ یکی، پیش‌افتادن برای نشان دادن راه درست و دیگری، به معنای هدیه و پیشکش (رازی، ۱۳۸۹ ش: ج ۶، ۴۲-۴۳) با گذشت زمان این اصطلاح، بر کسی اطلاق شده است که به رشد و رستگاری هدایت شده است و از گمراهی به دور است (زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱، ۴۰۶) در برخی منابع نیز به معنای اعتقاد به وجود و حضور و ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ تعبیر شده است (سلیمیان، ۱۳۸۸ ش: ۴۳۴) شیعه معتقد است که بنا به وعده الهی فردی هم نام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ملقب به مهدی از نسل پیامبر اکرم و نهمین فرزند از نسل حسین بن علی، ظهور می‌کند و زمین را سراسر عدل و داد می‌کند. مطابق این اعتقاد، مهدی در سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمده و پس از دوره ای به نام غیبت صغری، غیبت کامل (کبری) شروع شد که تاکنون ادامه داشته است. شیعه همچنین معتقد است که امام دوازدهم و منجی وعده داده شده الهی است (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۱۴۱-۱۴۳؛ نجم، ۱۳۹۶ ش: ۲۲؛

نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۲۰۳) از این رو، مهدویت اندیشه‌ای است که براساس برنامه الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و وعده داده شده است (کارگر، ۱۳۸۸ش: ۸۰) این سخن به این معناست که حرکت تاریخ به سمت آینده مهدوی، قطعی و وعده داده شده است. از امام باقر علیه السلام سؤال شد که آیا امر قطعی الهی تغییر می‌کند؟ امام در پاسخ فرمود: آری، گفته شد: می‌ترسیم درباره ظهور قائم نیز چنین شود، فرمودند: خیر در ظهور قائم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود؛ سپس آیه ان الله لا یخلف المیعاد را قرائت کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۵۰).

اصطلاح مهدی در قرآن کریم یافت نمی‌شود ولی کلمه مهتدی که معنای نزدیک با مهدی دارد، به شکل مفرد، چهار بار و به صورت جمع هفده بار در قرآن کریم آمده است (عبدالباقی، ۱۳۴۶ش: ۷۳۱-۷۳۶) این اصطلاح دوبار در قرآن در صفت فاعلی با همان ریشه هادی، هدایت‌کننده به کار رفته است؛ «و ان الله لهدا الذین آمنوا الی صراط مستقیم» (حج: ۵۴) «و کذالک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین و کفی بربک هادیا و نصیرا» (فرقان: ۳۱).

از جمله دلایل اعتقاد به مهدویت در تفکر اسلام، وجود آیات فراوان در این زمینه است. در قرآن با دو دسته آیات درباره مهدویت مواجه هستیم؛ دسته اول، آیاتی است که به طور کلی در بردارنده نوعی وعده نجات می‌باشد که آموزه مهدویت را می‌توان به عنوان یکی از ارکان مصادیق آن مطرح کرد. آیاتی که بیانگر وعده‌هایی مانند؛ غلبه دین حق (توبه: ۱۳)، وراثت صالحان بر زمین (انبیاء: ۱۰۵)، جانشینی مؤمنان نیکوکار در زمین (نور: ۵۵) و تمکن مستضعفان در زمین (قصص: ۵-۶) است. دسته دیگر، آیاتی که از طریق تفسیر و تأویل دلالت بر آموزه مهدویت دارند. مانند آیه ۳۰ سوره ملک که می‌فرماید؛ بگو به من خبر دهید اگر آب‌های سرزمین شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نازل شده است که قیام به عدل الهی می‌کند. اگر امام شما پنهان گردد، و نمی‌دانید کجاست؟ چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار آسمان‌ها و زمین، و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد. به خدا سوگند تأویل این آیه نیامد و سرانجام خواهد آمد (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۱، ۳۲۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۱). وجود این گونه آیات حاکی از این است که اگرچه قرآن به طور صریح و مستقیم، اندیشه منجی را در قرآن نیاورده، اما برخی از آیات قرآن به عنوان سرچشمه اندیشه مهدویت در اسلام است. از دیدگاه قرآن منجی موعود، یک موعود شخصی بشری است که رسالت اصلی او احیای فرهنگ توحید و نفی شرک از جوامع بشری است (نجازادگان، ۱۳۷۹ش: ۱۸) چرا که ظهور

موعود و اجرای برنامه های او، وفای وعده خداوند متعال به شمار می رود که تنها با اراده و خواست خداوند صورت می پذیرد. این مسئله نه تنها در آیات قرآن بلکه در کلمات معصومین نیز انعکاس یافته است؛ براساس روایات معصومین، ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سطح بسیار بزرگی اتفاق خواهد افتاد. مهم ترین برنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپایی عدالت در جهان معرفی شده است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۶۳ق: باب ۳، ح ۱۳، ۲۳۶) کلینی در اولین حدیث از کتاب الحجه از کافیه در وجه نیاز به حجت چنین آورده است:

امامان با وجود شباهت با مردم در خلقت در هیچ یک از احوال با مردم شبیه نیستند. امامان به وسیله حکمت از سوی خدای متعال تأیید شده اند. پس چنین چیزی در هر زمانی در پرتو دلایل و برهان هایی که رسولان آورده اند، برقرار است تا که زمین خدا از حجتی که با علمی است که سخنش را تصدیق و عدالتش را قطعی می کند خالی نباشد (کلینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۱۶۸).

د) ارتباط میان تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت

بین تربیت ولایت محور و اعتقاد به مهدویت یک رابطه دوطرفه برقرار است؛ بدین معنا که هم مهدی باوری، بر تربیت ولایت محور تأثیرگذار است و هم آن که تربیت ولایت محور نوعی اعتقاد به مهدویت را به دنبال می آورد. اعتقاد به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر شناخت و معرفت حصولی، نوعی ایمان و گرایش را در فرد ایجاد می کند و توانایی آن را دارد که سایر گرایش های انسان را به خود همسو و همراه سازد. شهید مطهری در این خصوص می گوید:

ایمان یعنی اعتقاد و گرایش، ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرش یک فکر. مجذوب شدن به یک فرد دو رکن دارد: یک رکنش جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد؛ یک رکن دیگر، جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۸ش: ج ۲۰، ۲۴۷).

با این توضیحات روشن می شود که ایمان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اعتقاد به او، علاوه بر بعد کلامی و اعتقادی، دارای جنبه های مهم تربیتی نیز هست. زیرا هم چنان که گفته شد، باور به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحولات گوناگون هیجانی، عاطفی، احساسی و رفتاری خاصی را در فرد ایجاد می کند که مجموع آنها منجر به تربیت افرادی با ویژگی هایی خواهد شد که با عشق و محبت از ولی خدا - امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - اطاعت می کنند. اهم این ویژگی ها به قرار ذیل خواهد بود:

۱. بصیرت

بصیرت به معنای علم و حجت است و در فرهنگ قرآنی به معنای رؤیت قلبی و باطنی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۴). مطابق آیه ۱۷ سوره رعد، بصیرت گوهری است که انسان با برخورداری از آن می‌تواند به تشخیص حق از باطل نائل گردد که به آنان اهل اعراف نیز می‌گویند (همان). افراد ولایت‌مدار و ولایت‌پذیر علاوه بر این که در شناخت دین و امر خدا باید به شناخت کاملی دست یابند، باید نسبت به حجت خدا نیز بصیرت داشته باشند. به عبارت دیگر، وقتی وجود انسان خدایی شود، خداوند بصیرت و شناخت نسبت به ولی خود را روزی-اش می‌کند تا با هدایت او از راه مستقیم خارج نشود. امام صادق علیه السلام از ابا الفضل العباس علیه السلام به عنوان نمونه کاملی از فرد ولایت‌مدار نام برده و در حق او می‌فرماید:

اشهد لك بالتسليم و التصديق و الوفاء و النصيحة لخلف النبي المرسل (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۹۸، ۲۱۷؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۲۵۶).

۲. اطاعت

دومین مؤلفه ولایت‌مداری، اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا از ولی خداست. اطاعتی مخلصانه و از روی بصیرت و آگاهی. این شاخصه در آیه قرآن بدین صورت تفسیر شده است:

﴿فلا وریک لایومنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لایجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما﴾ (نساء: ۶۵).

نمونه‌هایی از این اطاعت‌پذیری را در اشخاصی مانند اویس قرنی و غلام امام صادق علیه السلام می‌توان به روشنی مشاهده کرد (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۴۵-۴۹).

۳. محبت‌ورزی

عشق و محبت پایه و اساس ولایت‌مداری است؛ زیرا بدون کشش و علاقه قلبی، هیچ‌گونه پیوند و ارتباط معنوی و روحی برقرار نمی‌گردد. آیات قرآن نیز به این امر تصریح کرده و اعلام می‌دارد که مؤمنان راستین بیشترین محبت را به خدا دارند (بقره: ۱۶۵) مهم‌ترین اثری که محبت در عمل انسان انعکاس یافته و به صورت‌های مختلفی مانند: حرکت‌آفرینی و پویایی، اطاعت‌پذیری، لذت‌انسی با محبوب، احساس آرامش و اطمینان و امید به آینده تجلی می‌گردد (آل عمران: ۳۱). بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود ارتباط معناداری میان محبت و اطاعت وجود دارد. از امام صادق علیه السلام روایت است که می‌فرماید:

نافرمانی خدا را می‌کنی، با این حال ادعای دوستی او را داری؟ به جانم سوگند این کار عجیبی است. اگر محبت تو راست بود، حتما اطاعت فرمان او می‌کردی؛ زیرا کسی که

دیگری را دوست دارد از فرامین او پیروی خواهد کرد (جرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۴۳).

۴. صبر

صبر به معنای خویشتن‌داری و کنترل نفس است. این واژه در ۴۵ سوره قرآن آمده است. تربیتی که اساس آن بر مبنای بصیرت و نهاده شده باشد، قطعاً با صبر نیز پیوستی ناگسستنی دارد. انسان با بصیرت و ولایت‌مدار، در سختی‌ها پای ولایت می‌ایستد. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

﴿ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون﴾ (احقاف: ۱۳).

مطابق این آیه انسان ولایت‌مدار کسی است که در مسیر ولایت آگاهانه ایستادگی می‌کند و با صبر و شکیبایی در مقابل سختی‌ها و ناملازمات می‌ایستد و با آرامش خود دشمنان را ناامید می‌کند. مصداق بارز و کامل این مؤلفه، در حضرت زینب علیها السلام و عبارت تاریخی او:

ما رایت الا جمیلاً متبلور یافته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۵، ۱۱۶).

تربیتی که بر مبنای صحیح ولایت‌مداری محقق شود، از یک سو، زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم است که می‌توان با پرورش نیروهای مخلص و متعهد به مهدویت، زمینه تسریع قیام آن حضرت را فراهم کرد. از سوی دیگر نیز براساس روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم تربیت الاهی و معنوی به بالاترین سطح خود می‌رسد و شاهد رشد و پرورش افرادی خواهیم بود که متخلق به فضایل اخلاقی هستند که از هرگونه انحراف و ردیلتی به دور هستند (احسانی، ۱۳۹۰ش: ۷۶)؛ ان شاء الله.

۲. اصول کاربردی در تربیت ولایت‌محور

تمام مکاتب و نظام‌های تربیتی از یک مجموعه اصول و مقررات تربیتی تبعیت می‌کند تا از آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌ها محفوظ بماند و از طریق آنها، افزون بر آن‌که، رنگ و بوی عملی به تربیت دهد، وظایف متربی و مربی نیز روشن شود. در مکتب اهل بیت علیهم السلام اصولی برای تربیت در نظر گرفته شده است که برگرفته از اصول تربیتی مکتب انسان‌ساز است. با غور در آیات و روایات، اصول و الزامات تربیت ولایت‌محور مبتنی بر چند محور اصلی است:

اصل شناختی

این مؤلفه معطوف به کسب بینش عمیق در تربیت ولایت‌محور است که باید به صورت باورها و اعتقادات جازم مبدل شوند. مهم‌ترین اصولی که در حوزه شناختی در جامعه مهدوی

باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از:

الف) خدامحوری: این اصل علاوه بر این که باید به عنوان ریشه و روح همه اصول تربیتی اسلامی مدنظر قرار گیرد، باید تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی حول محور آن طرح و برنامه‌ریزی شود؛ بدین معنا که دستورات و فرامین الهی، محتوا و جوهره برنامه تربیتی لحاظ گردد تا از هر گونه شرک و طاغوت و هواپرستی به دور باشد. زیرا مطابق آیات الهی، اولاً خداوند منشاء و مبداء اولیه حق و حقیقت است: ﴿الحق من ربك فلا تكونن من الممترین﴾ (بقره: ۱۴۷) ثانیاً این که ذات خداوند منشاء هر خیر و نعمتی است: ﴿ما اصابك من حسنه فمن الله﴾ (نساء: ۷۹) نتیجه وجود چنین اعتقادی این است که انسان در همه حال باید متوجه مقصد و غایت تربیت که همان مقام قرب و رضوان و عبودیت الهی است، باشد. تربیت بر مکتبی که بر بنیاد توحید و خداباوری بنا شده باشد، قطعاً از هرگونه شرک و ریا و خرافه در امان خواهد بود و انسانی که بر این طریق حرکت کند، مسلماً بر صراط مستقیم حرکت خواهد کرد؛ زیرا خداباوری، برخلاف دیدگاه‌های اومانیسیتی غرب، علاوه بر بینش فلسفی، یک شناخت علم‌زا و زندگی‌ساز است. عقیده‌ای است که سنگ بنای جامعه اسلامی باید بر آن استوار گردد (حاجی صادقی، ۱۳۸۵ ش: ۲۳) به بیان دیگر، تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، تعهدی است که شامل مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جامعه از جمله حکومت، اقتصاد، روابط اجتماعی و... که مهم‌ترین حقوق اساسی برای اداره یک جامعه به شمار می‌رود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ش: ۲۲۵ و ۲۷۸).

ب) مهدی‌باوری: صفوان بن مهران در روایتی منقول از امام صادق ع می‌گوید: کسی که حضرت مهدی ع را انکار کند، در واقع حضرت محمد ص را انکار کرده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۲۳، ۱۷۳).

این روایت ناظر به این است که وجود حضرت مهدی ع و صفات نیک او همانند صفات پیامبر ص است و همان‌گونه که رسول خدا ص برای «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (محدث نوری، ۱۴۱۵ ق: ج ۱۱، ۱۸۷) مبعوث شد، حضرت مهدی ع نیز تکمیل‌کننده اخلاق نیک منتظران است. اعتقاد به حضرت مهدی ع به این معناست که همان‌گونه که به وجود و حضور او به عنوان پیشوا و راهبر جامعه اسلامی باید معتقد بود (قیصری، ۱۳۸۲ ش: ج ۱، ۱۴۳) به این باور قلبی رسید که وی انسان کامل نیز هست و از همه بدی‌ها و رذایل اخلاقی دور است. انسانی که با این نگرش تربیت یابد، نیازی ندارد که امام را لزوماً در

مقابل خویش ببیند، بلکه سعی می‌کند از الگوی خود سرمشق بگیرد و تمام رذائل اخلاقی را در حد استعداد و ظرفیت خود از جسم و روحش پاک سازد و در مسیر انتظارش همواره به خودسازی و آراستگی بپردازد. امام در نزد چنین فردی، شخصیت یگانه‌ای است که معصوم و منصوب پروردگار بوده و خدای متعال او را به منظور هدایت انسان‌ها و کمال حقیقی مبعوث کرده، و مطابق آیه ۵۵ سوره مائده مفترض الطاعه است. در آیه ۲۴ سوره مبارکه انفال خداوند حیات طیبه انسان را در گرو ولایت‌پذیری و اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ می‌داند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، وفاداری به امام، تبعیت محض و امتثال محض و امتثال امر بدون تعلل مردم را از حقوق خود بر مردم شمرده است و آن را از مهم‌ترین اصول تحقق جامعه اسلامی و جامعه مطلوب می‌شمارد.

ج) خردورزی: نکته حایز اهمیت در تربیت ولایت محور توجه به اصلی است به نام عقلانیت و خردورزی که هر انسانی با دارا بودن آن، بر صراط مستقیم قرار می‌گیرد. به تصریح آیه قرآن، بدترین مخلوقات از نظر خداوند کسانی است که از نیروی تعقل خود استفاده نمی‌کنند:

﴿ان الشر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون﴾ (انفال: ۲۲).

با توجه به مضمون آیه، روشن می‌شود که نظام تربیتی ولایت محور باید بر پایه عقلانیت و خردورزی استوار گردد. در فرهنگ قرآنی مقصود از عقل، بند و بازداری (باقری، ۱۳۸۸ش: ج ۱)، (۲۱) یا به معنای العقل ما عبد به الرحمن و اکتساب به الجنان است (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴) برترین شکل عقلانیت، آراستن عقل به معرفت امام است؛ اعتقاد به مهدویت، در مرحله نخست، از طریق ارتباط با ساحت ادراکی انسان، عقد العقل شکل می‌گیرد. نتیجه این مرحله، ایجاد بینش برای انسان است؛ اما در مرحله عمیق‌تر، از این حقیقت در ساحت عاطفی انسان نفوذ می‌کند و آن را نیز همراه خود می‌سازد. از این رو به برقراری عقد القلب می‌انجامد که با شکل‌گیری عقد القلب گرایش به آن حقیقت در نهاد انسان صورت می‌بندد. لذا حاصل از این دو مرحله، خود را تحت عنوان ایمان به آن حقیقت بروز می‌دهد. لذا ایمان به یک حقیقت و از آن جمله ایمان به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرایش بنیادین و ژرف و متعالی است که بر پایه یک بینش استوار شده است (هاشمی العمیدی، ۱۳۸۶ش: ۲۶۹). ایمان به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه‌ساز همراهی و همسویی با حضرت را در منتظران به وجود می‌آورد. منتظری که به حضرت اعتقاد دارد، نه تنها اندیشه خود را با معرفت او آزین کرده است، بلکه با

پیوند عاطفی با مولای خود، قلب خود را نیز به او سپرده است و مولایش الگوی رفتاری و اخلاقی او خواهد بود. از این رو، هرگونه رذیله اخلاقی را در تضاد با این اعتقاد قلبی می‌داند و در رفع و دفع آن می‌کوشد.

عقل با معرفت، می‌تواند زمینه کمال انسان را فراهم و او را از حیات و مرگ جاهلی نجات بخشد؛ زیرا عقل و اندیشه انسان مانند روح انسان متلاطم است و نیاز به اتصال به مبداء اصلی و طریق و واسطه‌ای برای این اتصال را در خود احساس می‌کند. با شناخت امام می‌تواند از گمراهی نجات یابد: اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۱۹۲) افزون بر آن، توجه به مولفه عقلانیت در تربیت ولایت محور، مکتب ولایت را از سطحی‌نگری ظاهری و افتادن در دام عقل‌گرایی افراطی نجات می‌دهد.

اصل ارزشی

ارزش‌ها با مشخص کردن خوبی‌ها و امور مطلوب برای افراد، چراغ هدایت رفتار افراد جامعه را بر می‌افروزد. سازنده‌ترین اصول ارزشی تربیت ولایت محور برای داشتن یک جامعه مهدوی مطلوب، شامل:

الف) روحیه شهادت طلبی یا عاشوراگرایی: از مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های خطیر در تحقق جامعه مهدوی التزام به روحیه شهادت طلبی است که از زیارت عاشورا و سیره حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت ولایت محور لحاظ کرد. چه بسا راز توصیه و تأکید حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برمی‌گردد. این زیارت دارای مضامین و حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن است. از این رو، به عنوان اساسنامه‌ای برای تربیت ولایت محور به شمار می‌رود (ر.ک: مضامین زیارت عاشورا). تربیت جهادی نیز از مصادیق بارز این تربیت ولایت محور است، یعنی تربیت انسان‌هایی که هدف را شناخته و به آن ایمان دارند و برای رسیدن به هدف آرمانی خود با موانع مبارزه می‌کنند و در این راه سستی و خمودگی به خود راه نمی‌دهند. از این رو، تربیت جهادی برابر است با تربیت انسان با روحیه شهادت طلبی که همواره خود را در میدان مبارزه مشاهده می‌کند. بر این اساس، این تربیت، تربیتی پیشرو، پیش‌برنده، جهت‌بخش و تحقق‌بخش آرمان‌های الهی

جامعه اسلامی است و ظرفیت‌های چندجانبه آن در امری مانند فرهنگ‌سازی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های نهفته، راه دستیابی به اهداف و آرمان‌های الهی و بستری مناسب برای تحقق جامعه مهدوی است (رهنمایی، ۱۳۹۶ش: ۹۳-۹۴).

ب) امر به معروف و نهی از منکر: در نظام هندسی ولایت‌محور، مقام رضا و خشنودی خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امر به معروف و ترک منکر از اضلاع اصلی این نظام به شمار می‌رود؛ ﴿الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه امروا بالمعروف و نهی عن المنکر و الله عاقبه الامور﴾ (حج: ۴۱). امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:
این آیه برای آل محمد (مهدی و اصحاب او) است (کلینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴، ۱۶۵).

در واقع بزرگ‌ترین امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر در روزگار ظهور، خود امام زمان علیه السلام است. زیرا بنا به خطبه امیرالمومنین علیه السلام میان فساد حکومت و فساد مردم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر حاکمان فاسد باشند، بنابر اصل الناس علی دین ملوکهم، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می‌کنند و اگر مردم فاسد باشند، حاکمان را نیز به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر آنان نیز مقاومت کنند، با شورش و... حاکمان صالح را از میان برخواهند داشت و رئیسانی فاسد را بر سر کار خواهند نشاند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱). بنابراین شرط لازم در نظام تربیت ولایت‌محور، تربیت افرادی است که افزون بر آن که خودشان کامل شده باشند، از طریق امر به معروف و نهی از منکر به کمال جامعه نیز کمک و یاری رسانند (جعفری، ۱۳۸۶ش: ۱۳۴).

ج) پارسایی: از شاخصه‌های نظام ولایت‌محور، تربیت اشخاص پارسا و پرهیزگار است. تربیت اشخاص با این ویژگی‌ها در حکم تربیت یاران خاص امام زمان علیه السلام است. چنان که در روایت این هشدار آمده است که باید تقوا و پرهیزگاری را شیوه خویش گردانند (نعمانی، ۱۳۶۳ق: ۱۰۰). تقوا عبارت است از این که انسان نفس خود را تحت محافظت قرار دهد تا به ارتکاب گناه یا خطا مبتلا نگردد (باقری، ۱۳۹۰ش: ۷۸) هدف از تربیت ولایت‌محور آن است که فرد را به گونه‌ای در مسیر تربیت قرار دهند که اداره‌کننده خودش باشد. تمایلات یا هواهای نفسانی خود را تحت پالایش در آورد و از آنچه غیرمنطقی یا غیرعقلانی است دور سازد و آنچه شایسته انسان بودن است، انجام دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۰ش: ۱۳۱-۱۳۷) این اصل امکان‌پذیر نیست جز با یک برنامه‌ریزی صحیح در جهت سازندگی و قرارگرفتن در مسیر کمال مطلق (جعفری،

اصل تحول‌گرایی یا اصلاح اوضاع

در نظام تربیت ولایت‌محور، اصل بر اصلاح بنیادین امور و تغییر و تحول واقعی و درونی انسان‌ها و جامعه است. تحول‌گرایی در تربیت ولایت‌محور مبتنی بر امور ذیل می‌باشد:

الف) کمال‌گرایی: تحقق خلافت انسان به روی زمین به اراده الهی است؛ خلافتی که تحققش به برکت حضور انسان کامل، یعنی خلیفه برحق خداوند، کاملاً به مصلحت عمومی بشر است. دلیل این امر، وجود آیات فراوانی است که بر، جانشینی خدا بر روی زمین (بقره: ۳۰) امامت انسان بر زمین (قصص: ۵-۶) وراثت انسان بر زمین (قصص: ۵-۶) دلالت دارد. هدف اصلی خدا از بیان آیات ذکر شده، رساندن انسان‌ها به کمال نهایی یعنی عبودیت الهی از طریق تربیت ولایت‌محور است و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که انسان‌ها خود را برای تحقق آرمان‌های الهی - انسانی و نجات خویش آماده و مهیا سازند. از این رو، میان تربیت ولایت‌محور و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبتی برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر نمایان می‌شود. دوراندیشی در مسیر تربیت بر توجه هرچه بیشتر نیل به کمال همه‌جانبه تأکید دارد. کمال انسان هم به این است که براساس تربیت شایسته و بایسته تا آن‌جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. این مهم محقق نمی‌گردد جز از طریق تربیت ولایت‌محور اخلاق‌مدار. تربیت اخلاقی، فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل است. تربیت اخلاقی ولایی مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را باز می‌نماید و انسان را چنان هدایت می‌کند که گویی سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خود نقش می‌کند (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷ ش: ۵۶) از این رو می‌توان گفت؛ عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با عصر ظهور.

به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی، عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلندمرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بنا است در این عصر به منصفه ظهور برسد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش: ۱۱۷) کمال نهایی در انسان از اتصال

او به مبداء که همان مقام قرب و عبودیت است، حاصل می‌گردد. برای رسیدن به کمال نهایی، شخص باید مقدمات و وسائط کمال را طی نماید. این مقدمات مشتمل بر کمالات عقلی، علمی، اخلاقی و کمال اجتماعی است (همان: ۱۱۹).

ب) پویایی و تحرک: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد - امام زمان علیه السلام - همانند کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد. بدون شک مؤده این پاداش‌ها سبب تحقق و تحرک و پویای جسمی و روحی می‌گردد. متریبی سعی می‌کند خود را از سستی و رخوت دور کند و با تلاش و کوشش زمینه ظهور حضرتش گردد (شرفی، ۱۳۸۲ش: ۴۴) در روایتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نقل شده که فرموده است:

انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم ولولا ذلک بکم البلیا و اصطلمتکم
الأعداء (کلینی، ۱۳۸۹ق: ج ۱، ۸۹)؛
ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر عنایت پیوسته ما نبود، حتما سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می-
کردند.

این پیام امام سرتاسر تحرک و پویایی را در تحقق جامعه مهدوی به وجود می‌آورد.
ج) معناداری به زندگی و امیدبخشی: براساس نظام ولایت‌محور، خداوند در وجود انسان ابعادی قرار داده است که همه آنها در جهت خاصی که همان عبودیت و بندگی است، در حرکت است. بنابراین، نه تنها نیازهای فردی شخص، حتی ارتباطات اجتماعی نیز دارای غایت است، آن غایت پرستش خداست؛ این بدین معناست که، زندگی اجتماعی و حیات بشری انسان‌ها بر محور عبادت می‌چرخد. تنها در این صورت است که وحدت اجتماعی حاصل شده، دارای وحدتی می‌شود که تا روز قیامت «یوم ندعوا کل اناس بامامهم» (اسراء: ۷۱) ادامه دارد. انسان در این مجموعه نیز نیازمندی‌هایی دارد که متناسب با قرب و پرستش، در آن قرار داده شده است. به کارگیری همه این مجموعه در یک جهت، فقط با ولایت امام امکان‌پذیر است. این جاست که والاترین هدف و معنای زندگی انسان ظاهر می‌گردد؛ یعنی تجمع و هماهنگی اراده‌ها از همدلی، همفکری و همکاری برای رسیدن به غایت نهایی که عبادت است.

اصل امیدبخشی و انتظارسازنده

امید به آینده دو گونه است؛ امیدی که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک-

بخش است به گونه‌ای که مصداق کاملی از عبادت و حق پرستی محسوب می‌شود. و امیدی که گناه، ویرانگر، اسارت بخش و فلج کننده است و مروج نوعی اباحی‌گری است. این دو نگرش، معلول دو نوع برداشت از ظهور امام زمان علیه السلام است و این دو نوع برداشت، به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌گردد. مضمون امید و انتظار سازنده بر چند اصل کلی استوار گشته است:

الف) امید به آینده: کسی که در نظام ولایی تربیت یافته است به آینده روشن و سراسر شور و اشتیاق امیدوار است. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است که فرمود:

انتظروا الفرج ولاتیأسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرج مادام
 علیه المؤمن (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۵۱۲):
 شخص منتظر هرگز از رحمت و دستگیری خداوند ناامید نمی‌باشد.

زیرا انسان امیدوار دارای بینش توحیدی است، تمام امورات عالم را زیر فرمان خدا می‌بیند و به وعده خدا در شرایط سخت کاملاً آگاه است و یقین دارد که پیروزی از آن وارثان حقیقی زمین است (قصص: ۴۳) چنین فردی باید در تمام زمینه‌ها آماده و مهیا باشد. زیرا خداوند حال قومی را تغییر می‌دهد که خود بخواهد (رعد: ۱۱؛ نور: ۵۵) در مکاتب مادی، آینده جهان، تیره و تاریک و سرشار از هراس و وحشت پیش بینی شده است در حالی که در رویکرد اسلامی و نظام تربیت ولایت محور، جهان دارای سیر تکاملی است و تاریخ بشری به سوی آینده‌ای روشن و متعالی در حرکت است. انتظار در حقیقت، پیش‌نگر و امیدآفرین است ولو آن‌که بر سرمایه‌های گذشته تکیه دارد اما چشم به راه آینده‌ای روشن‌تر از امروز و دیروز است. این نگرش به آینده، حاکی از سلامت روانی مؤمنان است که از تکیه و اعتماد به وعده‌های الهی ناشی می‌شود (شرفی، ۱۳۸۲ش: ۲۳-۲۴). بیان روشن‌تر، انسان می‌تواند حلقه رابطه میان گذشته و حال و آینده باشد. انسان به فطرت خویش، با اتکا بر تجارب گذشته، به دنبال طرح و تحقق چشم‌انداز این جهانی یا آن جهانی یا هر دو جهانی است و می‌کوشد تا آینده روشن و نویدبخشی را برای خود ترسیم کند. آتیه زندگی بشری، در پرتو ولایت مهدوی، اصول و مبانی آن، چشم‌اندازی برجسته از ظهور تمدن اسلامی را به تصویر می‌کشاند که بر مبانی استوار اعتقادی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و... پایه‌ریزی می‌گردد.

ب) آرمان خواهی و آرمان طلبی: انسان پرورش یافته در تربیت ولایت محور یکسره از عالم ماده

و دنیای مادی و مادیات گریزان است؛ زیرا بیش از هر کس دیگری به ارزش والای انسانی خود پی برده است. وی برای رسیدن به آرمان‌های معنوی خود به ایثار و فداکاری از خویش می‌پردازد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

من مات منتظرا لهذا الامر كان كمن القائم في فسطاطه، لا بل كان كالضارب بين يدي رسول الله بالسيف (ابن بابویه، ۱۳۹۰ ق: ج ۲، ۳۳۸).

۳. روش‌های تربیتی مکتب ولایت محور

تربیت مبتنی بر فرهنگ ولایت محور، در راستای دست‌یابی به اهداف عالی خود اصول و الزماتی را برای تربیت وضع می‌کند که حرکت در چارچوب این اصول و الزامات ضمن صیانت از ارزش‌های این نظام تربیتی موجب می‌گردد متریبان از مسیر حقیقی منحرف نگردند و یا از حرکت باز نمانند. براساس این اصول، روش‌های مختلفی را برای رسیدن به اهداف به کار می‌گیرد که بیشتر بر جنبه پرورشی تأکید دارد. مخصوصاً روش‌هایی که موجب بیداری فطرت و تحول درونی باشد. در این قسمت به برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیت ولایت محور اشاره خواهیم کرد:

بروزرسانی برنامه‌ها

این روش برگرفته از حدیثی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید:

مردم فرزندان زمانه خویش اند (ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳ ق: ج ۲، ۲۶۷).

این فرمایش دلالت بر این دارد که با فرزندان هر زمانی باید به زبان مادری‌شان سخن گفته شود. به عبارت دیگر در طرح مباحث تربیتی، حتماً مقتضیات زمانی در نظر گرفته شود. مباحث و معارف ولایی نه با زبان مغلط و پیچیده و غیرقابل فهم بلکه متناسب با اندیشه مخاطبان عرضه و ارائه گردد. ارتباط و پیوند عمیق میان نسل‌های معاصر و آموزه‌های بنیادین ولایت به گونه‌ای که تأمین‌کننده نیازها و پاسخ‌های نسل معاصر باشد، مهم‌ترین چیزی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که نوعی هم‌زبانی و هم‌اندیشی میان نسل گذشته و نسل معاصر ایجاد گردد ضمن این‌که به تخطی از اصول و تقلیل ارزش‌ها نیز منتهی نگردد. تربیت نسل حاضر نیازمند به کارگیری ابزارها و تکنولوژی‌های روز است. این ابزارها علاوه بر این‌که برای نسل معاصر، جذاب‌تر هستند، از آن رو که برای آنها آشنا ترند، به واسطه آنها می‌توان به ارتباط بهتری با نسل حاضر دست یافت (کریمی، ۱۳۷۴ ش: ۱۳۴) وجود رسانه‌های مختلف،

شبکه‌های گسترده تلویزیونی و ماهواره‌ای، اینترنت و کلیپ‌های جذاب، فرصت مناسبی را ایجاد کرده است تا از طریق آنها بسته‌های معارف ولایی با جذابیت بیشتری برای نسل حاضر عرضه گردد. این دقیقاً همان چیزی است که مورد تصریح و تأکید آیه قرآن است:

﴿یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله﴾ (مائده: ۳۵).

تأکید بر رشد فضایل اخلاقی و دور شدن از رذائل

تربیت اخلاقی ضمن این که خود یک هدف است، اما می‌تواند به عنوان روشی برای رسیدن به کمال نهایی مدنظر قرار گیرد. برائت جستن از رذائل و آراستگی به فضائل در کنار یکدیگر هر دو موجب رشد و تعالی انسان می‌گردد. به خصوص آن که اخلاقیات ریشه فطری دارند و با انسان‌ها بیگانه نیستند. تنها کاری که برای به فعلیت درآوردن آنها لازم است انجام شود، شناخت مصداق‌ها و مظاهر صحیح آنهاست. با شناسایی دقیق مصادیق آنها می‌توان در مسیر کمال سیر کرد.

روش الگویی

بهترین شیوه از نظر اکثر کارشناسان امور تربیتی، یادگیری به طریق الگویی است. تأثیر استفاده از این روش برای تربیت ولایت‌محور کودکان و نوجوانان بر کسی پوشیده نیست (دبس، ۱۳۶۸ ش: ۳۰-۴۴). آلبرت بندورا یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری را روش مبتنی بر مشاهده و شناخت اجتماعی عنوان می‌کند. وی معتقد است که یادگیری به طریق مشاهده در مواحل توجه، یادسپاری، بازفرینی و انگیزشی اتفاق می‌افتد. عواملی از جمله جذابیت و شایستگی الگو، آمادگی ادراکی، سطح برانگیختگی و رجحان اکتسابی فرد بر جلب توجه یادگیرنده مؤثر هستند (سیف، ۱۳۸۴ ش: ۲۸۱-۲۹۲) مکتب اسلام نیز این روش را به عنوان اساس تربیتی خود قرار داده و به صورت‌های مختلف به این موضوع پرداخته است. البته قرآن همواره تقلید کورکورانه و فاقد بصیرت را مورد مذمت قرار داده است: ﴿لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله الیوم الآخر و ذکر الله کثیرا﴾ (احزاب: ۲۱)؛ ﴿قد کانت لک اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه﴾ (ممتحنه: ۴) نقش الگوها در تربیت و سازماندهی به شخصیت و رفتار افراد و جهت‌گیری‌های انسان به قدری اساسی و مهم است که حضرت علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

الناس بامرائهم اشبه منهم بابائهم (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۴)؛

مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود.

در تربیت ولایت‌محور نیز اهمیت روش الگویی همواره مورد توجه بوده است. انسان به طور فطری کمال‌گراست. این میل او به کمال‌گرایی او را به سمت الگوگیری از افراد کمال‌یافته سوق می‌دهد. هرچقدر الگو کامل‌تر باشد، میزان بهره‌برداری و کارآیی آن بیشتر خواهد بود. بنابراین امام بهترین الگو برای سیر به سوی کمال مطلق است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹ش: ۴۷).

روش حب عبودی

اولین صفتی که برای خدا در قرآن ذکر شده صفت رحمت است که در ایه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم آمده است. همچنین بلافاصله بعد از عبارت رب العالمین، الرحمن الرحیم مطرح شده است. یعنی رحمت عام و خاص ذکر شده‌اند که بار تربیتی ویژه‌ای دارد. پس روشن است که نیکوترین روش تربیتی، روش محبت است. محبت به ویژه حب الهی امری فطری است که در وجود انسان به عنوان سرمایه‌ای به ودیعه نهاده شده است که اگر مورد بهره‌برداری درست واقع شود کمال انسانی را در پی خواهد داشت. محبت ضمن آن که یک روش عالی تربیتی است آن‌گاه که مقصد خدایی داشته باشد هدف تربیتی خواهد بود. مازلو معتقد است: آدمی پنج طبقه نیاز مختلف دارد که به طریق سلسله مراتبی فعال می‌شوند. به این صورت که ابتدا باید نیاز مرتبه پائین‌تر ارضا شود تا نیاز بعدی در مرتبه‌ی بالاتر بتواند ظهور کند. طبق نظریه مازلو نیاز به مهر و محبت جزو نیازهای اجتماعی انسان و از نوع نیازهای نقصان و کمبود است (علاقه‌بند، ۱۳۸۴ش: ۴۴) که اگر ارضا نشود سلامت روانی انسان به خطر می‌افتد و تا این نیاز برآورده نشود فرا نیازهایی چون نیاز به احترام و نیاز به کمال که همان نیازهای رشد هستند در وجود انسان به منصفه ظهور نمی‌رسند. در واقع انسان نیاز دارد که به فرد یا گروهی احساس تعلق داشته باشد و دوست داشته شود و دیگران را دوست بدارد.

نتیجه‌گیری

از مجموع پژوهش انجام شده به دست می‌آید که انسان در سایه تربیت، مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است. از طرف دیگر، در دین مبین اسلام نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. اسلام علاوه بر انتقال آموزه‌های فرهنگی و اخلاقی، در صدد رشد و اصلاح رفتارها و پندره‌های انسانی نیز است. این امر از طریق تربیت دینی دست‌یافتنی است. بر این اساس برنامه‌های تعلیم و تربیت دینی جنبه قدسی و الهی دارد. این نوع نگرش الهی به تربیت

دینی باعث می‌گردد که علاوه بر بعد مادی انسان، به بعد معنوی او نیز اهمیت ویژه‌ای مبذول شود و تمامی رفتارها و گفتارهای انسان در جهت رسیدن به سعادت ابدی تبیین گردد. تربیت ولایت محور، واجد این خصوصیت ویژه است. تربیت ولایت محور یعنی تربیتی که خاستگاه آن الهی است و مهم‌ترین رویکرد آن، اعتلای کلمه توحید است که در این راستا شاخصه‌های اعتقاد به مهدویت را بیان کند. همچنین با توجه به این که هر مکتبی دارای اهداف مربوط به خود است و مکتب ولایت محور و مهدویت اهداف، دارای اهداف قدسی و الهی است، از این رو، اصول، اهداف و روش‌های تربیتی خاصی باید وضع گردد که از طریق آنها بتوان به تربیت نسل مهدوی همت گماشت. متصدیان تربیتی باید از طریق اخذ این روش‌ها به نحو صحیح، آن را سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند تا شاهد رشد و شکوفایی استعداد‌های ناب منتظران واقعی بود. این پژوهش می‌تواند یک سر فصل کلی برای عملیاتی کردن و اجرایی ساختن اهداف فوق، مورد توجه مربیان تربیتی قرار گیرد. ضمن آن که زمینه برای تحقیقات و پژوهش‌های کامل‌تری را نیز فراهم می‌آورد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اباذری، محمود (۱۳۸۳ش)، «مهدویت در اندیشه متفکر شهید مطهری»، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۱۱-۱۲.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالرحمن بن هبة الله (۱۳۶۳ش)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۰ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، المناقب، بیروت: دارالاضواء.
۵. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۸۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۷. انیس، ابراهیم (۱۳۹۲ش)، معجم الوسیط، قاهره: مجمع اللغة العربیه.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۰ش)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.

۹. باقری، خسرو (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، مشهد: به نشر.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲ش)، *شمیم ولایت*، قم: انتشارات اسراء.
۱۲. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، «نقش ولایت محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی»، *پژوهش های سیاست اسلامی*، سال نهم.
۱۳. حر عاملی، حسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، قم: انتشارات آل البيت علیه السلام.
۱۴. حسینی خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، مشهد: صهبا نشر.
۱۵. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، *جواهر الکلام فی معرفه الامامة و الامام*، قم: الحقایق.
۱۶. دبس، موریس (۱۳۶۸ش)، *مراحل تربیت*، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ش)، *مشرّب مهر روش های تربیت در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
۱۸. رازی، احمد بن فارس (۱۳۸۹ق)، *معجم المقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: دار احیاء الکتب.
۱۹. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۹۴ش)، «ظرفیت های تربیت ولایت جهادی زمینه ساز برپایی تمدن اسلامی»، *معرفت سیاسی*، سال نهم شماره دوم پیاپی، شماره ۱۸.
۲۰. زبیدی، احمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، بیروت: دارالفکر.
۲۱. زرقانی، اعظم (۱۳۹۹ش)، «مهدویت در آینه تربیت»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۴۶.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۵ق)، *اساس البلاغه*، بیروت: دار صادر، دار بیروت.
۲۳. سبحانی نژاد، مهدی و همکاران (۱۳۹۴ش)، «تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه ساز ظهور»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۲۶.
۲۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ نامه مهدویت*، تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود.
۲۵. سیف، علی اکبر (۱۳۸۴ش)، *روان شناسی پرورشی*، تهران: آگاه.
۲۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «فلسفه انتظار و سلامت روان»، *ماهنامه درد*، شماره ۳۳.

۲۷. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰ش)، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۷ش)، «وظایف منتظران»، *موعود*، شماره ده و یازده.
۲۹. صانعی، مهدی (۱۳۸۲ش)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۰. صحرانشین، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۹ش)، «تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی»، *پژوهش‌نامه تربیتی*، شماره ۶۲.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴ش)، *تفسیر مجمع‌البیان*، تهران: اسلامیه.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ش)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، نجف اشرف: مکتبه الامین.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، تحقیق: عبداللّه تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی.
۳۴. عابدی، لطفعلی (۱۳۸۲ش)، «اصول تربیت در اسلام»، *فصل‌نامه مصباح*، سال نهم، شماره ۳۶.
۳۵. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷ش)، «روش‌های ایجاد تربیت اخلاقی در بعد عاطفی با تکیه بر آثار آیه‌الله مصباح یزدی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوازدهم.
۳۶. عاملی، علی بن یونس (۱۳۸۴ش)، *الصراط المستقیم*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بی‌جا: المکتبه المرتضویه.
۳۷. عبدالباقی، محمد فواد (۱۳۶۴ش)، *المعجم المفهرس*، قاهره: دارالکتب المصر.
۳۸. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۴ش)، *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*، تهران: روان.
۳۹. فیروز آبادی، مجدالدین (۱۳۵۷ش)، *القاموس المحیط*، مصر: دارالمأمون.
۴۰. کارگر، رحیم (۱۳۸۸ش)، «آینده پژوهی مهدوی»، *انتظار موعود*، شماره ۲۸.
۴۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ش)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۴۶. معین، محمد (۱۳۶۲ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۷. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۷۹ش)، بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت‌شناسی امام مهدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۸. نجم، نجمه (۱۳۹۶ش)، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۴۹. نعمانی، ابی عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳ق)، الغیبه، ترجمه: جواد غفاری، تهران: کتابخانه صدوق.
۵۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۵ق)، المستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۵۱. هاشم العمیدی، سیدثامر (بی‌تا)، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.

The characteristics and fruits of the revolutionary young believer in the era of great absence in the management structure of the system from the perspective of the Supreme Leader

Monire Sadat Kamrani¹

Nafisa Zabihnejad²

Sideh Roghieh Farahbakhsh³

Abstract

What the leader of the revolution has stated in the 20-year vision of the Islamic Republic of Iran is the presence of religious and revolutionary youth in the management structure of the society. Therefore, by analyzing the words of the Supreme Leader, first the indicators of "Revolutionary Believing Youth" were extracted and categorized, and then, these indicators were expressed at fundamental and qualitative levels in the age of occultation. The aim of the research is to identify and discover the components and the results of the presence of revolutionary young believers in the era of absence in the management structure of the system from the point of view of the Supreme Leader. This research is organized by descriptive-analytical method. Loyalty to the principle of the system, honest faith and belief in the savior, excelling in good deeds, social faith along with righteous actions, an unbreakable bond with the province, are among the findings of the upcoming research. The result is that the wise measures of the leader of the revolution in recommending the presence of young religious believers in the management arena and its implementation have led to tremendous progress in all levels of the management of the Islamic system as a charter for community building for the realization of the great Mahdavi velayat and cause hope. And the people of the society adhere to the ideals of the revolution and Islam

Keywords: Qualities of a revolutionary young believer, the age of occultation, the leader of the revolution, the management structure of the system

-
1. Faculty and university lecturer and Ph.D student of Qur'anic and Hadith sciences at Ferdowsi University of Mashhad (Responsible Author)
 2. Third level student of Tafsir and Qur'anic Sciences at Rayhana Al-Rasoul Juibar Seminary
 3. A graduate of the second level of Hazrat Amina Faridoonkar Theological Seminary

صفات و ثمرات جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت کبری در ساختار مدیریتی نظام از منظر مقام معظم رهبری

منیره سادات کامرانی^۱

نفیسه ذبیح نژاد^۲

سیده رقیه فرح بخش^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱

چکیده

آنچه رهبر انقلاب در چشم انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران بیان نموده است، حضور جوانان مؤمن و انقلابی در ساختار مدیریتی جامعه است؛ از این رو با تحلیل سخنان مقام معظم رهبری، نخست شاخص های «جوان مؤمن انقلابی» استخراج و دسته بندی شده و سپس، این شاخص ها در عصر غیبت در سطوح بنیادی و کیفی بیان شده است. هدف پژوهش شناسایی و کشف مؤلفه ها و ثمرات حضور جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت در ساختار مدیریتی نظام از دیدگاه مقام معظم رهبری است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی سامان پذیرفته است. وفاداری به اصل نظام، ایمان صادقانه و اعتقاد به منجی، سبقت در کار خیر، ایمان اجتماعی همراه با عمل صالح، پیوندی ناگسستنی با ولایت، از یافته های پژوهش پیش رو است. حاصل آن که تدابیر حکیمانه رهبر انقلاب در توصیه به حضور جوان مؤمن انقلابی در عرصه مدیریتی و عمل به آن موجب پیشرفت های شگرفی در تمامی سطوح مدیریت نظام اسلامی به عنوان منشوری در جهت جامعه سازی برای تحقق ولایت عظمای مهدوی شده و باعث امید و پایبندی مردم جامعه نسبت به آرمان های انقلاب و اسلام گردد.

واژگان کلیدی

۱. مدرس حوزه و دانشگاه و دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (monire.kamrani@gmail.com).

۲. طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآنی مدرسه علمیة ریحانة الرسول جویبار (Nafisehzahibnezhad58@gmail.com).

۳. دانش آموخته سطح دو مدرسه علمیة حضرت آمنه علیها السلام فریدونکنار.

صفات جوان مؤمن انقلابی، عصر غیبت، رهبر انقلاب، ساختار مدیریتی نظام.

مقدمه

اگر جوان مؤمن انقلابی بخواهد مأموریت خود را دریابد، باید ببیند در محور مختصاتی «ایمان» و «انقلاب اسلامی»، در کجا ایستاده است؟ آنچه روشن است، این که مأموریت و وظایف هر کسی و هر جوانی با جوان دیگر به فراخور زندگی و حیات آنها تفاوت دارد. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران سبکی از مدیریت بنا نهاده شد که مبنای آن را نظام ارزشی اسلامی تشکیل می‌دهد و باعث شد تا روش‌های عملی مدیران بار ارزشی گرفته و درک ضروریات و نیازهای جامعه توأم با روح معنوی، دینی و شعور انقلابی مورد نظر و عمل مدیران قرار گیرد. در همین راستا می‌توان مدیریت تراز انقلاب را براساس ارزش‌ها و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مدنظر قرار داد که برخاسته از فرهنگ انقلابی و حاکی از مدیریت بر مبنای ارزش‌های اسلامی است. اندیشه و منویات مقام معظم رهبری با رویکردهای بدیع و تبیین ارزش‌های اسلامی - انقلابی به این راه طراوت و پویایی خاصی بخشیده است. هدف این پژوهش شناسایی عوامل موجد مدیریت انقلابی از دیدگاه ایشان و کمک به تحقق آرمان‌های متعالی کشور است.

یکی از ملاحظات اساسی در نگاه جوان مؤمن انقلابی آن است که انتظار و اعتقاد به ظهور منجی، اعتقادی ذهنی و منقطع از عمل نیست؛ بلکه جهان‌بینی است که حاصل آن نوعی رفتار و عمل اجتماعی است. به واقع مقدمه‌ای برای عمل مؤمنانه و انقلابی است. به فرموده رهبری:

درس اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی (ارواحنافداه) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، جوان مؤمن انقلابی باید وسیله‌ساز فرج باشد. از دیدگاه

ایشان:

انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی

برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است (دیدار افشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

انقلاب اسلامی ایران با عنایت‌های الهی، رهبری امام عجل الله تعالی فرجه و بزرگان دینی و مبارزه و مجاهدت‌های جوانان به پیروزی رسید (رسولی، زمانی، ۱۳۹۸ ش: ۲). همان جوانانی که به تعبیر رهبر کبیر انقلاب در سال ۱۳۴۲ سربازان و یارانش در گهواره‌ها بودند؛ توانستند هشت سال در دفاع مقدس پایداری نمایند و ذره‌ای از خاک را به دشمن ندهند. امروز نسل چهارم انقلاب، جوانان ادامه‌دهنده، همان جوانان مؤمن و انقلابی دهه پنجاه هستند. رهبر انقلاب می‌فرماید:

هدف‌های گام دوم انقلاب، با حضور جوانان در عرصه مدیریت می‌تواند تحقق یابد؛ زیرا جوانی نقطه عطف و سرنوشت‌سازی است که با هیچ یک از دیگر دوران زندگی قابل مقایسه نیست (حسنی، ۱۳۹۲ ش: ۱۷).

رهبر انقلاب با صدور بیانیه گام دوم نه تنها به ضرورت حضور جوان در میادین مدیریتی در سطوح مختلف دولت توجه و عنایت ویژه نمودند؛ بلکه معنویت و انقلابی‌گری را نیز بیان نموده است. به فرمایش ایشان معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی، اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. این نوشتار ضمن بیان ضرورت و ویژگی‌های جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت با قابلیت مدیریتی کلان؛ به ثمرات و برکات چنین رویکردی نیز براساس رهنمودهای رهبر عزیز اشاره می‌نماید.

پیشینه پژوهش

با عنایت به بررسی‌های به عمل آمده در مقالات متعدد، مقاله‌ای با موضوع "نقش جوان مؤمن انقلابی در عصر ظهور در ساختار مدیریتی نظام از منظر رهبری" یافت نشد. به نوشتارهای مشابهی مانند "لزوم استفاده از توانمندی‌های جوانان نخبه در مسئولیت‌های مدیریتی کشور جهت توسعه و پویایی تمدن نوین اسلامی" دست یافتیم. در این مقاله به جوان‌گرایی و تربیت مدیران جوان با فاکتورهایی چون "رفتارهای الهام‌بخش و پیشرفت دائمی" اشاره می‌شود؛ ولی آنچه در مقالات دیگر به آن پرداخته نشده و در این نوشتار بیان شده است؛ مباحث سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و جهش تولید، جنگ روانی بر علیه دشمن و ثمرات حضور مدیران جوان در بدنه دولت انقلابی است.

مفهوم‌شناسی

برای دست یافتن به نقش جوان مؤمن انقلابی در پیشبرد اهداف، ابتدا لازم است به مقدمات بحث اشاره گردد. از این رو به تعریف واژه «جوان»، «مؤمن انقلابی» و «عصر غیبت» پرداخته می‌شود. سپس در تبیین هر دو کلمه از دیدگاه مقام معظم رهبری استفاده شده است.

۱. جوان مؤمن انقلابی

جوانی مرحله‌ای از رشد در زندگی یک فرد است و به عنوان دوره‌ای از وابستگی کودکی به بزرگسالی تعریف می‌شود. سازمان ملل جوان سن جوانی را بین ۱۵ تا ۲۴ سال و سازمان مشترک المنافع سن جوانی را بین ۱۵ تا ۲۹ سال اعلام کردند. تعریف جوانی در دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت است؛ اما معمولاً محدوده سن جوانی را ۳۵ سال در نظر می‌گیرند (قنبری، ۱۳۹۳: ۳).

در برخی روایات به کسانی جوان می‌گویند که ایمان و تقوا داشته باشند. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرمودند:

اصحاب کهف پیرانی بودند که خداوند به خاطر ایمان‌شان آنها را جوان نامید (شمس الدین، ۱۳۹۵: ۱۱).

رهبر انقلاب در بیان تعریف جوان در بیانیه گام دوم به جمعیت جوان زیر چهل سال اشاره فرمودند:

جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه شصت است که فرصت ارزشمندی برای کشور است.

مهم‌ترین ویژگی که ایشان برای توصیف جوانان جهادی به کار بردند، «مؤمن انقلابی» است. جوانانی که با همه کاستی‌ها و گلایه‌ها و انتقادات از مسئولان اجرایی کشور، به انقلاب اسلامی وفادار هستند و رسالت خود را گذراندن نظام از مشکلات ریز و درشت روزمره‌ای می‌دانند که در عین کوچکی می‌تواند به اعتماد عمومی مردم به نظام ضربه بزند (سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با جمعی از جهادگران، ۱۳۹۸/۵/۱۹).

جوان مؤمن انقلابی در تراز سخنان رهبری دارای شاخصه‌های خاصی است. مقام معظم رهبری در دهه اخیر بارها در سخنرانی‌های‌شان عبارت جوان مؤمن انقلابی را به کار برده‌اند و با تبیین ویژگی‌های آن، الگوی تراز جوان با ایمان انقلابی، در جمهوری اسلامی را به تصویر

کشیده اند(احمدزاده، ۱۳۹۶ش: ۱).

۲. مدیریت

از دیگر مفاهیم کلیدی که این نوشتار به تبیین آن می پردازد، مفهوم مدیریت است. مدیریت عبارت است از:

علم و هنر یافتن و به کار گماردن شایسته ترین افراد، تلفیق مساعی فکری، جسمی و هماهنگ کردن این مساعی در جهت اهداف یا هدف های مورد نظر مؤسسه (محبی فر، ۱۳۹۳ش: ۳).

شهید مطهری درباره مدیریت می گوید:

مدیریت انسان ها عبارتست از فن، بهتر بسیج کردن، بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروی انسانی و به کار بردن آن (موحدی، ۱۳۹۶ش: ۱۲).

۳. عصر غیبت

غیبت، اسم مصدر از ثلاثی مجرد ماده (غ ی ب) و به معنای ناپدیدشدن و پنهان شدن از دیدگان است. غائب به کسی گفته می شود که حاضر و ظاهر نیست (طریحی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۳۴۵).

غیبت در اصل، درباره پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می رود، همچنین درباره کسی به کار می رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی شود (عسکری، ۱۴۰۲ق: ۶۳).

ویژگی جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت

با توجه به این که دین اسلام، دین خاتم است و در آیات قرآن خداوند متعال وعده داده است که این دین، جهانی خواهد شد، وظیفه همه مسلمانان به ویژه نظام جمهوری اسلامی این است که برای تمدن اسلامی که روز به روز در حال پیشرفت است نیروی جوان مؤمن انقلابی تربیت کنند تا کادر این تمدن را برای آینده آماده نمایند. طبق بیانات رهبر معظم انقلاب می توان ویژگی های جوان مؤمن انقلابی این چنین برشمرد:

۱. جوان مؤمن انقلابی در بعد فردی و اجتماعی؛

۲. جوان مؤمن انقلابی در بعد سیاسی فرهنگی؛

۳. جوان مؤمن انقلابی در عصر ظهور.

۱. جوان مؤمن انقلابی در بعد فردی و اجتماعی

امروزه ثابت شده است که یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این رو سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. از آن جا که جوانی «فرصت بی‌بدیل زندگی و سرآغاز استحکام شخصیت و ظهور و بروز استعدادهای انسانی است، جوامعی که این منبع سرشار انسانی و سرمایه اجتماعی را در اختیار دارند باید آینده‌ای امیدبخش را پیش روی خود ترسیم نمایند» (زنگویی، ۱۳۹۵: ۱).
 مرور بیانات اخیر رهبر انقلاب نشان می‌دهد که بحث انقلابی بودن و شاخص‌های انقلابی-گری، مهم‌ترین نکته و یا حداقل، از مهم‌ترین نکاتی است که در فرمایشات اخیر ایشان قابل رصد است. از جمله سخنان رهبر انقلاب در تبیین و تعریف شاخصه جوان مؤمن انقلابی در عصر غیبت، در دیدارهای متعدد به شرح زیر است:

وفاداری به اصل نظام

اولین صفتی که رهبر فرزانه انقلاب به آن می‌پردازد؛ وفاداری به نظام اسلامی در عین آگاهی به نقاط ضعف حکومت است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:
 جوانانی هستند که با همه کاستی‌ها، گلایه‌ها و انتقادات از مسئولان اجرایی کشور، به انقلاب اسلامی وفادار هستند (سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از جهادگران، ۱۳۹۸/۵/۱۹).

این جوانان در ابعاد کلان شبکه‌ای از فعالان فرهنگی هستند که در شرایط خاص می‌توانند به عنوان نیروهای ارزشی وارد معرکه شده و نقش‌آفرینی کنند. معرکه‌هایی که انقلاب نیاز به نیروهای پای‌کار دارد و این جوانان به علت دلبستگی تدریجی به اصل نظام، حاضر به فداکاری در راه آن هستند (سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با جمعی از جهادگران، ۱۳۹۵/۵/۱۹).

ایمان صادقانه و اعتقاد به منجی

انگیزه برخاسته از ایمان صادقانه از اهم ویژگی‌هایی است که لازم است در یک نیروی مؤمن و متعهد وجود داشته باشد. جوان مؤمن انقلابی با ایمان و اعتقاد به منجی برای تغییر و دگرگونی جامعه برای تحقق عدالت تلاش می‌کند؛ اما قبل از آن در انتظار منجی موعودی خواهد بود که بیاید و در کار دنیا‌گشایی ایجاد کند. از دیگر ویژگی‌های جوان مؤمن در تراز

انقلاب از دیدگاه رهبری معظم:

ایمان و انگیزه صادقانه و انقلابی در آنها وجود داشته باشد (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰/۲/۲).

ایشان در زمینه ایمان فردی جوانان می‌فرماید که چنین نسلی لازم داریم: بایستی ایمان، سواد، غیرت، شجاعت و خودباوری، انگیزه کافی و توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «اعر الله جمجتک»؛ زندگی و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

سبقت در کار خیر

جوان مسلمان و انقلابی در فعالیت‌های خود بی حال و کند نیست بلکه به مصداق آیه شریفه «فاستبقوا الخیرات» که خطاب به مؤمنین می‌فرماید: در نیکی‌ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بگیرید، چنان سریع حرکت می‌کند که از بقیه جلو می‌افتد. با این حال، دائماً مراقب است که سرعت بالا و سبقت‌گیری، تبدیل به شتابزدگی و تهور هم نشود. به عبارت واضح، سرعت و سبقت همراه با دقت و کیفیت. برای جوان مسلمان و انقلابی هیچ چیز مقدم بر انجام تکلیف نیست. بنابراین او به چیزی جز فهم تکلیف، و سپس انجام درست آن فکر نمی‌کند. از یک طرف، این‌گونه نیست که نتیجه‌گرایی صرف او را از انجام تکلیف مقرر شده باز بدارد و از طرف دیگر، این‌گونه هم نیست که عدم انجام صحیح تکلیف و اهمال کاری، توفیق دست‌یابی به نتیجه مورد انتظار را از او بگیرد. در این صورت، اساساً هیچ‌گونه تعارضی میان تکلیف و دست‌یابی به نتیجه، وجود نخواهد داشت (غلامی، ۱۳۹۳ش: ۱۸).

ایمان اجتماعی همراه با عمل صالح

مقام معظم رهبری در یک جمع‌بندی بر این نظرند که شاکله وجودی یک جوان مؤمن برای آن که بتواند در آینده انقلاب اسلامی نقش مؤثری ایفا کند، داشتن مجموعه عناصری فراتر از سطح فردی است؛ یعنی لازم است این مجموعه صفات در سطح اجتماعی برای همه مردم نظام در وی متبلور گردد. ایشان می‌فرمایند:

اما آنچه می‌توان در مورد جوان مؤمن صالح گفت: ایمان قوی، ایمانی کردن محیط، تقویت ایمان خود، تقویت ایمان با روشن بینی عمیق فکری، دارای ایمان و سرشار از انگیزه ایمانی، تعمیق ایمان در دل‌های خود و دیگران (احمدزاده، ۱۳۹۶ش: ۱۲).

ایمان و حیا و اخلاق جوانان هم مایهٔ اقتدار است، [لذا] با آن دشمنند. این همه در فضای مجازی و در رسانه‌ها فعالیت می‌کنند، میلیاردها خرج می‌کنند برای این که بتوانند از جوان ایرانی اخلاق را، ایمان را، پایبندی به شریعت را، حیا را سلب کنند و بگیرند؛ چرا؟ چون اینها مایهٔ اقتدار کشور است. با جوان مؤمن متشرع باحیای باایمان که در مقابل این وسایل شهوت‌انگیز نمی‌لغزد و می‌تواند خودش را نگه دارد، و برای کشور مایهٔ اقتدار است؛ دشمنند (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۶/۱۰/۲۰).

پس لازم است چنین نیرویی ضمن تقویت ایمان خود به فکر ایمانی کردن محیط زندگی خود و آماده کردن آن برای ظهور منجی در سطح خانواده و جامعه باشد. بنابراین در دیدگاه معظم له جوان مؤمن انقلابی، جوانی است که ضمن وفاداری به آرمان‌های انقلاب، دارای اندیشه توحیدی در سطح فردی و اجتماعی بوده و قدرت تعمیق بخشی ایمان در سطوح جامعه را داشته باشد.

پیوندی ناگسستنی با «ولایت»

جوان مسلمان و انقلابی می‌داند که باید دوش به دوش امام زمان خود و در زمان غیبت امام، دوش به دوش نایب امام خود حرکت کند. آنها کشتی در حال حرکت در دریای موج هستند که هر کس بر آن کشتی سوار شود از خطر غرق شدن در امان می‌ماند، و هر کس سوار این کشتی نشود یا آن را ترک کند، غرق می‌شود. بنابراین، نه ذره‌ای از امامش جلو می‌زند و نه ذره‌ای از او عقب می‌ماند چراکه:

المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق (مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان، صلوات شعبانیه)؛
هرکس بر آنها پیشی بگیرد از دین خدا خارج شده، هر کس از آنها عقب بماند هلاک شده و هرکس همراه آنها باشد، به آنان ملحق شده است.

با این وصف، جوان مسلمان و انقلابی، گوش به فرمان ولی فقیه و نایب امام زمان است. خواسته‌های خود را به خواسته‌های او مقدم نمی‌کند، در برابر رأی او رأی صادر نمی‌کند، و همراهی حقیقی با ولی فقیه در دروان غیبت را، تضمینی برای حضور در کنار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور می‌داند (غلامی، ۱۳۹۳ش: ۳۱).

عمل هوشمندانه

جوان مسلمان و انقلابی زیرک است یعنی کاملاً هوشمندانه و با در نظر گرفتن همه جوانب امر کار می‌کند. در عین حال، برای جوان مسلمان و انقلابی، زیرکی با فریب‌کاری و شارلاتانیسم کاملاً متفاوت است. او هیچ‌گاه به اسم زیرکی و برای دستیابی به هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند و مرتکب فریب‌کاری و ناجوانمردی، حتی علیه مخالفان خود نمی‌شود (همان: ۲۳).

۲. جوان مؤمن انقلابی در بعد سیاسی فرهنگی

به طور کلی انسان موجودی است اجتماعی که نیازهای او در پرتو حضور در اجتماع حل می‌شود و قابلیت او در بستر اجتماعی به کمال می‌رسد و می‌تواند استعدادهای خود را شکوفا سازد. بدون شک تحقق حماسه سیاسی که از اساسی‌ترین خواسته‌ها در ذیل اندیشه‌های مبتنی بر نگرش‌های ولایی در شرایط کنونی است که بدون مشارکت آحاد جوانان مؤمن و انقلابی فراهم نخواهد شد. چه آن‌که جوانان موتور محرک و سرمایه اجتماعی نظام مقدس جمهوری اسلامی برای تغییر و حرکت در مسیر توسعه مبتنی بر مدل اسلامی و ایرانی آن هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی جوانان مؤمن انقلابی را خطاب قرار داده و می‌فرماید:

دهه‌های آینده دهه‌های شماسست و شمائید که باید کارآزموده و پرنگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

جوانی و حرف‌های نو برای تحول سیاسی

نسل جوان به طور طبیعی دارای ایده‌ای نو برای اداره جامعه است؛ چرا که از منظرگاه متفاوت به مسائل می‌نگرد و این ویژگی فرصت‌های مناسبی را برای تحول هر جامعه تولید می‌کند. نیروی جوانی برآمده از سه مؤلفه انرژی، امید و ابتکار است که می‌تواند آن را مبدل به موتور محرک جامعه نماید. به فرموده رهبری «جوان، سرشار از امید و نشاط است و مایل است کاری به او محول کنند و آن را با شجاعت و خطرپذیری انجام دهد» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۱/۸/۱۳).

من معتقد به تکیه به نیروهای جوانم [و به این] اعتقاد راسخ دارم؛ مال امروز هم نیست، از قدیم بنده چنین اعتقادی داشتم. معنای اعتماد به نیروهای جوان این است که اولاً در برخی از مدیریت‌های مهم کشور از جوان‌ها استفاده بشود و به جوان‌ها اعتماد بشود؛ ثانیاً از

ابتکارهایی که انجام می‌دهند و حرکت اینها و حوصله و نشاط کار اینها استقبال بشود. گاهی اوقات جوانی به همه جا مراجعه کرده، یک کار مهمی را پیشنهاد کرده که می‌تواند انجام بدهد، جواب نداده‌اند، مراجعه می‌کند به ما؛ بعد که می‌دهیم دست کارشناس، تصدیق می‌کند، می‌گوید درست است، این کار، کار مهمی است و این شخص می‌تواند این کار را انجام بدهد. من معتقدم که کشور بایستی از ابتکارات جوان‌ها، از نشاط جوان‌ها، از روحیه کار و پیرانگیزه جوان‌ها حداکثر استفاده را بکند؛ اینها بچه‌های ما هستند، بچه‌های کشورند و کشور حق دارد که از اینها استفاده کند. بنابراین، هم مسئله مدیریت‌ها است، هم این [نکته] (بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹).

توانایی در پیشبرد اهداف سیاسی اجتماعی

توانایی و قدرت مدیران در مدیریت، نقش مهمی در رسیدن به اهداف یک حکومت دارد. انجام کارها و برآمدن از وظایف و مأموریت‌ها هرچند امر مهم و ارزشمندی است؛ اما مدیریت پویا و راهبردی نیازمند توان بیشتری نیز هست. این توان به طور ویژه‌ای در جوانان به واسطه روحیه تحول‌خواهی و رویکرد انقلابی و خلق و خوی ساختارشکنانه ایشان تمرکز یافته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی از سالیان دور تأکید دارند «تجربه من این است که اگر ما به جوانان اعتماد کنیم آن جوانی که شایسته دانستیم، به او مسئولیت بدهیم و صلاحیتش را داشت نه هر جوانی و هر مسئولیتی از غیرجوان، جوان هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد. هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی روند پیشرفت در کار حفظ می‌شود. برخلاف غیرجوان که ممکن است کار را به خوبی انجام دهد؛ اما روند پیشرفت در آن متوقف خواهد شد و غالباً این‌گونه است» (بیانات در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت روز جوان، ۱۳۷۷/۲/۷).

آنچه در بیانات رهبر فرزانه انقلاب مشهود است، حفظ عنصر جوانی و کارآمدی به همراه ایمان عمیق در انجام امور محوله است.

جوانی سرمایه‌ای سیاسی اجتماعی

بدون شک قشر جوان از سرمایه‌های اجتماعی یک نظام سیاسی به شمار می‌رود و بدون آن امکان رسیدن به توسعه پایدار وجود ندارد. همین طبقه اجتماعی هستند که سطح متوسط جامعه را در چینش‌های اقتصادی تشکیل می‌دهند و همواره در تلاش هستند تا خود را به

طبقه بالای جامعه برسانند. این جدیت برای ارتقاء سطح لیاقت و ایفای نقش در جامعه، بستر ساز اشتغال، هویت یابی و رونق در همه مؤلفه های سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است؛ بنابراین نباید سرسری از کنار آن رد شد و به میزان آگاهی و معرفت سیاسی آنها در مشارکت سیاسی و تأثیر در سرنوشت خود بی تفاوت بود.

این که بنده بارها تکرار می کنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب تر نیست - و من معتقدم که جلوتر است - به خاطر این است که امروز با این همه ابزارهای تبلیغی، با این همه شگردهای گوناگون فروریختن پایه های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. ما در عرصه فرهنگ، در عرصه سیاست، در عرصه های اجتماعی، در عرصه های هنری الی ماشاء الله جوان مؤمن داریم؛ البته بله، یک عده ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم می دانیم، نه این که غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه می نویسند به بنده - از این نامه ها یکی و دوتا و ده تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه می نویسند - واقعا نامه گریه آلود است - که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. می خواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

۳. جوان مؤمن انقلابی در مکتب انتظار

اگر قرار باشد، ظهور از طریق زمینه سازی مهیا گردد، بدون شک جوانان مؤمن انقلابی در صف اول کسانی هستند که از آنان انتظار می رود در ماجرای زمینه سازی ظهور نقش کلیدی را بر عهده بگیرند.

جوانان در صف اول زمینه سازان ظهور

جوان مؤمن انقلابی به واسطه خصوصیتی چون شجاعت، تقوا، انگیزه متعالی، بصیرت و تیزبینی، کم تعلقی به دنیا، دوری از عافیت طلبی و روحیه انقلابی بیش از دیگر اقشار جامعه در میدان زمینه سازی ظهور نقش آفرین خواهد بود و این حقیقتی است که در کلام رهبر انقلاب نیز ابراز گردیده است:

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد؛ دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال تر و خلاق تر و آفریننده تر است؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ دست‌های جنگ‌افروز عالم - همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛ باید برای آن دوران تلاش کرد (سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم قم در سالروز میلاد حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهَا، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

اعتقاد به مهدویت، آرمانی همراه با عمل

یکی از ملاحظات اساسی در نگاه جوان مؤمن انقلابی آن است که انتظار و اعتقاد به ظهور منجی، اعتقادی ذهنی و منقطع از عمل نیست؛ بلکه جهان‌بینی است که حاصل آن نوعی رفتار و عمل اجتماعی است. به واقع مقدمه‌ای برای عمل مؤمنانه و انقلابی است. به فرموده رهبری:

درس اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به حضرت مهدی (ارواح‌نافذاه) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید (بیانات رهبر انقلاب به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

انتظار در معرض قلب و تحریف

در مراحل شناخت و معرفت به مهدویت باید به این نکته کلیدی توجه نمود که تمامی حقایق و مفاهیمی متعالی هنگامی که در جایگاه فهم بشری قرار می‌گیرند، در معرض تحریف و انحراف قرار دارند. نارسایی‌های فهم بشری، تأثیر حب و بغض‌های روان آدمی، و در نهایت منافع طلبی و بهره‌برداری‌های خودخواهانه انسان از حقایق، در کنار عناصر بیرونی همچون اقدامات دشمنان حقیقت، عوامل اصلی هستند که موجب می‌گردد گوهر ناب و پاک حقیقت دچار آفت و آسیب شده و کاربرد اصلی خود را از دست بدهد. مفاهیم و مقولات مقدس که با نوعی پذیرش عقلی - قلبی همراه می‌باشند، بیش از دیگر مفاهیم در معرض این آسیب‌ها قرار دارند که از جمله آنها می‌توان به موضوع "مهدویت" اشاره نمود.

مسئله مهدویت که یکی از مفاهیم بنیادی در آموزه‌های اسلامی و حتی در مفاهیم همه

ادیان الهی است، در بستر تاریخ و در قالب اذهان مختلف دستخوش آسیب‌ها و انحرافات مختلفی شده است و گاه حتی به ضد خود تبدیل گردیده است. جوان مؤمن انقلابی در این میان تلاش دارد تا از وجود خود را با حقیقت انتظار صیقل بخشد و از قرائت‌های انحرافی فاصله بگیرد. حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده‌اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این يك عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد (بیانات رهبر انقلاب به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

در روایتی که هم نعمانی در کتاب *الغیبه* و هم شیخ صدوق در *کمال‌الدین* آن را نقل کرده‌اند آمده است که:

خداوند پیش از ظهور حکومت را میان گروه‌های مختلف می‌گرداند تا کسی مدعی نشود که اگر حکومت و دولت دست ما بود بهتر عمل می‌کردیم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ۲۷۴، ح ۵۳).

اعتقاد به زوال نظام سلطه؛ حاصل اعتماد به مهدویت

در جهان بینی جوان مؤمن انقلابی نظام نابرابر حاکم بر جهان امروز هرچند تلاش دارد که خود را شکست‌ناپذیر جلوه دهد، اما از آن جا که بر بنیان ظلم و فساد بنا نهاده شده است، همچون خانه عنکبوت سست و زوال‌پذیر است و اعتقاد به مهدویت تأکید بر همین حقیقت است که سرانجام این هیمنه توخالی فرو خواهد ریخت و این فروپاشی از طریق مبارزه و ایستادگی ممکن خواهد شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید دارند:

جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی عجل الله فرجه این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان

برگزیده المپیادها، ۳۰/۷/۱۳۸۱).

۴. ثمرات مدیریت جوان مؤمن انقلابی

یکی از مهم‌ترین ارکان جمعیتی هر جامعه، قشر جوان آن است که با حضور تأثیرگذار خود در رده‌های مدیریتی و ایفای نقش به عنوان مدیر، می‌تواند ثمرات زیادی را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی جامعه به منصفه ظهور برساند. رهبر انقلاب درباره مدیریت و کارآمدی جوانان می‌فرماید:

یقیناً بدون نیروی جوان مؤمن پرنگیزه پرتوان، این بار سنگین جمهوری اسلامی پیش نخواهد رفت؛ بدون شک. این‌که بنده در همین جلسه شما یک وقتی چند سال پیش گفتم «مدیر جوان حزب‌اللهی»، به خاطر این است که بدون مدیریت جوان و پرنگیزه و مؤمن کارها پیش نمی‌رود، باید جوان‌ها آنجا باشند. منتها من به این جوان‌های عزیز که حالا الحمدلله وارد میدان کار شدند - چه در قوه‌ی مقننه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در قوه‌ی مجریه - توصیه‌ای که می‌کنم این است که اینها سعی کنند این مسئولیت کنونی را پله‌ای برای مسئولیت‌های بالاتر قرار ندهند؛ توصیه‌ی اول من و توصیه‌ی مهم‌تر من این است. این جور نباشد که ما بگوئیم: «حالا این یک سابقه برای ما درست می‌کند برای مسئولیت‌های بالاتر»؛ نه، بچسبید به همین کار. برای خدا کار کنید، متمرکز بشوید روی مسئله‌ای که به شما مربوط می‌شود؛ چه بخش اقتصاد، چه بخش سیاست، چه بخش فرهنگ؛ بخش‌های مختلف. متمرکز بشوید روی مسئله و دنبال حل آن مسئله‌ای باشید که به شما محول شده؛ این لازم است. توقع ما از جوان‌هایی که مسئولیت پیدا کردند، این است که هدف‌تان را حل مسئله قرار بدهید (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۴۰۱/۰۲/۰۶).

قطعا نتایج حاصل از حضور جوانان زمینه پیشرفت و آبادانی آن کشور را فراهم و در برون-رفت از مشکلات تأثیرات شگرفی به دنبال خواهد داشت.

پیشرفت توسعه اقتصادی و جهش تولید

دارایی هر کشوری برخوردار از نیروهای جوان و کارآمد است. سرمایه جوانی نقش بی-بدیلی در تولیدات داخلی و پیشرفت اقتصادی دارد. «منابع انسانی علی‌الخصوص قشر جوان هر ملت که در واقع سرمایه حقیقی آن به شمار می‌رود در زمره نیروی مؤثر و مهم توسعه یافتگی قلمداد می‌شود. به گونه‌ای که اصولاً نمی‌توان توسعه و پیشرفت یک ملت را بدون آن تصور کرد؛ لذا هر کشوری که بخواهد این امر مهم را محقق کند باید بر خود فرض بداند که از قشر

جوان و نیروهای علمی و نخبگان خود حمایت همه جانبه و فراگیر داشته باشد» (خیاط، ۱۳۹۴ش: ۳).

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم در تأکید بر جانشین پروری مسئولین کشور «توصیه بر دستیاران جوان داشتند، تا دستیاران جوان با انرژی مضاعف با نگاهی نوگرایانه و خلاقانه تر به نظام مدیریتی کشور وارد شوند» (محمدی، حبیبی تبار، ۱۴۰۰ش: ۵). از منظر رهبری مهم ترین ظرفیت امیدبخش، نیروی مستعد و کارآمد، جوانان یک کشور هستند که می توانند در برون رفت بسیاری از مشکلات مؤثر بوده و موجب پیشرفت دائمی نظام اسلامی باشند.

به نظر نگارنده با توجه به بیانات رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، ضرورت بهره مندی از نیروی جوان انقلابی در مدیریت به خوبی دانسته می شود. آن جا که فرمودند: «همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی، می توانند پیشرفت مادی و معنوی کشور را به معنای واقعی جهش دهند». بنابر توصیه های مقام معظم رهبری در باب جوان گرایی در سطوح مدیریتی عمل به رهنمودهای این حکیم فرزانه، کشور به قله های پیشرفت رسیده و مشکلات کشور به دست توانای جوانان این مرز و بوم بر طرف می شود.

برخی از محققان نیز بر این نظرند مدیران جوان بیشتر مایلند که وضع کنونی را به چالش بکشند. آنها به طور منظم به دنبال این هستند که روش های نوآورانه ای برای انجام کارها به شکل بهینه تر و با کیفیت بهتر بیابند (خدابنده، ۱۳۹۹ش: ۶). در واقع جامعه باید در راستای تصمیم گیری و اجرایی نمودن برنامه ها از جوانان با استعداد و خلاق که ایده ها و تفکرات کارآفرینانه داشته استفاده نمایند (حسنی فر، ۱۳۹۲ش: ۱۲).

رفتارهای الهام بخش و تاثیرگذار

مدیران جوان می دانند که چگونه به دیگران انرژی بدهند و آنها را در راه رسیدن به اهداف شان هیجان زده کنند، آنها می توانند بیش از همکاران مسن خود الهام بخش دیگران برای تلاش و تولید بیشتر باشند. آنها در ایجاد یک تصویر روشن موفق تر عمل کرده اند و در ارتباطات خود تأثیرگذارتر ظاهر شده اند (خدابنده، ۱۳۹۹ش: ۷).

رهبر انقلاب نیز در این زمینه فرمودند:

به نظر من جوانان انقلابی روی محیط خودشان اثر فکری و روانی بگذارند، این شدنی است. یک جوان گاهی اوقات می تواند مجموعه پیرامون خودش را، کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد (بیانات در دیدار با

دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲).

تمایل به تغییر

از دیگر آثار بهره‌مندی از نیروی جوان در بدنه مدیریتی نظام اسلامی، آن است که مدیران جوان از تغییر استقبال می‌کنند و مهارت زیادی در ارائه ایده‌های جدید نشان می‌دهند. تغییر در جهت ایجاد و توسعه راه‌حل‌های نو و خلاقانه و توسعه توانایی نوسازی خویشتن در سازمان را دارند (بیر، ۱۹۸۰م: ۲).

مدیران جوان به راحتی ایده‌های جدید خود را با دیگران در میان می‌گذارند و به راحتی پذیرای هرگونه تغییری می‌باشند (خدابنده، ۱۳۹۹ش: ۶).

ایجاد تغییر و استقبال از آن یکی از لازمه‌های مدیریتی یک جامعه است. با توجه به اقتضائات جاری در هر جامعه‌ای نیاز هست که قوانین و مقرراتی در جهت بهبود روابط اجتماعی و پیشرفت اهداف آن وضع شود. پذیرش تغییرات به نفع نظام و مردم یکی از آثار سپردن مدیریت به جوانان است. از ویژگی‌های مهم جوان آرزوهای زیاد و بلند است، البته آرزو داشتن بد نیست؛ بلکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

الأمل رحمة لامتی، و لو لا الأمل ما أرضعت والدة ولدها، و لا غرس غارس شجر (اری شهری، ۱۳۸۶ش: ج ۱، ۲۱۰؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۱۷۳، ح ۷۷)؛
آرزو برای امت رحمت است. اگر آرزو نبود هیچ مادری به فرزند خود شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درخت نمی‌کاشت.

لذا مدیران جوان بیشتر خواهان تعیین اهداف بلندپروازانه‌اند، برخی از مدیران مسن آموخته‌اند که عامدانه هدف را به گونه‌ای تعریف کنند که نیاز نباشد به سختی کار کنند یا ریسک عدم دستیابی را بپذیرند؛ ولی مدیران جوان بیشتر احتمال دارد که اهداف بلندپروازانه تعریف کنند و الهام‌بخش تیم‌شان برای رسیدن به این وظایف دشوار باشند (اسمیت، ۲۰۰۵م: ۵۲۰).

پیشرانی تقوای جوانی

از منظر مقام رهبری معنویت و اخلاق جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. معظم له مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور را نیروی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی می‌داند و هر جا نام جوان را بیان

نمودن کلمه مؤمن و انقلابی را نیز به همراه آوردند؛ زیرا معنویت آثار و برکات زیادی در زندگی جوان دارد از جمله: یافتن شخصیت اجتماعی، قابل اعتماد بودن، مصونیت از آسیب‌های اجتماعی و اصلاحگری در جامعه؛ زیرا جوان می‌کوشد جامعه را از هرگونه تباهی و زشتی به دور دارد (اخوی، ۱۳۸۸ ش: شماره ۱۱۲).

به نظر نگارنده برای جوانان عصر غیبت، معنویت بسیار ضروری است؛ زیرا ایمان مانند نوری در تاریکی به قلب مؤمن می‌درخشد و متخلص به فضائل اخلاقی مثبت می‌کند که هم می‌تواند بر پیرامون خود اثر مثبت بگذارد و هم او را به ساحل امن برساند؛ زیرا بنابر فرموده مقام معظم رهبری با توجه به خدا و تقرب به خدا و با توسل به دامن قدس الهی و ذیل عنایاتش، می‌توان خیلی کارهای دشوار را انجام داد.

جوان انقلابی زمینه‌ساز ظهور

اگر قرار باشد، ظهور از طریق زمینه‌سازانی مهیا گردد، بدون شک جوانان مؤمن انقلابی در صف اول کسانی هستند که از آنان انتظار می‌رود در ماجرای زمینه‌سازی ظهور نقش کلیدی را بر عهده بگیرند. جوان مؤمن انقلابی به واسطه خصوصیتی چون شجاعت، تقوا، انگیزه متعالی، بصیرت و تیزبینی، کم‌تعلقی به دنیا، دوری از عافیت‌طلبی و روحیه انقلابی بیش از دیگر اقشار جامعه در میدان زمینه‌سازی ظهور نقش‌آفرین خواهد بود و این حقیقتی است که در کلام رهبر انقلاب نیز ابراز گردیده است:

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید؛ دورانی که در آن ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد. دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است. دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند. دست‌های جنگ‌افروز عالم - همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند - دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند؛ در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست. باید برای آن دوران تلاش کرد (بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

جوان انقلابی عامل پویایی و خلاقیت

ضرورت جوان‌گرایی در مدیریت نظام اسلامی امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. شاید سؤالی مطرح شود مبنی بر آن که نیروی جوانی که تجربه کار مدیریتی پیران باسابقه را ندارد، چگونه می‌تواند کارهای کلان نظام جامعه اسلامی را بر عهده گیرد؟ ضرورت این مسئله تا چه

میزان است؟ رهبر انقلاب در پاسخ به این مسائل بر این نظرند:

جوان‌گرایی ضرورتی است که می‌تواند انرژی و پویایی در زمینه‌های گوناگون ایجاد کند؛ زیرا جوانان در هر کشوری محور حرکت، نشاط و نوآوری در تمام عرصه‌ها هستند، آنان با خطرپذیری، روحیه تلاشگری و پرسشگری پیش می‌روند و به دنبال یافتن راه‌های جدید و به کارگیری اندیشه‌های نو هستند. مهم‌ترین علل ضرورت جوان‌گرایی با توجه به بیانات رهبری می‌تواند جلوگیری از انقطاع نسل انقلاب در بدنه مدیریت، تداوم خلاقیت-ورزی، پیشرفت کشور و دست‌یابی به آینده مطلوب باشد (بدری، ۱۳۹۹، ش: ۲).

اولین مسئله مورد نیاز یک مدیر برخوردار از نیروی جسمانی بالا به همراه خلاقیت و برنامه‌ریزی صحیح برای کشور است. ضرورت حضور نسل جوان متعهد و حزب‌اللهی در عرصه مدیریت کشور می‌تواند تحولی بزرگ در عرصه اداره کشور باشد.

جوان انقلابی بازیگر فعال ظهور

در برخی نگاه‌های انحرافی، ظهور اتفاقی است که به یکباره محقق خواهد شد و حاصل آن گسترش عدالت در جهان باشد. رخدادی که بیرون از اراده آدمی شکل می‌گیرد و انسان منفعلانه تماشاگر و منتظر تحقق آن است. حقیقت آن است که ظهور اتفاق نبوده؛ بلکه فرآیندی است که باید برای تحقق گام به گام آن تلاش نمود. به واقع ظهور رخداد بزرگ در پایان تاریخ است که با عنایت خداوند متعال و هدایت امام و به دست اراده‌های انسان‌های مؤمنی تحقق خواهد یافت که عمر خود را در مسیر آماده‌سازی ظهور وقف کرده‌اند! به واقع اگر منتظران به وظایف خود عمل نکنند و برای تحقق ظهور تلاش ننمایند، بدون شک فرج نیز سر نخواهد رسید. لذا جوان مؤمن انقلابی تماشاگر فرآیند ظهور نیست؛ بلکه به مثابه بازیگری فعال صحنه به نقش‌آفرینی مشغول بوده و به وظیفه انقلابی خود عمل می‌کند. همچنین با خودسازی انقلابی در حال آماده‌سازی درونی برای انجام وظیفه در جایگاهی بالاتر است.

امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب‌زمان (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه و ارواحنا فداه) تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

۵. مصداق جوان مؤمن انقلابی

از مصداق جوان مؤمن و انقلابی می‌توان به خود مقام معظم رهبری (حفظه الله) استناد جست که در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۷ به ریاست جمهوری توسط مردم انتخاب شد. حضور ایشان به عنوان رئیس جمهوری جوان و مؤمن و انقلابی تأثیر سرنوشت‌سازی در جبهه جنگ و کشور داشت. از ثمرات حضور ایشان در مدت هشت ساله ریاست ایشان در بخش مدیریتی کشور می‌توان به این اقدامات اشاره کرد:

- راه‌اندازی ستاد جنگ‌های نامنظم به همراه شهید چمران؛

- پشتیبانی لجستیکی و رفع مشکلات جنگ؛

- تشکیل بسیج مردمی؛

- روشنگری در سنگر امامت جمعه تهران؛

- تقویت روحیه رزمندگان پس از پذیرش قطعنامه؛

- حضور در سازمان ملل و میادین جنگ و تلاش برای آبادانی کشور.

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور کنونی فرانسه نیز در زمان انتخاب ریاست جمهوری ۳۱ سال سن داشت و از همین رو به عنوان جوان‌ترین رئیس‌جمهور دولت فرانسه از زمان ناپلئون تاکنون شناخته شد (شیخ محمدی، حبیبی‌تبار، ۱۴۰۰ش: ۶).

به نظر می‌رسد که غرب نیز به این نتیجه رسیده است که باید در سطوح مدیریتی از افراد جوان بهره‌مند شود؛ اما مقام معظم رهبری سالیان دراز و متمادی است که به چنین ضرورتی اشاره نمودند.

مهم‌ترین وظیفه منتظران در دوران غیبت زمینه‌سازی برای ظهور است. جوان مؤمن انقلابی باید به فکر زمینه‌سازی برای ظهور باشد. تجلی کمال یافته این زمینه‌سازی تلاش برای ایجاد تمدن اسلامی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در شرح ابعاد و معنای «زمینه‌سازی» می‌فرماید:

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

به تعبیر دیگر حرکت در همان مسیری که حضرت برای تحقق آن‌ها روزی ظهور خواهند

کرد:

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف‌التحیة والثناء و عجل‌الله‌تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم (بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد کشور بدون حضور جوانان نمی‌تواند موفقیت چشمگیری کسب نماید. به ثمر رساندن مسئولیت، نیازمند تلاش زیاد، همراه با توان جسمانی و روحی بالاست. بالطبع این توانمندی در نیروی جوان وجود دارد و با عمل مسئولین به تدابیر حکیمانه رهبر انقلاب مبنی بر حضور جوانان در عرصه مدیریت می‌توان شاهد پیشرفت‌های شگرفی در تمامی سطوح نظام انقلاب و دولت اسلامی بود. مسئله مهدویت که یکی از مفاهیم بنیادی در آموزه‌های اسلامی و حتی در مفاهیم همه ادیان الهی است، در بستر تاریخ و در قالب اذهان مختلف دستخوش آسیب‌ها و انحرافات مختلفی شده است و گاه حتی به ضد خود تبدیل گردیده است. جوان مؤمن انقلابی در این میان تلاش دارد تا وجود خود را با حقیقت انتظار صیقل بخشد و از فرقه‌های انحرافی فاصله گرفته و در فکر اصلاح جامعه باشد. اگر به دنبال آرمان‌های دولت انتظار و ظهور حکومت مهدوی هستیم؛ بی‌شک حضور نسل جوان مؤمن و انقلابی یکی از عوامل زمینه‌ساز ظهور چنین دولتی است. به دلیل آن که موجب امید و پایبندی مردم نسبت به آرمان‌های انقلاب و اسلام شده و از سوی دیگر سبب یأس و شکست دشمنان داخلی و خارجی خواهد شد و کشور را به اهداف بلندش رهنمون می‌سازد.

منابع

۱. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۹۶ش)، *شاخصه‌های طلبه جوان مؤمن و انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، بی‌جا: بی‌نا.
۲. اخوی، ابراهیم (۱۳۸۸ش)، *مجله گلبرگ*، شماره ۱۱۲.
۳. بدری، علی (۱۳۹۹ش)، *جوان‌گرایی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر مبانی قرآنی و روایی*، بی‌جا: بی‌نا.

۴. حسنی فر، عبدالرسول (۱۳۹۲ش)، نقش خلاقیت و نوآوری جوانان در مدیریت تحولات کشور، بی جا: بی نا.
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵ش)، توقف ممنوع، بی جا: انتشارات شهید کاظمی.
۶. خیاط سرکار، وحید؛ خیاط سرکار، زهرا؛ خیاط سرکار، فاطمه (۱۳۹۴ش)، نقش جوانان در پیشرفت و توسعه کشور، بی جا: بی نا.
۷. دبیرخانه شورا عالی جوانان (۱۳۷۷ش)، حدیث شورانگیز جوانی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، بی جا: چاپخانه سجاد.
۸. رسولی، غلامرضا؛ زمانی، عزت‌الله (۱۳۹۸ش)، تأثیر جوان‌گرایی در پیشبرد و تحقق جامعه اسلامی بر مبنای بیانیه گام دوم، بی جا: بی نا.
۹. شمس‌الدین، سیدمهدی (۱۳۹۵ش)، جوانان، به کوشش: بنیاد بین‌المللی دعا، قم: قرآن صاعد.
۱۰. شیخ سفلی، نرگس؛ زنگویی، جواد (۱۳۹۵ش)، نقش جوانان به عنوان سرمایه اجتماعی در پیشرفت ایران با نگاه به افق ۱۴۰۴ بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، بی جا: بی نا.
۱۱. شیخ محمدی، سمیه؛ حبیبی تبار، حسین (۱۴۰۰ش)، جوان‌گرایی در مدیریت اسلامی با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب، بی جا: بی نا.
۱۲. طریحی نجفی، فخرالدین (۱۴۰۲ق)، مجمع البحرين، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. طهماسبی، احمد (۱۳۸۶ش)، شیوه‌های رفتار با جوانان از منظر ولایت، قم: یاقوت، پنجم.
۱۴. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق)، معجم الفروق اللغویه، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. غلامی، رضا (۱۳۹۳ش)، چهل ویژگی جوان مسلمان و انقلابی، قم: دفتر نشر معارف، اول.
۱۶. قنبری، برزیان (۱۳۹۳ش)، پژوهشی در خصوص مسئله شناسی جوانان ایران، بی جا: مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق)، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. محبی فر، رفعت (۱۳۹۳ش)، اصول و مبانی مدیریت، بی جا: بی نا.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶ش)، میزان الحکمه، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۰. مطهری، حمیدرضا؛ پردل، محمد جواد (۱۳۹۱ش)، جوان‌گرایی در حکومت امام علی علیه السلام،

بی‌جا: بی‌نا.

۲۱. موحدی، خسرو (۱۳۸۶ش)، *مدیریت جهادی تجربه‌ای موفق در جمهوری اسلامی ایران*، بی‌جا: بی‌نا.

۲۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، اول.

۲۳. نقدی، جعفر (۱۹۶۲م)، *الانوار العلویه*، نجف اشرف: المطبعة الحیدریه.

۲۴. سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله):
.Khamenei.ir